

تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده

به انضمام: قتل عام در شائیل و صبرا

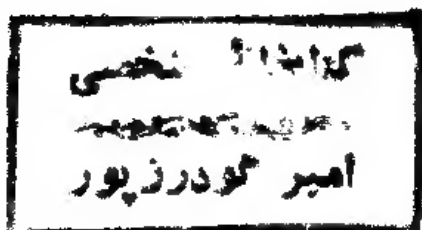
ترجمه: حمید احمدی

ویراوری: غازی خورشید



تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده

به انضمام:
قتل عام در شاتیلا و صبرا



گردآوری: غازی خورشید

ترجمه: حمید احمدی



مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۶۳



خورشید، غازی

تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده

ترجمه: حمید احمدی

چاپ اول: ۱۳۶۳

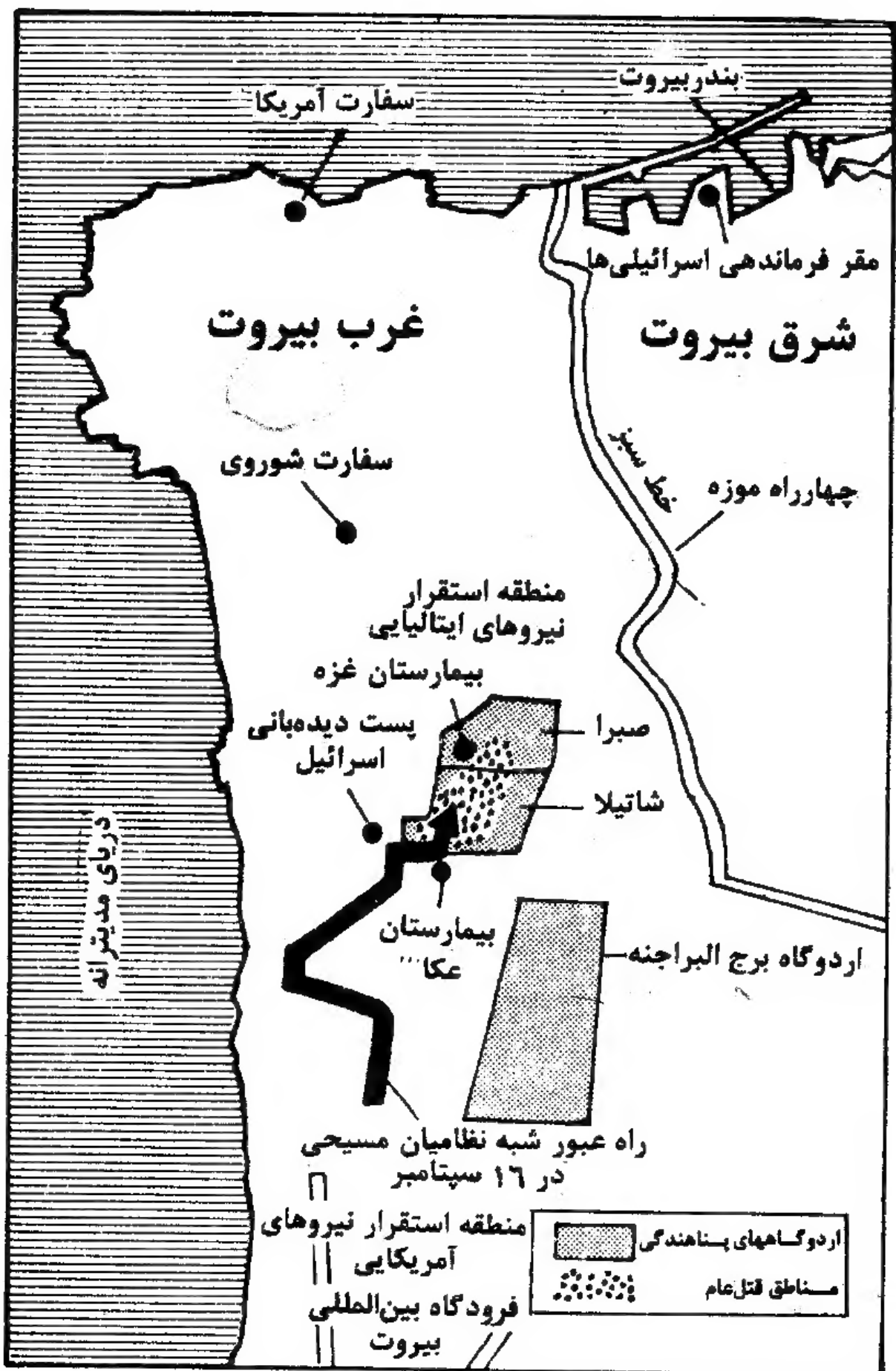
چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر، تهران

تیراژ: ۱۱۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۷	مقدمه مترجم
	بخش اول
۱۵	شکنجه و بدرفتاری
	بخش دوم
۲۱	تروریسم، تهدید و ارباب و دستگیریهای فوری
	بخش سوم
۶۹	نقل و انتقال اجباری و تبعید دستجمعی
	بخش چهارم
۸۵	انهدام اموال، مصادره و تغییر اوضاع
	بخش پنجم
۱۵۳	جسارت و بی حرمتی به مکانهای تاریخی و مقدس
	ضمیمه شماره ۱
۱۶۹	گزارش کمیته ویژه سازمان ملل - ۱۹۷۱
	ضمیمه شماره ۲
۲۲۵	پیوست به گزارش سال ۱۹۷۱ کمیته ویژه
۲۴۳	قتل عام در شاتیلا و صبرا
۲۸۹	چه کسانی تروریست هستند؟
۲۹۹	فصل اول: عملیات تروریستی تا سال ۱۹۴۷
۳۱۵	فصل دوم: جنگ فلسطین ۱۹۴۷-۱۹۴۸
۳۳۸	فصل سوم: از جنگ فلسطین تا حمله سه جانبه به مصر ۱۹۴۸-۱۹۵۶
۳۴۱	فصل چهارم: جنگ ۱۹۵۶ و اشغال
۳۴۲	فصل پنجم: از سال ۱۹۵۶ تا جنگ ۱۹۶۷
۳۴۷	فصل ششم: جنگ ۶ روزه ژوئن ۱۹۶۷
۳۶۰	فصل هفتم: از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۲



به نام خدا

مقدمه مترجم

واژه صهیونیسم همیشه با قتل و کشتار، تجاوز و ترور، تخریب و ویرانگری همراه بوده، و پرونده جنبش صهیونیستی مملو از جنایت و نیرنگ و دسیسه و دورویی است. حرکت صهیونیستی در آغاز براساس توطئه و دسیسه بنیان گذاشته شد، و سپس با حيله و فریب و اتکا به قدرتهای امپریالیستی و محافل سرمایه‌داری نضج گرفت، و سرانجام با توسل به زور و اعمال جنایت و برقراری جو ترور و وحشت و در نهایت تجاوز به سرزمینهای دیگران و اشغال آنها توانست استحکام دروغین خود را تضمین نماید. هرتصل بنیانگذار اندیشه صهیونیسم سیاسی با نوشتن کتاب دولت یهود و مطرح ساختن مسأله مهاجرت یهودیان به فلسطین در کنفرانس بازل در ۱۸۹۷، زمینه‌های توطئه اشغال فلسطین را فراهم آورد، و سپس «سازمان جهانی صهیونیسم» با اتکا به کمکهای مالی سرمایه‌داران غرب و نیز حمایت سیاسی و نظامی کامل بریتانیا توانست مقدمات صدور اعلامیه بالفور را در ۱۹۱۷ آماده نماید. پس از آغاز سیل مهاجرت یهودیان به فلسطین، صهیونیستها با خرید زمینهای اعراب و تشکیل دارودسته‌های مسلح تروریستی، بنیه مالی و نظامی جنبش صهیونیستی را به منظور آمادگی برای رویارویی نهایی با اعراب بومی تقویت نمودند، و سرانجام پس از سرکوبی قیامها و اعتراضات برحق فلسطینیها به کمک بریتانیا در دهه

۱۹۲۰-۱۹۳۰، استقلال دولت اسرائیل را اعلام کردند. بعد از این تاریخ نیز ادامه حیات و استمرار موجودیت صهیونیستی همواره با اتکا بر ترور و سرکوب، قتل عام و جنگ و تجاوز ممکن گردیده است. قتل عام دیر یاسین (۱۹۴۸)، کفر قاسم (۱۹۵۶)، شاتیللا و صبرا (۱۹۸۲) و همچنین تجاوز همه جانبه به مصر در ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ و تجاوز به لبنان در ۱۹۸۲، شیوه دولت صهیونیستی را برای ادامه حیات بخوبی نشان می دهد.

بعد از اشغال اکثر مناطق فلسطین در جنگ ۱۹۴۸، جنبش صهیونیستی برای تحکیم سلطه و حاکمیت همه جانبه خود بر سرزمینهای اشغال شده، و نیز اشغال بقیه مناطق فلسطین، جو ترور و وحشت را حاکم ساخت و با اخراج اعراب فلسطینی از شهرهای فلسطین و نیز تخریب خانه ها و مصادره اموال و زمینهای کشاورزی آنان، راه را برای رسیدن به اهداف خود هموار نمود. دولت صهیونیستی برای دست یافتن به این منظور ناچار بود از یک طرف با جمعیت عرب فلسطینی در داخل سرزمینهای اشغالی مقابله کند، و با اعمال سیاستهای گوناگون از گسترش حضور آنها بکاهد، و از طرف دیگر با هسته های جدید مقاومت در خارج از سرزمینهای اشغالی، و سازمانهای نوپای سیاسی و نظامی فلسطینی در سرزمینهای مجاور به مبارزه پردازد. روش صهیونیستها در هر دو زمینه سرکوب شدید نظامی و محروم کردن شهروندان از تمام حقوق شهروندی و اعمال تبعیض نژادی بوده است. صهیونیستها برای ایجاد رعب و وحشت در میان ساکنان فلسطینی سرزمینهای اشغالی، و واداشتن آنان به مهاجرت از فلسطین، از شیوه قتل عام و کشتار دست جمعی بیش از سایر شیوه ها استفاده کرده اند. در فاصله سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۶ چندین قتل عام فجیع و وحشیانه توسط دارودسته های مسلح صهیونیستی و ارتش اسرائیل

صورت گرفت که می‌توان در این مورد از قتل عام ۲۵۰ تن از ساکنان «دیریا شین» توسط بگین در ۱۹۴۸، قتل عام بیش از ۶۰ نفر از اهالی دهکده «قبیه» توسط واحد ۱۰۱ ارتش اسرائیل به رهبری آریل شارون در ۱۹۵۳، کشتار وحشیانه ۲۷۰ نفر از ساکنان شهر «خان یونس» در غزه به سال ۱۹۵۶، و قتل عام روستاییان کفر قاسم در ۱۹۵۶ نام برد. صهیونیستها علاوه بر استفاده از شیوه قتل عام وحشیانه، برای واداشتن ساکنان عرب به مهاجرت از سرزمینهای اشغالی، از شیوه مصادره اموال و زمینها و نیز تخریب خانه‌های اعراب و ایجاد شهرکهای یهودی‌نشین به روی زمینهای صاحبان اصلی بهره می‌جویند. از سال ۱۹۴۸ به این طرف مقامات دولت صهیونیستی صدها هزار هکتار از زمینهای اعراب فلسطینی را به بهانه‌های گوناگون مصادره کرده‌اند. مصادره این زمینها بیشتر اوقات به بهانه نیاز دولت به ایجاد شبکه‌های راهسازی، ایجاد ساختمانهای دولتی و یا به دلیل فعالیتهای سیاسی صاحبان آنها و حمایت و عضویتشان در جنبش مقاومت فلسطین صورت گرفته است. علاوه بر این مقامات صهیونیستی برای از بین بردن حضور فلسطینیها در سرزمینهای اشغال شده، از نابودی آثار اسلامی و ملی اعراب و توهین به اماکن مقدسه مذهبی دریغ نکرده‌اند. آنها برای نابودی میراث اسلامی فلسطینیها طرح نابودی کامل «مسجد الاقصی» و «حرم الشریف» مسلمانان را در بیت المقدس در سر می‌پروراندند. حفاریهای متعدد در اطراف حرم الشریف و مسجد الاقصی، به بهانه بیرون آوردن بقایای اماکن دفن شده مذهبی یهودیان، و نیز آتش زدن مسجد الاقصی در ۱۹۶۹ و حمله مسلحانه به مسجد عمر و صحن مسجد الاقصی و به رگبار بستن مسلمانان در داخل مسجد در ۱۹۸۱، جزئی از نقشه آنان برای نابودی میراث اسلامی و فرهنگی اعراب فلسطینی است. مقامات نظامی دولت صهیونیستی برای جلوگیری از تشکیل

هسته‌های مقاومت انقلابی در درون سرزمینهای اشغالی، و مخالفت از تأثیر و نفوذ جنبش مقاومت فلسطین، دست به اعمال وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها و شیوه‌های سرکوب می‌زنند. دستگیری جوانان و انباشتن زندانهای متعدد از زندانیان، اعمال شکنجه و تجاوز به دختران و زنان زندانی، از شیوه‌های رایج صهیونیستها برای خفه کردن صدای انقلاب فلسطین در درون سرزمینهای اشغالی است.

دولت اسرائیل همزمان با سرکوب حرکتهای آزادی‌خواهانه در درون سرزمینهای اشغالی، برای ضربه زدن به انقلاب فلسطین و از میان برداشتن رهبران و چهره‌های آن، در کشورهای همجوار و نیز در سایر نقاط جهان مشغول عمل بوده است. اسرائیل علاوه بر اینکه برای نابودی انقلاب فلسطین و درهم کوبیدن توان حامیان آن در کشورهای عرب بارها دست به حملات هوایی و زمینی همه‌جانبه به کشورهای مصر، سوریه، اردن و لبنان زد، و جنگهای معروف ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳، ۱۹۸۲ را برآنان تحمیل کرد، توسط «موساد» سازمان مخوف اطلاعاتی و جاسوسی خود رهبران جنبش مقاومت فلسطین و نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین را در کشورهای همجوار عرب و نیز در کشورهای اروپایی و آسیایی ترور نمود. ترور سه تن از رهبران فلسطینی (کمال ناصر، کمال عدوان و یوسف نجار) در آوریل ۱۹۷۳ در بیروت، ترور «غسان کنفانی» شاعر و هنرمند فلسطینی در ۱۹۷۲ در بیروت، ترور «علی حسن سلامه» از رهبران الفتح در ۱۹۷۹، ترور «ابوداود» در ۱۹۸۱ در ورشو، ترور «ماجد ابوشرار» در همان سال در رم و ترور دهها مقام فلسطینی دیگر از جمله اقدامات تروریستی و سرکوبگرانه صهیونیستها در خارج از مرزهای فلسطین اشغال شده می‌باشد. اما علی‌رغم تمام تلاشهای مقامات صهیونیستی برای جلوگیری از رشد جنبش مقاومت و گسترش آن، حضور انقلاب

فلسطین در درون سرزمینهای اشغالی و جهان خارج روزبه روز نمود بیشتری پیدا می کند، و اعمال تمامی شیوه های سرکوب، قتل عام، ترور و شکنجه تاکنون نتوانسته است مانع از گسترش نفوذ انقلاب گردد. آگاهی گسترده روزافزون توده های سرزمینهای اشغالی، و موج قیامهای سالهای اخیر، و نیز حضور انقلاب فلسطین در صحنه جهانی به بهترین نحوی ادعای فوق را به اثبات می رساند.

کتاب *فردیسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده* یکی از بهترین آثار مستندی است که در سالهای اخیر در زمینه شیوه های سرکوب صهیونیستی علیه ساکنان فلسطینی سرزمینهای اشغالی به فارسی منتشر شده است. در این کتاب شیوه های گوناگون سرکوب، شامل ترور، شکنجه، قتل، تجاوز به زنان، تبعید دست جمعی، تخریب اموال و مصادره زمینهای اعراب مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته است. اکثر اسناد و مدارک جمع آوری شده از منابع خود صهیونیستها، اظهارات سردمداران صهیونیستی و نیز گزارشات روزنامه های غربی و اسرائیلی و بخصوص گفته های اشخاصی بدست آمده است که خود در معرض این شکنجه ها و بدرفتاریها قرار گرفته اند.

کتاب *فردیسم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده*، در حقیقت دربرگیرنده سه قسمت عمده می باشد که خود به عنوان دو کتاب مستقل و یک گزارش مستند تکان دهنده، از سوی مؤسسه مطالعات فلسطینی منتشر گردیده است. گرچه قسمتهای فوق خود در اصل به عنوان کتابها و گزارش جداگانه ای منتشر شده، اما زمینه بررسی و تحقیق پیرامون یک مسأله دور می زند و آن شیوه های ترور، سرکوب و اختناق صهیونیستی در سرزمینهای اشغالی و کشورهای مجاور عرب آن می باشد. بنابراین گردآوردن آنها در یک مجموعه نه تنها از نظر پراکندگی حوزه بررسی و تحقیق مشکلی ایجاد نمی کند، بلکه جنبه

تکمیلی داشته و رویهم رفته مجموعه جامع و کاملی از ترور صهیونیستی ارائه می‌دهد.

قسمت اول، یعنی عمده‌ترین بخش تشکیل دهنده کتاب حاضر، در اواسط دهه ۷۰ به زبان انگلیسی تحت نام - *Human Right in The Occupied Territories* (حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی) و نیز به عربی تحت عنوان حقوق الانسان فی اراضی المحتله از سوی مرکز تحقیقات فلسطینی در بیروت منتشر شد. در این کتاب که در برگیرنده پنج بخش و دو ضمیمه است، موارد تجاوز اسرائیلیها به اصول حقوق بشر در زمینه‌های شکنجه، ترور، تخریب، تبعید و بی‌حرمتی به اماکن مقدسه، مورد بررسی قرار گرفته است. «غازی خورشید»، یکی از اعضای برجسته مؤسسه مطالعات فلسطینی و سردیرمجله مشهور «شئون الفلسطینیه» گردآوری این کتاب را بعهدہ داشته است.

قسمت دوم کتاب، دربرگیرنده گزارش مستند و مفصلی است که پیرامون قتل عام هولناک بیش از ۴۰۰۰ فلسطینی در اردوگاههای شاتیلا و صبرا در سپتامبر ۱۹۸۲ تهیه شده است. این گزارش دربرگیرنده شرح مختصری از چگونگی قتل عام و زمینه‌های وقوع آن و نیز اظهارات تکان دهنده شاهدان عینی و بازماندگان فاجعه است و مفصل‌ترین گزارشی می‌باشد که تاکنون پیرامون این فاجعه بویژه به زبان فارسی، منتشر شده است. گزارش قتل عام در شاتیلا و صبرا، که توسط «صفاء حسین زیتون» یکی از خواهران نویسندگان فلسطینی تهیه شده، توسط خبرگزاری فلسطینی وفا در تهران به فارسی برگردانده شده است و خوانندگان ایرانی را به بهترین وجهی از جریان قتل عام شاتیلا و صبرا در بیروت مطلع می‌سازد.

قسمت سوم کتاب نیز همانند قسمت نخست در اوایل دهه ۱۹۷۰ توسط مؤسسه مطالعات فلسطینی تحت نام - *Who Are The*

Terrorists? به زبان انگلیسی، و من هم الاها بیون؟ (چه کسانی تروریست هستند؟) به زبان عربی در بیروت منتشر شد. این کتاب تاکتیکهای تروریستی صهیونیستها را از اواسط سالهای دهه ۱۹۳۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۶ مورد بررسی قرار می دهد. وظیفه گردآوری مطالب این کتاب، به عهده «مؤسسه مطالعات فلسطینی» و «کمیته اطلاعاتی زنان عرب» بوده است. در این قسمت بسیاری از حوادث خونبار صحنه انقلاب فلسطین مانند قتل عام دیراسین، قتل عام قبه و کفرقاسم و ترور رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین به طور مشروح مورد بررسی قرار گرفته است.

دو قسمت عمده اول و سوم کتاب حاضر، از متن انگلیسی به فارسی ترجمه شده است، اما از آنجا که مترجم نسخه عربی قسمت سوم (من هم الاها بیون؟) را نیز در دسترس داشت، مقایسه دو نسخه را برای بکار بردن املاهای درست اسامی اشخاص، شهرها و دهکده ها، ضروری تشخیص داد. در جریان این مقایسه بترجم متوجه بعضی نقایص و جاافتادگیها در نسخه انگلیسی شد، و برای تکمیل نسخه فارسی، در بعضی جاها از متن عربی استفاده نمود. پاراگرافهای آخر این قسمت تحت عنوان «عملیات تروریستی در اروپا» و نیز منابع و مآخذ حوادث، از نسخه عربی به فارسی برگردانده شده است.

همانطور که ذکر شد، تمامی این قسمتها، در اصل به صورت کتاب و گزارش جداگانه توسط «مؤسسه مطالعات فلسطینی» وابسته به سازمان آزادیبخش فلسطین انتشار یافته است. «مؤسسه مطالعات فلسطینی» از مهمترین مؤسسات فرهنگی فلسطینی است که به جمع آوری اسناد تاریخ انقلاب فلسطین و شناساندن آن به جهانیان اشتغال داشته، و تاکنون صدها جلد کتاب پیرامون ابعاد مختلف انقلاب فلسطین منتشر کرده است. دفتر اصلی مؤسسه، در جریان هجوم وحشیانه اسرائیل

در ژوئن ۱۹۸۲ به لبنان بمباران شد و تمامی اسناد، آرشیوها و میکرو-فیلمهای موجود در آن توسط ارتش اسرائیل به سرقت رفت و تلاش رهبران فلسطینی برای بازپس گرفتن این اسناد و آرشیوها تاکنون نتیجه‌ای به بار نیاورده است.

حمید احمدی

بهمن ۱۳۶۲

بخش اول

شکنجه و بدرفتاری

الف: متن ماده‌های مربوطه

هیچ کس نباید در معرض شکنجه، عمل بیرحمانه، رفتار غیر-انسانی و توهین‌آمیز و یا تنبیه قرار بگیرد.

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

در صورت وقوع برخوردهای مسلحانه غیر بین‌المللی در قلمرو یکی از طرفین عاقد قرارداد ژنو، هریک از دو طرف برخورد می‌بایستی حداقل، مقررات زیر را رعایت نمایند:

با اشخاصی که نقش فعالی در تخصیصات ندارند، مثل اعضای نیروهای مسلح که سلاح‌های خود را به زمین گذاشته‌اند، و آنهایی که در اثر بیماری، وارد آمدن جراحات، بازداشت و یا هر مورد دیگری در زمره افراد از کار افتاده بحساب می‌آیند، باید در تمام شرایط و بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، مذهب یا عقیده، جنس، تولد یا ثروت، و یا معیارهای مشابه دیگر، براساس اصول انسانی رفتار کرد.

بنابراین بکار بردن اعمال زیر نسبت به اشخاص نامبرده در هر زمان و هر مکانی ممنوع بوده و خواهد بود:

الف: صدمه زدن به حیات و جسم اشخاص، بخصوص قتل از هر نوع آن، قطع اعضای بدن، رفتار بیرحمانه و شکنجه؛
ب: گروگان‌گیری؛

ج: بی حرمتی به مقام اشخاص، بخصوص تحقیر و توهین؛
 د: صدور محکومیت و اعدام اشخاص بدون قضاوت قبلی یک دادگاه قانونی، که از عهده تضمینات قضایی لازم الاجرای مورد قبول غیرنظامیان برآید.

ماده ۳، سومین موافقت نامه ژنو

هیچ گونه فشار جسمی و روحی بر اشخاص تحت حمایت، بویژه برای بدست آوردن اطلاعات از آنها یا از اشخاص ثالث، نباید وارد بیاید.

ماده ۳۱، چهارمین موافقت نامه ژنو

«جنوساید» عبارت از بکاربردن اعمال زیر به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی می باشد:
 الف: کشتن اعضای گروه؛

ب: وارد آوردن صدمات سخت جسمی یا روحی به اعضای گروه؛
 ج: تحمیل عمدی شرایط زندگی خاص به گروه به منظور انهدام فیزیکی کلی یا جزئی آن؛
 د: اعمال اقداماتی که هدف آن جلوگیری از زادوولد در داخل گروه باشد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر؛

موافقت نامه ممانعت و مجازات جرم جنوساید.
 ماده سوم

اشخاصی که مرتکب جنوساید می شوند و یا تشویق به ارتکاب جنوساید می نمایند، از فرمانروایان مسؤول قانونی گرفته تا مقامات عمومی یا افراد معمولی، می بایستی مجازات شوند.

ماده ۴، موافقت نامه ممانعت و مجازات جرم جنوساید

هیچ گونه شکنجه جسمی یا روحی، و یا دیگر اشکال فشار به منظور کسب اطلاعات و یا هرچیز دیگری از این نوع، نباید نسبت

به زندانیان جنگ اعمال گردد. زندانیان جنگ که از پاسخ دادن خودداری می کنند، نباید مورد تهدید و توهین قرار بگیرند، و یا در معرض هر نوع رفتار ناپسند یا مضر واقع شوند.

ماده ۱۷، سومین موافقت نامه ژنو

زندانیان جنگ، براساس موافقت نامه موجود، اشخاصی هستند که جزو موارد زیر باشند که به دست دشمن افتاده اند:

۱- اعضای نیروهای مسلح یکی از طرفین نزاع، و نیز اعضای نیروهای شبه نظامیان یا سربازان داوطلب، که بخشی از چنین نیروهای مسلحی را تشکیل می دهند.

۲- اعضای دیگر نیروهای شبه نظامی و اعضای دیگر سربازان داوطلب، مثل جنبشهای مقاومت سازمان یافته متعلق به یکی از طرفین نزاع، که در خارج از قلمرو خودشان، حتی در صورت اشغال سرزمینشان مشغول عملیات هستند. بشرط اینکه یک چنین شبه نظامیان یا سربازان داوطلب، که شامل جنبشهای مقاومت سازمان یافته هستند، شرایط زیر را داشته باشند:

الف: توسط شخصی فرماندهی شوند که مسئول زیردستان خود باشد؛

ب: علامت مشخص ثابتی داشته باشند که از یک فاصله دور قابل شناسایی باشد؛

ج: آشکارا اسلحه با خود حمل کنند؛

د: عملیات خودشان را براساس قوانین و رسوم جنگ انجام دهند.

ماده ۴، سومین موافقت نامه ژنو

با زندانیان جنگی باید در هر زمان به طور انسانی رفتار کرد. انجام هرگونه عمل غیرقانونی توسط قدرت بازداشت کننده، که باعث

مرگ یا به خطر انداختن جدی سلامت زندانیان جنگی تحت حفاظتش شود، ممنوع می باشد و به عنوان نقض جدی موافقت نامه فعلی قلمداد خواهد شد.

ماده ۱۳، سومین موافقت نامه ژنو

زنان باید از هرگونه تجاوز به شرف، و بویژه تجاوز به ناموسشان و نیز اجبار به فاحشگی تحمیلی، یا هر شکلی از حمله زشت و بی شرمانه، مصون باشند.

ماده ۲۷، چهارمین موافقت نامه ژنو

به هر شخص بازداشت شده باید اجازه داد تا با ملاقات کنندگان بویژه با اقوام نزدیک خودش در مواقع منظم، و تا آنجا که امکان دارد زود بزود، دیدار کند.

تا آنجا که امکان دارد باید به بازداشت شدگان اجازه داد تا در موارد ضروری، و بویژه در موارد مرگ یا بیماری وخیم اقوامشان، از خانه های خود بازدید کنند.

ماده ۱۱۶، چهارمین موافقت نامه ژنو

محل زندانیان جنگی باید طوری باشد، که از نظر مساعد بودن، با محل نیروهای قدرت بازداشت کننده در همان منطقه، شرایط برابر داشته باشند.

ماده ۲۵، سومین موافقت نامه ژنو

مقادیر غذای اساسی روزانه باید از نظر کمیت، کیفیت و تنوع، آنقدر کافی باشد تا زندانیان جنگی را در سلامت جسمانی خوب نگاه دارد، و از کم شدن وزن یا توسعه کمبودهای غذایی جلوگیری کند.

ماده ۲۶، سومین موافقت نامه ژنو

قدرت بازداشت کننده باید پوشاک، لباس زیر، کفش و جوراب به مقدار کافی به زندانیان جنگی بدهد.

ب: تخلفات و تجاوزات از قوانین (شرح شکنجه‌ها، بازداشتها و قتلها)

افشاگری تبعیدشدگان از سرزمینهای اشغالی فلسطین:

نام: مأمون عزت‌تریکی.

سن: ۲۱ سال.

محل تولد: نابلس.

اقامتگاه فعلی: زرغاء.

شغل: مکانیک.

وضع خانوادگی: متأهل: پدر ۹ بچه.

در ۲۲ آوریل ۱۹۷۰، هنگامی که از اردن به ساحل غربی بازمی‌گشتم، دستگیر شدم... آنها مرا به اتهام همکاری با جنبش مقاومت فلسطین زندانی کردند. از همان روز اول دستگیری در معرض بدترین نوع شکنجه‌ها قرار گرفتم. در زندان نابلس، در اتاقی زندانی شدم که در آن ۸ بازجو وجود داشت.

آنها با توسل به این شیوه‌ها مرا شکنجه می‌دادند:

۱- آنقدر مرا کتک می‌زدند که بیهوش می‌شدم.

۲- مجبور می‌کردند تا لباسهایم را دریاورم، و سپس به بدنم برق وصل می‌کردند.

۳- برای مدت زمان طولانی مرا از سقف سلول آویزان می‌کردند و در همان حال آنقدر به بدنم شلاق می‌زدند تا وقتی که به حالت ضعف می‌افتادم.

۴- قبل از اینکه مورد بازجویی قرار بگیرم، یک سرم به بدنم تزریق می‌کردند تا «حرف راست» بزنم.

۵- یک لوله مرکب (قلم‌نی) به داخل مجرای آلت تناسلیم فرو می‌کردند، بطوری که از آن خون می‌آمد.

۶- یک سگ بدون دندان پلیس را می آوردند، تا آلت تناسلیم را گاز بگیرد.

در نتیجه تمام این شکنجه ها، توانایی سخن گفتن را از دست دادم و لال شدم. آنها بدون توجه به وضع من شکنجه ها را ادامه دادند. هنوز به روی سرو سینه ام آثار زخمها بچشم می خورد. گاهی صداهای خفیف از خودم در می آوردم، اما آنها به من اجازه نمی دادند به بیمارستان بروم.

در ابتدا مانع از این می شدند که با نماینده «صلیب سرخ بین المللی» ملاقات کنم. سرانجام در اثر تهدید زندانیان هم سلولم به اعتصاب، مقامات اجازه دادند تا به این شرط که علت اصلی لال بودن خودم را فاش نکنم، با او ملاقات نمایم. اما، نماینده صلیب سرخ از طریق زندانیان دیگر به قضیه پی برد، ولی نتوانست رئیس زندان را وادار کند تا مرا به بیمارستان بفرستند.

مادرم به شهردار نابلس شکایت برد، و از او خواست از جانب من در این کار دخالت نماید، اما نتوانست هیچ کاری بکند.

سرانجام در ۱۹ فوریه ۱۹۷۱، از زندان آزاد شدم و به اردن تبعید گردیدم. نخست تحت مراقبت قرار گرفتم، اما تاکنون بهبودی در من حاصل نشده است، بعضی دکترها عقیده دارند که لال بودن من اشی از گنگی عصبی در اثر ضربه ها و شکنجه های وارده در زندان است. مأمون عزت تریکی.

نام: بسام امین یمین.

سن: ۲۴ سال.

محل تولد: نابلس.

محل سکونت فعلی: ساحل شرقی.

شغل: بنا.

من در ۱۳ مارس ۱۹۶۹ به اتهام رابطه با چریکهای فلسطینی دستگیر شدم. در حالی که در زندان بسر می بردم، در حوالی آوریل ۱۹۷۰ مأمون عزت تریکی را به زندان آوردند. او در طی اقامتش در زندان قدرت تکلم خود را از دست داد. تنها می توانستم از طریق اشاره و نوشتن با او رابطه برقرار کنم.

من همچنین به ساحل شرقی تبعید شده ام.

بسام امین زیمین.

نام: رشدی محمد عبداللطیف التمیمی.

محل تولد: النبی صالح، رام الله.

شغل: کشاورز.

وضع خانوادگی: متأهل.

من در ۱۴ اوت ۱۹۶۹ دستگیر شدم، و به زندان رام الله افتادم، به این متهم شدم که یکی از اعضای جنبش مقاومت فلسطین هستم. تحقیقات و بازجویی از همان شبی که به زندان افتادم، آغاز شد. آنها به طرق زیر مرا شکنجه می دادند:

۱- با چوبهای ضخیم به همه جای بدنم کتک می زدند.

۲- به روی بدن و صورتم آب می پاشیدند.

۳- شوکهای الکتریکی به بدنم وصل می کردند.

پس از سه روز به «مسکویه» در بیت المقدس منتقل شدم. با وجود اینکه شنوایی ام را از دست داده بودم، شکنجه ها قطع نشد. در اثر ضربات وارده، یکی از استخوانهای پایم شکست. سه روز بعد به زندان رام الله برگردانده شدم. در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۱ به اردن تبعید گردیدم، و در طی تمام این مدت درد ادگاه محاکمه نشدم.

در اردن تحت مراقبتهای پزشکی قرار گرفتم. در آنجا نیمی از شنوایی ام را بدست آوردم، اما هنوز از سردرد همیشگی رنج می برم.

به همین خاطر نتوانسته‌ام کاری بدست بیاورم. شانس من برای بهبود کامل خیلی کم است.

رشدی محمد عبداللطیف التمیمی.

نام: حموده سلیم محمد ابو قویدر.

سن: ۴۱ سال.

محل تولد: الخلیل.

شغل: دامدار.

موقعیت خانوادگی: متأهل و ۹ نفر تحت کفالت دارد.

تاریخ دستگیری: ۱۶ ژوئن ۱۹۶۹.

اتهام: همکاری با فلسطینیها در رد و بدل کردن اطلاعات.

طی بازجوییها آنها به شیوه‌های زیر مرا شکنجه می‌دادند:

۱- مرا به یک صندلی بستند و با یک چوب کلفت به پشتم می‌زدند، به طوری که هنوز هم در این ناحیه از بدنم احساس درد می‌کنم.

۲- آنقدر به صورت و گوشم سیلی می‌زدند که از آن خون می‌آمد، در نتیجه شنوایی‌ام دارای نقص شد...

مدت ۱۸/۵ ماه در زندان ماندم... و محاکمه‌ای نیز در کار نبود. در ۸ دسامبر ۱۹۷۰ به اردن منتقل شدم و هنوز هم بیکارم.
(او پس از ورود به اردن تحت معالجه قرار گرفت)

حموده سلیم محمد ابو قویدر.

نام: عطیه ابراهیم حسن (زن).

سن: ۳۸ سال.

محل تولد: بیت لاحیا، غزه.

شغل: کارگر.

موقعیت خانوادگی: متأهل و دارای ۵ نفر تحت تکفل.

در ۲۰ ژوئن ۱۹۷۰ در حوالی نیمه شب توسط سربازان دشمن در خانه‌ام دستگیر شدم. مرا متهم کردند که عضو جنبش آزادی بخش فلسطین هستم. در غزه به زندان افتادم. در اتاق بازپرسی مرا لغت کردند و با چوب به آلت تناسلی، شکم و بازویم می‌زدند، بطوری که بازویم شکست. آنها همچنین بدن مرا با سیگار روشن سوزاندند.

به زندان سرانانه منتقل شدم، و در آنجا دستهایم را بستند. از سقف آویزانم کردند و روی همه جای بدنم آب سرد ریختند. هنگام شب، به مدت ده ساعت این کار را انجام دادند. هدف آنها این بود که اعتراف کنم که دارای سلاحهای مخفی شده می‌باشم. تا ۱۰ مه ۱۹۷۱ در زندان غزه ماندم، و بعد از آن به ساحل شرقی فرستاده شدم و مجبور گردیدم خانواده خودم را در بیت‌لاحیا ترک کنم. اکنون اینجا هستم در حالی که نه منبع درآمدی دارم و نه دوستانی.

عطیه ابراهیم حسن.

نام: شفیق احمد حسن اشتابویه.

محل تولد: بیت‌لاحیا، غزه.

سن: ۲۲ سال.

در ۲۴ آوریل ۱۹۷۰ دستگیر شده و به زندان غزه افتادم. آنها لیستی از اشخاص برایم خواندند که گمان می‌رفت اعضای نیروهای آزادی‌بخش خلق هستند. گفتم که از آنها اطلاعی ندارم. به من گفتند که برادرم در ۲۹ مارس ۱۹۷۰ تحت تعقیب قرار گرفت و کشته شد. لباسهایم را در می‌آوردند و مرا می‌زدند. اندامهای جنسی‌ام را روی میز می‌گذاشتند و به آن ضربه می‌زدند. علاوه بر این، چندین بار مرا شوک الکتریکی دادند. روزی دو بار در مورد سازمانهایی که فرضاً با آنها رابطه داشتم، مورد بازجویی قرار می‌گرفتم. لطیفه خواهرم یک هفته قبل از اینکه برادرم کشته شود دستگیر شد. آنها خواهرم را

متهم به همکاری با نیروهای آزادی بخش کردند. نمی دانم که او محاکمه شد یا نه... خودم در ۱۵ ژوئن آزاد شدم و به اردن تبعید گردیدم.

شفیق احمد حسن اشتابویه.

ج: وضع زندانیان

نعیم الشهاب در اکتبر ۱۹۶۸ دستگیر شد. روزنامه الاتحاد در شماره ۲۷ فوریه ۱۹۷۱ خود نوشت که خانواده و وکیل او اظهار داشته اند، که وضع او بسیار وخیم است و بینایی او بدتر شده، بطوری که دوبار ناچار شده عینک خودش را عوض کند.

در ۱۹ فوریه، وکیل او خانم «فیلیسیالنگر»، نامه ای به عفو بین الملل که خواهان بهبود رفاه زندانیان سیاسی است، نوشت. او از عفو بین الملل خواست که موکل او را آزاد کنند. عفو بین المللی در جواب گفت که کوشش خود را برای رهایی او بعمل خواهد آورد، اما کار او نتیجه ای نداد. خانم فیلیسیا به موشه دایان وزیر دفاع نامه ای نوشت؛ و از وی خواست تا اجازه بدهد که «شهاب» دکتر صلیب سرخ را ملاقات کند، اما تقاضای او رد شد.

غالب حسین درویش.

محمد غالب درویش

غالب درویش در هنگام ادای شهادت در دادگاه لیداء، اظهار داشت که بعد از ورودش به زندان آنقدر او را کتک زدند، که از دهانش خون آمد. بعداً دستهایش را از پشت بستند و یک چوب کلفت به زیر بازوهایش گذاشتند، و سپس مجبورش کردند تا به دور خودش چرخ بزند... سرش به یک سیم وصل شد که یک جریان برق از آن عبور

می کرد. برادرش، محمد نیز به هنگام بازجوییها، به همین ترتیب شکنجه شد و مورد بدرفتاری قرار گرفت. او وقتی که تقاضای دیدن دکتر را کرد، تقاضایش پذیرفته نشد.

روزنامه الاتحاد، ۲۰ آوریل ۱۹۷۱

محمد علی محمد احمد خلیل

توفیق طوی در یکی از جلسات کنست (پارلمان اسرائیل)، مسأله بدرفتاری با محمد علی خلیل از دهکده قطانه را مطرح کرد. به دنبال دستگیری اش، به صورت، دست و پاهای او شلاق زدند و او را در درون یک استخر آب سرد انداختند. در داخل چشم راست او آب ریختند. در اثر این امر، بعد از آن نمی توانست جایی را ببیند. او را شوک الکتریکی دادند و سپس مجبورش کردند تا پدر پیر هفتاد و سه ساله خودش را کتک بزند.

لطیفه حواری (زن)

لطیفه حواری که در زندان «تاکی تریسا» زندانی بود، به وکیل خودش خانم «فیلیسیا لنگر» شکایت کرد که مقامات زندان از معالجه پزشکی او خودداری کرده اند. او از درد پشت گردنش رنج می برد، و به همین خاطر دکتر صلیب سرخ توصیه کرده بود تا نخاع خودش را عمل جراحی کند. او این وضع را در نتیجه شکنجه ای که به هنگام بازجویی اش در مقر پلیس دیده بود متحمل گردید. او را به داخل یک سلول کوچک تحت شرایط غیر انسانی انداخته بودند. رئیس زندان با عمل جراحی موافقت نکرد.

زندانیان دیگر به خاطر جزئی ترین مسأله به شدیدترین وجهی تنبیه می شوند. مثلاً، زندانیان تقاضا کردند که بعد از هر یک ساعت کار، ۵ دقیقه استراحت داشته باشند، اما تقاضای آنها پذیرفته نشد.

وقتی آنها در اثر خستگی دست از کار کشیدند، به سلولهایشان انداخته شدند و از دیدن خانواده‌هایشان محروم گردیدند. (معمولا آنها هر ماه یک ملاقات داشتند)

روزنامه الاتحاد، ۱۵ ژوئن ۱۹۷۱

عمر محمد قاسم

روزنامه «هاعولام هازه»، در ۵ اکتبر ۱۹۷۱، گزارش داد که قاسم و دو نفر از دوستانش متهم به سازمان دادن یک اعتصاب غذا شده‌اند. دستها و پاهاى او را با زنجیر بستند، تا وقتی خون از آنها جاری شد. هر سه به مدت ۲۵ روز در سلولهایشان به تنهایی حبس شدند.

مرگ حاجی رمضان البنا

حاجی رمضان البنا، که ۲۴ سال داشت، در زندان بر اثر شکنجه وحشیانه‌ای که توسط مقامات اسرائیلی دید، جان سپرد. این حادثه در اواخر ژوئیه ۱۹۷۱ رخ داد. مرگ او پس از ۱۵ ماه زندانی کشیدن رخ داد، و طی این مدت در معرض همه نوع شکنجه‌ها قرار گرفت. آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین.

عیسی نوح ابوعصب

در ۲۵ ژانویه ۱۹۷۱ دادگاه عالی، مرکب از ۳ قاضی به نام زوسمان، آسیون و کدمن، برای وزیر دفاع دستوری صادر کرد، تا در دادگاه حضور یابد و علت آزاد نشدن عیسی نوح ابوعصب را از زندان روشن نماید. او در اصل توسط دادگاه لیدا به یک سال زندان محکوم شده بود، اما، مقامات زندان مدت آن را برای یک سال ونیم دیگر تمدید کردند. او بار دیگر نیز به شش ماه محکوم شد. وکیل او خانم «اف لنگر» فاش کرد، که موکلش بدین خاطر آزاد نشده، که وزیر دفاع هیچ راهی برای اثبات کردن این مسأله، که او برای امنیت کشور

تهدیدی بشمار می‌رود، نداشته است.

دادگاه عالی این عمل موشه‌دایان (وزیر دفاع) را یک نوع توهین و تخلف نسبت به مقامش قلمداد کرد.

روزنامه الاتحاد، ۵ فوریه ۱۹۷۱

د: اعتراض به شکنجه و بدرفتاری

۱۲ بازداشت شده غیر قانونی، در زندان «شتا» دست به یک اعتصاب غذا زدند. خانواده‌های چهار بازداشت شده نیز در دادگاه زندان، در اعتراض به بازداشت بدون محاکمه آنان دست به اعتصاب غذا زدند. بعضی از آنها برای مدت ۲ تا ۲۱ ماه بازداشت شدند.

روزنامه معاریو، ۱۶ مه ۱۹۷۱

در شماره ۵ اکتبر ۱۹۷۱ روزنامه هاعولام هازه، گزارش شده بود که دلیل سختی بدست آوردن اطلاعات در رابطه با اعتصاب زندانیان در اشکلون این است که به گزارشگران اجازه داده نشده تا از زندان بازدید کنند.

اطلاعات اندکی که جمع آوری شد، فاش کرد که اسرائیلیها تلاش می‌کنند زندانیان را فلج کنند. هیچ‌گونه کاری تدارك دیده نشد که بدان وسیله زندانیان وقت خود را صرف آن کنند. در عوض، در سلولهایشان محبوس گردیدند و در آنجا زندانیان زود دلشکسته و ساکت شدند.

خانم فیلیسیالنگر فاش ساخت که زندانیان آنقدر تحت فشار بودند، که امکان نداشت بشود با آنها مصاحبه کرد.

طی اعتصاب، «عبدالقادر ابوفخیم» یکی از زندانیان جان سپرد و مقامات ادعا کردند مرگ او طبیعی بوده است...

روزنامه ها عوالم هازه تصدیق کرد که در حقیقت برای بیشتر منزوی کردن زندانیان، اجازه ورود هیچگونه منابع خواندنی داده نشد...

«نعیم کهبانی»، یک فلسطینی ۲۷ ساله به خاطر اینکه با یک همراه مسلح گرفته شده بود، محکوم گردید. موشه دایان شفاعت او را کرد، اما بجایی نرسید. نعیم فاش کرد که بوسیله سرپرست زندان مورد بدرفتاری توهین آمیز و تحقیر کننده ای قرار گرفته، زیرا هرگاه نعیم بکار بردن کلمه «ارباب» را بعد از هر جمله فراموش می کرد، با مشت و لگد شدیداً مورد ضرب و شتم قرار می گرفت، و این در حالی بود که او را برهنه کرده بودند.

دیگر زندانیان نیز به همین شیوه مورد بدرفتاری قرار گرفتند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین.

متن زیر خلاصه ای از نامه خ. الف. ن از نابلس به سردیر مجله المرصاد است. این نامه در ۱۰ مارس ۱۹۷۰ منتشر شد:

اولاً: شما هرگز شنیده اید که در حالی که مردم خوابیده اند سرشان را لگد کنند و روی سرهای آنان راه بروند؟ ممکن است شما موضوع را باور نکنید، اما در حقیقت این امر همان چیزی است که در زندان «بیرالشعب» رخ می دهد. اگر کوچکترین شکی در مورد این سخنان من دارید، می توانید در صورت بازدید از آن زندان، خودتان در مورد این مسأله تحقیق کنید.

ثانیاً: هیچ عذر و بهانه ای در مورد عدم اجازه به بازدید کنندگان برای آوردن شیرینی برای زندانیان در روزهای عید وجود ندارد.

ثالثاً: آقای سردیر، آیا شما می توانید در روزهای سرد زمستانی بدون پتو و تشک به روی زمین بخوابید؟ البته که نمی توانید. اگر حرفهای مرا باور می کنید چه بهتر، و اگر باور نمی کنید خودتان از زندان

اشکلون بازدید کنید. البته اگر بتوانید از دیوارهای پولادین آن به داخل رخنه کنید، یا قادر باشید با بعضی زندانیان مصاحبه خصوصی داشته باشید. به شما اطمینان می‌دهم که حل این مسأله بی‌نهایت مشکل است، زیرا شما تحت محاصره پلیسی هستید که به دقت به همه حرفهای شما گوش می‌دهد. آیا شما این را نیز می‌دانید که توهین به زندانیان در مقابل خانواده‌هایشان یک امر مرسوم شده است؟

۵: افشاگریهای بیشتر

محمد حجازی که به مرگ محکوم شده بود (در سال ۱۹۶۶)، در چهارماه گذشته در سلولش حبس گردید.

روزنامه الاتحاد، ۵ فوریه ۱۹۷۱

کتابی اخیراً بوسیله «عزرا یانوف» منتشر شد، که در آن داستانهای شکنجه زندانیان عرب مورد انکار قرار گرفته است. با وجود این، بعضی پاراگرافها در آن کتاب وجود دارد، که بدرفتاری با جوانان زندانی و بازداشت‌شدگان عرب را شرح می‌دهد:

۱- رفتار وحشیانه با مردان و زنان هردو. لباس مردان را در می‌آورند و به پشت آنها شلاق می‌زنند. زنان را نیز برای تفتیش کردن در خیابان برهنه می‌کنند. سربازان ساعت‌های مچی و دیگر متعلقات ساکنان را در حال تفتیش بسرقت می‌برند.

۲- پرستاران زن در بیمارستان غزه شکایت کردند که نگهبانان مرزی اسرائیلی برای رسیدن به اهداف خود، آنها را در سراهشان به محل کار لخت می‌کنند.

۳- یک بازداشتگاه در ساحل دریا در نوار غزه برای نگام

داشتن بازداشتشدگان ساخته شد، و اسرائیلیها بازداشتشدگان را مورد بازجویی و شکنجه قرار می‌دادند و بعضیها را به‌درون دریا می‌انداختند.

روزنامه معاریو، ۲۶ مه ۱۹۷۱

سه‌سال قبل زندان «کفریونا»، که مخصوص زندانیان عرب می‌باشد، مورد بازسازی مجدد قرار گرفت. زندانیان، که اکثرشان بازداشتشدگان سیاسی هستند، در سلولهایشان حبس هستند، و فقط به مدت ۱۲ دقیقه در حیاط زندان آزاد راه می‌روند. روزانه هم به آنها سوپ آب جوشانده و پیاز می‌دهند.

روزنامه الاتحاد، ۱۳ آوریل ۱۹۷۱

حسین عبدالعزیز عکر، محمد عبدالرحمن ازعر، و محمود حمید طقطاقه، در ۴ ژوئیه ۱۹۷۱ در دادگاه نظامی لود به ترتیب به ۱، ۵ و ۱۵ سال زندان محکوم شدند. آنها به عضویت در یک سازمان غیرقانونی، نگاهداری و حمل اسلحه متهم شدند. طقطاقه به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت، و سپس به داخل آب سرد انداخته شد، و به داخل روده راستش چندین گلوله جا شد. آثار شکنجه هنوز به روی انگشت یا ناخنهای عکر دیده می‌شود. وی اظهار داشت که به روی اندامهای تناسلی اش شلاق زده‌اند، و یک میله پلاستیکی به داخل روده راستش جا کرده‌اند. ازعر ۱۹ ساله، که از هر سه نفر جوانتر بود، به همین ترتیب تحت شکنجه قرار گرفت.

روزنامه الاتحاد، ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۱

در ۲۳ ژوئن ۱۹۷۱، دادگاه نظامی نابلس، بررسی درباره ناظم رسمی، عبدالله کوسی، سعید صالح، حمدان عمار را شروع کرد. هر دوی آنها به عضویت در یک سازمان غیرقانونی و داشتن اسلحه و مهمات متهم گردیدند.

خانم اف- لنگر، وکیل آنها، گفت که اظهارات و شهادت سعید موکلش بزور صورت گرفت، و او آثار شکنجه را به روی بدنش نشان داد. سعید همچنین، قیافه‌های اعضای شین‌بث (سرویس مخفی اسرائیل) را که او را زده بودند توصیف کرد. دو شاهد دعوی در دادگاه به تناقض‌گویی افتادند، زیرا یکی قبول داشت که سعید راهنگام کتک‌زدن با چشم چپ‌آبی‌اش دیده و دیگری این مسأله را انکار می‌کرد. دادگاه مزبور تا سپتامبر بعدی به تعویق افتاد.

روزنامه الاتحاد، ۹ ژوئیه ۱۹۷۱

در شهر ناصره، عبدالملک دهمشه از گرفتن کفیل محروم گردید و برای ۱۰ روز مجدداً بازداشت شد، زیرا به همکاری و دست‌داشتن در عملیات خرابکاری «الفتح» در تل‌آویو، نتانیا و حیفا بین سالهای ۱۹۶۸ و ۱۹۷۰ مورد سوءظن بود.

دهمشه نقل کرد که در روز جمعه دستگیر شد، و در یک اتاق، که جز یک تشک و سطل چیز دیگری نداشت، محبوس گردید. او همچنین گفت که بازپرسان او را تهدید کرده بودند که با وی باخشونت رفتار می‌شود. گرچه او را زده بودند، اما مجبورش نمودند که بزور حقایق را قبول کند، و زیر ورقه‌ای را امضا کند، که اغلب گفته‌های مندرج در آن عاری از حقیقت بود.

جرزالهست، ۲۸ اوت ۱۹۷۱

آقای ژان پیرمانوار، معاون دبیرکل صلیب سرخ بین‌المللی، ادعا کرد که اسرائیل تقاضای صلیب سرخ را مبنی بر متوقف کردن تبعید ساکنان تحت اداره، و ویران کردن خانه‌های خرابکاران، نادیده گرفته است. او همچنین شکایت کرد که اسرائیل به نمایندگانش اجازه بازدید از خرابکاران را در طی بازجویی‌هایشان بوسیله نیروهای امنیتی نداده است. تمام اینها به معنی زیر پا گذاشتن ماده ۴، در رابطه با

رفتار با اشخاص در مناطق تحت اداره دولت نظامی می باشد.

جرزالم پست، ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۱

رئیس پلیس اعلام کرد که گزارش کمیته ویژه منصوب شده از طرف کمیسر زندان برای بررسی شورش زندان اشکلون در ۳ سپتامبر «داخلی و فنی» است، و اجازه انتشار بدان داده نخواهد شد.

او گفت کمیته قبلاً نتایج تحقیقات خود را که هدف آن کمک به «اقدامات آینده» است تسلیم کرده است. در پاسخ به سؤالاتی که پیرامون این مسأله می شد، وی گفت: «حوادث زندان اشکلون تنها یک سری خرابکاری بحساب می آید، و به مفهوم شورش قلمداد نمی گردد. علل اصلی این شورش شلوغی بیش از حد زندان، کمبود کارکنان و نگهداران و سرانجام این امر است که در بین زندانیان اشکلون رهبران ارشد کماندویی و دیگر «زندانیان خطرناک» وجود داشتند.

تقاضای شهردار کرانه غربی رود اردن، برای بازدید از زندان رد شده بود، زیرا در این مرحله از زمان تنها به افزایش تشنج کمک می کرد.

جرزالم پست، ۱۲ اکتبر ۱۹۷۱

یک هیأت ۱۲ نفری از نابلس، تحت رهبری شهردار «حاج معزوز المصری» گام بی سابقه ای برداشت، و پیشنهاد کرد که یک کمیته پارلمانی «بی طرف» از اعضای کنست اسرائیل تشکیل شود تا اوضاع زندان اشکلون را بررسی کند. هیأت مزبور شامل نمایندگان از شهرداری، سازمانهای زنان و اتاق بازرگانی می شد. هیأت بنا به گزارشات رسیده دو یادداشت تسلیم کرد. یکی از طرف زنان اعتصاب کننده بر علیه بدرفتاری با اقوامشان، که در زندان اشکلون بسر می بردند، به دولت نظامی تسلیم گردید، و یادداشت دومی از طرف خود هیأت به وزیر دفاع داده شد. هر دو یادداشت حاکی از این بود که بسیاری

از زندانیان اشکلون، که اغلب آنان محکوم به حبس ابد هستند، پس از شورش در زندان «شکنجه» شده و بعضی از آنها بازوهایشان شکسته بود. یادداشت مزبور همچنین ادعا می‌کرد، که اقوام و نمایندگان عموم مردم از ملاقات با بعضی از زندانیان پس از شورش محروم شدند.

جرزاله‌پست، ۱۳ اکتبر ۱۹۷۱

موشه‌دایان وزیر دفاع به‌اشخاص برجسته در نابلس اطلاع داد که هیچ یک از اهالی شهر نابلس اجازه نخواهند داشت تا از اقوام خود که در اسرائیل زندانی هستند، طبق برنامه معمولی (دو بار ملاقات در هفته) ملاقات نمایند. موشه‌دایان همچنین اجازه نداد تا اهالی کرانه باختری به بررسی زندان پردازند، و گفت که وی مخالف انتصاب یک «کمیته بازرسی عمومی» می‌باشد. اشخاص معروف نابلس از او خواسته‌اند تا تصمیم خود را مورد بررسی مجدد قرار دهد.

جرزاله‌پست، ۱۵ اکتبر ۱۹۷۱

اتحادیه حقوق بشرو حقوق مدنی در اسرائیل در روزنامه‌هائارتز اعلامیه‌ای منتشر کرد، و شرایط و اوضاع زندان اشکلون را مورد بحث قرار داد. اعلامیه مذکور متذکر می‌شود که زندانیان عرب هر روز به مدت ۲۳ ساعت در سلولهای شلوغ نگه داشته می‌شوند، و مادرها و اقوامشان اجازه ملاقات با آنها را ندارند. کسانی که قادر به دیدن خانواده‌هایشان شده بودند، به آنها گفتند که ده مورد از زندانیان را دیده‌اند که دندان آنها شکسته یا بدون غذا و لباس بوده‌اند. اتفاقی نیست که یک کمیته پزشکی از وزارت بهداشت، بر علیه شرایط انسانی حاکم در آن زندان هشدار داد. این امور، به‌طور کلی از مردم پنهان نگاه داشته می‌شود، و هنگامی که ۱۶ نفر از مادران زندانیان در نابلس اعتصاب کردند، و خواهان اجازه ملاقات با فرزندان خودشان

شدند، چنین اجازه‌ای به آنها داده نشد. اتحادیه، خواهان تشکیل یک کمیته غیرنظامی برای بررسی این امور شد.

روزنامه‌الاتحاد، ۱۹ اکتبر ۱۹۷۱

عبدالجابر عبداله الصیوری از هیرون، در ۲۶ اوت ۱۹۷۱ دستگیر شد، و هنگامی که خانم فیلیسیالنگر خواستار ملاقات با او در ۱۴ اکتبر شد، تقاضایش رد گردید و پس از چندین اعتراض اجازه ملاقات او را پیدا کرد. موکل او شرح شکنجه‌هایی را که در زندان دیده بود به وی گفت، و همین شکنجه‌ها باعث شد که شنوایی گوش راست خود را از دست بدهد.

موکل او تحت بازداشت غیر قانونی قرار دارد و از اتهام خود چیزی نمی‌داند، جز اینکه به داشتن ارتباطات کمونیستی مشکوک است.

روزنامه‌الاتحاد، ۲۶ اکتبر ۱۹۷۱

در ۲۰ اکتبر ۱۹۷۱، دادگاه نظامی در لیدا به بررسی وضع مصطفی حسن الشعار، علی مصطفی خلف و امین محمد الشعار ادامه داد. امین محمد تنها بدین خاطر که گفته بود عضو سازمان الفتح می‌باشد، به یک سال زندان محکوم گردید، فیلیسیالنگر، وکیل مصطفی حسن، اتهام قتل بر علیه او را رد کرد و گفت وقتی که افسر مسؤول خلع سلاح کردن آنان، مواد منفجره را آزمایش کرد، دریافت که هدف آنها ایجاد انفجار نبوده است. جلسه دادگاه تا ۵ دسامبر ۱۹۷۱ به تعویق افتاد.

روزنامه‌الاتحاد، ۲۹ اکتبر ۱۹۷۱

سمیرا حسین نجم (دختر) ۲۳ ساله، از بیت المقدس، ۴ ماه است که در زندان مسکویه با فاحشه‌های یهودی زندانی شده است، و متهم به همکاری با سازمان الفتح می‌باشد.

علی رغم بیماری او، و شکست دادگاه دریافتن مدرکی بر علیه

وی، سمیرا به تقاضای وکیل خود فیلیسیالنگر آزاد نشد.

روزنامه الاتحاد، ۱۲ نوامبر ۱۹۷۱

در ۸ نوامبر ۱۹۷۰، یازده زندانی از زندان اردن، که ۸ نفرشان از دهکده هلهول بودند، در آخرین توقف قبل از تبعیدشان به اردن از طریق «وادی عربیه»، به زندان بیرشبع منتقل شدند. دست و پا و چشم همه آنها بسته بود. «فیلیسیالنگر» می دانست، که علی رغم اینکه شدیداً شکنجه شده بودند، هیچ کدامشان حاضر به پذیرش اتهامات نشدند، و همگی آنها از همکاری با سازمان اطلاعات اسرائیل، که شرط ماندن آنها در زندان هبرون بود، خودداری کردند. اعضای «شین بث» (سرویس مخفی اسرائیل) نیز تهدید کردند که اگر بازداشت شدگان از همکاری با آنان خودداری کنند، تمام ساکنان دهکده هلهول به اردوگاه «عقبه جبر» نزدیک شهر جریکو، که در جنگ ۱۹۶۷ ویران شد، تبعید خواهند گردید.

روزنامه الاتحاد، ۱۹ نوامبر ۱۹۷۱

دادگاه نظامی طولکرم جلسات خود را در مورد وضع سامی محمد غشو، و ودیع عبدالفتاح شهاد، در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۱ مجدداً شروع کرد. آنها هر دو از بقعه الهطب نزدیک شهر طولکرم، می باشند و هر دو معلم عربی هستند. آنها متهم به عضویت در سازمان الفتح و داشتن اسلحه شده اند. فیلیسیالنگر از اولی، و صفی المصبری از دومی دفاع کردند. غشو گفت که او را تهدید کرده بودند که اعتراف کند، و گروهان ایزاک (زرتین)، بازجوی او، اعترافات را به وی دیکته کرده بود.

پس از اینکه غشو بشدت توسط «شین بث» مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود، گروهان ایزاک را به نزدش آوردند. اعترافات به زبان عبری است، و فقط یک جمله به عربی دارد، که نوشته شده است متهم

با رضایت و اشتیاق خود اعتراف کرده و عضویت خود در الفتح را پذیرفته است. هنگامی که وکیل از گروه‌بان بازپرسی بعمل آورد، وی پذیرفت که اعترافات را کلمه به کلمه برای متهم دیکته کرده است، زیرا به گفته او متهم انشا عبری بلد نبوده است! یک‌چنین محکومیتی برای دومین متهم نیز دیکته شده بود و وکیل او دریافت که اشتباهات زبانی یکسانی در هر دو اعتراف وجود دارد، و این دلالت براین می‌کند که یک شخص این کار را انجام داده است. جلسه دادگاه تا ۲۸ نوامبر ۱۹۷۱ به تعویق افتاد.

روزنامه الاتحاد، ۱۹ نوامبر ۱۹۷۱

عادل محمد حدید برغوثی، در ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۱ دستگیر شد. او ۳۹ سال دارد و از دهکده کوبر نزدیک شهر رام‌الله می‌باشد و پدر سه‌بچه است. او هنوز تا ۵ ژانویه ۱۹۷۱ تحت بازداشت بسر خواهد برد. او متهم به عضویت در سازمان الفتح، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و حزب کمونیست لبنان گردید.

وقتی که او در زندان رام‌الله با فیلیسیالنگر، وکیل خودش، ملاقات کرد به او چنین گفت: «بازجویان در لباس غیرنظامی بودند، و من نمی‌دانستم که اسمشان حقیقی بود یا نه. آنها سراسر بدنم را مورد ضرب و شتم قرار دادند، و حرفهای بسیار کثیفی، به منظور توهین و تحقیر خودم و مردم سرزمینم، نثارم کردند. روی من آب سرد ریختند و وقتی که از قبول اتهامات آنان خودداری کردم، مرا به باد کتک گرفتند. بعداً یک ساک به وزن ۵ کیلو گرم آوردند که پر از سنگ بود. مرا مجبور کردند تا آن ساک را به مدت ۳ ساعت در حالی که روی یک لوله گرد ایستاده بودم روی پشت خودم حمل کنم. بنابراین هر وقت که لوله می‌غلطید، من بزمین می‌خوردم و آنها بار دیگر مرا به

باد کتک می گرفتند.

روزنامه الاتحاد، ۱۹ نوامبر ۱۹۷۱

اعضای کنست (پارلمان اسرائیل)، و وکلا هنوز نمی‌توانند از زندان اشکلون بازدید نمایند. مدت زمانی قبل «نبیل قبلانی» از بیت المقدس، و یکی از بازداشت‌شدگان آن زندان، به زندان رمله منتقل گردید. پس از بازگشتش، فیلیسیالنگر اجازه نیافت با او ملاقات کند. مادرش بعد از ملاقات با او گفت: «همه جای بدن او باد کرده بود، او دست باد کرده خود را به من نشان داد و گفت که شدیداً او را شلاق زده‌اند. به او گفتم که آنها نگذاشته‌اند وکیلش با او ملاقات کند، و او گفت که این امر بهتر است زیرا اگر وکیلش با او ملاقات می‌کرد، پیراهنش را در می‌آورد و آثار شکنجه را به‌وی نشان می‌داد.» او در حال حاضر در یک سلول انفرادی محبوس است.

روزنامه الاتحاد، ۳ دسامبر ۱۹۷۱

بخش دوم

**تروریسم، تهدید و ارباب
و دستگیریهای فوری**

الف: متن ماده‌های مربوطه

هیچ کس را نمی‌توان به‌طور خودسرانه دستگیر، بازداشت و یا تبعید نمود.

ماده ۴، اعلامیه جهانی حقوق بشر

در امور خصوصی، خانوادگی، منزل یا مکاتبات هیچ کس نمی‌توان به‌طور خودسرانه مداخله کرد و شرف و آبروی او را نمی‌توان مورد حمله قرار داد. هرکسی در مقابل چنین مداخلات یا حملاتی، حق دارد تحت حمایت و محافظت قانون قرار بگیرد.

ماده ۱۲، اعلامیه جهانی حقوق بشر

هیچ کس را نمی‌توان به‌طور خودسرانه دستگیر یا بازداشت نمود.

ماده ۹، توافق‌نامه سازمان ملل در مورد حقوق مدنی و سیاسی

هیچ شخص تحت حمایتی نباید به‌خاطر عمل خصمانه یا جرمی که شخصاً مرتکب نشده مجازات گردد. مجازاتهای دست‌جمعی، و شبیه به آن به‌عنوان عمل رعب و وحشت یا تروریسم قلمداد گردیده، و ممنوع است.

چپاول و غارت ممنوع می‌باشد.

اعمال تلافی جویانه، بر علیه اشخاص تحت‌الحمايه و اموال آنها

ممنوع است.

ماده ۳۳، چهارمین توافق نامه ژنو

طرفین عالی امضاء کننده موافقت نامه ژنو، بالاخص توافق دارند که هیچ یک از آنان حق دست زدن به اقدامی که باعث صدمه جسمانی یا قلع و قمع اشخاص تحت الحمايه در سرزمینشان بشود، ندارند. این ممنوعیت نه تنها شامل قتل، شکنجه، تنبیهات جسمانی، قطع اعضای بدن و آزمایشات پزشکی و علمی غیر ضروری برای شخص تحت الحمايه می شود، بلکه هرگونه اقدامات بی رحمانه و وحشیانه از سوی عناصر نظامی یا غیر نظامی را نیز در برمی گیرد.

ماده ۳۲، چهارمین توافق نامه ژنو

در توافق نامه موجود، منظور از جنوساید، ارتکاب اعمال زیر به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، بومی، نژادی یا مذهبی، بدین ترتیب می باشد:

۱- کشتن اعضای گروه؛

۲- وارد آوردن ضربات سخت جسمی یا روحی به اعضای گروه؛

۳- تحمیل عمدی شرایط زندگی به گروه، به منظور انهدام فیزیکی کلی یا جزئی آن؛

۴- اعمال اقداماتی که هدف آن جلوگیری از زاد و ولد در داخل گروه باشد؛

۵- انتقال اجباری بچه های یک گروه به گروه دیگر.

ماده ۱۲، توافق نامه جنوساید

ب: تخلفات و تجاوزات از قوانین

در ۲۸ ژانویه ۱۹۷۱، کمیته حقوق بشر و حقوق مدنی اسرائیل در تل آویو اعلام کرد که «نگهبانان مرزی در غزه مردم را بازداشت کرده،

و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده، و به منظورالقاء ترس و وحشت و ترور بین آنان با آنها با سنگدلی رفتار کرده و همانند حیوانات وحشی آنها را زیر ضربات شلاق می‌گیرند.» برطبق این گزارش، با شواهد عینی قابل اعتماد مصاحبه به‌عمل آمد. یکی از آنها یک دکتر بود. او بدرفتاری آنان را با فلسطینیها افشا کرد. یکی از این افشاگریها در مورد شخصی است که در اثر شلیک چندین گلوله به پاهایش مجروح شده بود، لیکن علایم حاکی از این بود که شخص مزبور یکی از پاهایش را از دست داده، و پای دیگر را می‌شود با یک عمل جراحی نجات داد. اما افسران امنیتی اسرائیل به این جراحی رضایت ندادند، و چهار ساعت بعد او پای دیگرش را هم از دست داد.

گزارش مزبور، همچنین فاش ساخت که هنگام بازدید از اردوگاههای پناهندگی و بخشهای فقرا با ساکنان بسختی و خشونت رفتار می‌شود. اموال مردم ویران می‌شود. زنان را مجبور می‌کردند که پشت به دیوار بایستند و خود را کاملاً لخت یا نیمه لخت کنند. بعضی از زنها در اثر ضربه‌ای که از این تحقیر شدن می‌خوردند؛ به حالت غش می‌افتادند. آنها را به بیمارستان می‌بردند و پس از آن، آنها را درحالی که لخت بودند در خیابانها راه می‌بردند.

تعداد زیادی دستگیر شدند. از آنجا که فضای کافی در خانه‌های زندان وجود نداشت، یک اردوگاه وسیعتر به‌عنوان زندان ساخته شد. آنجا شکنجه کردن امر مرسوم بود، و فریادهای دردناک از آن محل بگوش می‌رسید. یک اردوگاه دیگر، به‌عنوان زندان برای خانواده‌های مردان تحت تعقیب در وسط صحرای سینا در «نهلی» ساخته شد. اقوام مرد و پسر آنها، که تنها جرمشان خویشاوندی بود، به زندان اردوگاه

در صحرای سینا انداخته می شدند.

مؤسسه مطالعات فلسطینی بولتن شماره
یک، ۱۶ ژانویه ۱۹۷۱

روزنامه المرصاد در اول ژوئیه ۱۹۷۱ درباره مشکلات فلسطینیها
در حکومت نظامی نوشت:

فلسطینیها در حال حاضر نمی دانند که شکایات خود را چگونه
و به چه کسی ارائه دهند... بسیاری از ساکنان از ترس اعمال
تلافی جویانه، جرأت نمی کنند این شکایات را بازگو نمایند. با این
وجود بعضیها جرأت این را یافته اند، تا به طور آشکار صدای نارضایتی
خود را بلند کنند. حتی بعضیها جسارت این را پیدا کردند که خود
شخصاً شکایات خود را به اشخاصی که در مصدر قدرت هستند، تسلیم
کنند. از طرف دیگر، این اشخاص بندرت یک جواب مثبت و مؤثر
دریافت می کنند، و هیچ گونه علاقه ای نیز از طرف مقامات اسرائیلی
در مورد جواب دادن به این شکایات دیده نمی شود. شکایات گوناگون
و متفاوت است. بعضیها می گویند که افسران امنیتی آنها را در خیابان
متوقف کرده، اتومبیلهای آنان را گرفته، و پس از درهم کوبیدن
اتومبیلها، آنها را به صاحبشان برگردانده اند. بعضی دیگر فاش می کنند،
که چگونه به خاطر ندادن کارت شناسایی خود به مأموران دستگیر
شده اند. بعضی خانواده ها فاش کردند که خانه های آنها شبها مورد
هجوم افسران امنیتی قرار گرفته است. بعضی دیگر نیز اظهار می دارند
که پول و اموال با ارزش آنها مصادره شده، و خودشان مورد توهین
قرار گرفته و مواجه با خشونت جسمانی گردیده اند.

المرصاد، ۱۷ ژانویه ۱۹۷۱

روزنامه معاریو، در شماره ۷ ژانویه ۱۹۷۱، تأکید کرد که
«اوضاع در نوار غزه به جایی رسیده است که سربازان اسرائیل از به

اجرا درآوردن فرامین «کشتار عمومی» خودداری می کنند. آنها به خاطر دلایل انسانی، از فرماندهان اطاعت نمی کنند، و حتی اگر وزیر دفاع به آنها فرمان صادر کند، این کار را نمی کنند.

مباریو، ۷ ژانویه ۱۹۷۱

مقامات نظامی اسرائیلی در کرانه باختری، تهدید کرده اند که اگر ساکنان عرب به تحریم انتخابات ادامه دهند، شهرداران کنونی عرب را از کار برکنار کرده و به جای آنها نمایندگان نظامی را برای اداره شهرداریها خواهند گذاشت.

این امر را کلنل رافائل وادی، استاندار نظامی ساحل غربی، به دنبال تصمیم شوراهای شهر نابلس برای تحریم انتخابات، تحت فشار اردن، اعلام کرد.

دبلی تلگراف، ۲۲ فوریه ۱۹۷۱

رجب العلی، شهردار، به دنبال نگرانی روزافزون اسرائیلیها از رفتار خصمانه او و نیز عدم همکاری اش با دولت نظامی و انجام ندادن کاری برای بهبود بخشیدن به وضع جمعیت محلی، از شغل خود برکنار شد.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

دولت نظامی در سرزمینهای اشغالی، «علی لطفی محمدخلف» اهل دهکده مکابه را به اقامت اجباری در شهر جنین برای یک سال، از ۸ سپتامبر ۱۹۷۱ مجبور کرده است. دولت نظامی قبلاً هم وی را برای دوسال و نیم به همین مجازات محکوم کرده بود. آنها همچنین پدر و برادر او را به همان مجازات تهدید کرده اند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

فوزی نمرالبورینی، از شهراکره، که در هیجدهم فوریه ۱۹۷۱ تبعید شد، فاش ساخت که دولت نظامی برای او یک محکومیت به

مدت ۲۴ سال صادر کرده است! به علاوه، او را تقریباً یک و نیم میلیون پوند اسرائیلی جریمه کردند. او همچنین سایر اعمال مشابه مضحک اسرائیلیها را نقل کرد. یک فلسطینی خواب دید که تعدادی کماندو به داخل یک غار در کوهستانها داخل می شوند. این خواب را برای دوستش تعریف کرد. داستان مزبور گسترش پیدا کرد تا جایی که به گوش مأموران سرویس مخفی اسرائیل رسید. او دستگیر شد، تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفت، و به مدت ۱۳ ماه در زندان بسر برد و پس از آن به کرانه باختری تبعید شد.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

بنگاه خبرپراکنی اسرائیل، در دوم فوریه ۱۹۷۱، اعلام کرد که حاکم نظامی به خبرنگاران خارجی طی دیدارشان از گارد ساحلی در غزه اطلاع داده است که سربازان اسرائیلی به هنگام زدن ساکنان، به منظور تحقیق و بازجویی، کنترل خود را از دست داده اند.

ایستگاه رادیویی اسرائیل، ۲ فوریه ۱۹۷۱

فرمانده نوار غزه، در گزارشات خود اقدامات گوناگون احتیاطی را، که برای منزوی کردن فلسطینیهای عضو سازمانهای کماندویی انجام گرفته، فاش کرد. او اظهار داشت که، بیش از ۱۹۰ نفر در یکی از اردوهای زندان در صحرای سینا، متهم به محکومیتهای مدنی و غیر قانونی شده اند. علاوه بر این، ۲۷ خانواده از نوار غزه به صحرای سینا تبعید شدند، تا امکان کمک آنها به فراریان کمتر بشود.

المرصاد، ۲۱ آوریل ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی، یک مبارزه ضد تروریستی را در نوار غزه، به منظور فشار آوردن به ساکنان برای مهاجرت به ساحل غربی رود اردن، آغاز کردند. هدف آنان پاک کردن منطقه بود. روزنامه هائارتز در ۱۹ ژانویه ۱۹۷۱ گزارش داد: «تعداد بسیار زیادی از ساکنان نوار غزه،

به خاطر دستگیریهایی در پی و تروریسم به کرانه باختری (ساحل غربی) مهاجرت کرده‌اند. مقامات به‌آنهايي که آرزوی مهاجرت به کرانه باختری را دارند، چنین اجازه‌ای نداده‌اند. علاوه براین، مقامات اسرائیلی وسایل نقل و انتقال را فراهم کرده، و برای یافتن اقامتگاه و شغل‌های امن، به‌آنها کمک می‌کنند. جابجا سازی از نوار غزه مدتهاست ادامه دارد، اما در این اواخر به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. تخمین زده می‌شود که کمتر از ۲۰۰۰ نفر منطقه را ترك کرده باشند. هائارتز، ۱۹ ژانویه ۱۹۷۱

موشه دایان وزیر دفاع، در ۶ اکتبر ۱۹۷۱، به شورای شهر نابلس اطلاع داد که مقامات نظامی از دیدار ساکنان نابلس و بخصوص خانواده‌های بازداشت شدگان، بازندانیان برای یک ماه جلوگیری کرده‌اند. این ممنوعیت تنبیهی بود در جواب اعتصاب همبستگی با کسانی که در زندانهای اسرائیل بسر می‌برند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

مقامات اسرائیلی، از ژوئیه ۱۹۷۱، شیوه جدیدی از مجازات دست جمعی را علیه بازداشت شدگان عرب در زندان شروع کردند. آنها یک نوع ماده پودری در سلولها می‌پاشیدند، که باعث رواج بیماریهای مسری پوستی و بیماری ضعف و غش می‌شد. برای اولین بار این کار در رام‌الله صورت گرفت و آن هنگامی بود که ۴۰۰ زندانی موجود در زندان، از شرکت در یکی از جشنهای اسرائیلی خود داری کردند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

روزنامه الاتحاد، در شماره ۵ اکتبر ۱۹۷۱، نامه‌ای از غزه منتشر کرد، که قتل‌های مرتکب شده توسط گروه‌های سازمان داده شده بوسیله مقامات اشغالگر را فاش کرد. نامه مزبور، همچنین می‌گفت «... ما توانستیم اخبار را توسط دو سرباز اسرائیلی (که یکی از آنها مهم

بود)، و یک شهروند اسرائیلی، بدست آوریم. آنها شاهد یک چنین عملیاتی بودند. گروه مذکور به «آشپز فشار» معروف بود. یک گروه ۸ یا ۱ نفری از میان سربازانی که قبلاً در غزه کار کرده یا داوطلب کار کردن در آنجا بودند، انتخاب می‌گردید. رهبر عملیات، یک مأمور سرویس مخفی است، و دو عرب به همراه دارد، یکی از آنها یک عرب اسرائیلی از زندان جنایتکاران است، و دیگری یک عضو اخراج شده کماندوهای فلسطینی است، که در اثر عدم تحمل شکنجه‌ها با آنها همکاری می‌کند. به هر دوی آنها قول داده شده که در صورت همکاری رضایتمندانه، به آنها عفو داده خواهد شد. عملیات به طرز زیر به اجرا درمی‌آید. دو عرب که غیر مسلح می‌باشند در جلو قرار می‌گیرند. مأمور مسلح سرویس مخفی، پشت سر آنها حرکت می‌کند، تا در صورتی که دو عرب بخواهند فرار کنند، به آنها شلیک نماید. یک خانه متروک انتخاب می‌گردد، و به اعراب اسلحه داده می‌شود تا هر مردی را که یافت می‌شود بکشند. آنها که به قتل نمی‌رسند، به یک انبار قدیمی در نزدیک ساحل دریا برده می‌شوند. وقتی که یک گروه ۶ تا ۷ نفری در آنجا تشکیل می‌شود، فوراً اعدام می‌شوند. جسد آنها به نقاط خاصی، که نزد سایر شهروندان شناخته شده هست، برده می‌شود. سپس در ارتش و رادیو و روزنامه‌ها اعلام می‌کنند که اعراب یکدیگر را کشته‌اند. طی یک عملیات تعدادی از زنان با گلوله کشته شدند، اما قاتلان افشا نگردیدند، زیرا خوف این بود که اسرائیلیها باور نکنند که چنین عملی توسط فلسطینیها انجام شده باشد.

الاتحاد، ۵ اکتبر ۱۹۷۱

شهر غزه، در اعتراض به کشته شدن ۶ عرب در اردوگاه جبلیه، در ۳ اکتبر، اعلام یک اعتصاب عمومی کرد. تمام شهر بسته بود، و جو متشنج شدیدی بچشم می‌خورد. وسایل خبر پراکنی اوضاع را نوعی رویارویی

بین ساکنان و مقامات اسرائیلی گزارش کردند. در طی روز، خیابانهای شهر پر از مردان و زنان سیاهپوش بود، که بر علیه دولت نظامی تظاهرات می کردند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

موشه دایان در جواب «امیل جیبی»، نماینده کنست، در ۱۵ ژوئن ۱۹۷۱ اعلام کرد، که تعداد بازداشت شدگان تامارس ۱۹۷۱، به ۵ نفر رسیده است. ۲۲۹ نفر از کوهستانهای الکودز و السامره، ۳۰۳ نفر از نوار غزه، ۱۴ نفر از بیت المقدس و ۱۴ نفر از جوامع اسرائیلی عربی قبل از ۱۹۶۷، بودند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

ج: افشاگریهای بیشتر

مقامات اسرائیلی به دنبال کشف یک بمب در یک اتوبوس، ۶۰ نفر را در نابلس دستگیر کردند.

الانحاد، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱

در غزه، راه بین محل بازرسی و ایستگاه پلیس، تقریباً بیابانی است. سربازان در اتوموبیلها و جیبهای مسلح و نیز سربازان پیاده، هرگز از جلو چشم دور نمی شوند.

معلمان و وکلایی که موقعیت منطقه را با ما مورد بحث قرار دادند، تقاضا نمودند که نامشان فاش نشود. «دولت به طور آشکار تصمیم به رفتار خشونت آمیز گرفته است، و عملیات امنیتی تا اندازه ای یک عمل تلافی جویانه بحساب می آید.» وی به یک وکیل اظهار داشت که علت اعتصاب تجارتي، بروز حوادث اردوگاه الشاتی است، اما این اعتصاب نیز در حقیقت اعتراضی است بر علیه بیانیه های اخیر وزرای

اسرائیل، که در آن پیشنهاد شده که غزه به اسرائیل ملحق گردد. تاجران گفتند که به علت بسته شدن راه تل آویو، پرتقالهای بسته بندی شده در یک مرکز بسته بندی، پوسیده شده است.

گاردین، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱

اردوگاه غزه، با حدود ۱۳۰۰۰ پناهنده، یک هفته است که توسط سربازان اسرائیلی که در جستجوی چریکها هستند محاصره و مورد بازرسی قرار گرفته است. به هیچ کس اجازه ورود داده نمی شود. هر کس که اردوگاه را ترک کند تا هنگام تمام شدن بازرسی حق بازگشت ندارد. در داخل اردوگاه، به پناهندگان دستور داده شده تا به جز ۵ ساعت صبح برای جمع کردن خواربار، بقیه روز را در داخل خانه ها باقی بمانند.

این اقدامات و اقدامات دیگر، که اعراب محلی آن را آغاز یک سیاست «سختگیرانه» قلمداد می کنند، متشنج ترین وضع را پس از هفته های بعد از جنگ شش روزه بوجود آورده است. هرچند که بعضی فروشگاهها بعد از ظهر پس از تحریک و تهدید پلیس و سربازان باز شد، اما بقیه فروشگاهها، ادارات و مدارس در چهارمین روز اعتصاب خود، که تقریباً امروز صبح حالت یک اعتصاب همه جانبه را داشت، بسر می برند. ۷۰ نفر از فروشندگان که به باز نکردن فروشگاههای خود متهم گردیدند، به دادگاه نظامی کشیده شده اند.

مهمترین جاده خارج از غزه، که به طرف تل آویو می رود، به روی ماشینها بسته شده است...

در بخش محاصره شده اردوگاه الشاتی حتی مقامات آژانس امداد سازمان ملل نتوانستند به مدت چهار روز خارج شوند. اما اکنون اجازه دارند برای توزیع خواربار به هنگام تخفیف شدت حکومت نظامی در هر روز صبح، از آنجا خارج گردند. علاوه بر اقدامات انجام شده در این

اردوگاه، بعضی از خانوادہ‌های بازداشت‌شدگان یا خانوادہ‌های چریک‌های تحت تعقیب از غزه اخراج شده‌اند.

گاردین، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱

در نابلس، نیروهای امنیتی چند ساعت پس از پرتاب یک بمب دستی به طرف یک وسیله نقلیه، قانون منع رفت و آمد در منطقه فروشگاهی برقرار کردند... حدود ۹ نفر برای بازجویی دستگیر شدند که ۷ نفر از آنان بعداً آزاد گردیدند.

جرزالم پست، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱

رهبران مسلمان بیت المقدس، که اخیراً علیه طرح‌های دولت اسرائیل برای ساختن خانه‌های وسیع در زمین اشغالی متعلق به اردن پس از جنگ ۶۷-۶۸، اعتراض کرده‌اند، تهدید شده‌اند که اگر از قوانین امنیتی تخلف کنند، با اقدام رسمی دولت روبرو خواهند شد. «وانیل باردی» رئیس کل و فرمانده پلیس بیت المقدس در ۱۳ ژانویه اعضای شورای اسلامی را به اداره‌اش فراخواند و به آنها اخطار کرد که پلیس دیگر اظهارات اخیر آنها را تحمل نمی‌کند، و اگر از محدودیت‌های امنیتی تخلف شود دست به اقدام خواهد زد.

تایمز، ۱۴ ژانویه ۱۹۷۱

در اوایل ژانویه، مقامات اسرائیلی خالد امیر یکی از کارمندان آژانس امداد سازمان ملل را دستگیر کردند. وی که از اردوی کالاندیا بود، به نادیده گرفتن یک محفل جاسوسی متهم شد.

تعدادی از زنان نیز که بعضی از آنها معلم بودند در بیت المقدس و اردوگاه‌های پناهندگی دستگیر شدند.

الاتحاد، ۱۷ ژانویه ۱۹۷۱

یک سخنگوی نظامی اظهار داشت که به هنگام آتش گشودن یک کشتی اسرائیلی بر روی یک اتوبوس غیرنظامی، که راننده‌اش اخطار

توقف را نادیده گرفته بود، و عرب مجروح شدند.

دیلی استار، ۱۵ ژانویه ۱۹۷۱

اشخاصی که در منطقه منع عبور و مرور در غزه زندگی می کنند، اجازه داشتند برای کار خارج شوند. اما منابع دولت نظامی گفتند که اگر از منطقه خارج شوند، حق بازگشت به خانه های خودشان را نخواهند داشت. مدیر بیمارستان «ناصر» اظهار کرد زنانی که اخیراً بچه بدنیا آورده اند اجازه مرخصی نیافتند، زیرا این زنان از اردوی الشاتی بودند و اجازه بازگشت به آنجا را نداشتند.

جرزالم، پست ۱۵ ژانویه ۱۹۷۱

بخشی از اردوگاه الشاتی که در برگیرنده ۱۳۰۰۰ پناهنده است امروز برای دوازدهمین روز پیاپی در محاصره بسر می برد. یک اردوگاه ویژه بازداشتی در صحرای سینا تأسیس شده است، زیرا در غزه جایی برای نگهداری دستگیرشدگان وجود ندارد. خبرنگاران هنوز اجازه ورود به اردوگاهی را که بدترین شایعات از آنجا سرچشمه می گرفت نیافته اند. اردوگاه بزرگ جبلیه در حومه غزه در ۲۰ ژانویه بدون هیچ گونه اخطار قبلی بسته شد، و مقامات آژانس امداد سازمان ملل که مسئولیت توزیع خواربار را بعهدہ دارند، نمی دانند که این امر تا چه مدت طول خواهد کشید.

گاردین، ۱۶ ژانویه ۱۹۷۱

موشه دایان وزیر دفاع، امروز فاش کرد که ۲۹ خانواده از تروریستهای مشکوک نوار غزه هنوز در صحرای سینا به حالت تبعید، بسر می برند. او با خشم زیاد ادعای کمونیستها را مبنی بر اینکه بازداشت آنها باعث لبریز شدن جمعیت اردوگاه شده تکذیب کرد.

ژنرال دایان، در جواب یک نماینده کمونیست در پارلمان گفت

که ۱۶۰ مرد و زن و بچه، ۹ هفته پس از حمله وسیع علیه چریکها

در نوار غزه (سرچشمه اصلی مقاومت اعراب در برابر اشغال اسرائیل)، هنوز در بازداشت بسر می‌برند.

منابع آژانس امداد سازمان ملل می‌گویند که تبعید شدگان در «ابوزنیم»، یک بندر تخلیه شده منگنز در ۶ مایلی جنوب کانال سوئز در خلیج سوئز، و حدود ۱۵۰ مایلی غزه، بسر می‌برند. ژنرال دایان گفت که تبعید، بخشی از سیاست سنجیده مقامات اشغالگر اسرائیلی برای محروم کردن چریکها از دریافت کمک، پناهگاه، و محل آسایش، از خانواده‌هایشان می‌باشد.

انترناشنال هرالڈ تریبون، ۱۰ مارس ۱۹۷۱

یک مقام فرماندهی نظامی اسرائیل اطلاع داد که حدود ۱۷۰ فدایی فلسطینی که اخیراً دستگیر گردیده‌اند، به زندان اردوگاه مستقر در صحرای سینا منتقل شده‌اند، زیرا زندانهای اسرائیل در غزه مملو از جمعیت هستند. او همچنین گفت: از ژانویه مقامات اسرائیلی ۳۰ خانواده فلسطینی را به ابوزنیم تبعید کرده‌اند. بر طبق گفته این مقام، اقدام مزبور، فداییان را از داشتن یک محیط باز برای راه رفتن و غذا خوردن و بدست آوردن پول و پناهگاه محروم کرد. از هنگام آغاز «سیاست تبعید»، ۵ خانواده صلاحیت یافته‌اند تا به نوار غزه بازگردند.

لوموند، ۱۱ مارس ۱۹۷۱

شش نفر از شهرهای بیت المقدس، هبرون، بیت‌الله، بیت‌ساحور و رام‌الله به اتهام تعلق به یک سازمان خرابکاری و محافل جاسوسی، در عرض سه هفته گذشته دستگیر شدند.

الانحد، ۱۵ ژانویه ۱۹۷۱

پلیسهای مرزی اسرائیل، یک هفته پیش در خیابانهای غزه به روی ۱۲ نفر شلیک کردند و حداقل ۵ نفر را کشتند. بر طبق گفته دکترهای بیمارستانهای غزه، آنها شدیداً مورد ضرب و شتم و کتک

کاری قرار گرفته‌اند.

ورود آنها به غزه بخشی از سیاست سنجیده «سختگیری» اسرائیل است، که توسط کابینه حدود دو هفته پیش، به دنبال افزایش عملیات چریکی در نوار غزه، اتخاذ شد.

مقامات، در مورد تیراندازیهای این هفته می‌گویند، که پس از عدم توقف افراد مورد سوءظن به هنگام درگیری، مأموران گشتی بروی آنها آتش گشودند. ه مرد در حالی که می‌خواستند سوار اتوبوس شده و فرار کنند، گلوله به پایشان اصابت کرد. سه نفر از آنها در بیمارستان «ناصر» گفتند اتوبوس هنگامی که آماج گلوله ها قرار گرفت، ایستاده بود.

ابزدور، ۱۷ ژانویه ۱۹۷۱

در نابلس، یک نارنجک دستی به داخل یک مرکز تجارتی پرتاب شد اما منفجر نگردید. بمب مزبور توسط مأموران امنیتی، که بلافاصله در آن منطقه ممنوعیت عبور و مرور برقرار کردند، خنثی شد. مقامات محلی گفتند که حدود ۵ نفر برای بازجویی بازداشت شدند.

جرزالم پست، ۱۸ ژانویه ۱۹۷۱

پانزده روز است که نه نفر از اعضای خانواده منصور، از شهر التیره، بازداشت شده‌اند. هنوز هیچ گونه اتهامی علیه آنان وارد نیامده است.

الاتحاد، ۱۹ ژانویه ۱۹۷۱

در هفته گذشته چندین گزارش در مورد به گلوله بستن مردم وجود داشت. ظاهراً علت این تیراندازیها آن بود که افراد مذکور از فرمان ایست سرپیچی کرده‌اند، اما گزارشات رسیده از غزه حاکی از این است که در بعضی موارد، بدون مقدمه و هشدار قبلی، به روی مردم آتش گشوده شده است. اغلب مجروحین جراحاتی در پاهایشان داشتند،

اما یکی از اهالی اردوگاه پناهندگی که مقررات عبور و مرور را شکسته بود، در بیمارستان به خاطر جراحاتش درگذشت.

در بیمارستان گزارش داده‌اند که چند نفر در اثر ضرب و شتم، دریدگیهایی به روی بدنشان پیدا شده است.

دختری در یک اردوی پناهندگی شکایت می‌کرد که یکی از وسایل نقلیه ارتش او را به دیوار کوبیده است.

در اثر این حادثه دریدگی عمیقی در بازویش ایجاد شده و گویا جراحات داخلی نیز پیدا کرده است.

تایمز، ۱۹ ژانویه ۱۹۷۱

۱۳ نفر از اهالی محله شرقی ساجیه در نوار غزه که مقررات عبور و مرور را شکسته بودند فوراً محاکمه و هریک ۷۰ لیره جریمه شدند.

جرزالم پست، ۲۰ ژانویه ۱۹۷۱

از زمانی که موج خشونت برای اولین بار در نوار غزه در دو هفته پیش شروع شد، روزانه بین ۱۰ تا ۱۵ نفر برای بازجویی بازداشت شده‌اند، اما هنوز معلوم نیست که چند نفر بعداً آزاد گردیده‌اند. یک اردوی جدید بازداشتی برای بازداشت شدگان نوار غزه اخیراً در صحرای سینا درست شده است. اردوی جدید بازداشتی در مرکز شبه جزیره سینا قرار دارد.

اقدامات خشونت بار اسرائیلیها در هفته گذشته شامل هجوم خشونت بار پلیس مرزی به نوار غزه، و نیز برقراری مقررات منع عبور و مرور در بعضی نقاط، و انجام یک سری بازرسیها شد.

بعضی از ساکنان محل، در هفته گذشته شکایت کردند که توسط پلیس مرزی مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند، اما منابع گفتند که پلیس مرزی «به آن خشونتی» که قبلاً رفتار می‌کرده، رفتار نکرده است.

دیلی استار و دادار، ۲۱ ژانویه ۱۹۷۱

بیش از ۵۰ نفر از ساحل غربی رود اردن، توسط مقامات اسرائیلی در طی ۶ هفته گذشته دستگیر شده‌اند.

دستگیریها هنگامی بوقوع پیوست، که اطلاعاتی حاکی از افزایش عضویت افراد در گروههای مقاومت فلسطینی دریافت شده بود.

الاتحاد، ۲۲ ژانویه ۱۹۷۱

یک بیانیه دولتی در ۲۰ ژانویه اعلام کرد، که مقامات نظامی اسرائیلی یک اردوگاه بازداشتی جدید در صحرای سینا برای جا دادن دستگیرشدگان فلسطینی در غزه، ایجاد کرده‌اند. این امر، پس از دستگیری عده زیادی از مسردم به اتهام دست داشتن در «اعمال تروریستی»، یک اقدام ضروری بنظر می‌رسید. در حقیقت زندانهای غزه به اندازه کافی بزرگ نیستند. برطبق مقررات و قوانین دفاعی، که از دوران قیمومت بریتانیا اجرا می‌شود، اشخاصی که بدست داشتن «در اعمال تروریستی» مورد سوءظن باشند، می‌توانند بدون محاکمه برای مدتهای مدید بازداشت شوند.

لوموند، ۲۲ ژانویه ۱۹۷۱

در نابلس تعداد نامعلومی از مردم محل به دنبال انفجار یک کوکتل مولوتف در میدان حسین در مرکز شهر بازداشت شدند. بمب مزبور به داخل یکی از دروازه‌های فولادین پرتاب گردید، که به دنبال موج فعالیت‌های تروریستی اخیر در محل ورودی شهر قدیم توسط مقامات امنیتی ساخته شده است.

جرزالم پست، ۲۴ ژانویه ۱۹۷۱

یکی از روزنامه‌های معروف اسرائیلی، موردی را که تاکتیکهای شدید نظامی در نوار غزه اشغالی می‌خواند، مورد انتقاد قرار داد. روزنامه مستقل هائارتز گفت که چنین شیوه‌هایی کلاً کارآیی ندارد و

«مسئلاً نفرت مردم نسبت به اسرائیل را عمیق تر خواهد کرد.»

ژنرال حیم بارلو، رئیس ستاد ارتش اسرائیل، یک افسر ارتش را منصوب کرد تا به شکایات اعراب غزه، در مورد ضرب و شتم شهروندان بی گناه، توسط نظامیان، رسیدگی کند. هائارتز گفت: «چنین برمی آید که ما در اجرای فرامینی که باید مشخصه یک رژیم منظم باشد، حتی در شرایط مراقبت بسیار شدید، چندان دقیق نبوده ایم.»

جیم ایزالک (اسحق) در روزنامه «داوار» نوشت: «طی دیدارمان از بیمارستان الشفی در نوار غزه، توانستیم شیوه های بکار رفته ارتش اسرائیل را مشاهده کنیم. یکی از دکرها اظهار داشت که افراد مورد سوءظن بدون دلیل مورد ضرب و شتم قرار می گیرند. یک بچه از ناحیه پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود و یک پسر ۱۲ ساله دیگر بازویش شکسته بود. یک جوان ۱۶ ساله هنوز به خاطر کتکهای وارده تحت معالجه قرار دارد. تمام این حوادث بین ۸ تا ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱ به وقوع پیوست.»

داوار، ۲ فوریه، ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی، در ۲ فوریه ۱۹۷۱ ادعا کردند که طی یک جستجوی شدید، ۱۵۰ نفر از اشخاص مورد سوءظن را دستگیر کرده اند. آنها در اردوگاههای خارج شهر نگهداری می شوند، زیرا زندانهای غزه پر است. این اردوگاهها در برگیرنده بیش از ۷۰۰ زندانی است.

گاردین، ۲ فوریه ۱۹۷۱

خشونت اسرائیلیها در نوار غزه در طی مدت «جستجوی شدید» برای یافتن چریکها که ۵ هفته قبل شروع شد، تا چه حد بوده است؟

تکان دهنده ترین گزارش، بعد از اولین هفته، به هنگامی که دهها نفر به بیمارستان برده شدند بدست آمد. این افراد توسط پلیس

مرزی اسرائیل به خاطر خودداری از ایست به هنگام درگیری، به گلوله بسته شده بودند. از میان حدود ۶ چریک که در اثر اصابت گلوله در اولین هفته مردند، یک دو نفر تماشاچی بی گناه بودند. یک سخنگوی ارتش در ۱ فوریه (در ساعات اواخر شب که ظاهراً برای علنی نشدن خبر در نظر گرفته شده بود) اعلام کرد که بر طبق گزارش رسیده، سربازان یک واحد «از خشونت غیر ضروری استفاده کردند»، از آن جمله استفاده از میله های آهنین و باتن بر علیه تعدادی از ساکنان، و خراب کردن ساختمانها به هنگام بازرسی، را می توان نام برد. افسران اضافه می کنند که سربازان در نتیجه درسهایی که از این حوادث آموخته اند، در آینده به تجربیاتی برای آماده کردن خودشان در اجرای وظایف در درگیری با جمعیت محلی، مجهز خواهند شد. آنها توضیح نداده اند که چرا پس از گذشت سه سال و نیم از اشغال مناطق عربی، یک چنین اصول و راهنماییهای قبلا صادر نشده است.

روشنفکران عرب در غزه - دکترها، وکلا و معلمان - اعتقاد دارند که «سیاست ترور»، برای اسرائیل نتیجه معکوس ببار می آورد، زیرا این سیاست مردم بی گناه را از حکومت بی گانه می کند. اما افسران اسرائیلی می گویند که در میان ۲۰۰ هزار پناهنده در اردوگاههای غزه، چریکها هنوز از حمایت گسترده برخوردارند. یک افسر می گفت نکته مهم و اساسی سختگیری نبود، بلکه مسأله بازرسی بود. اگر بخواهید دیوار کسی را که فکر می کنید ممکن است در پشت آن یک انبار اسلحه پنهان باشد، خراب کنید، انجام این کار به طور مؤدبانه و به آرامی، آسان نیست. یک هفته پیش ادعا شد که ۱۰۰ نفر از افراد مورد سوءظن در طی عملیات جستجو، دستگیر شده اند.

گاردین، ۱۱ فوریه ۱۹۷۱

سخنگوی هلال احمر گفت که بر طبق اطلاعاتی که در دست

هلال احمر می باشد، از آغاز سال حدود ۱۹۰ نفر در نوار غزه کشته یا مجروح شدند و حداقل ۲۰۰۰ نفر در طی مبارزه تروریستی اخیر در نوار غزه دستگیر شده اند.

ارتش اسرائیل قرار است یک افسر و ۱۰ سرباز را به اتهام رفتار خشن در نوار غزه اشغالی، تعقیب کند.

آنها اضافه کردند که طی مدت دو هفته در ماه ژانویه، ۷ عرب روانه بیمارستان شده و ۲۳ نفر دیگر از جمله یک زن به خاطر جراحات وارده بعد از ضرب و شتم، تحت معالجه پزشکی قرار گرفته اند.

انترناشنال هرالد تریبون، ۱۲ فوریه ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی ۵ نفر از اهالی نوبه، جوبه و هلهول را در منطقه هیرون به اتهام تعلق به سازمان مسلح فلسطینی، و ۱۹ فقره عملیات خرابکاری، دستگیر کرده اند.

روزنامه الاتحاد، ۱۲ فوریه ۱۹۷۱

ژنرال موشه دایان وزیر دفاع اسرائیل امروز در پارلمان گفت ۳۰ نفر از ساکنان نوار غزه اشغالی به هنگام اعزام سربازان برای فرونشاندن حملات اعراب در ماه گذشته، در اثر «خشونت غیر مجاز» مجروح شده اند. او گفت در نتیجه یک افسر و تعدادی از سربازان در یک دادگاه انتظامی محاکمه می شوند.

سه افسر - که دو نفرشان ارشد هستند - تویخ نامه اداری دریافت کرده اند، و سه سرباز به جرم دزدی از اعراب به ۳۰ روز زندان محکوم شده اند.

ژنرال دایان گفت که اعمال «انحرافی» شامل استفاده زیاده از حد از چماق، وارد آوردن خسارت غیر ضروری به ساختمانهای تحت بازرسی، و «بعضی موارد اندک از رفتار غلط توسط سربازان» می شد. علاوه بر این، اشتباه بزرگ هنگامی رخ داد، که طی اولین روزهای

عملیات امنیتی نظارت مقام برتر وجود نداشت، و سربازان از خشونت غیر مجاز و نیز تهدید و ارباب استفاده کردند. برای ۳ نفر از مجروحین لازم بود تا در بیمارستان معالجه شوند. دیگران پس از دریافت کمکهای اولیه آزاد گردیدند. یک زن نیز در میان کسانی که جراحات اندک دیده بودند، دیده می‌شد.

ژنرال موشه دایان گفت که اقدامات امنیتی شدید ماه گذشته، به‌طور قابل توجهی فعالیت چریکی را در منطقه از بین برد. طبق گزارشات، ۸ چریک عرب کشته و ۱۳۹ نفر دستگیر شده‌اند. مقادیر بزرگی از اسلحه نیز بدست آمد.

کاردین، ۱۸ فوریه ۱۹۷۱

اهالی شهر غزه از میان بسیاری از اظهاراتشان در رابطه با بازرسیها، ضرب‌وشتمها و انهدام اموال در طی اقدامات پلیس این گفته‌ها را برگزیده‌اند: «تمام سربازها چماق حمل می‌کردند. تمام مردان در غزه عملاً مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته‌اند. دو فیزیکی‌دان به نام دکتر حمدی جفراوی و عبدالله طرازی به هنگامی که توسط یک مأمور گشتی متوقف گردیدند، و کارتهای شناسایی‌شان خواسته شد، مورد ضرب‌وشتم واقع شدند.»

بشیر رئیس، رئیس آموزش و پرورش، مشاهده کرد که سربازان یکی از چرخهای ماشین او را باز می‌کنند، آنها چرخ مزبور را به طرف پایین خیابان غلتانند و او را مجبور کردند تا به دنبال آن بدود. یک دختر دانش‌آموز که تنها با مادر بزرگش زندگی می‌کند به‌خانه آمد، تا مادر بزرگش و یک بچه کوچک را که مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته بودند پیدا کند.

ژنرال بارلو یک افسر ژنرال را که به هیچ وجه نزد مردم شهرت نداشت، منصوب کرد تا به بررسی اوضاع غزه بپردازد و به او گزارش

بدهد. دره فوریه، یک سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد که در نتیجه گزارش وی، ژنرال بارلو تصمیم گرفته است تا تویخ نامه‌های اداری برای سه‌افسر که نامشان فاش نشد و از جمله دو مقام عالیرتبه، صادر نماید. این گزارشگر مردم را دید که به باغهای پرتقال می‌رفتند تا محصول مرکباتی را که در طی دوره طولانی ممنوعیت عبور و مرور شروع به فاسد شدن کرده بود، بچینند. سربازان گشتی اسرائیلی در حالی که تفنگهای خود را آماده شلیک کرده بودند، در خیابانها به گشت‌زنی مشغول بودند.

کار آژانس امداد سازمان ملل (UNRWA) در طی اقدامات تنبیهی دستجمعی، همچون اقدامات ماه قبل، در اثر خراب شدن پناهگاهها، دشوار و پیچیده شده، و خانواده‌های پناهندگان بی‌خانمان گردیده‌اند. کسربودجه، آژانس امداد سازمان ملل را ناچار کرده است تا محتوی اندک پروتئین ۱۰۰ کالری غذای روزانه را کاهش بدهد، و به جای حبوباتی که قبلاً توزیع می‌شد، آرد توزیع کند.

کریستین ساینس مانیفور، ۲ مارس ۱۹۷۱

حسن بشاره دیر دبیرستان دهکده التباء، بر طبق قوانین قیمومت اضطراری در دهکده خودش حبس شده است. فرمان محبوسیت او هر سال به‌طور اتوماتیک تجدید می‌گردد. به بشاره نه‌اتهامی وارد آمده و نه او را به دادگاه برده‌اند.

الاتحاد، ۹ مارس ۱۹۷۱

پلیس اسرائیل «قصاب عمر قصاب»، «احمد عبدالرحمن» و تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستان «کفر قراء» را در ۸ فوریه دستگیر کرد. قرار است بازداشت آنها برای دو هفته دیگر ادامه پیدا کند. پلیس تعدادی از جوانان را احضار کرده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده است.

مقامات اتهام آنان را نوشتن شعارهای انحرافی به روی در دبیرستان ذکر کرده‌اند.

الاتحاد، ۱۲ مارس ۱۹۷۱

۲۵ مرد جوان از منطقه جنین توسط نیروهای امنیتی اخیراً دستگیر شدند. آنها به عضویت در سازمان الفتح و درگیری در اعمال مختلف خرابکارانه مورد سوءظن قرار گرفته‌اند.

جزالمیست، ۲۱ مارس ۱۹۷۱

در یازدهم آوریل، هانی عبدالله دانشجوی دانشگاه از ناصره به اتهام اختفای مواد منفجره در خانه‌اش دستگیر شد. اگر چه پس از جستجوی خانه هیچ گونه مواد منفجره بدست نیامد، اما پلیس وی را به زندان انداخت.

الاتحاد، ۱۶ آوریل ۱۹۷۱

عملیات امنیتی در غزه با شکست گرانقیمتی مواجه گردید. تا اوایل ماه ژوئیه، ۲۰۶ عرب و ۴ اسرائیلی کشته شدند... یکی از بزرگترین اردوها در غزه، به مدت یک ماه برای جستجوی خانه به خانه در داخل و خارج در خیابانها به محاصره درآمد... سربازان و پلیس مرزی طی یک هفته بخشهای بیمارستان را پر کردند... سه افسر ارشد «تویخ نامه‌ای اداری» دریافت کردند و این شانس ترفیع آنها را از بین برد. دادن تویخها بدین خاطر بود که آنها نظارت و تعلیم کافی به افراد زیردستشان نداده بودند. سه افسر غیررسمی از مدرسه آموزشی اخراج و به مدت ۳۵ روز زندانی شدند. پرونده‌های فرماندهی عالی اسرائیل در تل‌آویو، نشان می‌دهد که طی آن ماه ۳۵ شهروند غیرنظامی از غزه، بعد از رفتار خشونت بار اسرائیلیها، به بیمارستان روانه شده و یا به‌دکتر رفته‌اند. ۷ نفر در اثر انفجار شکستگیهایی در بدنشان پیدا کردند. یک نفر در اثر گلوله‌های اسرائیلی که بدون

هدف به‌سوی افراد در حال گریز شلیک شده بود، مرد. و بیش از ۵ نفر در اثر گلوله مجروح شدند.

ابزدور، اول اوت ۱۹۷۱

طی ملاقات بین ژنرال موشه‌دایان و شهردار طولکرم، در کرانه باختری اشغالی تشنج بشدت بالا گرفت. موشه‌دایان اجازه نداد تا شهرداری مقدار ۸۰ هزار دینار اردنی متعلق به‌خودش را که از جنگ ۶ روزه در یک بانک اردنی بلوکه شده بود، دریافت کند. دایان اصرار می‌ورزید که طولکرم باید به‌شبکه برق رسانی اصلی اسرائیل بپیوندد، و از شهردار خواست تا استعفا بدهد. وزیر دفاع همچنین از محدود کردن تعداد کارگران عرب در اسرائیل خودداری کرد.

الاتحاد، ۱۲ نوامبر ۱۹۷۱

پلیس اسرائیل راههای اطراف دهکده عربی «تیره» در شمال شرقی تل‌آویو را پس از انفجار یک بمب در اتوبوسی که از دهکده می‌آمد، بست و تمام وسایل نقلیه و مسافرانی را که از «تیره» می‌آمدند کاملاً بازجویی کرد. تحقیقات در خانه‌های اشخاص مشکوک، همچنان ادامه دارد. یک سخنگوی نظامی گفت در نوار غزه یک عرب ساکن اردوگاه پناهندگی الشاتی پس از اینکه به‌هشدار ایست پلیس، و شناساندن خودش بی‌توجهی کرد، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد.

او اضافه کرد، سربازانی که در جستجوی کماندوهای عرب در اردوگاه بودند تعدادی گلوله هوایی شلیک کردند، و هنگامی که مرد مزبور هنوز در تلاش فرار بود، با شلیک گلوله بقتل رسید.

دیلی‌استار، ۱۳ نوامبر ۱۹۷۱

در طی عملیات جستجو در ۱۳ نوامبر در غزه، یک پلیس گشتی مرزی اسرائیل مردی را که کوشش می‌کرد یک نارنجک

دستساز پرتاب کند، با شلیک گلوله به قتل رساند، و مرد دیگر را دستگیر کرد. هر دو نفر فوق در لیست افراد تحت تعقیب قرار داشتند.

جرزالم پست، ۱۴ نوامبر ۱۹۷۱

به تلافی اعمال تروریستی اخیر در منطقه هبرون، دولت نظامی اسرائیل در کرانه باختری رود اردن محدودیتهایی برای مردم آن بخش بوجود آورده است، آنها اجازه ندارند به اردن مسافرت کنند و اجازه نخواهند داشت تا اقوام و دوستان خود را از اطراف، برای برگزاری عید فطر در پایان هفته آخر ماه رمضان دعوت نمایند. هیچ یک از زندانیان هبرون نیز جزو عفوشدگان کرانه باختری به مناسبت عید فطر به حساب نمی آیند.

تایمز، ۱۵ نوامبر ۱۹۷۱

پلیس ادعای می کند که در شهر ناصره یک هسته سازمان الفتح را خلع سلاح کرده است. گفته می شود که رهبر این هسته یک زن . ۴ ساله به نام «سعاده وهاب» است که به همراه سه نفر دیگر که یکی از آنها یک دانش آموز جوان از شهر ناصره می باشد، دستگیر گردید. مادر این دانش آموز اعلام کرد، تا جایی که می تواند بگوید، جرم پسرش تنها بردن سه نقشه برای «سعاده وهاب» بوده است. مادر وی همچنین گفت که این نقشه ها را می توان از تمام فروشگاههای لوازم التحریر خریداری کرد.

الاتحاد، ۱۶ نوامبر ۱۹۷۱

گزارش می شود که مقامات از ۱ نفر از دهاتیان دهکده کبتیه، نزدیک جنین، در رابطه با تعداد زیادی سلاحهای غیرقانونی بازجویی کردند. اسلحه ها توسط مختارهای محلی به مقامات امنیتی تحویل گردید.

جرزالم پست، اول دسامبر ۱۹۷۱

نیروهای امنیتی در نابلس، حدود ۱۰ نفر از ساکنان محلی را

در دو روز گذشته در رابطه با شعارهایی که اخیراً به روی دیوارها علیه انتخابات شهرداریها نوشته شده، دستگیر کردند.

جرزالم پست، ۶ دسامبر ۱۹۷۱

به هنگامی که یک گشتی ارتش به روی تاکسی‌ای که در رام‌بندان توقف نکرده بود شلیک کرد، یکی از ساکنان نوار غزه مجروح گردید. مرد مزبور سوار بر یک وسیله نقلیه عمومی بود. چهار نفر بقیه مسافران، و نیز راننده تاکسی دستگیر شدند.

جرزالم پست، ۷ دسامبر ۱۹۷۱

در ۷ دسامبر، به هنگامی که گلوله‌ای به طور تصادفی از تفنگ یک پلیس مرزی به اتوبوسی که در جاده اصلی نوار غزه نزدیک «بیت‌هانون» حرکت می‌کرد، اصابت پیدا نمود، ابراهیم عبدالحمید از اردوگاه پناهندگی نصیرت کشته و دو زندانبان اسرائیلی مجروح شدند.

جرزالم پست، ۸ دسامبر ۱۹۷۱

در شهر ناصره «علی موسی عطاب»، به اتهام عضویت در الفتح و درگیری در فعالیتهای خصمانه به مدت ۵ روز بوسیله یک کلانتری محلی در بازداشت بسر برد.

جرزالم پست، ۱۲ دسامبر ۱۹۷۱

یک سخنگوی نظامی گزارش داد که پسری در شمال صحرای سینا به هنگامی که از اطاعت فرمان ایست گشتی ارتش اسرائیل خودداری کرد، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و درگذشت. گشتی مزبور به روی گروهی از مردم که پس از شلیک گلوله هوایی توقف نکردند آتش گشود.

دیلی‌استار، ۱۶ دسامبر ۱۹۷۱

یک دختر بومی در ۱۱ دسامبر در «ودیع‌خاریدین» در جنوب «العریش»، به هنگامی که از فرمان توقف یک گشتی ارتش اسرائیل

سر باز زد، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و مجروح گردید.

جرزالهست، ۱۲ دسامبر ۱۹۷۱

نیروهای پلیس در شب ۱۵ دسامبر به یک مسافرخانه کارگران عرب در یافا حمله بردند. وقتی که پلیس اسرائیل کارتهای هویت آنها را بررسی می کرد، کارگران به طور وحشیانه ای مورد ضرب و شتم و ضربات مشت و لگد قرار گرفتند. چندین نفر دستگیر شدند و به مرکز پلیس برده شده و بار دیگر مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و شکنجه شدند. آنها را مجبور کردند تا لباسهایشان را درآورده و زیر آب سرد دوش بگیرند. سن این کارگران بین ۱۳ و ۲۱ سال است. در طی این عملیات یک کارگر ۱۵ ساله جراحات عمیقی در چشم خودش پیدا کرد.

الاتحاد، ۲۴ دسامبر ۱۹۷۱

بخش سوم

نقل و انتقال اجباری و تبعید دستجمعی

الف: متن ماده‌های مربوطه

هیچ کس را نمی‌توان به‌طور خودسرانه دستگیر، بازداشت یا تبعید کرد.

ماده ۴، اعلامیه جهانی حقوق بشر

هر کس حق دارد تا هر کشوری منجمله کشور خودش را ترک کند، و یا به آنجا بازگردد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، چهارمین توافق‌نامه ژنو

نقل و انتقالات اجباری فردی، یا دستجمعی و نیز تبعید اشخاص تحت‌الحمايه، از قلمرو اشغال شده به قلمرو قدرت اشغالگر، یا به هر کشور دیگری، چه آن کشور اشغال شده باشد و چه نباشد، بدون توجه به انگیزه این کار، ممنوع می‌باشد.

ماده ۴۹، چهارمین توافق‌نامه ژنو

هیچ کس را نمی‌توان از حق وارد شدن به کشور خودش محروم کرد.

ماده ۱۲، توافق‌نامه سازمان ملل درباره حقوق مدنی و سیاسی

ب: تخلفات از قوانین

۲۷ خانواده (شامل ۱۲۴ نفر) به‌خاطر اینکه فرزندان آنها

متهم به خرابکار بودن هستند، از غزه به صحرای سینا تبعید شدند. فرمانده اسرائیلی در غزه، اظهار داشت که خانواده‌های تبعید شده تحت مراقبت هستند. و خدمات ضروری (مثل آموزش و پرورش، بهداشت و حتی غذا) به‌طور مجانی در اختیار آنها گذاشته می‌شود. وقتی که خبرنگاران روزنامه خواستار اجازه برای دیدار با خانواده‌های تبعید شده گردیدند، تا صحت و سقم دادن خدمات مذکور به آنها را بررسی کنند، فرمانده نظامی به این بهانه که این امر ضد حیثیت عمومی اسرائیل است، از دادن اجازه به خبرنگاران خودداری ورزید.

فرمانده در رابطه با استفاده از شلاق اعلام کرد: «فرمانهایی به سربازان و گاردهای مرزی در غزه داده شده، تا از شلاق به هنگام گشت زنی استفاده نکنند. من شخصاً نمی‌دانم که آیا آنها شلاق داشته‌اند یا نه، اما راست است که آنها با خود باتون حمل می‌کنند، و این من هستم که به آنها می‌گویم چه وقت باتونها را با خود داشته باشند و چه وقت نداشته باشند».

اخیراً دستوراتی صادر شده که جوانان را از ترك کردن اردوگاه‌هایشان، به‌جز در موارد تحصیل، معالجه پزشکی یا کارهای تجارتي، منع می‌کند. مقامات اسرائیلی می‌ترسند که آنها به کماندوها پیوسته و یا با آنها همکاری کنند.

کمیته امور داخلی کنست (پارلمان اسرائیل) به گاردهای مرزی یک تلگرام مخابره کرد. تلگرام مزبور می‌گوید:

کمیته داخلی کنست، دروذهای خود را به‌خاطر ورودتان به غزه، و پیوستن به دیگر نیروهای امنیتی شهر برای برقراری قانون و نظم در نواحی آشوب‌زده، به شما تقدیم می‌نماید. ما، برعکس بازسانی که از جنبشهای جدید دست‌چپی حمایت می‌کنند، تلاشهای شما

را برای متوقف کردن موج تروریسم، خونریزی، و نجات مردم از جنگال قاتلان، تقدیر می‌نماییم. آرزو می‌کنیم، در وظیفه خطیرتان توفیق داشته باشید.

الاتحاد، ۲ فوریه ۱۹۷۱

تعداد کلی ساکنان عرب، که از محله یهودی‌نشین شهر قدیمی بیت المقدس (اورشلیم) تخلیه شده‌اند به ۲،۸۰۰ نفر رسیده است. هنوز تعداد ۲،۵۰۰ خانواده در حومه محله وجود دارند، که برخلاف میلشان از آنجا منتقل خواهند شد.

بندوات اهارونوت، ۲۳ فوریه ۱۹۷۱

جان ویلاس، خبرنگار روزنامه «دیلی تلگرام» نوشت:
«موشه دایان وزیر دفاع اسرائیل، اظهارات یک عضو کمونیست پارلمان را، که گفته بود: اسرائیل برای خانواده‌های متعلق به خرابکاران در بخش ابوزیخا در سواحل بحرا حمر دست به تأسیس اردوگاه‌هایی زده است، تکذیب کرد.» این منطقه متروکه است. ۳۴ خانواده که مظنون به کمک به کماندوها هستند، بدانجا منتقل شده‌اند. تنها، ۵ خانواده اجازه یافته‌اند تا به غزه بازگردند.
«این تبعید و اخراجها، مخالف توافق نامه‌ای است که اسرائیل یکی از امضا کنندگان آن بوده است.»

دیلی تلگرام، ۱۰ مارس ۱۹۷۱

تاکنون، ۳،۵۰۰ تا ۵،۵۰۰ عرب از محله یهودی اورشلیم قدیمی تخلیه شده‌اند. با دادن خانه‌های جدید، یا اسکان آنها در خانه‌های مشخص، بدانان پاداش داده می‌شود. این مسأله توسط یهوداتامیر از طرف رئیس «کمیته تعمیر محله قدیمی» اعلام شد. طرح نوسازی در نظر دارد ۶۰۰ خانواده یهودی (حدود ۳،۰۰۰ تا ۲،۵۰۰ نفر) را به این محله بیاورد. هزینه عملیات به حدود ۷ میلیون

لیره اسرائیلی خواهد رسید.

الهامپشمار، ۷ آوریل ۱۹۷۱

نیروهای اسرائیلی، در اوایل ماه مه، قبیله هبر را که در شرق حیفا زندگی می‌کند از محل خودشان بیرون کرد، و آنها را در جای دیگری مکان داد. قبل از اخراج، بدون اینکه به این حقیقت توجه شود که آنها حدود ۲ سال است در آنجا زندگی می‌کنند، خانه‌هایشان را درهم کوبیدند.

بعلاوه زمینهای آنها مصادره شد. دلیل این کار از نظر اسرائیلیها، این بود که زمین مذکور برای مقاصد امنیتی مورد احتیاج بوده است. وقتی که ساکنان در برابر این انتقال مقاومت نشان دادند، آنها را بزور در کامیونهای ارتشی گذاشتند و به بخش کارمل بردند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

تدی کولک، شهردار بیت المقدس، به اعضای شهرداری گفت که تعداد شهروندان عرب، که از محل یهودی شهر قدیمی انتقال داده شده‌اند، به رقم . . . ۴ نفر می‌رسد، و عملیات بدون برخورد با هیچ گونه مشکل یا مانعی تمام شد.

جرزالم پست، ۱۸ مه ۱۹۷۱

روزنامه الاتحاد دره ۲ مه ۱۹۷۱، اطلاعات زیر را تحت عنوان «مصیبت‌های مردم ما» نقل کرد. عبدالرحمن عبدود ابوفتیش، یکی از ساکنان بخش لاترون است، که ۳ دهکده (عواث، بالو، و بیت نوبه) در آنجا ویران گردید. او نه تنها مجبور به ترک دهکده عواث گردید، بلکه از خانه‌ای که در «وادی الجوزه» اجاره کرده بود نیز اخراج شد، زیرا خانه مزبور متعلق به اموال یهودیان غایب بود. از خانه قبلی او در عواث چیزی به جز قلوه سنگ باقی نماند. زمینهای زراعتی او، در ابوغسن به عنوان اموال اسرائیلی مصادره شد. وقتی که او به وادی الجوز

در شهر قدیمی بیت المقدس رفت، بار دیگر اخراج شد؛ زیرا آنجا قبل از ۱۹۴۸ جزو اموال یهودی بوده است. دادگاهها او را به خاطر زندگی در آنجا تحت تعقیب قرار دادند، و اکنون هیچ محل سکونتی ندارد.

الاتحاد، ۲۵ مه ۱۹۷۱

روزنامه گاردین گزارش داد که عمل قاطع مقامات اسرائیلی، از برگزاری یک تظاهرات در اعتراض به منتقل کردن پناهندگان از غزه، جلوگیری بعمل آورد. اردوگاه جبلیه یک منطقه نظامی اعلام شد، و بولدوزرها کلبه را به منظور ساختن یک جاده جدید ویران کردند. آنجا به عنوان یک منطقه نظامی، به روی روزنامه نگاران بسته اعلام شد. گفته شد که جبلیه و اردوگاههای دیگر بسته شده است، تا از تظاهرات مردم به نفع روزنامه نگاران خارجی جلوگیری بعمل آید. اغلب پناهندگان را به العریش در شمال صحرای سینا منتقل کردند.

گاردین، ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۱

در حوالی اواخر ژوئیه، مقامات اشغالی به پناهندگان العیزیه، ابودیس و سلوان و شوتات گفتند که هرچه زودتر آن مناطق را، که راهشان به بیت المقدس بسته شده بود، ترک کنند و کارتهای شناسایی خود را تحویل دهند. در اقدام بعدی، اسرائیلیها هر کجا که دلشان میخواست می توانستند آنها را جا بدهند. بهانه شان برای این کار این بود که هیچ نشانی در دست نیست که بگوید آنها در اصل از کجاستند.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

روزنامه داوار در ماه اوت، فاش کرد که اولین مرحله جاده سازی در نوار غزه ساخته شده است. این جاده از میان سه اردوگاه، جبلیه، الشاتی و رفح می گذرد. اغلب پناهندگان ناچار شدند تا به خاطر این جاده های امن، از محل خود نقل مکان کنند.

در جبلیه ۱۰۱۱ خانه درهم کوبیده شد. این خانه ها دربرگیرنده

۹۲۴ خانواده به تعداد ۶،۵۰۳ نفر، یعنی ۱/۸ کل جمعیت پناهندگان، می‌شد. حدود یک سوم در العریش، و بقیه در نزدیک اردوگاه‌های دیگر مستقر شدند. در اردوگاه الشاتی، ۵۹۸ خانه ویران شد، که ۵۹۱ خانواده، شامل یک جمعیت ۴۰۲۱ نفری را، اسکان می‌داد. در رفح، ۲۴۸ کلبه توسط بولدوزر ویران گردید. این کلبه‌ها، ۳۹۰ خانواده شامل ۲۸۵۸ نفر را در خود اسکان می‌دادند. در هر دو اردوگاه، پناهندگان جدید در جا‌های دیگر مستقر شدند.

دادار، ۶ سپتامبر ۱۹۷۱

ج: افشاگری‌های بیشتر

تیسیر قبعه، رئیس «اتحادیه دانشجویان فلسطینی»، پس از سه سال زندان به اردن تبعید شد.

قبعه، دوره زندان خودش را ماه گذشته تمام کرده و تازمانی که تبعید او به اجرا درآمد در بازداشت باقی ماند. او توسط دادگاهی در رام الله محکوم به تبعید (به اردن) شد.

جرزالم پست، ۸ ژانویه ۱۹۷۱

یحیی اسعد الغصین، یک دانشجوی دانشگاه، پس از گذراندن ۳۶ ماه بازداشت غیرقانونی به غزه تبعید گردید.

الاتحاد، ۸ ژانویه ۱۹۷۱

در یک حادثه دیگر، مقامات نظامی اسرائیلی ۸ عرب را از نوار غزه اشغالی به اردن اخراج کردند. به گفته دولت اردن، همه آنها در اثر شکنجه‌های وارده زخم‌هایی به روی بدنشان پیدا کردند.

دیلی استار، ۱۷ ژانویه ۱۹۷۱

در ۲۴ فوریه، مقامات اسرائیلی ۹ نفر از کرانه باختری رود اردن

و غزه را به ساحل شرقی تبعید کردند. تعداد تبعید شدگان از این مناطق تنها در یک هفته به ۳ نفر رسیده است.

الاتحاد، ۲۶ فوریه ۱۹۷۱

ژنرال موشه دایان، در ۱۰ مارس به کنست (پارلمان اسرائیل) گفت که ۳ خانواده از غزه، که اقوام چریکهای «تحت تعقیب» می-باشند، به یک بندر متروکه در غرب صحرای سینا «تبعید» شده‌اند. موشه دایان، در جواب سؤال یکی از نمایندگان کمونیست اظهار داشت، که خانواده‌ها برای این تبعید شده‌اند که نتوانند به چریکها «کمک، پناهگاه و وسایل آسایش» بدهند. او این مسأله را که در صحرای سینا «اردوگاهها در یک جا متمرکز» شده‌اند، تکذیب کرد، و اضافه نمود که به ۳ خانواده از تبعیدیان اجازه داده شده تا به خانه‌هایشان بازگردند. طبق اخباری که از منابع دیگر بدست آمده، روشن شده است که، به جز بندر معدنی ابوزنیم، که دایان به آن اشاره کرد، یک اردوگاه بازداشتی دیگر در صحرای سینا برای ساکنان غزه و دیگر پناهندگان ساخته شده است.

یک منبع بسیار معتبر امروز تأیید کرد که این اردوگاه دربرگیرنده «۱۶۰ تا ۱۸۰» بازداشتی است، که برای آنها در زندانهای محلی جایی پیدا نمی‌شود. این تعداد، به اضافه تبعید شدگان ابوزنیم به حدود ۳۲۰ نفر می‌رسند، که در صحرای سینا بسر می‌برند.

گاردین، ۱۰ مارس ۱۹۷۱

برطبق گفته روزنامه الهامیشمار شماره ۷ آوریل، بیش از ۳،۵۰۰ عرب تا کنون از محله یهودی بیت المقدس اشغال شده اخراج شده‌اند. بقیه ۲،۰۰۰ عرب دیگر بزودی اخراج خواهند شد، و ۶۰۰ خانواده یهودی، بین ۲،۵۰۰ تا ۳،۰۰۰ یهودی، جای اعراب اخراجی را خواهند

گرفت.

الاتحاد، ۹ آوریل ۱۹۷۱

بین ۳ تا ۶ رهبر برجسته در طی چهار سال اشغال نوار غزه توسط اسرائیل به صحرای سینا تبعید شده‌اند. تبعید آنها تا ۶ ماه طول کشید.

معارفو، ۱۱ مه ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی، تعداد فاش نشده‌ای از پناهندگان فلسطینی را از اردوگاه پرجمعیت جبلیه تخلیه کرده، و آنها را در جای دیگری در سرزمینهای اشغالی اسکان داده‌اند.

اقدام مزبور، هنگامی اتخاذ شد، که زمزمه‌هایی در مورد طرح کاهش جمعیت یک منطقه پرازدحام، بگوش می‌رسید.

انترناشنال هرالد تریبون، ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۱

۳. خانواده از اردوگاه پناهندگی جبلیه، در ۲۷ ژوئیه به العریش منتقل شدند، و در ساختمانهایی که قبلاً پناهندگان قنطره در آن سکونت داشتند، مستقر گردیدند. هر خانواده فوراً پس از ورود به العریش به استخدام درمی‌آمد.

بیش از ۷۰۰ نفر تا کنون منتقل شده‌اند. بعضی از خانواده‌ها که قرار بود مجدداً اسکان داده شوند، ناپدید شده‌اند، و اعتقاد براین است که آنها با دوستان و اقوامشان در اردوگاه پنهان گردیده‌اند. اموال این خانواده‌ها — که اعلام کرده‌اند مردن در جبلیه را به انتقال به جاهای دیگر ترجیح می‌دهند — نابوده شده است.

جرزالمست، ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۱

آمار منتشر شده در مقر سازمان ملل، توسط UNRWA (آژانس امداد سازمان ملل)، فاش می‌سازد که ۵۹,۰۰۰ نفر در نتیجه جنگ شش روزه بی‌خانمان شده‌اند. تنها، اسرائیلیها به ۱۵,۰۰۰ تا ۱۶,۰۰۰

نفر اجازه داده‌اند به خانه هایشان بازگردند.

الاتحاد، اول اکتبر ۱۹۷۱

شیخ محمد علی جعبری شهردار هبرون از موشه دایان، وزیر دفاع، خواسته است تا تبعید اعراب کرانه باختری را به اردن متوقف کند. روزنامه انگلیسی زبان جرزالم پست، به نقل از گزارشات امان، نوشت که دسته‌ای از اعراب تقریباً به طور یک ماه در میان به اردن تبعید می‌شوند. آنها پس از گذراندن محکومیت زندان در اسرائیل، که در اصل به دلایل امنیتی صورت می‌گیرد، به اردن تبعید می‌گردند.

دیلی‌استار، ۱۳ نوامبر ۱۹۷۱

کمیسیون سازمان ملل، که مسئول بررسی وضع زندگی اعراب در سرزمینهای اشغالی است، می‌گوید که وضع جمعیت از زمان مأموریت گذشته کمیسیون به خاورمیانه در ۱۹۷۰، بدتر شده است. بر طبق گزارشی که پس از سفر دوم هیأت در سال جاری انتشار یافت، اسرائیل سیاستی در پیش گرفته است که هدف آن وادار کردن جمعیت این سرزمینهای اشغالی به ترك منطقه، و جلوگیری از بازگشت کسانی است که به لبنان، سوریه و اردن رسیده‌اند. کمیسیون که گزارشش مورد تکذیب اسرائیلیها قرار گرفته است، اعتقاد دارد که این سیاست «بزرگترین تجاوز به حقوق بشر» تا حال حاضر بوده است.

لوموند، ۱۴ نوامبر ۱۹۷۱

بیش از ۱۲ نفر توسط مقامات اشغالگر اخراج شدند. این، بخشی از یک مبارزه تروریستی است، که مقامات برای فشار گزاردن به روی مردم برای رأی دادن در انتخابات شهرداری ساحل غربی، آن را آغاز کرده‌اند.

الاتحاد، ۱۰ دسامبر ۱۹۷۱

لیست اسامی خانواده‌های عرب که مقامات اشغالگر نظامی آنها را از اول ژانویه ۱۹۶۹ تا اول مارس ۱۹۷۲، مجبور به تخلیه خانه-

هایشان از محله های عربی در بیت المقدس کرده اند.

نام خانواده	تعداد اعضا	صاحب ملک	محل
نوح بدوی ابو عصب	۱۲	قطب	تبونه
خلیل بدوی ابو عصب	۶	«	«
ادریس توفیق شویکی	۷	«	«
میسر، یوه ابو محسن شویتی	۶	«	«
فایز ابو حدوان	۶	«	«
بدویه، یوه محمد ابو حدوان	۲	«	«
ابراهیم ابو حدوان	۴	«	«
اسماعیل خضیر القواسمی	۴	«	«
ابراهیم خضیر القواسمی	۳	«	«
نعمان محمد سالم رجبی	۵	عسلی	«
عبدالرزاق شهاده النتشه	۷	صلاح	«
یوسف کرکش	۱۰	الحسینی	«
رجب ثقفی	۳	«	«
محمد هاشم نتشه	۹	«	«
زکریا عارف سلهب	۱۳	«	«
حربی عبدالحمید سلهب	۶	«	«
سامور حمید سلهب	۳	«	«
خلیل سامور سلهب	۳	سلهب	البشوش
محمد خلیل النتشه	۶	«	«
رشید محمد ابراهیم الشویکی	۸	«	«
عبدالقادر حجازی النتشه	۲	«	«
عبدالرحیم ابوسنینه	۱۰	داوودی	«
طالب ادهم جویحان	۹	«	«

داوود محمد رمضان	۶	داوودی	البشوش
صبحی فرح داوود	۵	«	«
عبدالقادر محمد الغیری	۸	«	«
انور توفیق زهیده	۲	سلهب	«
یعقوب محمد الجعبری	۷	نماری	«
ابراهیم الجعبری	۱۰	«	«
عبدالشکور رمضان حریر	۳	نشاشیبی	«
ولید عبد الله الجعبری	۲	نماری	«
عبد الطیف نجم الدین علمی	۸	العلمی	«
امین حمزه عجلونی	۲	قیس	«
نمر کرکش	۲	«	«
محمد سعید ابوسنینه	۴	رجانی	«
عبد الله رشید بهتان	۲	ابوسنینه	«
سامح عوده ابوسنینه	۱۳	«	«
محمد عوده الجعبری	۷	«	«
احمد محمد الجعبری	۲	«	«
ابراهیم عبدالعظیم ابورمیله	۴	ابورمیله	«
عبد الرحمن ابراهیم ابورمیله	۴	«	«
محمد ابراهیم ابورمیله	۳	«	«
عبدالعظیم ابراهیم ابورمیله	۵	«	«
عثمان نمر حریر	۳	نشاشیبی	«
ابراهیم طالب السکانی	۶	الموانیت	«
محمد خلیل الدبعی	۶	داوودی	«
قاسم اسماعیل الهیدی	۱	«	«
محمد حسین الغیری	۴	«	«

البشوش	داوودي	۹	فيض محمد حسين الغيري
«	«	۵	ابراهيم محمد حسين الغيري
«	يهوديان	۸	عبدالله حسن الدياب
«	نشاشيبي	۸	سليم محمد الرجيبي
«	«	۸	محمد ياسين ابورجب
«	«	۵	راجي موسى رجيبي
«	«	۲	عبدالقادر احمد عبدالكريم
«	«	۵	محمد عبدالحافظ صالح
نزديك البشوش	نماري	۹	عيسى رضوان الجعبيه
«	«	۹	نورالدين محمد سعد
«	«	۷	يوسف خليل اسماعيل
«	«	۴	هاشم يوسف القواسمي
«	«	۱	خديجه حسين سعد
«	الموقت	۴	حافظ عبدادريس
«	«	۱۱	محمد عثمان غانم
«	نشاشيبي	۸	قاضي هليل
«	قمعي	۸	غالب صفدي
«	«	۲	محي الدين علي قمعي
«	«	۸	حافظ بدوان ابو عصب
محلہ يهودی	حدیدی	۱	لطيفه، بيوه محمد ابو عصب
«	«	۸	انور رشيد ابوسريه
«	«	۸	كامل مرشد سلهب
«	«	۷	يوسف جميل صالحی
«	«	۴	شهده سليمان بي بي
«	«	۱	منيره، بيوه سليمان بي بي

محلّه یهودی	حدیدی	۲	رفقه، بیوه ابوسنانه
«	«	۵	سلیمان شهده، بی بی
«	مغاریه	۹	یعقوب عبدالفتاح شویکی
«	بشیتی	۷	رشید خامس قواسمی
«	«	۶	سعدی رشدی خیاط
«	«	۳	رشدی خلیل خیاط
«	بودیری	۱	خیری شا کرا بورمیله
«	مسعودی	۷	ناجی عبدالفتاح ابونجمه
«	«	۱	شوکت عبدالرحمن عویس
«	خطیب	۶	عبوده محمد عطیه طرطیر
«	«	۱۰	عطا عبدالشکور طویل
«	شهابی	۶	عمیر عبدالرحمن زعنا
«	خلیدی	۱	عزبی عواد الله
«	«	۱	امینه عواد عبدالجواد
«	«	۴	محسن حسین حسن بصیله
«	«	۱	خلید عزابوغوش
«	«	۴	جورج علیه تیودوسو
«	قمی	۶	عبدالرزاق حسنی عواد
«	«	۸	عبدالحمید عبدالجبار شویکی
«	«	۳	عظمی عبدالحمید شویکی
«	«	۹	شا کر شکری خروات
«	«	۷	فرح ابراهیم جعبری
«	«	۳	سمیر صبری طهه
«	داوودی	۷	یونس عبدالشکور زعتر

بخش چهارم

**انهدام اموال، مصادرہ
و تغییر اوضاع**

الف: متن ماده‌های مربوطه

هیچ شخص تحت‌الحمايه‌ای را نباید به‌خاطر جرمی که شخصاً مرتکب نشده مجازات و تنبيه کرد. مجازاتهای دسته‌جمعی و همین‌طور تمام اقدامات ارباب و تروریسم ممنوع است. چپاول ممنوع است.

اعمال تلافی‌جویانه علیه اشخاص تحت‌الحمايه و اموال آنها ممنوع است.

ماده ۳۳، چهارمین توافق‌نامه ژنو

هر گونه ویرانی اموال منقول یا غیر منقول فردی یا جمعی متعلق به اشخاص خصوصی، یا به دیگر مقامات عمومی یا سازمانهای تعاونی اجتماعی از سوی قدرت اشغالگر، به‌جز در جاهایی که یک چنین ویرانی‌ای توسط عملیات نظامی مطلقاً ضروری باشد، ممنوع است.

ماده ۵۳، چهارمین توافق‌نامه ژنو

هیچ کس را نباید به‌طور خودسرانه از اموالش محروم کرد.

ماده ۱۷، اعلامیه حقوق بشر ۱۹۴۸

هیچ یک از مواد موافقتنامه موجود نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که برای یک دولت، گروه، و شخصی حق انجام فعالیت یا اجرای عملی، به‌منظور از بین بردن حقوق و آزادی شناخته‌شده مندرج در این

توافق نامه، و یا فرا رفتن از محدوده وظایف خودشان برطبق توافق نامه حاضر، رابوجود آورد.

ماده ۵، توافق نامه سازمان ملل در مورد حقوق مدنی و سیاسی

قدرت اشغالگر نباید موقعیت مقامات دولتی یا قضات را، در سرزمینهای اشغالی، تغییر بدهد، و یا مصوباتی بدین منظور بگذراند، و یا در صورتی که آنها به عللی، و یا از روی آگاهی، از انجام وظایف خودشان خودداری کنند، دست به اقدامات اجباری و تبعیض گرانه بر علیه آنها بزند.

ماده ۴۵، چهارمین توافق نامه ژنو

ب: تخلفات از قوانین

مقامات یهودی بدون توجه به درخواستهای دیرکل سازمان ملل، قطعنامه های مجمع عمومی، و حتی قوانین دولت یهود، با سرعت زیاد آماده جریان واگذاری زمین در محله عربی بیت المقدس و حومه آن می شوند.

در آغاز سال، مقامات اعلام کردند که مناطق وسیعی از زمینهای اعراب در حومه «بیت جالو» و «شرفات» مصادره شده است. آنها ادعا می کردند که برطبق نقشه جدید اسرائیلی، مناطق به تملک درآمد در داخل محدوده شهرداری بیت المقدس قرار می گیرد.

مالکان زمینهای مصادره شده با تحویل زمینهایشان موافقت نکردند. در عوض تلگرامی در اعتراض به اقدامات اسرائیلیها برای دیرکل سازمان ملل ارسال داشتند. در حقیقت، قوانین اسرائیلی ایجاب می کند که وزیر دارایی برای این منظور از دادگاه بخش یک دستور

دریافت کند. اما، اسرائیلیها به مقررات قانونی توجهی نکردند و بر روی زمینها، بعد از اخراج مالکان قانونی آنها، شروع به ساختمان سازی نمودند.

روزنامه الاتحاد تاکید کرد که این عمل، به وضوح نشانگر این است که اسرائیلیها با اقتدار هر کس دیگری مخالفت کرده، و به افکار عمومی جهانی و قطعنامه های سازمان ملل بی اعتنایی می نمایند، و به علاوه هیچ گونه احساس عدالت از خود نشان نمی دهد و در تعقیب سیاست نابودی اعراب و توسعه طلبی وجدان ندارد.

روزنامه الاتحاد، ۵ مارس ۱۹۷۱

رئیس شورای محلی در «طیبه» طی صدور اخطار نامه ای به ساکنان، آنها را از گسترش زیاد زمین به جانب شرقی شهر باز داشت. زمینهای مزبور شامل ۳۰۰۰ هکتار می شود. این زمینها بخشی از منطقه نظامی است که قرار است در آنجا تأسیس شود و بنابراین زمینهای مزبور غیر قابل استفاده می باشند. منطقه برای آموزش اسلحه، مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

طرح مورد نظر به پیک حقیقت مسلم، تبدیل شده است. بیش از ۲۰ نفر در نتیجه آموزش اسلحه مجروح شدند. هنوز نمی شود فهمید که آیا این کار به منظور آموزش اسلحه است یا اینکه هدف، ترساندن ساکنان برای ترك منطقه و در نتیجه تملک زمینهای آنان می باشد.

دهاتیان خواهان مداخله سازمان ملل، برای پایان دادن به این وضعیت مخاطره آمیز شده اند تا بتوانند بر روی زمینهایشان بکار پردازند. روزنامه الاتحاد، ۹ ژوئیه ۱۹۷۱

نیروهای اشغالگر اسرائیلی حدود ۱۰۰۰۰ هکتار زمین را در دهکده طهون، در بخش نابلس برای ساختن اردوگاههای ارتش و آبادیهای یهودی به تملک خود درآوردند. ساکنان از کشاورزی و

چراندن دام به روی زمینها محروم شده‌اند. آنها همچنین زمینهای منطقه «ماشرو» در شهر «ظاهریه» را پس از خودداری ساکنان از فروختن زمینهایشان علی‌رغم پیشنهادات وسوسه‌آمیز، مصادره کردند. منطقه مزبور حدود ۱۵۰ هکتار وسعت دارد.

آرشیو مرکز تحقیقاتی فلسطین

مقامات نظامی، به دنبال مصادره یک قطعه زمین به مساحت ۲۳۰ هکتار در محله الخلیل در داخل منطقه‌ای که به روی مردم بسته شد، فرمانهایی صادر کردند. شهردار اعلام کرد که طرح فوق منطقه‌ای به مساحت یک هزار هکتار را در برمی‌گیرد.

بنگاه خبرپراکنی اعلام کرد، که زمینهای جدیدی برای تأسیس دهکده‌های تعاونی و دیگر آبادیهای یهودی‌نشین، در جنوب غزه پس گرفته شده است. خبرنگار بنگاه خبرپراکنی نیز گزارش داد، که حصار بندی دهها هزار هکتار از زمینهای که به عنوان اموال دولتی قلمداد می‌گردد، در دست اقدام است. هدف این حصارکشی این است که جلو دسترسی ساکنان به این زمینها گرفته شود. او همچنین اضافه کرد که قطعه دیگری به مساحت ۴۰۰ هکتار بین غزه و دیرالبلا قبلاً حصاربندی شده است.

روزنامه داوار، ۱۰ اکتبر ۱۹۷۱

روزنامه معاریو نقل کرد که کمیته امنای اموال وقفی مسلمانان در یافا، زمینهایی را به قیمت بیش از یک میلیون لیره اسرائیلی به شهرداری تل‌آویو خواهد فروخت. در عوض، خانه‌های «عام المنفعه‌ای» برای جامعه اوقاف ساخته خواهد شد. فروش زمینهای فوق هنگامی امکان پیدا کرد، که دادگاه بخش در تل‌آویو فرمان منع فروش زمینها را زیرپا گذاشت. فرمان منع فروش این زمینها به تقاضای نمایندگان اقلیت در کمیته وقف مسلمانان یافا به تصویب رسیده بود.

معاريو در مورد فروش ۸۱ هكتار زمين در نزديك گورستان ابو كبير گزارش داد. همچنانكه در روزنامه الاتحاد در ۷ سپتامبر ۱۹۷۱ ذكر گرديد، اعضاي اين شورا، هرچندكه اسلحه گرم حمل مي كنند، حاضرند تا هرچيزي را كه به آنها گفته شود امضا نمايند. جامعه عرب به هيچ وجه آنها، يا نمايندگي آنها را قبول ندارد.

معاريو در ۲ نوامبر گزارش داد كه ۳۰۰۰ هكتار زمين در منطقه غزه براي ساختن كيبوتص و آباديهاي يهودي، در طي هفته هاي اخير اختصاص داده شده و زمينهاي بيشترى براي آباديهاي اضافي حصاربندي خواهد شد. معاريو اضافه كرد كه انتقال ۴ خانواده به اتمام رسيده است، و كارها براي انتقال ۱ خانواده ديگر نيز آماده مي شود. تماسهاي بيشتر با كشاورزان غزه به منظور دادن پاداش يا انتقال زمين، به آنان در جريان است. بنگاه خبري اسراييلي «آتيم» اظهار داشت كه سرزمينهاي مورد نظر (در جنوب غزه) توسط نيروهاي اشغالگر به تملك درآمده است. حدود ۱۰۰۰ هكتار نيز بين رفح و خان يونس به تصرف درآمده ۱۰۰۰ هكتار آخري از زمينهاي خط ساحلي بوده است.

معاريو، ۱۱ اكتوبر ۱۹۷۱

وزير توريسم گفته است كه در بودجه سال آينده گنجاندن منطقه روبروي «باب الخيل» در بيت المقدس شرقي، در خطوط طرح تأسيس يك مركز عظيم توريستي و تجارتي، در نظر گرفته خواهد شد. كمپاني مسؤل اجراي طرح در بيت المقدس شرقي پروژه هاي زير را به عهده خواهد گرفت:

۱- گشايش و اسفالت يك جاده جديد در اطراف باروي شهر. جاده مزبور از ميان باب الرحمه و يوسفيه دو قبرستان مسلمانان خواهد گذشت. جاده مزبور، يك شاهراه توريستي خواهد بود و در

آن پلاکاردهای تبلیغاتی نصب خواهد گردید.

۲- تعمیر و ایجاد اردوگاههای جدید برای تفریح یهودیان محله طالبیت و تمام حومه‌های بیت‌الحم. سرمایه‌دارانی در خارج و داخل اسرائیل هستند که حاضر به سرمایه‌گذاری در طرحهای توریستی در بیت‌المقدس می‌باشند. تاکنون ۳۵ میلیون لیره اسرائیلی در دو سال گذشته سرمایه‌گذاری شده است. ۱،۱۳۰ اتاق هتل در دست ساختمان است، که ۶۵ میلیون لیره اسرائیلی به آن اختصاص داده شده است.

یدیوت‌آهارونوت، ۳ دسامبر ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی، یک مطالعه جغرافیایی از بعضی از مناطق کرانه باختری، به منظور از بین بردن اردوگاههای پناهندگی و ساختن اردوهای جدید به جای آنها، بعمل آورده‌اند. طرح مورد نظر که «خطوط اصلی توسعه منطقه» نام دارد، خواهان تغییر شکل کل منطقه، ساختن یک فرودگاه صنعتی و گشایش یک جاده جدید در دره اردن، که «آریها» را از طریق منطقه شمالی بیت‌المقدس به رام‌الله وصل می‌کند، شده است.

لوموند، اول ژانویه ۱۹۷۱

اداره ثبت‌نام در آکره، از شناسایی موجودیت یک منطقه به نام «مال»، که در آن اکثریت اعضای قبیله «صواعید» اسکان دارند خودداری کرده است. مدیریت ثبت نام، بر تغییر نام محل از «مال» به «الکمانه»، و ثبت تغییر مزبور در کارتهای هویت، اصرار می‌ورزد. به گفته روزنامه الاتحاد، گویی با انجام این کار منطقه موجودیت خود را از دست می‌دهد. آشکار است که مقامات می‌خواهند قبیله صواعید را به بعضی بهانه‌های قانونی، تبعید کنند.

ساکنان «مال» به چنین طرحهایی، که با همکاری مختارها ریخته

شده، اعتراض کردند، زیرا اعضای قبیله، آنها را نمایندگان خودشان نمی‌دانند. آنها بعداً اعلام کردند که حتی اگر مقامات مدرسه‌های آنان را ببندند، و یا کارتهای هویت را باطل نمایند و یا خانه‌هایشان را ویران کنند، انتقال خودشان را قبول نخواهند کرد، زیرا احساس می‌کنند که دعاوی بحق در مورد زمین دارند.

روزنامه الاتحاد، ۹ فوریه ۱۹۷۱

رائیوشیرون، وزیر خانه‌سازی اسرائیل، در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که طرحهای خانه‌سازی برای یهودیان در بیت المقدس، اهداف یهودی و آرزوهای صهیونیستی را برآورده می‌کند. طرح مزبور قید می‌کند که بیت المقدس تا سال ۱۹۷۵، تعداد ۲۷۰،۰۰۰ یهود را، در مقابل ۹۰۰،۰۰۰ عرب، در خود جای خواهد داد.

جرزالپست، ۲۱ فوریه ۱۹۷۱

هائارتز، ۱۷ فوریه ۱۹۷۱

شورای شهرداری بیت المقدس در ۲۱ فوریه ۱۹۷۱، به اتفاق آراء طرحهای وزارت مسکن را برای ساختمان‌سازی به روی زمین تحت تملک اعراب در حومه بیت المقدس، که قبلاً مصادره شده است، تصویب کرد. این طرحها خواستار ساختن ۱۸۰ واحد مسکن در «نبی ساموئل»، و به روی شیب شرقی مسطح «مونت مکبر»، می‌باشند. برای اولین بار است، که احزاب سیاسی گوناگون اسرائیل به روی موضوع ساختمان‌سازی در شهرها به توافق رسیده‌اند. تدی کولک، شهردار بیت المقدس، تأیید کرد که «حق اسرائیل در ساختن بیت المقدس نباید مورد تردید قرار بگیرد».

مماريو، ۲۲ فوریه ۱۹۷۱

وزیر مسکن، در یک مصاحبه مطبوعاتی در ۲ فوریه ۱۹۷۱ در بئر شبع، اعلام کرد که ۵۰۰ واحد مسکونی برای زوجهای جوان در

طی یک سال ونیم آینده، و . ۵۰ واحد اضافی دیگر در لقب در خارج بثرشبع، ساخته خواهد شد. هیم جیفانی، وزیر کشاورزی نیز در همان تاریخ درکنست (پارلمان اسرائیل) اعلام کرد که از جنگ ۱۹۶۷، ۳۷ اسکان جدید ساخته شده و دهکده‌های دیگری در زمینهای باتلاقی دره اردن تأسیس خواهد شد.

رادیو اسرائیل، ۲۳ فوریه ۱۹۷۱

در ۲۷ فوریه ۱۹۷۱، هنگامی که ساختن ۲۵ واحد مسکونی کامل شد، اسکان یهودیان در محله یهودی بیت المقدس به اتمام رسید. هزینه تعمیرات، به یک میلیون لیره اسرائیلی رسید. انتظار می رود که در عرض چندماه آینده، نوسازی ۱۵ اسکان اضافی کامل شود، و برای تحویل به خانواده‌هایی که خواهان استقرار در آن محله هستند آماده گردد.

مباربو، ۲۸ فوریه ۱۹۷۱

مقاله زیر توسط جان والیس، خبرنگار «ساندی تلگراف»، در ۲۸ مارس ۱۹۷۱ در این روزنامه بچاپ رسید:

احساسات در بیت المقدس شرقی عربی و ساحل غربی اشغالی نسبت به عمل اسرائیل در درهم کوبیدن و با خاک یکسان کردن دهکده نبی ساموئل، در ۴/۵ مایلی بیت المقدس، شدیداً برانگیخته شده است. این دهکده، مشرف بر شهر و راههای شرقی آن می باشد. دهکده مزبور در سال ۱۹۴۹ و ۱۹۶۷ به طور و خیمی ویران شد. ۵۰ نفر هنوز در خانه‌ها و خرابه‌های آن زندگی می کنند، و ۱۸ نفر آنها می گویند که اکنون خانه‌هایی را از دست داده اند که ۱۰۰ سال قدمت دارند. دهکده در اطراف قلعه قدیمی که «مجاهدان» آن را مونت جوی می خواندند ساخته شد. سربازان اسرائیلی در شب ۲۱ و ۲۲ مارس، به طرف دهکده شروع به حرکت کردند، و راههای منتهی

به آن را محاصره نمودند (بستند). ۸ بولدوزر همراه آنان بود. در ساعت ۳ بعد از ظهر بولدورزها شروع به نابودی خانه های اطراف قلعه کردند. دهاتیان می گویند که تنها مدت کوتاهی به آنان مهلت دادند تا خانه ها را ترك كنند. مردی که از ترك خانه اش خودداری می کرد، ادعا می کند که او را با زور از خانه اش بیرون انداختند. ساکنان می گویند که آنها را با اموال و داراییهایشان در کامیونهای ارتشی انداختند و به خانه های ویران شده در شمال شرقی دهکده بردند. یک مرد که برطبق گفته دوستانش ۱۲ لیره به او داده شده بود، مجبور شد تا کاغذی را امضا کند که نمی توانست آن را بخواند زیرا به زبان عبری نوشته بود، و نیز به او گفته شده بود که با روزنامه نگاران گفتگو نکند. هیچ کس اجازه نداشت وارد دهکده شود. سربازان اسرائیلی، زمین را با قلوه سنگها و پاره آجرهای خانه ها پوشاندند و تنها چیزی که از محل اسکان قدیمی باقی ماند، قلعه بود. توضیح رسمی مقامات برای این کار، این است که خرابه ها برای توریستها یک خطر بحساب می آید و افراد ناباب در آنجا پناهگاه گزیده اند. ممکن است این امر به پیدا شدن یک زوج اسرائیلی که مواد مخدر و اسلحه گرم در اختیار داشتند، اشاره بکند. این زوج در حال حاضر در انتظار محاکمه بسر می برند. در ابتدا، اعراب فکر می کردند که دهکده آنها بدین خاطر ویران شد، که مشرف بر طرح خانه سازی عظیمی قرار دارد که به روی زمین مصادره شده اعراب ساخته می شود. دهاتیان، اکنون معتقدند که عمل مزبور به خاطر دلایل هنری و توریستی انجام گرفت. یک فضای بزرگ در جلو قلعه تبدیل به پارک اتوموبیل خواهد شد، و دهاتیان از تاریخ ۱۵ مارس، که یک کشاورز عرب از بردن یک محموله الوار به مزرعه ای در پایین دهکده ممنوع شد، بیمناک شده اند. بهوی گفته شد که زمین دیگر متعلق به او نیست، زیرا برای یک

طرح جدید توسعه، به آن احتیاج می‌باشد. جزئیاتی در مورد این مسأله بدست نیامد، اما به او پیشنهاد شد تا زمینش را برای ۹۹ سال اجاره بدهد.

ساندی تلگرام، ۲۸ مارس ۱۹۷۱

«زوشارف» وزیر مسکن اسرائیل، اعلام کرده است که از آغاز آوریل نام نبی ساموئل تبدیل به اسم عبری «راموت» خواهد شد. نیویورک تایمز، اول آوریل ۱۹۷۱

اس. شارون رئیس کل وزارت مسکن، در اول آوریل ۱۹۷۱ اعلام کرد که وزارت مسکن مبلغ ۵۰ میلیون لیره اسرائیل برای سال ۱۹۷۱ اختصاص داده، که قرار است برای سازندگی در بلندیهای جولان صرف شود. او اضافه کرد که وزارت مسکن سعی می‌کند تا خانه‌های اضافی در هفت اسکان تازه ساخته شود، و نوسازی‌هایی در ۳ اسکان در بلندیهای جولان، در حال اجراست.

دادار، آوریل ۱۹۷۱

تعدادی از ساکنان عصیره، که یک دهکده قبیله‌ای در مجاورت نابلس می‌باشد، به صلیب سرخ بین‌المللی نامه نوشته و خواهان این شده‌اند که به دنبال ویران شدن خانه‌هایشان، برای آنها محل اقامت و مسکن فراهم گردد. آنها قبلاً تلاش کردند تا بعد از ویران شدن خانه‌هایشان، منازل دیگری اجاره کنند، اما صاحبان این خانه‌ها از ترس اعمال تلافی جویانه جدید بر علیه آن افراد، از این کار خودداری کردند.

الاتحاد، ۹ آوریل ۱۹۷۱

رسماً اعلام شد که تا اواخر سال ۱۹۸۲ باکامل شدن اولین مرحله خانه‌سازی، جمعیت اسرائیل در شرم‌الشیخ به ۲۹۰۰۰ خواهد

رسید.

رادیو اسرائیل، ۲ مه ۱۹۷۱

در ۵ مه ۱۹۷۱، تأسیس یک مرکز توسعه کشاورزی در دره اردن تکمیل شد. این نهمین مرکز از این نوع است. مرکز مزبور در محله حمراء در ۸ کیلومتری شمال پافالیک در امتداد رودخانه مقاریه قرار دارد. این مرکز شامل اعضای غیر نظامی کیبوتص و شهرها، خواهد بود.

لایان فرماسیون، ۶ مه ۱۹۷۱

در حالی که نهادهای اسرائیلی از پرداخت غرامت به اموال غیر منقول واقعی اعراب در بیت المقدس اشغال شده سخن می گویند، مقامات اسرائیلی سرگرم مصادره زمینهای آنان برای تخلیه آنها از خانه هایشان می باشند.

یک روز صبح، ۵ بولدوزر مربوط به کمپانی راسکو، مشغول خراب کردن سمر، که ۳۰۰ عرب بیت المقدس در آن زندگی می کنند، شدند. هدف این کار بی خانمان کردن مردم و درهم کوبیدن خانه ها به منظور ساختن ساختمانهای جدید برای دانشگاه عبری، و تهیه خانه برای یهودیان تازه وارد، می باشد.

راههای منتهی به سمر با بشکتهای بزرگ سیاه و گاردهای مسلح بسته شد، هدف این است که وسایل نقلیه به منطقه نرسند.

ساکنان عرب در حالی که سربازان اسرائیلی آنها را هل می دادند، ایستادند، تا به زمینها و خانه های خودشان که عمری را صرف آماده کردن و ساختن آن نموده بودند، نظر بیندازند. به هنگام از دست دادن خانه هایشان، قدرت انجام هیچ کاری را نداشتند. نفرت آتشی در قلب آنها، علیه کسانی که با قدرت اسلحه، عدالت و حقوق بشر را زیر پا می گذاشتند، کاشته شد. نمی توانستند کاری انجام

بدهند، قبلاً در این مورد به مقامات اعتراض کردند، اما سودی نبخشید.
روزنامه الاتحاد، ۹ ژوئیه ۱۹۷۱

«سرجان رنه»، کمیسر کل «آژانسی امداد سازمان ملل» در سپتامبر ۱۹۷۱ گزارشی به شماره (الف/۸۳۸۳) به اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد به تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱ تسلیم کرد. آنچه در زیر می آید نکات مهم این گزارش است:

۱- نگرانی زیادی در مورد آنچه که در اردوگاههای «جبلیه»، «الشاتی» و در «نوار غزه» گذشته است و در حال حاضر نیز می گذرد، وجود دارد. در آنجا اسرائیلیها تعداد زیادی از پناهگاهها را ویران کردند، و پناهندگان را اخراج نمودند. در نتیجه، حدود ۷۵۰۰ نفر، بی خانمان شدند. به بعضی از آنها اجازه دادند تا در نوار غزه بمانند، و دیگران را از آنجا تبعید کردند. بسیاری از آنها به دلیل نبودن آب و غذا، از تشنگی و گرسنگی رنج می برند. کمیسر کل طی ارسال نامه ای به تاریخ ۱۸ اوت ۱۹۷۱ به اسرائیل، خواهان تهیه فوری خانه کافی برای اسکان پناهندگانی که پناهگاههایشان ویران شده، گردیده است.

۲- در یک جلسه به تاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۷۱، موشه دایان وزیر دفاع اسرائیل به «سرجان رنه» کمیسر کل گفت که دولت اسرائیل مبارزه خود برای جنگیدن با پناهندگان فدایی در اردوگاه جبلیه را آغاز کرده است. به این دلیل دولت تصمیم گرفته است تا بعضی از پناهندگان را تبعید کرده و پناهگاههای آنان را ویران کند، و برای برقراری امنیت جاده ها را عریض نماید. از آنجایی که برای برقراری امنیت احتیاج به اقدام فوری می رفت، دولت نتوانست پناهگاههای تازه ای را برای اسکان پناهندگانی که از خانه هایشان بیرون انداخته شده اند، فراهم نماید.

به عنوان یک راه حل، تصمیم گرفت که آنها را به اردوگاههای

دیگر، چه در داخل و یا در خارج نوار غزه منتقل نماید. وزیر دفاع بعداً اظهار امیدواری کرد که آژانس امداد جهانی سازمان ملل به تهیه جیره معمولی برای پناهندگان بی خانمان در العریش ادامه دهد.

اما در ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۱، بدون توافق قبلی آژانس امداد سازمان ملل، و قبل از اینکه این سازمان قادر گردد برای توزیع جیره مقدمات امر را فراهم کند، ویران کردن پناهگاهها بار دیگر آغاز شد.

۳- در یک جلسه به تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۱ در غزه، فرمانده نظامی غزه به کمیسر کل گفت که عملیات درهم کوبی و ویران سازی در اردوگاه جبلیه همچنان ادامه خواهد یافت، تا تعداد پناهندگان به شمار اندکی برسند، و پناهندگانی که پناهگاههایشان خراب شده به خاطر کمبود پناهگاههای اضافی در نوار غزه، به العریش منتقل شوند. او اضافه کرد که عملیات، به دلیل به خطر افتادن اوضاع امنیتی، با سرعت فوق العاده ای انجام شده است، زیرا تعداد کشته شدگان در ۵ ماه گذشته به ۸۰ نفر رسیده است.

۴- با وجود وعده هایی که غلط از کار درآمد، مقامات اسرائیلی در ۳ و ۱۵ اوت ۱۹۷۱ عملیات ویران سازی پناهگاهها، و تبعید پناهندگان را، در اردوگاه الشاتی و رفع اجرا کردند.

۵- در ۶ اوت ۱۹۷۱، کمیسر کل، توجه وزارت خارجه اسرائیل را به مشکلات و گرفتاریهایی جلب کرد، که در اثر اعمال مکرر غیر قابل پیش بینی آنها برای پناهندگان و کارکنان آژانس امداد سازمان ملل بوجود آمده است. پناهندگان بدون اخطار قبلی انتقال داده می شوند، و کارکنان آژانس امداد سازمان ملل را از سرنوشت پناهندگان قبل یا بعد از انتقال آنها، خبردار نمی کنند. بدین خاطر کارکنان آژانس نمی توانند ترتیب تحویل جیره پناهندگان را که تنها منبع معاش آنهاست بدهند. در حقیقت آژانس امداد سازمان ملل این موضع قاطع را به این

خاطر گرفت، که در ۸ اوت ۱۹۷۱، به مقامات اسرائیلی برای اعمالی که برخلاف بخش ۲۰ قطعنامه شماره ۲۴۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل انجام داده بودند، شدیداً اعتراض کرده بود. آن قطعنامه، اصولی برای تضمین حقوق غیر نظامیها در موارد نبرد مسلحانه پیشبینی می کرد. رفتار خصومت آمیز اسرائیل همچنین برخلاف ماده ۴۹ و ۵۳ موافقت نامه جهانی ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو در رابطه با حقوق غیر نظامیان در دوران جنگها بود.

۶- در ۱۴ اوت ۱۹۷۱، بار دیگر کمیسر کل، توجه وزارت خارجه اسرائیل را به این حقیقت جلب کرد که تعداد خانه های خراب شده پناهندگان در اردوگاههای نوار غزه از تعداد خانه هایی که برای پناه دادن آنها ساخته شده بیشتر است. به همان دلیل آژانس امداد، از مقامات اسرائیلی خواست تا ویران کردن خانه ها و تبعید افراد را متوقف کنند، و در داخل نوار غزه پناهگاههای کافی به تعداد افرادی که تا کنون بی خانمان شده اند، برپا دارند.

۷- در ۱۹ اوت ۱۹۷۱، در جلسهای که در وزارت دفاع برگزار گردید، به کمیسر کل گفته شد که عملیات ویرانسازی در اردوگاه جبلیه پایان یافته، در اردوگاه الشاتی نزدیک اتمام است و در اردوگاه رفح ادامه دارد. به او همچنین گفته شد که تعداد خانواده هایی که خانه هایشان ویران شده، و به مکانهای دیگر منتقل گردیده اند، تا آن تاریخ به ۱،۵۱۵ نفر بالغ می شود. مفهوم آن این است که تعداد پناهندگانی که منتقل شده اند بالغ بر ۱،۰۰۰ نفر است. در اینجا کمیسر کل بار دیگر تقاضای خودش در مورد توقف ویرانسازی و تبعید را تکرار کرد، اما مقامات اسرائیلی در پاسخ گفتند که قصد دارند عملیات خود را وسعت بدهند، تا مناطق دیگری مثل خان یونس، رفح، دیرالبلا، و نقطه ای بین دیرالبلا و غزه را، در بگیرد.

۸- عملیات ویرانسازی در اردوگاه رفح تا ۲۶ اوت ۱۹۷۱ ادامه پیدا کرد. تا این تاریخ حدود ۲،۹۰۰ خانوار که شامل ۱۵،۰۰۰ پناهنده می‌شود، از اردوگاه جبلیه، الشاتی و رفح منتقل شده‌اند. خارج از این تعداد، ۳۵۰ خانواده به العریش، ۳۰ خانواده به ساحل غربی مهاجرت کردند و بقیه (حدود ۲،۵۲۰ خانواده) در نوار غزه اینجا و آنجا پراکنده شدند. محل اقامت آنها هنوز معلوم نشده است.

۹- کمیسر کل اظهار داشت که خانه ۷ نفر از کارکنان آژانس امداد سازمان ملل، ویران شده است. آنها و خانواده‌هایشان بدون پناهگاه مانده‌اند. بعضیها مجبور شده‌اند خانواده‌ها و وسایل خودشان را به العریش، که از محل خدمت آنها بسیار دور است، ببرند.

۱۰- آژانس امداد توزیع جیره‌های پناهندگان شهر غزه و نیز تمام منطقه نوار غزه و کسانی را که به ساحل غربی رفته‌اند تأمین می‌کند. اما نسبت به آنهایی که به العریش رفتند...!

۱۱- در نتیجه، خانه‌ها و پناهگاهها ویران شده‌اند، درحالی که هیچ گونه دلیلی برای خرابی آنها وجود نداشت. از بین خانه‌ها و پناهگاههایی که در ۳ اردوگاه ویران شد، ۳۶، ۴، عددشان توسط آژانس امداد سازمان ملل و یا با همکاری آن و ۲،۰۰۰ عدد نیز توسط خود پناهندگان، و به دست خودشان، ساخته شده بود. کمیسر کل از دولت اسرائیل خواست، تا غرامت خانه‌هایی را که توسط آژانس ساخته شده و یا سازمان در ساختن آن از نظر مالی شرکت داشته، بپردازد. او همچنین بهبود وضع پناهندگانی را که از خانه‌هایشان منتقل شده‌اند تقاضا کرد، و همچنین خواستار شد تا به آنها خانه‌هایی بهتر از خانه‌های قبلی، بدهند. و نیز خواهان بهبود تسهیلات بهداشتی برای کسانی شد که در اثر عملیات ویرانسازی و تبعید، که آژانس هیچ دلیل مقبولی برای آن نمی‌دید، به وضع بدی دچار شده بودند.

ج: افشاگریهای دیگر

نیروهای امنیتی در ۳ ژانویه دو خانه را در نابلس منفجر کردند، و خانه سوم را مهروموم نمودند. آنها این عمل را پس از متهم کردن صاحبان خانه ها به همکاری با تروریستها، انجام دادند.

جرزالم پست، ۴ ژانویه ۱۹۷۱

در ژانویه یکی از گزارشگران مجله تایم به سرزمینهای اشغالی شرقی سفر کرد و نوشت: «تا سال ۱۹۶۷ سربازان سوریه از بلندیهای (جولان) به عنوان یک سکوی توپخانه علیه ساختن کیبوتص، از سوی اسرائیلیها در شمال دره جلیله در پایین بلندیها، استفاده می کردند. در حال حاضر بلندیهای جولان بیشتر تبدیل به بیابان شده است. قنطره، که زمانی ۲۰۰۰ جمعیت داشت، حالا فقط ۳۰۰ نفر در آن ساکن هستند... دهکده های کوچکتر سوری بوسیله بولدوزر با خاک یکسان می شوند. این دهکده ها پناهگاه سگان و گربه های ولگرد و همچنین فداییان فلسطینی می باشد.

تایم، ۵ ژانویه ۱۹۷۱

منابع عرب در نابلس گزارش دادند، که نیروهای اشغالگر اسرائیلی چهارخانه متعلق به کماندوهای فلسطینی را ویران کرده اند. آنها می گویند پس از اینکه کماندوها از خانه ها بیرون انداخته شدند، مهندسان ارتش خانه ها را منفجر کردند. صاحبان خانه ها چندماه قبل به اتهام تعلق به سازمانهای کماندویی فلسطینی و داشتن بمبهای دست ساز دستگیر شدند.

دیلی استار، ۵ ژانویه ۱۹۷۱

نیروهای امنیتی در بیت اللحم یک خانه چهار اتاقه را ویران کردند. گفته می شود که صاحب آن خانه مسؤول تعدادی از اعمال

تروریستی و داشتن اسلحه بوده است.

جرزالم پست، ۸ ژانویه ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی، یک خانه را در دهکده «نیاسیر» نزدیک شهر جنین ویران کردند. صاحب آن که در بازداشت بسر می برد، به همکاری با سازمانهای فلسطینی متهم می باشد. دو خانه در آن نزدیکی نیز هفته گذشته (توسط اسرائیلیها) منفجر شد.

الاتحاد، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱

هفت ساختمان، شامل دو اصطبل گاو و ۵ ساختمان مسکونی اخیراً توسط نیروهای امنیتی در کفر «تایسر» ویران شد. ساختمانها متعلق به کسانی هستند که همکار تروریستها شناخته شده اند.

جرزالم پست، ۲۲ ژانویه ۱۹۷۱

نیروهای امنیتی در اول فوریه خانه یکی از ساکنان «بیت ساهور» در نزدیک بیت اللحم را منفجر کردند. صاحب خانه متهم به این بود که به تروریستهایی که از اردن به ساحل غربی رخنه کرده اند، کمک نموده است. در بازرسی خانه، قبل از ویران کردن آن، مقداری اسلحه و مهمات، که زیر کف منزل پنهان شده بود، بدست آمد... نیروهای امنیتی همچنین در دو خانه دیگر را که مالک آنها به عضویت در یک سازمان تروریستی، و نیز کمک به تروریستهای نفوذی از اردن متهم شده بود، تخته کردند.

جرزالم پست، ۷ فوریه ۱۹۷۱

روزنامه کریستین ساینس مانیتور فکر می کرد که مقاومت فلسطینیها در ساحل غربی در نتیجه اقدامات متقابل سخت اسرائیلیها، مثل ویران کردن خانه های افراد مورد سوءظن، درهم شکسته است. اما مقامات هنوز هدفهای مورد نظر را مورد حمله قرار نداده اند.

کریستین ساینس مانیتور، ۲۵ فوریه ۱۹۷۱

به دنبال جمع‌آوری یک هسته الفتح در منطقه نابلس خانه دیگری در این شهر منفجر شد. این بار سه ساختمان ویران شد. دو ساختمان دیگر نیز ده روز قبل ویران شده بود. تازه‌ترین ویرانسازی در «هواره» در خارج از اینجا رخ داد. فرزند صاحب ساختمان... به عضویت در هسته الفتح که یک ماه قبل درهم کوبیده شد، مشکوک بوده است.

جرزالپست، ۲۸ فوریه، ۱۹۷۱

کریستین ساینس مانیثور، به نقل از «عارف العارف» مورخ فلسطینی که در حال گردآوری تمام حوادث در رابطه با جنگ ۱۹۶۷، و اشغال اسرائیل بعد از آن جنگ می‌باشد، گزارش داد که اسنادی که وی در همین رابطه دارد شامل نام صاحب هر خانه و تاریخ ویرانی آن می‌شود. اسناد مذکور نشان‌دهنده این است که تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۰، ۷۱۳۱ خانه در مناطق اشغالی ویران شده، که شامل بلندیهای جولان نیز نمی‌شود.

کریستین ساینس مانیثور، اول مارس ۱۹۷۱

چندماه قبل مقامات اعلام کردند که در حال مصادره مناطق وسیعی از زمینهای اعراب در حومه «بیرجلا» و «شارفت» می‌باشند. برطبق یک طرح جدید اسرائیلی، مناطق فوق در قلمرو شهرداری بیت المقدس قرار خواهد گرفت. صاحبان این زمینها دستور مصادره را قبول نکردند. دو روز قبل مقامات بزور صاحبان زمین را از آنجا بیرون انداختند و طرحهای ساختمانی را به روی آن مناطق آغاز کردند. برخلاف رویه قانونی، مقامات از دادگاه مرکزی دستوری برای این کار نداشتند.

الاتحاد، ۵ مارس ۱۹۷۱

«توفیق تویی» در یک جلسه کنست (پارلمان اسرائیل) مسأله نابودی چهارخانه را زیر مراقبت شدید پلیس در دهکده «عین الاسد» مطرح ساخت. وزیر کشاورزی ادعا کرد که خراب کردن خانه‌ها بر اساس دستور دادگاه بوده است و «فایز سلیمه» مالک قانونی خانه‌ها این دستور را گرفته بود.

الاتحاد، ۵ مارس ۱۹۷۱

اینطور برمی‌آید که دستور ویرانی حدود ۲۰ خانه نیمه‌مخروبه یا نیمه‌ویران در بیت المقدس، که به توصیه نیروهای امنیتی و پلیس برای سلامت امنیت شهر خطرناک به حساب می‌آمد، صادر شده است. گرچه تعدادی از آنان مستأجران غیر مجاز داشت، اما خانه‌های مزبور غیر مسکونی قلمداد گردید. اعراب منطقه اظهار می‌دارند خانه‌های مزبور بدین خاطر ویران گردید که یک خطر امنیتی به حساب می‌آمد. خانه‌ها در بالای محل یک طرح توسعه مسکن قرار داشت که دولت می‌خواست برای ...، ۱ خانواده یهودی آن را به اجرا درآورد.

تایمز، ۲۵ مارس ۱۹۷۱

نیروهای امنیتی دوخانه را در شب ۲۳ مارس، در دهکده‌ای نزدیک جنین منفجر کردند. صاحبان آن خانه دو ماه قبل، به جرم همکاری با سازمانهای کماندویی دستگیر شدند. نیروهای اسرائیلی دوازده خانه دیگر را از ژانویه گذشته منفجر کردند، خانه‌ها متعلق به افرادی بود که در همان زمان دستگیر شدند.

النهار، ۲۵ مارس ۱۹۷۱

منابع عرب در نابلس و جنین گزارش دادند که دوخانه متعلق به کماندوهای عرب توسط نیروهای امنیتی اسرائیل در ساحل غربی اشغالی، منفجر شد. یکی از خانه‌ها چهار اتاقه و در «سیلت الظهر» نزدیک جنین و خانه دیگر، شش اتاقه و در «التسیر القبلیه» قرار داشت.

خانه دیگری که متعلق به کماندوها بود، در اواخر هفته گذشته در «کفر قلیل» نزدیک نابلس منفجر شد. منابع مزبور گفتند که به دنبال ویران شدن ۱۵ خانه متعلق به اعضای شبکه کماندویی «الفتح» در دهکده‌های مختلف، در ماه گذشته هیأتی از سران دهکده تشکیل شد و خواهان ملاقات با «موشه دایان» وزیر دفاع گردید. منابع عرب اظهار داشتند که نیروهای امنیتی اسرائیل تعدادی از خانه‌ها را در دوروز گذشته ویران کرده‌اند.

دیلی‌استار، ۳۰ مارس ۱۹۷۱

بولدوزرهای اسرائیلی بیش از ۳۰ خانه در اطراف مسجد دهکده عربی قدیمی «نبی ساموئل» را ویران کردند، تا اجرای طرحهای پرسروصدای خانه‌سازی برای مهاجران یهودی در تپه‌های «جودین» در خارج بیت المقدس را شروع کنند. حداقل دو نماینده کنسولی از دولت که به طرحهای ساختمان‌سازی اسرائیلی در مناطق اشغالی جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷، انتقاد شدید داشتند، از محل راه‌بندان برگردانده شده و از مشاهده آثار ویرانی محروم گردیدند. چهار خانواده عرب که هنوز در خانه‌های روستایی محقر زندگی می‌کنند، توسط ارتش از خانه‌ها بیرون انداخته شدند. حتی به مردم محل نیز هیچ‌گونه اخطار قبلی درباره خراب شدن خانه‌ها داده نشد. یک کشاورز در پایین جاده گفت: «سربازان درست در ساعت ۵ صبح روز دوشنبه وارد شدند.»

انترناشنال هرالدریون، اول آوریل ۱۹۷۱

النهار، روزنامه لبنانی در یک مقاله طولانی سیاست یهودی-کردن بیت المقدس از سوی اسرائیل را مورد بررسی قرار داد.

معارب و در ۱ ژانویه ۱۹۷۱ نوشت که مقامات اسرائیلی ۱۴۰۰۰

هکتار زمین را در حومه بیت المقدس شرقی مصادره کردند. اوایل هفته گذشته بولدوزرهای اسرائیلی تمام خانه‌های اعراب در دهکده نبی ساموئل را، به عنوان یک گام مقدماتی برای ساختن یک حومه یهودی در اطراف بیت المقدس - به نام راموت - که برای ده هزار خانواده یهودی خانه تهیه می‌کند، ویران کردند. اعلامیه رسمی که در «گازته» (روزنامه رسمی) اسرائیل - در هبرون - در ۳۰ اوت ۱۹۷۰ توسط وزیر دارایی «پیناس ساپیر» امضاء شد، براین دلالت می‌کند که اسرائیلیها ۴۷ هکتار زمین را در «بیت حنیتا» نزدیک اردوی «بنی یعقوب»، و ۴۸۴ هکتار از زمینهای غربی «بیت حنیتا» و منطقه «بنی ساموئل»، ۱۲۰۰ هکتار در بخش «قلندیا» نزدیک فرودگاه بیت المقدس، ۲۲۴۰ هکتار از «کوه المکبرو» دهکده «سورباهر»، ۲۷۰۰ هکتار از دهکده «بیت صفا»، ۱۰۰ هکتار در امتداد دیوارهای بیت المقدس، ۱۳۰ هکتار در محله «برکت السلطان» به طرف غرب دیوار را، تصرف کرده‌اند.

در ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ «هائارتز» ذکر کرد، در حالی که کمپانیهای اسرائیلی بیش از ۵۰۰ واحد مسکونی در قسمتهای مختلف شهر می‌سازند، وزارت مسکن ۳۰۰۰ واحد مسکونی را در شرق بیت المقدس در دست ساختمان دارد. انتظار می‌رفت که تا پایان سال ۱۹۷۰، ساختن ۶۹۸ واحد در «رمات اشکول» تکمیل شود، و این در حالی بود که ۱۵۰ واحد در «مونت اسکوپس» و ۱۲ ساختمان در «کرم لوئیس» در دست ساختمان قرار داشت.

در ۱۳ دسامبر ۱۹۷۰، روزنامه «معاریو» نوشت که به گفته رئیس کل وزارت مسکن اسرائیل ساختن ۳۳۰۰ واحد ساختمانی در زمین مصادره‌ای اعراب، در حومه بیت المقدس، در ۱۹۷۱ تکمیل خواهد شد. هائارتز در ۲۵ نوامبر ۱۹۷۰، ذکر کرد که ۱۷۲ خانه در محله

یهودی در حال ساختن است، و خانه‌های بیشتری برای آینده نزدیک طرح‌ریزی شده است، و این در حالی است که تاکنون ۳۰۰۰ نفر از اعراب داخل دیوارهای شهر تبعید شدند.

دره ژانویه ۱۹۷۱، هائارتز همچنین ذکر کرد که تنها ۲۰۰ خانواده عرب در محله یهودی باقی مانده‌اند، و تلاشهایی در دست انجام است تا همه آنها را از آنجا بیرون کنند. اخیراً ۵ فروشگاه تخریب و ۳۰۰ ساکن عرب از آن محله اخراج شده‌اند.

النهار، ۹ آوریل ۱۹۷۱

روزنامه الدفا، چاپ عمان اعلام کرد که برطبق گفته یک منبع محلی «مقامات اشغالگر، خانه‌های چهار ساکن دهکده «التسیره القبلیه» (در منطقه نابلس) در کرانه باختری اشغالی» را با دینامیت منفجر کردند. روزنامه مزبور دلیل این ویرانسازی را ذکر نکرد.

لااورینت لوزور، ۷ مه ۱۹۷۱

به گفته منابع عرب نیروهای امنیتی اسرائیل دو خانه را منفجر نمودند، و در خانه دیگری را در کرانه باختری تحت اشغال اسرائیل، تخته کردند. آنها گفتند که دو خانه متعلق به اعراب متهم به فعالیت‌های کماندویی، در دهکده «بنک الهطب» نزدیک نابلس، ویران شد. درها و پنجره‌های خانه سوم را نیز با بتن بستند.

دیلی‌استار، ۱۵ مه ۱۹۷۱

چهار خانه دیگر در منطقه جنین توسط نیروهای امنیتی اسرائیلی به دنبال دستگیری ساکنان آن خانه‌ها، به اتهام فعالیت‌های تروریستی، منفجر شد. چهار خانه — سه تا در جنین و یکی در نزدیکی کبتیه — جزو دسته خانه‌های دیگر بود که پس از برچیدن یک شبکه تروریستی در منطقه، در ۶ هفته قبل برای ویرانسازی علامت گذاری شده بود. آقای «حسنی السوکی» شهردار جنین و عضو مختارهای دهکده‌هایی

که خانه‌ها در آن علامت‌گذاری شده بود، از وزیر دفاع خواسته است تا جلوی ویرانیهای بیشتر را بگیرد. آنها ادعا کردند که در اغلب موارد تروریستها فقط مستأجر بوده‌اند و صاحبان خانه‌ها مجازات شده‌اند. احتمالاً به تقاضای مزبور رسیدگی نخواهد شد.

جرزاله‌پست، ۱۸ مه ۱۹۷۱

آقای «روحي الخطيب» شهردار تبعیدی بیت‌المقدس غربی، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در ۹ مه در عمان، مقامات اسرائیل را متهم کرد که «سیاست یهودی کردن و اخراج ساکنان عرب در بیت‌المقدس هنوز ادامه دارد، و بدین ترتیب به قطعنامه‌های سازمان ملل بی‌اعتنایی می‌شود.» کنفرانس مطبوعاتی برای تغییربیانیه «تدی کولک» که می‌گفت از سال ۱۹۶۷، ۴۰۰۰ عرب از محله یهودی تبعید شده‌اند، برگزار شد. الخطیب گفت که ۶۵۰ نفر از این ۴۰۰۰ نفر، در طی اولین هفته اشغال اسرائیل، به‌هنگامی که بولدورهای نظامی ۱۳۵ ساختمان را با اموال داخل آن نابود کردند، بدون ملک شدند. او اضافه کرد که بیش از ۲۱۵ ساختمان وقفی در محلات عربی نزدیک محله یهودی و «دیوار ندبه» (دیواری است در حرم‌الشریف در جوار مسجد الاقصی) ویران شده است. او اشاره کرد که سیاست مصادره، محله «المقربه» و محله «الشرف» و بخش بزرگی از محله «باب‌السلسله» و بخشهایی از محله‌های «سریانیه» و «ارمنیان» به‌اضافه تمام اموال عرب در محله یهودی را (شامل ۷۰۰ ساختمان، که ۱۰۵ تای آن متعلق به یهودیان و ۵۹۵ ساختمان بقیه متعلق به اعراب و مسلمانان بود) در برمی‌گرفت. او مقامات اسرائیلی را به‌ادامه یک طرح توسعه طلبانه برای یهودی کردن تمام بیت‌المقدس و گسترش مرزهای آن متهم کرد. بر اساس این طرح رام‌الله در شمال و بیت‌الحم در جنوب بیت‌المقدس واقع می‌شود و مساحت آن نیز ۸ برابر منطقه سال ۱۹۶۷،

و جمعیت آن حدود ۶۰۰،۰۰۰ نفر می‌گردد. نیروهای اشغالگر حدود ۱۷،۰۰۰ هکتار از زمینهای اعراب بیت‌المقدس را به تملک خود درآورده و ۱۰،۰۰۰ عرب را مجبور کردند تا در نتیجه عملیات ترور و تعقیب، یا به کشورهای دیگر پناهنده شوند.

النهار، ۲۰ مه ۱۹۷۱

خشونت بارترین سیاست نظامی، ادامه سیاست انفجار خانه‌هایی است که چریکها در آن زندگی می‌کرده، و یا هنوز از آن استفاده می‌کنند. خشونت وقتی مورد تأکید قرار گرفت که یک فرد مورد سوءظن پس از اینکه بیگناه تشخیص داده شد، پس از آزادی‌اش در خانه ویران شده سکونت گزید. اخیراً وقتی که صاحب یک خانه ویران شده، شهرداریت ساهور از کار درآمد، گرفتاری مخصوصی پیش آمد. اعراب با خشم زیاد از «مجازات و تنبیه دستجمعی» شکایت می‌کردند.

گاردین، ۶ ژوئن ۱۹۷۱

به مناسبت چهارمین سالگرد جنگ شش‌روزه، روزنامه‌النهار لیست تمام ویرانیهای وارده توسط اسرائیل در کرانه باختری را از مقامات اردن خواستار شد. در زیر ارقام مزبور آمده است.

انهدام دستجمعی:

نابلس: ۳۶ خانه در ۱۹۶۷ بعد از جنگ ژوئن منفجر شد.
دهکده بدرس: در ۹ ژوئن ۱۹۶۷، اغلب خانه‌ها (حدود ۵۰ خانه) منفجر گردید.

بیت‌المقدس: محله‌های باب‌الاسیات، باب‌حطه، حرات‌السعدیه، عقبه‌درویش، المقربه، و محله‌های یهودی و منطقه وسیعی از دیوار

غربی در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۷ همگی ویران شدند.

دهکده زیتا: در ۱۸ ژوئن ۱۹۶۷ قسمت بزرگی از خانه‌های آن (۹ خانه) ویران گردید.

دهکده یعبد: در ۱۸ ژوئن ۱۹۶۷ بخش شمالی دهکده ویران شد.

دهکده بیت‌آور: در ۲۱ ژوئن ۱۹۶۷ کاملاً ویران شد.

بیربسام: در ۲۱ ژوئن ۱۹۶۷ کاملاً ویران شد.

خربت‌السکه، سوریف، ازنا، بیت‌اولا: در ۲۱ ژوئن ۱۹۶۷ کاملاً ویران گردیدند.

حباله: قسمت زیادی از آن ویران شد.

عمواس، بیت‌سیره، یالو، بیت‌نویه: کاملاً خراب شد و مردمش در ۲۵ ژوئن ۱۹۶۷ اخراج شدند.

الطیبه: در ۲۵ ژوئن ۱۹۶۷ سی خانه ویران گردید.

تمام دهکده‌های نزدیک خط «شارکه» در نزدیک «قلقیلیه» و «باب‌الواد» در ۲۵ ژوئن ۱۹۶۷ کاملاً خراب شد.

دهکده‌البرج: در ۲۸ ژوئن ۱۹۶۷ کاملاً درهم کوبیده شد.

دهکده‌الار: در ۳۰ ژوئن ۱۹۶۷ بیست‌خانه منفجر شد.

الشیوخ (هبرون): در ۱۲ نوامبر ۱۹۶۷ منفجر گردید.

تمام خانه‌های منطقه بین «عینی‌البیده» و «مخاضه‌ام‌السوس»، و بین ایستگاه «الشاکیه» و «رود اردن» در ۱۳ نوامبر منفجر گردید.

دهکده کفرقدوم: در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ ده خانه منفجر شد.

دهکده‌های «مرج‌نعجه» و «المخروق»: در ۲۶ نوامبر ۱۹۶۷ تمام خانه‌های کشاورزان منفجر گردید.

النصیرات (العوجه—جریکو): در ۶ دسامبر ۱۹۶۷ تمام خانه‌ها منفجر گردید و مردم آن تبعید شدند.

قلیلیه: بین ۹ و ۱۵ ژوئن ۱۹۶۷، ۱۸۷ خانه ویران گردید و ۱۵۳ خانه درهم کوبیده شد.

الطل الحمر والعمیری: ۳۰۰ خانه در یک زمان منفجر گردید.

حاحول: ۴ خانه منفجر گردید.

بیت فجار و بیت اللحم: در ۹ دسامبر ۱۹۶۹، ۱۴۰ خانه ویران گردید.

بیت المقدس: در ۱۶ ژوئن، ۱۴ خانه نزدیک دیوار ندبه، و ۱۲ خانه در «سلواد» منفجر گردید.

دهکده عوجه: در ۱۳ فوریه ۱۹۷۰، ۳۰ خانه منفجر گردید.

اردوی البراعی: ۴۵۰ واحد مسکونی در ۱۴ ژانویه ۱۹۷۰، منفجر گردید.

موج النعجه: ۱۰۰ واحد مسکونی در ۱۹ ژوئن ۱۹۷۰ منفجر گردید.

کفرازیون: در ۲۸ مارس ۱۹۷۰، پانزده خانه منفجر گردید.

السیرت الجباله: ۱۵ خانه در ۲۸ مارس ۱۹۷۰ منفجر گردید.

«نبی ساموئل» و بیت الکمه: ۳۰ خانه در ۲۸ مارس ۱۹۷۰ منفجر گردید.

انهدام انفرادی؛

نابلس: مقامات اسرائیلی نام ۲۱۷ نفر را که خانه‌های آنان در محدوده‌های شهرداری منفجر شد منتشر کردند. ۱،۲۰۰ خانه و واحدهای مسکونی خارج از محدوده‌های شهرداری در دهکده‌های مجاور منفجر گردید.

جنین: ۲۵ خانه در داخل شهر و ۲۱۳ خانه در دهکده‌های مجاور منفجر شد.

قلقیلیه و طولکرم: ۸۵۲ خانه در دو منطقه مجاور که ۱۸۷ عدد آنها در قلقیلیه است، ویران شد و ۱۵۳ تای آنها برای زندگی نامناسب گردید.

البیره و رام الله: ۳۳ خانه در محدوده های شهرداری و... خانه در مناطق مجاور منفجر گردید.

بیت المقدس: ۳۰۰ خانه در شهر قدیمی و ۳۵۴ خانه در مناطق مجاور منفجر شد.

حدود ۵۰۰ واحد مسکونی در اردوگاه های پناهندگی، و خانه های کوچک کشاورزان در منطقه القور بدون ذکر نام صاحبان آنها منفجر شد. تعداد خانه های منفجر شده در کرانه باختری به ۳،۶۳۹ و ۱،۵۰۰ واحد مسکونی رسید. تعداد تقریبی خانه های منفجر شده در غزه به ۲،۵۰۰ می رسد.

مصادره اموال:

بیت المقدس: ۱۴،۰۰۰ هکتار تا سال ۱۹۷۰.

کفرا تزارون: ۳،۰۰۰ هکتار.

لاترون: ۳،۰۰۰ هکتار.

هبرون: بخش های بزرگی از شهر برای تأسیس یک محله صنعتی

یهودی مصادره شد.

النهار، ۷ ژوئن ۱۹۷۱

تئودور روسی، اسقف ارتدوکس یونانی عمان، اسرائیل را متهم کرد که به کلیسا های بخش شرقی بیت المقدس بی حرمتی کرده است. او یکی از پنج شاهی بود که در یک جلسه کمیته بررسی سازمان ملل اتهامات وارد بر اسرائیل در مورد «تخلفات از حقوق بشر در سرزمین های اشغالی» را تصدیق کرد. او یک سرباز اسرائیل را متهم

کرد که اخیراً به کلیسای اسپولچر مقدس وارد شده و شمعدانها و نقاشیهای مذهبی در قبر مسیح را بهم ریخته، و به مسیح توهین کرده است. او اضافه کرد که مقامات اسرائیلی ادعا کرده اند که شخص مزبور دیوانه بوده است. آنها در رابطه با مردی که مسجد الاقصی را به آتش کشید همین ادعا را کردند. اسقف مزبور گفت که جوانان دختر و پسر یهودی وارد کلیساها شدند و اعمالی انجام دادند که گویی در یک مشروب فروشی هستند.

جرزالم پست، ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۱

چند روز قبل مقامات، خانه مصطفیٰ سحر را در بیت المقدس عربی، در حالی که خود وی در زندان کفریونا تحت بازجویی بسر می برد، ویران کردند. اتهام وی عضویت در سازمانهای کماندویی و شرکت در فعالیت های خصمانه است. محله ابودیس به خاطر ویران شدن جمعی خانه های آن، از دو سال قبل، معروف است.

الاتحاد، ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۱

صدها زن عرب در ۲۸ ژوئیه در غزه در خارج دفتر آژانس امداد سازمان ملل، در اعتراض به طرح های اسرائیلیها برای تبعید تعدادی از خانواده ها از اردوگاه جبلیه به بخشهای دیگر نوار غزه، دست به تظاهرات زدند. مقامات اسرائیلی به این خانواده ها تذکر داده اند که خانه های آنها برای ساختن جاده های وسیع در اردوی ۳۵۰۰ نفری، ویران خواهد شد.

النهار، ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۱

رادیو اسرائیل با ژنرال «شلومو گازیت»، هماهنگ کننده سرزمینهای اشغال شده توسط اسرائیل، در مورد تخلیه و عملیات ویرانسازی در اردوگاههای غزه مصاحبه کرد. او ادعا کرد که ۲۵۰

خانه در اردوگاه ویران شده و ۱،۵۰۰ نفر اخراج شدند.

دیلی استار، اول اوت ۱۹۷۱

دیلی استار از غزه گزارش داد که: اسرائیلیها به ویران کردن خانه‌ها در اردوگاه پناهندگی «جبلیه» برای ساختن جاده‌ای امنیتی ادامه دادند. ساکنان اخراج شده از خانه‌ها، درجا‌های دیگر نوار غزه در العریش در شمال صحرای سینا و در کرانه باختری اشغالی اردن، استقرار داده شده‌اند.

ایجاد یک کمربند بهداشتی به طول ۳ مایل در اطراف اردوگاه به اتمام رسید. بخشی از این نوار (کمربند) در نهایت سنگفرش خواهد شد و سه تا چهار مایل دیگر جاده‌ها، در داخل اردوگاه درست در شمال شهر غزه، پالک‌سازی خواهد گردید.

دیلی استار، ۴ اوت ۱۹۷۱

آقای «جان پیرمانور، معاون دبیر کل صلیب سرخ بین‌المللی» ادعا کرد که اسرائیل تقاضای صلیب سرخ را برای توقف تبعید ساکنان از سرزمینهای تحت اداره و ویران کردن خانه‌های خرابکاران، نادیده گرفته است. وی همچنین شکایت کرد که اسرائیل به نمایندگان وی اجازه نداده است با خرابکاران به هنگام بازجویی آنها از سوی نیروهای امنیتی اسرائیل، ملاقات کنند. تمام اینها، تخلف از ماده چهار مربوط به رفتار با غیر نظامیان در سرزمینهای تحت اداره نظامی می‌باشد.

جرزاله پست، ۲۹ اوت ۱۹۷۱

اوتانت دبیر کل سازمان ملل، طی گزارشی به مجمع عمومی در ۱ اکتبر، گفت که حدود ۱،۵۰۰ پناهنده عرب در نتیجه ویران شدن خانه‌هایشان در اردوگاههای نوار غزه از سوی اسرائیلیها، بی‌خانمان شده‌اند. گزارش مزبور را «لاورنس میشل مور» کمیسر آژانس امداد

سازمان ملل تهیه کرده بود.

جرزالم پست، ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۱

مقامات، اخیراً دو خانه چوبی را در دهکده غابول (در جلیله غربی) که متعلق به «خلیل محمد الشوقی» است ویران کردند و زن‌ها و بچه‌های دو خانواده را بدون خانه رها نمودند. مقامات ادعا می‌کنند که این دو خانه در زمین اداره «ارتز اسرائیل» قرار دارد. خبرنگار ما در جلیله تذکر داد که این عمل، یک گام در مبارزه سازمان یافته‌ای است که هدفش تبعید پناهندگان دهکده‌های «میعار» و «دامون» می‌باشد، زیرا آنها از تسلیم زمین‌هایشان خودداری کردند.

یک نیروی بزرگ پلیس با بولدوزرها و یک هلی کوپتر به خانه‌های عرب «السواعید» نزدیک شدند و دو خانه متعلق به خانواده‌های «محمد حسین قاسم» و «سالف حافظ علی» را ویران کردند. بدین ترتیب دو خانواده مزبور را در حالی که زمستان نزدیک می‌شود، بدون خانه رها نمودند. طبق معمول، بهانه مقامات این بود که ساختمانها بدون مجوز بوده‌اند. اما این عمل، برداشتن یک گام در پروسه دراز مدتی است که به سال ۱۹۶۷ که مقامات اسرائیلی طرح تجاوزطلبانه خود برای تبعید ساکنان عرب السواعید از موطنشان را شروع کردند باز می‌گردد. آنها همچنین دهکده را از داشتن یک مدرسه و بسیاری خدمات عمومی دیگر، محروم کردند.

الاتحاد، ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۱

اسرائیل قطعنامه هیأت اجرایی یونسکو را، برای تأمین یک مرکز یونسکو در شرق بیت المقدس، به منظور حفظ مکانهای فرهنگی و تاریخی شهر، رد کرد.

جرزالم پست، ۲۴ اکتبر ۱۹۷۱

در ماه نوامبر به «عیسی نخله»، رئیس هیأت نمایندگی فلسطینی

در نیویورک، اجازه داده شد تا در کمیته ویژه سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل متحد صحبت کند. او گزارش «آژانس امداد سازمان ملل» را، دایر بر ویران شدن حدود ۳۱،۶ اتاق ساخته شده توسط آژانس، و حدود ۲۰۰ اتاق ساخته شده توسط افراد را در طی ماههای ژوئیه و اوت، در کمیته مزبور بازگو کرد.

جرزالم پست، ۱۹ نوامبر ۱۹۷۱

کاردینال استفانو، اسقف بزرگ قبطی، اسرائیل را متهم کرد که عمداً در دهم دسامبر ۱۹۷۱ در تپه‌های «مونت سینا» به روی صومعه ارتدوکس یونانی «ستاکاترینا» آتش گشوده است. وی گفت که شلیک گلوله برای این شروع شد تا شرایط را به‌رای دزدیدن مجموعه‌های گران قیمت صومعه آماده کنند. ساختمانهای صومعه در محل سنتی «بوته مشتعل» - جایی که خدا به حضرت موسی وحی کرد - قرار گرفته‌اند.

انترناشنال هرالدریون، ۲ دسامبر ۱۹۷۱

نیروهای اسرائیلی در شب ۲۱ دسامبر ۱۹۷۱، به «بلیده» در بخش «مرجعیون» در جنوب لبنان، حمله‌ور شدند و دو خانه را منفجر کرده و دو خانه دیگر را نیز چپاول نمودند... سربازان اسرائیلی با لگد در خانه‌ها می‌کوبیدند و به ساکنان دستور می‌دادند که از خانه‌ها خارج شوند و سپس آنها را در محلی حدود ۲۰۰ متری شهر گرد آوردند. بعد از آن اسرائیلیها خانه‌ها را با مبلان و دیگر ائاثه داخل آن منفجر کردند.

دیلی‌استار، ۲۲ دسامبر ۱۹۷۱

ساختمان شهر قدیم، در مجاورت «معبد مونت» که پنج خانواده عرب در آن ساکن هستند، در طی حفر یک تونل توسط وزارت امور

مذهبی، در شمال قسمت غربی منطقه «دیوار ندبه»، منهدم شد. اداره مهندسی شهرداری اعلام کرد که ساختمان در معرض سقوط است و دستور تخلیه آن را صادر نمود.

حرکت مزبور به دستور «بنوسی» مسئول امور شهرداری بیت المقدس شرقی، که به حفظ ساختمان مذکور اصرار می کرد، متوقف شد.

جرزالم هست، ۲۷ دسامبر ۱۹۷۱

آقای روحی الخطیب، شهردار برکنار شده بیت المقدس عربی، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در عمان بار دیگر خطرات ناشی از حفاریهای منطقه «الحرم الشریف» را که صدها ساختمان درون و بیرون منطقه را تهدید می کند یادآور شد. او به این مسأله اشاره کرد که این حفاریها که هدف آن (بظاهر) بیرون آوردن بخشهای غربی دیوار ندبه و خرابه های معبد یهودی از زیر خاک است، در واقع به منظور نابود کردن مکانهای فرهنگی اسلامی در شهر مقدس، برنامه ریزی شده است.

النهار، ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱

د: افشاگریهای بیشتر

بولدوزهای زرد در همه جای سرزمینهای اشغالی سنگها را زیرورو کرده و یا زمینها را عریض و یکراست می کنند. گفته می شود که اسرائیل بیشتر از سایر کشورها دارای بولدوزر می باشد. شهر قنیه که زمانی دارای یک جمعیت ۲۰۰۰ نفری بود، اکنون فقط ۳۰۰ نفر ساکن دارد که اغلب آنها اعضای کیبوتصهای اسرائیلی می باشند که یک قهوه فروشی را می گردانند. دهکده های کوچکترویه

توسط بولدوزرها در حال ویران شدن می‌باشند. در امتداد مرز اردن، دولت یک کمربند از آبادیهای شبه نظامی تأسیس کرده است. در مجاورت «مصادره» سه هتل وجود دارد، و در کنار بحرالमित ساختمان هتل پان‌امریکن در عرض ۳ ماه تمام خواهد شد. جاده جریکو به ایلات، تقریباً در حال اتمام است و متلهای جدید در کناره آن احداث شده و هیپوها سواحل آن را اشغال کرده و به عیاشی مشغول هستند.

در شرم‌الشیخ کارهای مقدماتی برای ساختن یک مرکز دیگر توریستی فراهم شده است. تلاش بسیار عظیمی که صرف شده است، نمی‌تواند هدفی جز حضور دائمی اسرائیل در سمت غربی خلیج عقبه داشته باشد.

تایم، ۴ ژانویه ۱۹۷۱

بزودی یک دهکده کاملاً غیر نظامی اسرائیلی در نزدیک رفح، بین شبه‌جزیره سینا و نوار غزه، تأسیس خواهد شد. قبلاً نیز سه‌اسکان شبه نظامی در این منطقه ساخته شده است. یک ماه قبل، مقامات نظامی اسرائیل تأسیس یک «موشاو» (دهکده تعاونی که اعضایش در سودها سهیم هستند) در دره اردن در سرزمینهای اشغالی را اعلام کردند.

لوموند، ۴ ژانویه ۱۹۷۰

شورای مسلمانان بیت‌المقدس به طرحهای دولت اسرائیل برای ایجاد واحدهای مسکونی در «نبی‌ساموئل» در بخش غربی شهر شدیداً حمله کرد. طرح ساختمانی دولت چند هفته قبل از جانب معماران یهودی و اعضای شورای زیباسازی اسرائیل در یک اجتماع عمومی مورد انتقاد قرار گرفت. اعلامیه شورای مسلمانان از دولت اسرائیل خواست، تا طرحهایی را که به منظور پشتیبانی از راه حل انضمام تجاوزگرانه یک طرفه مقامات اشغالگریخته شده، کنار بگذارد.

تایمز، ۷ ژانویه ۱۹۷۱

مصر و اردن، طی ارسال یک نامه مشترك به اوتانت دیرکل سازمان ملل، اسرائیل را متهم به انجام اقدامات غیر قانونی برای تغییر کاراکتر (وضع) سرزمینهای عرب کردند. در نامه مزبور آمده بود که اسرائیل نقشه دارد تا حدود ۲۰۰،۰۰۰ یهودی را در ۵ سال آینده در بیت المقدس امکان بدهد.

دیلی استار، ۱۰ ژانویه ۱۹۷۱

ژنرال موشه دایان گفت که دولت اسرائیل می تواند نوار غزه را «اسرائیلی» کند. این عمل می تواند از طریق یک تلاش اقتصادی طولانی مدت برای حاصل خیز کردن آن زمین به انجام برسد. دایان افزود که ما قادر هستیم پناهندگان را به شهروندان کاملاً مناسب تبدیل کنیم «ما باید اسکانهای یهودی نشین در نوار غزه تأسیس کنیم و آنها را در آنجا گردآورده و به آنها شغل بدهیم و تابعیت (شهروندی) اسرائیلی را به کسانی که آن را می خواهند، اعطاء کنیم».

این سخنان به یک طرح طولانی مدت، که کمی فاش شده، برای تخلیه تدریجی اردوگاههای پناهندگی تحت اشغال اسرائیل، از طریق ایجاد مشکلات اقتصادی اشاره می کند.

گاردین، ۱۱ ژانویه ۱۹۷۱

تعداد بسیار زیادی از اسرائیلیها در مورد مقاصد سیاسی طرح دولت برای ایجاد یک قوس از اسکانهای اسرائیلی در اطراف شهر (بیت المقدس) به منظور رساندن جمعیت اسرائیلی شهر به ۲۰۰،۰۰۰ نفر در طی ۵ سال آینده اظهار نگرانی می کنند. هدف مزبور که رهبران اسرائیل تلاشی برای اختفای آن انجام نداده اند، حقایقی را درباره انضمام بیت المقدس عربی از سوی اسرائیل، برخلاف قطعنامه های سازمان ملل، روشن می کند.

انترناشنال هرالد تریبون، سرمقاله نیویورک تایمز، ۱۶ تا ۱۸ ژانویه ۱۹۷۱

آژانس یهود سال گذشته یک طرح برای ایجاد یک جمعیت ...، نفری در بلندیهای جولان و ساختن یک «شهر جولان» را اعلام کرد. اولین مرحله ه ساله، ۳۰۰ مهاجر را اسکان می دهد. در هبرون ساختن یک اسکان یهودی نشین روی تپه ای نزدیک شهر آغاز شده است.

تایمز، ۱۸ ژانویه ۱۹۷۱

تلاش اسرائیل برای یهودی کردن بیت المقدس مواجه با مقاومت فزاینده ای می شود. اعتراضات به ایجاد تغییرات در کاراکتر قومی و شهری بیت المقدس نه تنها از جانب اعراب متخاصم با اسرائیل، بلکه از جانب دیگر غریبهای دوست و، حتی بعضی از لیبرالهای اسرائیلی، در حال آشکار شدن است.

این مسأله، اخیراً با معرفی طرحهایی به شورای شهرداری بیت المقدس، برای ساختن آپارتمانهای مرتفع تر در تپه های صخره ای اطراف بخش عربی شهر قدیمی، به اوج خود رسید. اما مباحثات و مجادلات شدیدتری پیرامون طرحی برای ساختن یک شهر جدید در «نبی ساموئل» در منطقه شمالی بیت المقدس وجود دارد. حدود ۱۰۰،۰۰۰ یهود، در نهایت در این آبادیها یا آبادیهای دیگر در بیت المقدس شرقی اسکان داده می شوند، و بدین ترتیب بیت المقدس به طور قاطعانه تری در چهار چوب دولت اسرائیل وارد شده و باعث تغییر دائمی کاراکتر معماری، قومی و سیاسی شهر مقدس خواهد گردید. امتیازات نظامی محاصره بیت المقدس عربی، بوسیله یک حلقه دفاعی وسیع از طرحهای خانه سازی یهودی، از نظر استراتژیستهای اسرائیلی بدور نمانده است.

نیوزویک، ۲۵ ژانویه ۱۹۷۱

در بلندیهای جولان که در جنگ ۱۹۶۷ از خاک سوریه به تصرف اسرائیل درآمده، یازده آبادی یهودی نشین تأسیس شده است،

که ۹ عدد آنها غیرنظامی می باشد.

دیلی استار، ۲۶ ژانویه ۱۹۷۱

گروهی از جوانان اسرائیلی، اخیراً به خانه های جدید در یک آبادی اشتراکی در صحرای سینای اشغالی، نقل مکان کردند. این آبادی در چند کیلومتری شهر رفح در نوار غزه قرار گرفته است. آنها این آبادی را «پیتات رفح» (دروازه رفح) می نامند. مهاجران مزبور، برعکس دیگر مهاجران مزارع جدید التاسیس در سرزمینهای اشغالی، غیرنظامی هستند. اردوگاههای ارتشی، قرار است وقتی به اهدافشان رسیدند، خلع سلاح گردند، و این به مفهوم این است که کشاورزان غیرنظامی به جای آنها باقی می مانند.

سه آبادی دیگر که همگی در این مرحله شبه نظامی هستند، (هر چند که قرار است دوتای آنها بعداً غیر نظامی شوند) در شمال صحرای سینا تأسیس شده است. در خود «شرم الشیخ» هتلها، مراکز نفت و دیگر مراکز خوشگذرانی توریستی در حال ساختن است. و آبادی دیگری در جاده جدید بین این پایگاه و ایلات بندر اسرائیل در بحر احمر، در دست طرح ریزی است.

در ساحل غربی اشغال شده، هفت آبادی جدید در دره اردن احداث شده است: که پنج تای آن شبه نظامی و دوتای آن غیر نظامی می باشد. دو آبادی دیگر نیز در نزدیک شهر عربی هبرون، و یک جامعه شهری یهودی در خود هبرون، که یک جامعه قبلی به مدت ده سال قبل از تأسیس دولت اسرائیل در آن می زیست، وجود دارد.

دیلی استار، ۲۶ ژانویه ۱۹۷۱

دانشگاه عبری طرحهایی را به منظور توسعه یک محوطه دانشگاهی به هزینه ۱۰۰ میلیون دلار در تپه مونت اسکوپس در بیت المقدس، طی ۶ سال آینده، اعلام کرد.

آقای یوسف هارپز، رئیس دانشگاه، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که کار شدید به روی تپه در سال جاری آغاز خواهد شد. علی رغم ظواهر امر، کار طاقت فرسایی که قبلاً انجام شد تنها یک مرحله مقدماتی برای یکی از عظیم ترین پروژه های ساختمانی است که تا کنون در این کشور ریخته شده است. در نهایت، انتظار می رود که یک سوم کارگران ساختمانی مناسب در بیت المقدس جذب این پروژه شوند.

محوطه دانشگاهی جدید، که در برگیرنده ۱۴۰۰ دانشجو تا سال ۱۹۷۶ می باشد، قرار است قسمتی از یک مجموعه عظیم ساختمانی باشد. که تمام بخشهای آن برای تشکیل یک ساختمان واحد که تقریباً تمام منطقه بالای تپه را می پوشاند، به هم متصل گردد. مجموعه فوق شامل دوسطح اصلی خواهد بود که چهار طبقه کوچکتر به روی آن ساخته شده و ۲۰۰،۰۰۰ متر مربع از فضای کف را می پوشاند.

بیشتر مساحت محوطه دانشگاهی در حاشیه پارک ملی بیت المقدس قرار خواهد گرفت. محوطه دانشگاهی فوق شامل دانشکده های علوم انسانی، علوم اجتماعی، حقوق و امور تربیتی و نیز اولین سال علوم طبیعی خواهد بود. محل مجموعه علوم در «گیوت رام» می باشد. دانشگاه عربی همچنین دارای یک محوطه دانشکده پزشکی در «عین کرم» و دانشکده کشاورزی در «رهووت» است. «تدی کولک» شهردار بیت المقدس، در ۲۸ ژانویه ۱۹۷۱ گفت که یک کمیته مشترك شهری - دولتی تشکیل خواهد شد تا طرح اصلی شهر را مورد بررسی قرار دهد... شهردار گفت که ۷۰ تا ۸۰ درصد ۱۴۰،۰۰۰ هکتار زمینی که در شهر به تملک شهرداری درآمده، متعلق به اعراب بوده است.

جرزاله پست، ۲۹ ژانویه ۱۹۷۱

«ناپتا» و «لاپیدوث» دو کمپانی اکتشاف نفت اسرائیل، در یک

کنفرانس مطبوعاتی در تل آویو اعلام کردند که قصد دارند در نوار غزه و منطقه بیت المقدس دست به حفاری برای اکتشاف نفت بزنند.

لادرینت لوژور، ۳ فوریه ۱۹۷۱

صحرای سینا از دلتا چندان دور نیست. هرچند که بسیاری از مردم هنوز آن را ندیده‌اند. سینا یک استان با ارزش است که از نظر زغال سنگ احتیاجات صنعت فولاد مصر و نیز نفت این کشور را تأمین می‌کند. گزارشات رسیده از صحرای سینا، مبنی بر حفاریهای اسرائیل از طریق ساختن جاده و آبادیهای جدید، نشان می‌دهد که اسرائیل کشوری نیست که آماده اجرای معامله — عقب نشینی از سرزمینهای اشغالی به خاطر صلح — بر طبق قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل باشد.

تایمز، ۴ فوریه ۱۹۷۱

بر طبق گزارشات واصله به عمان (پایتخت اردن)، مقامات اسرائیلی طرح ایجاد یک شهر را در مجاورت بیت المقدس ریخته‌اند. آنطور که از گزارشات مزبور برمی‌آید، شهر فوق قرار است به روی زمینهای اعراب در داخل و اطراف دهکده «نبی ساموئل»، حدود ده کیلومتری شمال غربی بیت المقدس ساخته شود.

این منطقه از حومه غربی بیت المقدس امتداد یافته و «نبی ساموئل» زیارتگاه تاریخی مسلمانان را احاطه می‌کند. تا کنون حدود ۲۰۰۰ هکتار از زمینهای اعراب به بهانه‌های مختلف تصرف شده و به وزارت مسکن اسرائیل برای ساختن واحدهای مسکونی برای یک جمعیت ۷۰۰۰ نفری تحویل گردیده است.

دیلی استار، ۴ فوریه ۱۹۷۱

روزنامه اردنی الدفاع، گفت که «کنست» اسرائیل بزودی قانون جدیدی، در رابطه با مکانهای متبرکه در بخش اشغالی اردنی بیت المقدس، خواهد گذراند. روزنامه مزبور به نقل از یک گزارش ویژه

از بیت المقدس، اظهار داشت، که طبق قانون فوق تنها مسجد الاقصی و گنبد صخره جزو بخشی از مکانهای متبرکه بحساب می آید، و دیگر قسمتهای تکمیل کننده این دو مکان متبرک بحساب نخواهد آمد.

روزنامه الدفاع می افزاید که، قانون مزبور به مقامات اسرائیلی اختیار می دهد تا در این قسمتهای تکمیل کننده، و زمینهای مربوط به آن، به این بهانه که اینها جزو مکانهای مقدس نیستند، دست به حفاری بزنند.

«هدف این کار اجرای یک طرح، به منظور تصرف این مناطق و انجام حفاریها برای یافتن معبد سلیمان (از زیر خاک) می باشد.»

دیلی استار، ۵ فوریه ۱۹۷۱

مطالعه دوساله پروفیسور «ساموئل.ان. ایستتات»، رئیس مدارس علوم اجتماعی دانشگاه برون و همکارش دکتر «یوهناپرز»، نشان می دهد که دبیرستانهای اسرائیلی «آشکارا برای نادیده گرفتن ارزشهای ملی عرب» تمایل نشان می دهند، و تأکید نامتناسبی به روی فرهنگ یهودی می نمایند. در این کتاب که «مطالعه ای در آموزش یک اقلیت ملی» نام دارد، ایستتات می گوید: «دبیرستانهای یهودی . ۴ در صد مطالعه تاریخی خود را به تاریخ یهود اختصاص می دهند و تنها . ۲ در صد مطالعه تاریخ عرب دارند. از دبیرستانهای غیرمذهبی یهودی دانش آموزان . ۶۴ ساعت دوره تحصیلات سالیانه خود را به مطالعه انجیل و سنتهای زبانی یهودی، بدون هیچ گونه ذکر از اسلام، اختصاص می دهند. از طرف دیگر، در دوران تحصیلی سالیانه دانش آموزان عرب، ۲۵۶ ساعت به مطالعه انجیل و مطالعات یهودی اختصاص داده می شود، و تنها . ۳ ساعت برای مطالعه قرآن گذاشته شده است.»

نیوزویک، ۸ فوریه ۱۹۷۱

ژنرال «مناخیم آویرام»، فرمانده نظامی غزه و شمال صحرای سینا، شورای شهر غزه را روز یکشنبه منحل کرد. شورای شهر در اعتراض به برکناری شهردار، توسط مقامات نظامی، به مدت ۶ هفته تشکیل جلسه نداده است. ژنرال آویرام یک افسر را منصوب کرده است تا وظیفه امور شهرداری را بعهده بگیرد.

لاورینت لوزور، ۱۵ فوریه ۱۹۷۱

روحي الخطيب شهردار تبعیدی بیت المقدس عربی، در یک یادداشت ویژه به وزیراردنی امور مذهبی مسلمین، شکایت کرد که «خاخام لیب هووینته»، سر خاخام سابق افریقای جنوبی، اخیراً نمازهای ویژه و مراسم مذهبی یهودی را در منطقه حرم (الحرم الشریف در بیت المقدس) و نزدیک در شمالی مسجدالاقصی برگزار کرده است.

به گفته وی، این نمازها احساسات مسلمانان را جریحه دار کرد و نمونه زنده پوچ بودن بیانیه های مکرر اسرائیل، مبنی بر محترم داشتن زیارتگاههای مقدس مذاهب دیگر را، نشان داد. یادداشت مزبور می افزاید که حفاریهای عمیق در پایین قسمت غربی دیوار ندبه، مسجدالاقصی را در معرض خرابی قرار داده است.

برخلاف اصول پذیرفته شده، مبنی بر حرمت تقدس مقبره ها، یک جاده شوسه از میان گورستان مسلمانان در دروازه صلیبیون کشیده شده است.

در حالی که مقامات اسرائیلی و سازمانهای جهانی یهود در شکایت علیه هر گونه تجاوز کوچک به گورستان یهودیان، در فلسطین یا جاهای دیگر جهان، از هیچ فرصت و اقدامی فروگذار نمی کنند، خطیب خواهان تسلیم یک شکایت فوری به شورای امنیت سازمان ملل علیه این تجاوزات اسرائیلیها گردید.

دبلی استار، ۱۶ فوریه ۱۹۷۱

زیوشارف، وزیر مسکن اسرائیل، اشاره کرد که ممکن است بر اثر اختلافی که بر سر طرحهای توسعه قسمتی از بخش سابق اردنی شهر، بین وزارت وی و شهرداری بیت المقدس بوجود آمده، استعفا بدهد.

موضوع مورد اختلاف طرح ساختن ۱۰۰۰ واحد مسکونی در زمین مصادره شده نزدیک تپه تاریخی «نبی ساموئل» می باشد.

بر طبق طرحهای اصلی خانه سازی، جمعیت یهودیان به ۲۷۵،۰۰۰ و اعراب به ۹۰،۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۵ خواهد رسید، که به گفته شارف درست مخالف جمعیت ۲۰۰،۰۰۰ نفری یهودیان و ۷۰،۰۰۰ نفری اعراب در حال حاضر خواهد بود.

شارف افزود: تمام مصادره های زمینهای اعراب با اطلاع کامل کولک شهردار شهر، صورت گرفته است. طرحهای عمومی برای توسعه بیت المقدس شدیداً از سوی معماران بین الملل، و شورای زیباسازی اسرائیلی مورد انتقاد قرار گرفت.

دبلی استار، ۱۶ فوریه ۱۹۷۱

اولین خط مستقیم از ایلات به شرم الشیخ، از طریق راه ساحلی جدید، در ۱۷ فوریه افتتاح شد. تصمیم افتتاح در حالی اتخاذ شد که جاده هنوز به اتمام نرسیده، و دکترا «یارینگ» قصد دارد شرم الشیخ را به مصر باز پس دهد. ناظران می گویند این حادثه نشانگر تصمیم اسرائیل برای ادامه اشغال شرم الشیخ است.

لااورینت لوزور، ۱۸ فوریه ۱۹۷۱

دولت اسرائیل امروز تصمیم گرفت تعداد دهکده های بلندیهای جولان را تا تابستان ۱۹۷۲، از ۱۲ به ۱۷ برساند و جمعیت کنونی را نیز تا همان تاریخ به دو برابر افزایش دهد.

لااورینت لوزور، ۱۸ فوریه ۱۹۷۱

«تدی کولک» شهردار بیت المقدس شب گذشته گفت، که

حق اسرائیل برای ساختن طرحهای توسعه خانهسازی در سرزمینهای تحت اداره اش در اطراف بیت المقدس، «حتی غیرقابل تزلزل است.»
شهردار، گرچه جنبه های طرح ریزی چهار پروژه پرسروصدای خانه سازی جدید را که توسط وزارت مسکن اسرائیل اعلام شد، مورد انتقاد قرار داده، اما پیشنهادات وزارت خارجه امریکا را که خواهان توقف پروژه ها به نفع صلح بین اسرائیل و همسایگان عرب آن کشور می باشد، رد کرده است.

انترناشنال هرالد تریبون، ۱۸ فوریه ۱۹۷۱

شهرداری بیت المقدس و وزارت مسکن اسرائیل اختلافات خود را طی یک توافق، در مورد مناسب بودن ادامه ساختن فزاینده بخشهای مسکونی یهودی در بیت المقدس شرقی، کنار گذاشته اند.
توافق مزبور، بنای فوری ۶۵۰ آپارتمان در «نبی ساموئل»، ۴۰۰ آپارتمان در آرمون هنسی و ۵۰۰ آپارتمان در «شارالفتح» را پیش بینی کرده است.

لوموند، ۱۹ فوریه ۱۹۷۱

کمیته فرعی شورای طرح ریزی شهر در ۱۷ فوریه، سه طرح (نگاه کنید به لوموند، ۱۹ فوریه ۱۹۷۱) را تصویب کرد. آقای کولک شهردار بیت المقدس گفت که تصویب طرحها به طور آشکار در اثر مداخله خارجی تسریع شده است. تمام طرحها به روی زمین مصادره شده، اعراب ساخته خواهد شد. او اعلام کرد که یهودیان ۴۰۰۰ سال در انتظار بازگشت به بیت المقدس بوده اند، و نباید مانع زندگی آنان در آنجا شد.

گاردین، ۲۱ فوریه ۱۹۷۱

وزارت خارجه امریکا پروژه مزبور را مورد انتقاد قرار داده، و

می‌گوید که موقعیت سیاسی بیت المقدس را تغییر خواهد داد.

تدی کولک شهردار بیت المقدس در ابتدا از طرح‌های فوق ناراضی بود، و با بسیاری از متخصصان اسرائیلی که می‌گفتند طرح فوق چشم انداز مقدس شهر را برهم می‌زند، موافق بود.

اما آقای کولک گفت که طرز تفکر امریکا نسبت به طرح، او را وادار به حمایت از آن کرد. او توضیح داد که اگر شهرداری از تصویب طرح طفره می‌رفت، عمل آن نشان دهنده یک طرز تفکر سیاسی متفاوت با نظریات داخلی اسرائیل در مورد موقعیت بیت المقدس بود.

تعدادی از اسرائیلیها با ساختن خانه‌های یهودی در نواحی تپه‌های اطراف بیت المقدس مخالف هستند. آنها احساس می‌کنند که انجام چنین عملی به حفظ دائمی نواحی اطراف شهر به عنوان بخشی از بیت المقدس جدید الواحد کمک خواهد کرد. ساختن واحدهای مسکونی در نزدیک مقر سازمان ملل، که به خانه دولت معروف است، مواجهه با اعتراض اوتانت دبیرکل سازمان ملل گردید. وی گفت که طرح فوق مصونیت سازمان ملل را مورد تجاوز قرار داده است. اما اسرائیل این اتهام را رد کرد، و گفت که هیچ گونه کاری در مجاورت مجموعه سازمان ملل در دست انجام نیست. یک بولدوزر در آخر هفته دیده شده که زمین نزدیک ساختمان سازمان ملل را هموار می‌کرده است.

انترناشنال هرالد تریبون، ۲۲ فوریه ۱۹۷۱

آگد، شرکت اتوبوسرانی اسرائیل، قصد دارد یک هتل ۳۰۰ تختی در شرم‌الشیخ و یک مسافرخانه در نزدیک صومعه کاترین در پای تپه مونت سینا، بسازد. شرکت آگد، اخیراً یک خط اتوبوسرانی،

بین ایلات و شرم الشیخ، افتتاح کرد.

لااورینت لوژور، ۲۲ فوریه ۱۹۷۱

مناره مسجد نبی ساموئل توسط تعدادی از طراحان اسرائیلی و متعصبان مذهبی مورد تهاجم و حمله قرار گرفت.

طبق یک گزارش رسیده از بیت المقدس، اسرائیلیها به ساکنان عرب دهکده گفتند که: «مناره مسجد بزودی شاهد یک طرح خانه سازی برای . . . مهاجر یهود، خواهد بود.»

ساکنان عرب که از تهدید مزبور بخشم آمده بودند مزاحمان را دفع کردند، اما بعداً مقامات اسرائیلی به آنها اطلاع دادند که ۱۶۹ هکتار زمین برای طرحهای خانه سازی، به تملک دولت درآمده است. بر طبق طرح، مساحت کل منطقه زمینهایی که قرار است به تملک دولت درآید ۱۲۰۰۰ هکتار می باشد.

یک مهندس عرب گفت که ساختمانهای مورد نظر، شامل واحدهای بزرگ ۸ طبقه ای است که به شکل «سیگارهای داخل پاکت» پهلوی هم بنا خواهد شد. وی افزود: «این یکی از خشونت بارترین و ضد انسانی ترین تهاجمات اسرائیل است. زیرا اعراب را از زمینهای مربوط به خودشان محروم می کند. این طرح زیبایی و چشم انداز منطقه را ناقص می کند و شیوه های عربی زندگی را از بین می برد.»

دبلی استار، ۲۳ فوریه ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی دست به حفاریهایی در اطراف مسجد الاقصی، در بخش اشغال شده بیت المقدس، زده اند. حفاران در جستجوی بقایای «دیوار ندبه» هستند و اعراب پوسترهایی چاپ کرده اند، که هشدار می دهد در صورت ادامه حفاریها، دیوار در معرض سقوط خواهد بود.

پوسترهای مزبور از یهودیان وفادار خواسته است به حفاریها، که

یک نوع توهین به مکانهای مقدس می باشد، اعتراض نمایند. اخیراً ده یهودی نمازهایی در مجموعه مسجد الاقصی به پیشنمازی «اسقف اعظم دبوویچ» برخلاف احساسات اعراب برپا داشتند.

دیلی استار، ۲۴ فوریه ۱۹۷۱

مصر و اردن امروز مشترکاً طی ارسال یادداشتی به اوتانت دبیرکل سازمان ملل به طرحهای توسعه شهری در بیت المقدس اعتراض کردند، و آنها را عامل زیرپا گذاشتن ه قطعنامه سازمان ملل، که یکد چنین اعمالی را ممنوع کرده، دانستند. مصر و اردن طی اعتراض خود اظهار داشتند که طرحهای اخیر اسرائیل خواهان مصادره ۳۰۰۰ جریب زمین اعراب در شمال و جنوب بیت المقدس و اطراف دیوار شهر قدیمی متعلق به اعراب می باشد، که در جنگ شش روزه ۱۹۶۷ تصرف شده است.

انترناشنال، هرالدتربیون، ۲۴ فوریه ۱۹۷۱

منابع آگاه، در ۲۳ فوریه فاش کردند یک کمیته ویژه که از طرف گلدامایر نخست وزیر اسرائیل منصوب شده، کشیدن نقشه هایی که مرزهای جدید در صحرای سینا بعد از عقب نشینی اسرائیل، راپیشنهاد می کند تمام کرده اند.

دیلی استار، ۲۶ فوریه ۱۹۷۱

ترجمه دستور اخیر اسرائیل، برای مصادره ۱،۶۸۰ هکتار زمین متعلق به اعراب در بیت المقدس و نواحی اطراف آن، که به تازگی به عمان (پایتخت اردن) رسیده، جزئیات نواحی تصرف شده توسط مقامات اسرائیل را دربرگرفته است.

دستور مزبور که توسط «پیناس ساپیر»، وزیر دارایی، امضا شده می گوید: «از آنجایی که زمینهای مورد بحث برای منافع عامه ضروری

قلمداد گردید، وزیر بی درنگ دستور مصادره آنها را صادر کرد.»
 زمینهای مورد بحث، شامل این مناطق می باشد: ۴۷۰ هکتار
 در شمال بیت المقدس در جاده بیت المقدس به رام الله، ۴۸۴۰ هکتار
 در شمال شرقی بیت المقدس، ۲۴۴۰ هکتار در جنوب شرقی بیت المقدس،
 ۲۷۰۰ هکتار در جنوب غربی بیت المقدس، ۱۲۰۰ هکتار در قلندیا،
 که به فرودگاه بیت المقدس متصل است، ۲۳۰ هکتار در داخل
 بیت المقدس و اطراف دیوارهای شهر. تصرف زمینهای اعراب برای به
 اصطلاح خدمات و منافع عامه به منظور ساختن آپارتمانهایی که قرار
 است به مهاجران فروخته شود مورد استفاده قرار گرفته است.

دیلی استار، دوم مارس ۱۹۷۱

«شازار» رئیس جمهور اسرائیل که برای ۲۰۰۰ نفر در کنفرانس
 میامی در فلوریدا سخنرانی می کرد، خواهان یک صلح عادلانه شد
 که به تنفر و جنگ بین اعراب و یهودیان خاتمه دهد. وی تأکید
 کرد که مشکل پناهندگان نباید به قیمت «شخصیت یهودی اسرائیل»،
 که مستلزم قرار گرفتن تمام بیت المقدس در تحت کنترل اسرائیل
 می باشد، تمام شود.

جرزال پست، ۸ مارس ۱۹۷۱

خانم میر، در یک مصاحبه با «لوئیس هرن» معاون سردیر
 روزنامه تایمز، در تل آویو گفت که حاضر است با اعراب در مورد هر
 چیزی مذاکره کند. اما به هیچ کس اجازه نخواهد داد تا شرایط
 مذاکره را به وی دیکته کنند. او گفت که اسرائیل باید «شرم الشیخ»
 را که بر تنگه تیران مسلط است، در اختیار داشته باشد، و باید
 بیت المقدس را که به طور واحد باقی خواهند ماند، حفظ نماید، و از
 بلندیهای جولان دست نکشد.

مرزهای کرانه باختری رود اردن باید مورد مذاکره قرار بگیرد،

و مرزهای نهایی نباید اعراب و اسرائیلیها را تقسیم کند، بلکه می‌بایستی آنها را به هم ربط بدهد. اعراب و اسرائیلیها باید به مکانهای مقدس سرزمین طرف دیگر دسترسی داشته باشند. صحرای سینا هم می‌بایستی غیر نظامی گردد.

جرزالم پست، ۱۴ مارس ۱۹۷۱

«محمدره»، سفیر اردن طی ارسال نامه‌ای به اوتانت دیرکل سازمان ملل، گفت که «۲۰ روز قبل مقامات اسرائیلی ۱۰۰ هکتار از زمینهای جنگلی متعلق به دهکده‌های «سالور» و «جباء» در ساحل غربی اردن را مصادره کردند.»

دبلی استار، ۱۴ مارس ۱۹۷۱

ابا ابان، در ۱۹ مارس در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت که اسرائیل از تمام سرزمینهای اشغال شده اعراب در ژوئن ۱۹۶۷، عقب‌نشینی نخواهد کرد، و به تضمینهای نیروهای بین‌المللی صلح راضی نخواهد شد. ابان ادامه داد که: «به نفع ماست که شرم‌الشیخ، بلندیهای جولان و تمام بیت‌المقدس را تحت سلطه نظامی خود درآوریم.»

النهار، ۲۱ مارس ۱۹۷۲

به گفته آقای عزروایزمن، رودخانه اردن بهترین مرز شرقی برای اسرائیل بحساب می‌آید. جودیه و سامریه باید تحت کنترل اسرائیل باقی بماند، و شرم‌الشیخ برای محافظت هوایی اسرائیل حیاتی می‌باشد، و هر کس که شمال صحرای سینا یا «پیرقفا» را در کنترل داشته باشد، کنترل امنیت اسرائیل در دست اوست.

جرزالم پست، ۲۱ مارس ۱۹۷۱

شبکه جاده‌های داخل شهر در عرض ۱۰ سال آینده، چه با ساختن جاده‌های جدید، یا عریض کردن جاده‌های موجود، ۵۰ درصد

بزرگتر خواهد شد. آقای گودال (دیرکل وزارت کار) گفت که پس از اتمام جاده بخش کوهستانی بیت المقدس، کار برای بهبود بخشی از جاده‌هایی که از وسط دشت می‌گذرد، ادامه خواهد یافت. در عرض دوباره راه فرعی «رمله» تکمیل خواهد شد و در نهایت به جاده جدید سریعی که از فرودگاه لود به تل‌آویو کشیده شده، متصل خواهد گردید. در یک تاریخ بعد، جاده جدیدی از طریق بخش لاترون کشیده خواهد شد. اما در اینجا مشکلات خاص مالی وجود دارد، زیرا وام‌های خارجی کمکی بانک جهانی را نمی‌توان برای کار در سرزمین اشغال شده‌ای که سابقاً به اردن تعلق داشت، مورد استفاده قرار داد. بعلاوه، حدود ۶۴ کیلومتر از جاده‌های روی بلندیه‌های جولان، مجدداً سطح خواهد شد.

جرزالم پست، ۲۲ مارس ۱۹۷۱

داوید بن گورین، نخست‌وزیر تبعیدی اسرائیل در نیویورک در مصاحبه‌ای با روزنامه «ساتردی‌رویو» گفت که اسرائیل باید از تمام سرزمینهای اشغالی عرب، در عوض صلح دائمی، به جز بیت المقدس و بلندیه‌های جولان عقب‌نشینی کند.

النهار، ۲۶ مارس ۱۹۷۱

یک اردوی تعطیلاتی و یک هتل، به دو دهکده تعطیلاتی در شرم‌الشیخ اضافه خواهد شد. و بدین ترتیب تعداد تخته‌خوابهای مورد استفاده را از ۸۵۰ عدد کنونی به ۹۸۰ عدد خواهد رسانید. «یهودا شعاری»، معاون وزیر، به اعضای کمیته مالی کنست (پارلمان اسرائیل) در یک ملاقات در آخر هفته گفت که دو پروژه جدید که سرمایه‌اش ۸ میلیون لیره اسرائیلی است، اخیراً توسط وزارت توریزم (جهانگردی) تصویب شده است.

تا زمانی که جاده‌ای که به شرم‌الشیخ می‌رود پایان یابد،

مسافرخانه‌های مسکونی نیز در «نویبه» و «زهاب» و نیز در خود «شرم‌الشیخ» ساخته خواهد شد. و افزود که وزارتخانه در حال حاضر، سرگرم ترتیب دادن تسهیلات حمام در بعضی از سواحل در کرانه دریا می‌باشد.

آقای «موشه کول» که برای اعضای کمیته در ایلات صحبت می‌کرد گفت که . ۴ در صد مزد بگیران شهر درآمد خود را از امور توریستی بدست می‌آورند. وی افزود که این در صد پس از اتمام کار جاده، افزایش می‌یابد.

جرزاله پست، ۵ آوریل ۱۹۷۱

خانم میر، در یک سخنرانی در مجمع عمومی حزب کارگر در بیت المقدس، گفت که «پایتخت دولت اسرائیل واحد خواهد ماند و هرگز بار دیگر تقسیم نخواهد شد.»

او ادامه داد که رودخانه اردن مرز امنیتی اسرائیل بحساب می‌آید. بدین مفهوم به هیچ نیروی نظامی عرب اجازه عبور از آن داده نخواهد شد. بعلاوه، بلندیهای جولان و غزه در تحت کنترل اسرائیل باقی می‌ماند، در حالی که ناحیه «شرم‌الشیخ» نیز تحت کنترل اسرائیل باقی خواهد ماند، و توسط یک نوار زمینی به قلمرو اسرائیل متصل خواهد شد. عرض این نوار زمینی بستگی به مقداری دارد که برای دفاع آن لازم می‌باشد.

لااورینت لوژور، ۵ آوریل ۱۹۷۱

مقامات صندوق ملی یهود فاش کردند که صندوق، حداقل در سه سال گذشته مشغول خرید زمین در امتداد «خط سبز» قبلی بوده است. این منطقه شامل بیت المقدس، «بلوک اتزیون» و «نبی ساموئل» می‌باشد. یک سخنگوی صندوق ملی یهود در ۴ آوریل گفت که بودجه مالی سال آینده دویسیلیون لیره اسرائیلی است، که به خرید زمین در سه منطقه

اختصاص داده شده است. او همچنین فاش کرد که این مقدار علاوه بر ۷/۵ میلیون بودجه‌ای است، که مخصوص خرید زمین در دو سال گذشته بوده است.

طرح جنجال برانگیز وزارت مسکن، به روی پروژه‌های عظیم خانه‌سازی در نزدیک نبی‌ساموئل، متضمن مصادره زمینهایی در محدوده‌های شهر می‌باشد. هنوز مشخص نیست که زمین مورد احتیاج صندوق ملی یهود، به چه منظوری بکار برده می‌شود. یا کوفتسور، رئیس صندوق ملی یهود، گفت که تملک زمین در سه منطقه به منظور «وسعت دادن مجاورت زمین تحت تملک یهودیان» می‌باشد.

جرزاله‌پست، ۵ آوریل ۱۹۷۱

آقای محمود ریاض وزیر خارجه مصر به هنگام ورود به تهران اعلام کرد که «اسرائیل رسماً به ایالات متحد امریکا و سازمان ملل گفته است که قصد انضمام تمام سرزمینهای اشغالی اعراب از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ را دارد.»

لااورینت لوزور، ۶ آوریل ۱۹۷۱

منابع موثق غیرنظامی امور هوایی فاش کردند که فرودگاه مونت‌سینا، در حدود ۲۵ کیلومتری سنتا کاترینا، در نیمه دوم ماه مه به روی خطوط هوایی غیرنظامی بازخواهد شد. روز شنبه یک هواپیمای آرکیا، حامل متخصصان غیرنظامی امور هوایی، به نوار غزه پرواز کرد تا شرایط نشستن و برخاستن را در باند فرودگاه جدید آزمایش کند. این فرودگاه حدود ۳/۵ میلیون لیره اسرائیلی خرج برداشته، و یک باند پرواز ۲،۰۰۰ متری با یک بنای سنگی و سطح آسفalte دارد. فرودگاه ۲،۰۰۰ متری با هدیه یک توریست یهودی امریکایی در سال گذشته، که طبق یک گزارش به یک میلیون دلار می‌رسید، ساخته شد. توریست مزبور که می‌خواست نامش فاش نشود، از این شکایت

داشت که یک صومعه و یک مسجد را به روی کوه مقدس دیده است ولی هیچ کنیسه‌ای در آنجا به چشمش نخورده است. مقامات گفتند که او برای تأمین امور مالی فرودگاه، به شرطی که یک کنیسه به روی کوه ساخته شود، یک چک امضا کرد.

جزال‌پست، ۱۴ آوریل ۱۹۷۱

تصمیم به مسکونی کردن شرم‌الشیخ غیر منتظره نیست، زیرا مسکونی کردن با شدت زیاد در مناطق دیگری که اسرائیل می‌گوید دست از آنها بر نمی‌دارد، بویژه بیت‌المقدس شرقی و بلندیهای جولان، ادامه یافته است. آبادیهای مسکونی غیرنظامی و نظامی در امتداد رود اردن و صحرای سینای شمالی تأسیس شده است.

رهبران اسرائیلی اصرار کردند که شرم‌الشیخ باید بوسیله یک نوار زمینی ممتد، که ظاهراً آن را به ایلات متصل می‌کند، به خاک اسرائیل بپیوندد. در نیمه راه بین ایلات و شرم‌الشیخ در واحه «بدوی‌نوبه» یک آبادی مسکونی در ماه گذشته تأسیس شد. اما مهاجران جوان آن را دوست ندارند و بزودی گروه دیگری جای آنها را خواهند گرفت.

گاردین، ۲۰ آوریل ۱۹۷۱

زیوشارف، وزیر مسکن، گفت که اسرائیل در نظر دارد، تا خانه‌سازی در شرم‌الشیخ، یعنی قلعه نظامی‌ای که راه ورود به لنگه تیران در نوك شبه جزیره سینا را حفظ می‌کند، و در هبرون در ساحل غربی اشغالی رود اردن را به جلو اندازد.

خانه‌های فوق، سربازان، کارگران و هرکسی را که خواهان زندگی در آنجا باشد، در خود جا خواهد داد. آقای شارف در جواب به این سؤال که آیا کابینه اعتبار این طرحها را تصویب کرده گفت: «اعتبار این طرحها توسط مؤسسه معتبر تضمین شده است.»

اسرائیل اخیراً ساختن یک جاده که شرم‌الشیخ را به ایلات متصل می‌کند، به انجام رساند. یک فرودگاه غیرنظامی در آنجا در حال ساخته شدن می‌باشد.

اظهارات آقای شارف، اولین اشاره به این مسأله بود که بر اساس آن اسرائیل نقشه توسعه قلعه شهر را، که دسترسی اسرائیل به بحر احمر و اقیانوس هند از طریق بندر ایلات را حفاظت می‌کند، ریخته است.

آقای شارف اخیراً به خاطر طرحهای وزارتخانه‌اش برای ساختن ۲۱،۰۰۰ واحد مسکونی در بلوکهای آپارتمانی رفیع در بخش غربی بیت‌المقدس، در داخل و خارج اسرائیل شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است.

انترناشنال هرالد تریبون، ۲۰ آوریل ۱۹۷۱

اسرائیل با گشایش یک جاده جدید در امتداد ساحل غربی بحرالحمیت، اقتدار خودش به روی سرزمین اشغالی اعراب را مستحکم کرده است.

جاده مزبور، یک آبادی مسکونی مرزی سابق در انتهای جنوبی بحرالحمیت را به ساحل غربی اشغالی رود اردن در انتهای شمالی دریای شور متصل می‌کند. اعراب نوار غزه اشغالی اکثریت نیروی کارگر را تشکیل می‌دهند. شاهراه جدید آخرین حلقه از یک شبکه جاده‌ای است که در حال حاضر از شرم‌الشیخ، یعنی دژ بحر احمر در جنوب تا قنطره، یعنی دژ بلندیه‌های جولان اشغالی متعلق به سوریه در شمال، گسترش یافته است.

گاردین، ۲۸ آوریل ۱۹۷۱

به هنگام ورود راجرز وزیر خارجه آمریکا، چندین هزار نفر در

یک تظاهرات خیابانی در بیت المقدس علیه عقب نشینی از مرزهای کنونی حضور یافتند. آقای مناخیم بگین گفت «وقتی یک ملت کوچک خواهان کمکی که قدرتهای بزرگ به آن وعده داده اند می شود... نمی تواند صلح جهان را بخطر اندازد. عقب نشینی! مساوی است با دادن امتیازات! او ادامه داد و گفت تنها تضمینی که اسرائیل توانست روی آن اعتماد کند، قدرت خودش بود. دادن امتیازات، اشتها را برای امتیازات بیشتر برمی انگیزد...

«اسقف هوشه زوی نریا» گفت که... حقوق اعراب در بیت المقدس محترم داشته خواهد شد...، اما آن حقوق، حقوق فردی هستند و نه حقوق یک ملت.

جرزاله پست، ۵ مه ۱۹۷۱

یک گروه صنعتی ناهال به نام «جنت» متعلق به «جنبش هاپوئل هامی زارشی» آبادی یهودی نشین کفر جیلاد— دوازدهمین آبادی یهودی نشین در بلندیهای جولان— را در ۱۰ مه تأسیس کرد.

جرزاله پست، ۱۱ مه ۱۹۷۱

گلدامایر نخست وزیر، به ۲۰۰۰ نفر از اعضای جوان ناهال از جنبشهای جوانان سراسر کشور در ۱۳ مه گفت که: «شما بهترین تضمین امنیتی ممکن برای اسرائیل هستید.» خانم مایر در پاسخ به کف زدنهای پرشور به پسر بچه هایی که در استادיום «مشعل روشن» به صف ایستاده بودند گفت: «شما پاسخ تمام کسانی هستید که در ماههای اخیر ما را در مورد مناسبترین تضمین امنیتی سؤال پیچ کرده اند. شما جوانان بهترین چیزی هستید که این کشور بدان احتیاج دارد. مرزها، تنها خطوط نیستند. هیچ مرزی گویاتر از آن زمینی که یک مهاجر به روی آن کار می کند نیست.» یک دختر جوان مهاجر طوباری به نخست وزیر تقدیم کرد که لیست تمام گروهها و محل

آبادیهای مسکونی آنها، در بلندیهای جولان، دره اردن، اروه، بلوک اتزیون و صحرای سینا، در آن آمده بود.

جرزالهست، ۱۴ مه ۱۹۷۱

کمپانی حمل و نقل جاده‌ای اسرائیل، ع جریب زمین در شرم‌الشیخ را به منظور تأسیس یک مرکز حمل و نقل و تجارت با طرح سرمایه‌گذاری یک میلیون دلار، اجاره کرده است. آنها قرار است آنجا را برای ۹ و ۴ سال اجاره کنند. روزنامه «یدیوت‌اهارونوت»، که این خبر را گزارش داد، به اهمیت سیاسی این مسأله این چنین اشاره کرد: «اقتدار اسرائیل بر شرم‌الشیخ هر روز نیرومندتر می‌شود و تخلیه این قلمرو مصری خیلی بعید بنظر می‌رسد.»

لوموند، ۱۸ مه ۱۹۷۱

آقای اباابان وزیر امور خارجه اسرائیل به پارلمان گفت که: «هیچ قدرتی در جهان نمی‌تواند ما را مجبور کند تا موقعیت کنونی بیت‌المقدس را، که عبارت از حاکمیت اسرائیل بر بیت‌المقدس واحد با مرزهای واقعی آن است، تغییر بدهیم.»

لااوریت لوزور، ۲۷ مه ۱۹۷۱

در طی ۴ سال، اسرائیل ۱۴۰۰۰ هکتار زمین در بیت‌المقدس و منطقه اطراف آن را مصادره کرده است. از دیگر اقدامات غیرقانونی اسرائیل برای یهودی کردن شهر، می‌توان از مصادره اموال افراد غایب، انهدام خانه‌ها، اعمال فشار اقتصادی به روی ساکنان عرب، انتقال بعضی از آنها به خارج بیت‌المقدس، و دادن پول به دیگران، برای دست کشیدن از اقامت در شهر نام به میان آورد.

النهار، ۷ ژوئن ۱۹۷۱

معاون وزیر کار امریکا گفت: «اگر من یک اسرائیلی بودم و در یک کیبوتص در پایین بلندیهای جولان زندگی می‌کردم، برای

اطمینان از اینکه آن منطقه در اختیار اسرائیل باقی بماند، حاضر بودم بجنگم. من با چشمان خودم دیدم که آن منطقه یک قطعه زمین معمولی نیست. آن منطقه را طبیعت طوری تراشیده که یک نقطه مهم برای تجاوز بحساب می آید و نه صلح.»

جرزالم پست، ۷ ژوئن ۱۹۷۱

وزارت خارجه امریکا، در ۹ ژوئن اعلام کرد که به مخالفت با هر اقدام دولت اسرائیل در مناطق اشغال شده که «به توافق صلح لطمه بزند»، ادامه می دهد. «چارلز برای» افسر مطبوعاتی وزارت خارجه امریکا، اسرائیل را متهم کرد که مقررات چهارمین توافق نامه ۱۹۴۹ ژنو که یک قدرت اشغالگر را از انتقال بخشی از جمعیت در سرزمین اشغال شده منع می کند، زیر پا گذاشته است. او گفت که «ما ساختن تسهیلات دائمی را که به منظور آسان کردن انتقال جمعیت صورت می گیرد، جزو این کار قلمداد می کنیم.» آقای «چارلز برای» گفت که ساختن احتمالی کارخانه های اسرائیلی به روی بلندیهای جولان، با توافق نامه ژنو ناسازگار است.

جرزالم پست، ۱۰ ژوئن ۱۹۷۱

نتایج یک همه پرسی منتشره در مجله تایم، که توسط مؤسسه امریکایی لوئیس هاریس و مؤسسه سنجش افکار غموسی اسرائیل بعمل آمده، نشان می دهد که ۳۹ درصد از ۱،۱۷۷ اسرائیلی که به دقت برای این سنجش افکار انتخاب شده اند، موافق انضمام بیت المقدس، ۸۷ درصد موافق انضمام بلندیهای جولان، و ۲۷ درصد موافق نگاهداری شرم الشیخ هستند. نتیجه فوق، همچنین نشان می دهد که ۱۸ درصد موافق بازگرداندن صحرای سینا به مصر، ۲۹ درصد خواهان انضمام آن و ۳ درصد خواهان حفظ بی طرفی آن به عنوان یک

منطقه بی طرف می باشند.

النهار، ۱۰ ژوئن ۱۹۷۱

آقای تولدانو، مشاور نخست وزیر در امور اعراب، در رابطه با پرداخت غرامت به اعراب بیت المقدس برای مصادره اموال آنها، به جرزالم پست گفت که ملاحظه نهایی «پولی خواهد بود، نه سیاسی». وی در ادامه سخنانش گفت: «مشکل اصلی تکنیکی خواهد بود، یعنی حل مواردی که صاحب ملک مرده، و وارثان او در اسرائیل، کرانه باختری، در کشورهای دشمن و در کشورهای بی طرف پراکنده هستند». آقای تولدانو «تراژدی» مسأله مالکیت را که به گفته او «یکی از مهمترین مشکلات و نه مشکل اصلی است» مورد تأکید قرار داد. وی گفت «می توان بعضی خانواده ها را که هر هفته برای دیدار ملک قدیمی خودشان به بکاء و کاتامون می آیند دید... مقدار زیادی از این تلخیها (مشکلات تلخ) وقتی که مسأله غرامت روشن شود، از بین خواهد رفت.»

جرزالم پست، اول ژوئیه ۱۹۷۱

دکتر مردخای هن، رئیس شرکت اکتشاف نفت «نفتا» اعلام کرده است که اسرائیل در حال حفاری نوار غزه، برای یافتن نفت خام می باشد.

لااورینت لوژور، ۲ ژوئیه ۱۹۷۱

آقای «نوح پلد»، از دفتر بخش صندوق ملی یهود اعلام کرد که اداره جنگلبانی صندوق ملی یهود تعداد دومیلیون و چهارصد هزار درخت کاج و اوکالیپتوس در ساحل غربی کاشته است. وی گفت که «در طی فصل آینده ما قصد داریم تا یک جنگل در تپه های افیرام، در امتداد خط سبز، که یک منطقه ...، ۳ هکتاری را می پوشاند، بکاریم. کار مزبور توسط کارگران و مباحران ساحل غربی،

تحت هدایت جنگلبانان صندوق ملی یهود، انجام شد.

جرزالم پست، ۵ ژوئیه ۱۹۷۱

عده‌ای از خانواده‌های عرب، که می‌گویند تعدادشان به ۳۰۰ نفر می‌رسد، ادعا کردند که اخیراً مجبورشان کرده‌اند تا خانه‌های خودشان را در سراشیی «مونت اسکوپس» تخلیه کنند، ولی آنها از این کار خودداری کردند. زمینی که خانه‌های آنان به روی آن ساخته شده بود، حدود ۳ سال پیش مصادره گردید، اما گزارش شد که فقط خانه‌ها از مصادره مستثنی شده‌اند. یک هیأت که نماینده خانواده‌ها می‌باشد، قصد دارد تا با کولک، شهردار شهر، ملاقات کند.

جرزالم پست، ۷ ژوئیه ۱۹۷۱

در ساعت ۲ بعداز نیمه‌شب روز دوشنبه، پنج بولدوزر شدیداً به بهم ریختن شکل زمین السمسار در جاده العصامیه، که ۳۰۰ عرب در آن سکونت داشتند، مشغول بودند. خانه‌های آنها برای آماده کردن منطقه، به منظور ایجاد ساختمانهای جدید برای دانشگاه عبری یا مهاجران جدید یهودی، ویران خواهد شد.

الاتحاد، ۹ ژوئیه ۱۹۷۱

بر طبق آخرین گزارش (مارس - آوریل ۱۹۷۱) یک بررسی مداوم در مورد افکار عمومی، توسط مؤسسه تحقیقاتی - اجتماعی و مؤسسه ارتباطات دانشگاه عبری، یهودیان اسرائیلی تقریباً به اتفاق آراء از تسلیم بیت المقدس، بلندیهای جولان یا شرم الشیخ، خودداری می‌کنند. به منظور برقراری صلح، تعدادی حاضر خواهند شد از ساحل غربی و نوار غزه و حتی صحرای سینا (به استثنای شرم الشیخ) دست بکشند. فقط ۲۰ درصد طرفدار عقب نشینی جزئی هستند و ۲۱ درصد حاضر نیستند از هیچ چیز دست بکشند.

جرزالم پست، ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۱

بیت المقدس از یک شهر زیبا، تبدیل به شهری می شود که حومه های زشت دارد. به خاطر ملاحظات استراتژیک و سیاسی، بلوک های وسیع زمین های مسطح جزو زمین های مصادره شده عربی در شمال، شرق و جنوب شهر قرار می گیرند.

طبیعتاً اعتراضاتی نیز به این موارد وجود داشته است: در زمینه سیاسی اوتانت و وزارت خارجه امریکا به این کار شکایت کرده اند. در زمینه مذهبی واتیکان، مسیحیان محل و جوامع مسلمان تقریباً در هر زمینه ای اعتراض کرده، و همچنین بسیاری از اسرائیلیها مخالفت خود را بیان کرده اند. این اعتراضات صرفاً ناموفق نبوده است— زیرا مقامات را، حتی به طور فی المجلس، به فعالیت بیشتری برانگیخته است.

تایمز، ۱۴ ژوئیه ۱۹۷۱

وجود دلگیری شدید در میان پناهندگان زمین از دست داده و یا سلب مایملک شده، هرگونه امید پذیرش حکومت اسرائیل را از بین برده است. از ۱۹۶۷، چهار مورد تملک اضافی زمین در بیت المقدس شرقی، به مقدار بیش از ۳،۰۰۰ جریب، رخ داده است.

تایمز، ۱۴ ژوئیه ۱۹۷۱

تعدادی از پسر بچه های وابسته به گروه «بیتار»، به هنگامی که کوشش می کردند سرودهای زبور را نزدیک مسجد الاقصی با صدای بلند از بر بخوانند، در حالی که فریاد می زدند «اسرائیلیهای» (مردم یهود زندگی می کنند) بزور از معبد مونت بیرون انداخته شدند. یک نماینده بیتار گفت که افراد او به نماز خواندن به روی مونت ادامه خواهند داد، تا افکار را به نفع برگرداندن آن به دست یهودیان و برپایی خدمات یهودی در آنجا برانگیزند. تظاهرات مزبور بخشی از تظاهرات روز «ژابوتینسکی»، به مناسبت سی و یکمین سالروز مرگ او بود.

جوزالمهست، ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۱

کمیته دولتی مسؤول نامگذاری محله‌های اسرائیل، تصمیم گرفته است تا بعد از ترور ژنرال اسرائیلی در استانبول در اواخر ماه مه، نام یک کیبوتص جدید را «الرون» بگذارد.

کمیته مزبور همچنین تصمیم گرفته است تا نام شرم‌الشیخ را به «افیر»، یعنی نام کهنه آن در انجیل، تبدیل کند.

لاورینت لوژور، ۹ اوت ۱۹۷۱

دولت نظامی در بلندیه‌های جولان، قرار است در عرض یک ماه یک دادگاه مذهبی دروزی برای منطقه تأسیس کند. دادگاه فوق که دوقاضی دارد، در مجدالشمس مستقر خواهد شد.

جرزالم‌پست، ۱۳ اوت ۱۹۷۱

به گفته سخنگوی صندوق ملی یهود، چندین هزار درختی که به عنوان تجربه در بهار گذشته در شرم‌الشیخ کاشته شده، خوب از کار درآمده و صندوق ملی یهود قصد دارد در بهار آینده درخت کاری دیگری براه اندازد. او گفت که درختهای بعدی در نواحی غیرنظامی، در مکانهای توریستی و تفریحی در شرم‌الشیخ کاشته خواهد شد.

در شمال کشور، ۳۰۰ سرو آزاد لبنانی که از یک «کشور همجوار» خریده شده است، به آب و هوای درختستان صندوق ملی یهود در قنیطره در بلندیه‌های جولان، جور درآمده است. این سروها بزودی در آبادیه‌های یهودی در جولان و در محله‌های مختلف در جلیله‌علیا، کاشته خواهد شد.

جرزالم‌پست، ۱۸ اوت ۱۹۷۱

یک نماینده آژانس یهود برای پذیرایی مهاجران در بیت‌المقدس، اعلام کرد که بلندیه‌های جولان توانایی پذیرش ۱۵ تا ۲۰ هزار یهودی را در ۷ سال آینده دارد. او اظهار داشت که ۵ آبادی یهودی جدید در عرض دو سال آینده در بلندیه‌های جولان تأسیس می‌شود و

تا پایان ۱۹۷۱، ۱۳ آبادی موجود دارای خانه‌های بسیار محکم خواهند شد.

لوموند، ۲۰ اوت ۱۹۷۱

امروز ژنرال موشه دایان وزیر دفاع، به افسران ارشد ارتش در دانشکده فرماندهی و ستاد گفت: از آنجا که اعراب مایل به برقراری صلح نیستند، اسرائیل باید برای اشغال کامل سرزمین اشغالی دست به اقداماتی بزند.

«ما همچنین باید به نقش خودمان در سرزمینهای تحت اداره (اشغالی) به عنوان یک دولت پابرجا، توجه داشته باشیم و اقدامات لازم را بعمل آوریم تا برای روز صلح کار انجام داده نشده‌ای باقی نمانده باشد.»

«به عبارت دیگر، باید بدون اعتماد به همکاری از سوی همسایگان، یا انتظار آمادگی آنان برای یک‌چنین کاری، بر انجام اقدامات یک جانبه و فوری خودمان تأکید داشته باشیم.»

گاردین، ۲۰ اوت ۱۹۷۱

سربازان دختر، آموزش زبان عبری به خردسالان دروزی در مدارس دولتی در جولان را به عنوان بخشی از وظیفه نظامی خودشان آغاز کرده‌اند. دو سرباز دختر نیز در دبیرستانی «مصادره» زبان عبری درس می‌دهند.

جرزالم پست، ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۱

اسرائیل مناطق جدیدی از زمینهای وقفی اسلامی را در یافا تصرف کرده است.

معارب، ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۱

... اسرائیلی دربلندیهای جولان زندگی می‌کنند. پروژه‌ای نیز برای ایجاد آبادی در «مونت هرمن» و پروژه دیگری در تپه‌های

شمالی دریاچه کزت، در دست است. در مورد آبادی کشاورزی در جولان، ۲۰۰ هزار هکتار مورد بررسی قرار گرفته و تصمیم گرفته شده تا ۱۰۰ هزار هکتار زمین احیا گردد.

دادار، ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۱

۷ دهکده جدید در سرزمینهای اشغالی در سال یهودی که در ۱۹ سپتامبر پایان می‌یابد، ساخته شده است، و بدین ترتیب شمار کلی دهکده‌ها در سرزمینهای اشغال شده اعراب را از جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ به ۳۳ عدد رسانده است. در عرض سال آینده نیز شش دهکده جدید ساخته خواهد شد. به گزارش هائارتز، ژنرال موشه دایان در یک مصاحبه اعلام کرد که اسرائیل هرگز هیچ یک از این دهکده‌ها در سرزمینهای اشغال شده را تخلیه نخواهد کرد.

لوموند، ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۱

۳. خانواده از یهودیان مذهبی، در عرض چندروز گذشته، به اولین آبادی بزرگ یهودی‌نشین که از زمان اشغال شدن در جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ در کرانه باختری ساخته شده، وارد شده‌اند. در مورد این حادثه که می‌توانست اعتراضات اعراب در سازمان ملل را برانگیزد، هیچ گونه خبری منتشر نشد.

۲۵. آپارتمان در آبادی مزبور به‌طور کامل ساخته شده و ۲۵. آپارتمان دیگر در دست ساختمان است. قرار است در نهایت یک جامعه شامل ۹۰۰ خانواده در آبادی فوق اسکان داده شوند.

ساندی‌تایمز، ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۱

کابینه اسرائیل، برخلاف قطعنامه شورای امنیت، به اتفاق آراء تصمیم گرفته تا به اجرای طرحهای توسعه‌خودش برای بیت‌المقدس، از جمله بخشی از شهر که طی جنگ ۱۹۶۷ اشغال شده ادامه بدهد. کابینه، یک قطعنامه شورای امنیت را که از اسرائیل می‌خواهد

اقدامات خودش برای واحد کردن بیت المقدس در حکومت اسرائیلی را لغو کند، مطلقاً رد کرد. طی بیانیه‌ای که بعداً منتشر شد، گفته شد که: «اسرائیل توسعه شهر برای تمام ساکنان آن را، ادامه خواهد داد.»

قطعنامه شورای امنیت که با ۱۴ رأی موافق در مقابل هیچ-گونه رأی مخالف به تصویب رسید، تمام اقدامات اسرائیل برای تغییر موقعیت بیت المقدس را بی اعتبار خواند. این اقدامات شامل «مصادره زمین و اموال، انتقال جمعیت و قانونگذاری برای یکی کردن و متحد کردن بخش اشغالی» می شود. «بحی طوقان»، سفیر اردن گفت که صدها خانه در بخش عربی ویران می شود، و اعراب از خانه های خود اخراج می شوند تا یهودیان جای آنان را بگیرند.

تایمز، ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۱

«شیخ محمد علی جعبری»، شهردار هبرون، به دولت نظامی، به خاطر تملک ... ۱ هکتار زمین برای توسعه آبادی یهودی نشین «کریات عرب» در منطقه هبرون، رسماً اعتراض کرد. مقداری از زمین مصادره شده متعلق به قبیله جعبری بود.

در اصل حدود ... ۳ هکتار زمین به تملک درآمده. تا کنون حدود ... ۴ خانواده به ... ۲۵ واحد مسکونی در آبادی نشین منتقل شده اند. انتظار می رود که ساختن ... ۲۵ واحد مسکونی بزودی آغاز شود.

جرزالپست، ۶ اکتبر ۱۹۷۱

اسرائیل از دستورات سازمان ملل در مورد بیت المقدس سرپیچی می کند. اسرائیل به منافع طولانی مدت خود صدمه می زند. از زمان اشغال نیمه شرقی شهر و بقیه سرزمین اردن در کرانه باختری در جنگ ژوئن ۱۹۶۷، شورای امنیت طی صدور سه قطعنامه از اسرائیل خواسته است تا موقعیت شهر را تغییر ندهد. اسرائیل درست بعد از جنگ، بر

طبق قوانین خود بیت المقدس را ضمیمه کرده و به طور سرسختانه سه قطعنامه سازمان ملل را رد کرده است.

گاردین، ۸ اکتبر ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی حصارکشی ۴۰۰۰ هکتار از زمین نزدیک «دیرالبلا» در جنوب غزه را به عنوان بخشی از یک پروژه بزرگتر برای تأسیس شش آبادی یهودی در نوار غزه، به اتمام رساندند. مساحت تمام منطقه به ۳۴۰۰۰ هکتار می رسد.

حدود ۱۴۰۰۰ هکتار از کل منطقه زمین زراعی، و بقیه شن و ماسه است. بنا به گزارشات، مقامات به ۴ خانواده عرب که دارای اموالی در منطقه مورد نظر برای ساختن آبادی بودند، غرامت پرداخته اند. آنها قبلا از آنجا رفته بودند. گزارش می شود که ده خانواده باقی مانده بزودی غرامت خواهند گرفت و به جای دیگری انتقال خواهند یافت.

جرزالم پست، ۲۰ اکتبر ۱۹۷۱

دولت اسرائیل طرحی تصویب کرده است که بر طبق آن ۳۵۰۰۰ پناهنده فلسطینی را از اردوگاههای غزه به واحدهای مسکونی جدید انتقال می دهد.

هائارتز، ۲۱ اکتبر ۱۹۷۱

مقامات عالی رتبه اسرائیل روشن ساختند، که از هرگونه فعالیت هیأت مسئول بررسی اجرای قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، جلوگیری خواهند کرد. قطعنامه شورای امنیت از اسرائیل خواسته است که توسعه بخش سابق اردنی بیت المقدس را متوقف کند.

نایمز، ۲۹ اکتبر ۱۹۷۱

مقامات اسرائیلی اجازه ساختن دو هتل جدید در بخش سابق اردنی بیت المقدس را، صادر کرده اند. یکی از آنها در داخل شهر

حصاربندی شده قدیمی قرار دارد.

یک هتل که قرار است به روی فرنچ هیل (تپه فرانسوی) ساخته شود، از نظر مالی از جانب یک گروه امریکایی- اسرائیلی تأمین خواهد شد. هتل دوم را یک تجارتخانه اسرائیلی با شرکت سرمایه‌گذاران امریکایی خواهد ساخت.

انترناشنال هرالد تریبون، ۳۰ اکتبر ۱۹۷۱

دولت اسرائیل طرح آلون برای ساختن یک زنجیره آبادیها در منطقه الغور را تکمیل کرده است.

هائارتز، ۴ نوامبر ۱۹۷۱

الروم، که توسط کیبوتص «هاموشاد» تأسیس شد، سیزدهمین آبادی در بلندیهای جولان در دره قنیطره می باشد.

جرذالم پست، ۱۰ نوامبر ۱۹۷۱

وزیر مسکن اسرائیل از تمام کمپانیهای مقاطعه کار درخواست کرده است تا امکان ساختن یک شهر را در (افیر) — نام عبری شرم الشیخ — مورد مطالعه قرار دهند. تا کنون ۳ خانواده برای اقامت در شهر مورد نظر ثبت نام کرده اند.

النهار، ۱۳ نوامبر ۱۹۷۱

یک سخنگوی کمپانی آبرسانی «مکروت» اعلام کرد، که کمپانی وی مشغول حفر آب و کارهای ساختمانی در بلندیهای جولان می باشد. آنها یک ایستگاه پمپ آب در سواحل دریاچه کرت نصب کرده اند، که قرار است سالانه ۱۰ میلیون متر مکعب از آب دریاچه را برای بخش جنوبی بلندیهای جولان، به منظور حل مشکلات آب سه آبادی در آنجا، بالا بکشد. پروژه دیگری در دریاچه «برکت رام» در بخش-

شمالی بلندیهای جولان در دست اجراست.

جرزالمیست، ۱۳ دسامبر ۱۹۷۱

کار آماده کردن دومین آبادی اسرائیلی در نوار غزه، که قرار است بزودی تأسیس شود، آغاز شده است. این آبادی یک مقر شبه‌نظامی (ناهاال) از منطقه «ابومدیان» در جنوب غزه خواهد بود. در ابتدا از منابع آب محلی استفاده خواهد شد، اما در نهایت قرار است آبادی فوق به سیستم آبرسانی ملی متصل شود.

جرزالمیست، ۱۵ دسامبر ۱۹۷۱

آقای یاکوب تزور رئیس «سازمان توسعه صندوق ملی یهود» اعلام کرد که در ۱۹۷۲، اسرائیل حدود ۱۵ آبادی در سرزمینهای اشغال شده تأسیس خواهد کرد که ده تای آن بین «رفح» و العریش در ساحل مدیترانه‌ای صحرای سینا قرار دارد.

او گفت که یک کیبوتص در «مونت هرمون» (قلمرو سوریه)، دو کیبوتص دیگر در «خلیج عقبه» بین «ایلات» و «شرم‌الشیخ»، و کیبوتص دیگری در «ماورای اردن» بین دریای احمر و بیت‌المقدس تأسیس خواهد شد.

لوموند، ۲۹ دسامبر ۱۹۷۱

بخش پنجم

**جسارت و بی حرمتی به
مکانهای تاریخی و مقدس**

۱- قبل از بررسی جسارت و بی حرمتی مقامات نظامی اسرائیل به مکانهای تاریخی و مقدس به گزارش سازمان بهداشت جهانی در مورد اوضاع آموزشی اعراب در سرزمینهای اشغالی، و آنچه در مورد فوق ذکر گردیده، نظر خواهیم افکند.

الف- گزارش سازمان بهداشت جهانی

سازمان بهداشت جهانی مقامات اشغالگر اسرائیل را متهم کرد که مانع عملیات صلیب سرخ بین المللی شده اند. اما ویکتور شاکتوب، وزیر بهداشت اسرائیل، که از شرکت در جلسات نهایی سازمان خودداری کرد، اظهار داشت که اهمیتی برای تصمیم سازمان بهداشت جهانی قائل نمی شود.

جرزالم پست، ۲۷ مه ۱۹۷۱

ب- شرایط آموزشی در سرزمینهای اشغالی

روزنامه داوار، در ماه اکتبر طی انتشار گزارشی کمبودهای آموزشی اعراب را در اسرائیل فاش ساخت. در گزارش فوق ذکر گردید که در سالهای دهه ۱۹۵۰، هیچ کتاب مناسبی در دبستانهای مختلف عربی وجود نداشت که ارزش ذکر کردن داشته باشد. طبق گزارش مزبور، وزارت آموزش و پرورش هیچ گونه اهمیتی برای بالا بردن سطح کتابهای دبستانهای عربی که قابل مقایسه با

کتابهای دبستانهای یهودی باشد قائل نمی‌شد. دوره تحصیلات کنونی برای آموزش زبان عربی احتیاجات دانش‌آموزان عرب را که مشتاق مطالعه فرهنگ و تمدن خودشان هستند، برآورده نمی‌کند. نیمی از معلمانی که در بخش عربی هستند برای این کار مناسب نمی‌باشند و ثبت نام معلمان براساس تواناییهای تدریسی انجام نمی‌گیرد.

برطبق قطعنامه‌ای که در ۱۸ مه توسط مجمع بهداشت جهانی در ژنو به تصویب رسید، اسرائیل متهم شد که «از توزیع مواد دارویی» توسط صلیب سرخ بین‌المللی جلوگیری می‌کند. این قطعنامه که در ضمن از اسرائیل خواسته است تا اجازه بازگشت فوری پناهندگان عرب و اشخاص بی‌خانمان را صادر کند، اسرائیل را تهدید کرد که اگر به «تجاوزات به حقوق اصلی انسانی» پناهندگان ادامه بدهد، سرویسهای سازمان بهداشت جهانی را تعطیل می‌کند.

دیلی تلگراف، ۱۹ مه ۱۹۷۱

کسانی که دارای شایستگی و تجربه تدریس بودند، به‌خاطر عقاید سیاسی‌شان رد شدند، ولی در همان حال دهها معلم دیگر، بدون توجه به کمبودهای محسوس در تواناییهای آموزشی و شغلی‌شان، پذیرفته شدند. گزارش به‌فقدان تعداد ساختمانهای مدرسه برای اعراب اشاره کرد. دانش‌آموزان دهکده‌های عربی در کلبه‌های کهنه، که درمقابل آب باران در زمستان و گرمای طاقت‌فرسا در تابستان حفاظی ندارد، مشغول درس خواندن می‌باشند.

دولت به آبادیهای مسکونی یهودی برای هر نفر ۶۰ لیره اسرائیلی کمک آموزشی می‌دهد. کمک مزبور به دهکده‌های عرب‌حدود ۵ تا ۷ لیره اسرائیلی است. بدین خاطر، شورای محل در دهکده‌های عرب از کمبود بودجه رنج می‌برند، و قادر به فراهم آوردن خدمات

ضروری برای جامعه نمی‌باشند.

ساکنان علوتیه در بلندیه‌های جولان در سوریه در ۲۱ مه ۱۹۷۱ به وزارت آموزش و پرورش اسرائیل خبر دادند، که کتاب جغرافی منتشر شده از طرف دولت اسرائیل را قبول ندارند. در کتاب فوق ساکنان جولان را «وحشیها» توصیف کرده بودند. آنها به وزیر آموزش و پرورش اسرائیل گفتند که توصیف مزبور «یک کلمه پوچ توخالی» است، که اساسی از واقعیت ندارد. آنها خواهان برداشتن کلمه مزبور از کتاب جغرافی، که به دو زبان عربی و عبری چاپ شده، و رسماً برای مطالعه جوامع عربی و عبری در سرزمینهای اشغالی تعیین گردیده است، شدند.

۲- جسارت به زیارتگاههای مذهبی و مکانهای تاریخی:

پوستره‌های چسبیده به دیوارهای بیت المقدس هشدار می‌دهد که دیوار ندبه در صورت ادامه حفاریهای اطراف آن برای در آوردن بقایای مکانهای مقدس از زیر خاک، خراب خواهد شد. امضاکنندگان این پوسترها از یهودیان وفادار خواسته‌اند تا با پروژه مزبور مخالفت کرده و آن را از بین ببرند.

معارفو، ۷ دسامبر ۱۹۷۰

شورای اسلامی «اوقاف» خواهان وصل برق به مسجد جدیدی که در زمینهای «عونت اولیو» و «راس عامود» ساخته شده است گردید، اما مقامات طی صدور یک دستور وصل برق به مسجد را ممنوع اعلام کردند.

معارفو، ۲۷ دسامبر ۱۹۷۰

یهودیان، پس از یک روز روزه گرفتن، در گوشه غربی حرم

بیت المقدس در جوار مسجد الاقصی نمازهایی برپا کردند. «لیب د هووینته» اسقف اعظم سابق جامعه یهودی در جنوب افریقا، و عضو کنونی شورای شهرداری بیت المقدس، پیشنهادی آنها را بعهده داشت.

اسقف اعظم که تمام روز را روزه گرفته بود، در حوالی ظهر حمام کرد و بر طبق مراسم مذهبی خودش را برای رهایی از ناپاکی و آلودگی در یک استخر فرو برد. قبل از وارد شدن به حرم مقدس، کفشهای نعلین خودش را از پایش درآورد. سپس پیشنهادی نمازگزاران را بعهده گرفت و شروع به از برخواندن یک پیام از تورات کرد. در میان افراد شرافتمند موجود در آنجا، سخنرانان و استادان دانشگاه عبری و دانشگاه «لاری لان» تل آویو بچشم می خوردند.

وقتی که «اسرائیل رانیا» بازپرس پلیس به آنجا وارد شد، از نمازگزاران خواست محل را ترک کنند و آنان نیز پس از اتمام نمازهایشان این کار را کردند.

معاربو، ۸ دسامبر ۱۹۷۱

باستانشناسان، وقتی که یک لوحه سنگ در زیر دیوار حرم کشف کردند، گفتند: «این بزرگترین اکتشافی است که تاکنون در حفاریهای انجام شده بر جوار دیوار ندبه شده است.» به روی لوحه سنگ این کلمات نوشته شده بود «به خانه شیپورزن» تاریخ لوحه به دورانهای معبد دوم باز می گشت.

لوحه سنگ مزبور در دوران «راپودین» در یک جاده، در ۳۰ متری زیرزمین نصب گردید.

یدبوت آهارونوت، ۱۵ ژانویه ۱۹۷۱

اخیراً فاش گردیده است که بخش نمایان دیوار ندبه، که تماماً ۶ متر می باشد، به اندازه ۱ متر بیشتر توسعه خواهد یافت، تا پروژه محو کردن ساختمانهای کهنه زیر دروازه «مغاربه» در ابتدای

ورود به حرم بیت المقدس کامل گردد. سخنگوی وزارت مذهب که سخنان بالا را اظهار داشت، گفت که یک تصمیم مقدماتی در این مورد گرفته شده و او از اداره امور عمومی خواسته است تا طرحهای خودشان برای از بین بردن خرابه‌های ساختمانهای «دارالسعید» و ساختن یک پل بین صحن دیوار ندبه و حرم مقدس از میان دروازه مغاربه را به جای آن خرابه‌ها، ارائه دهند.

هائارتز، ۲۲ فوریه ۱۹۷۱

مسجد کوچک محله «عجمی» در یافا، تنها مسجد مسلمانان برای برگزاری نماز است. ساختمان مسجد کهنه است و سقف آن دارای شکافهایی است که از آنها به روی نمازگزاران آب باران می‌ریزد. شکافهای فوق مسجد را تهدید به سقوط و خرابی می‌کند. نمازگزاران به همین خاطر به یک راهروی کوچک مجاور که سقف آجری دارد متوسل شده و در آنجا نماز پیاپی دارند.

طی یکی از طوفانهای اخیر، تعدادی از آجرها افتاده و آب باران شروع به پایین ریختن کرد، و همین مسأله باعث شد که جمعیت نمازگزاران مسجد را رها کنند.

لازم به یادآوری است که مسجد مورد نظر، که تنها مسجد محل برگزاری دائمی نمازهاست، در حال حاضر در معرض خطر سقوط قریب الوقوع قرار دارد. «اکنون ما متحیریم که این وزارت مذهب کجاست و کمیته مسؤول وقف اسلامی در کجا بسر می‌برد؟ شاید هم بعد از آنکه برای مسجد فاجعه‌ای رخ بدهد آنها بدان توجه خواهند کرد!»

المرصاد، ۲۲ آوریل ۱۹۷۱

سالهاست، که طرحهایی برای ساختن هتلها و مراکز تفریحی در امتداد خط ساحلی بین تل‌آویو، یافا و بیت‌یاسین در جنوب، ریخته.

شده است. قصور در اجرای پروژه مزبور به دو علت بود: اول، در بدر کردن ساکنان، بویژه اعراب محله عجمی یافا که در میان خرابه‌ها و در خانه‌های در معرض سقوط زندگی می‌کردند، و وادار کردن آنان به پذیرش غرامت ناچیز کمپانی مقاطعه‌کار. غرامتهای مزبور به آنها توانایی خرید خانه‌های دیگر را نخواهد داد. دلیل دوم این بود که مقامات، سرگرم سازندگی سرزمینهای اشغالی بودند و به تخصیص وام و قرضه اولویت دادند. پروژه مزبور، علاوه بر خلاص شدن از دست ساکنان، مستلزم ویران کردن قبرستانها و مساجد میان راه بود.

در حقیقت، در حالی که پروژه در دست اقدام بود، عملیات حفاری در نزدیک مسجد بوسیله یک بولدوزر بزرگ، باعث خراب شدن آن گردید.

گزارشات روحی الخطیب

حوضه‌های ارتدوکس یونانی در بیت المقدس گفتند که مقامات اشغالگر اخیراً یک منطقه بزرگ متعلق به کلیسای اسقفی ارتدوکس یونانی را، که بین هتل «کینگ دیوید» و ایستگاه راه آهن بیت المقدس قرار دارد، مصادره کرده‌اند. کلیسای اسقفی، بنا به این گزارش، یک اعتراض شدید تسلیم مقامات کرد و علیه عمل مزبور که آن را یک تجاوز آشکار به هویت و تمامیت دین مسیح در بیت المقدس می‌دانست، شکایت نمود. هویت مزبور تا کنون به مدت صدها سال تحت حکومت اسلامی، عربی و عثمانی و حتی در دوران قیمومیت بریتانیا مورد حمایت و حفاظت قرار گرفته است... کلیسای اسقفی خواهان بازگرداندن فوری زمین مصادره شده گردیده است، (متن اعتراض مذکور در شماره ۱ مارس ۱۹۷۱ روزنامه یدیوت آهارونوت مورد تأیید قرار گرفته است).
 اخبار رسیده از بیت المقدس حاکی از آن بوده است، که نیروهای

اشغالگر اسرائیل اخیراً یک هتل متعلق به کلیسای اسقفی ارتدوکس امریکایی را به بهانه اینکه ساختمان هتل سالم نیست، مصادره کرده‌اند. بدین ترتیب، مقامات اسرائیلی هتل را خراب کردند و قطعه زمین آن را به یک کمپانی اسرائیلی برای ساختن یک هتل جدید، فروختند. کلیسای اسقفی امریکایی این عمل را یک مصادره غیرقانونی خواند. کلیسا بر علیه مقامات اقامه دعوی کرد اما دعوی فوق هنوز مورد بررسی قرار نگرفته است.

اخبار دیگری وجود دارد، حاکی از اینکه مقامات اسرائیل به فکر دست‌درازی بر اموال کلیسای ارتدوکس یونانی در وسط شهر بیت‌المقدس، که به مسکوبیه معروف است، می‌باشند. اموال مزبور شامل تعدادی ساختمانهای بزرگ می‌شود که بیمارستان دولت، دادگاه حقوقی، مقر پلیس و زندان بخش قیومیت بریتانیا را در برمی‌گیرد. ساختمانهای مزبور بخش مهمی از بیت‌المقدس را تشکیل می‌دهند. انتقال مالکیت به مقامات اسرائیلی، تغییر هویت آشکار وضع موجود سیاسی و مذهبی شهر مقدس به حساب می‌آید.

۱۰ آوریل ۱۹۷۱

اخبار رسیده از بیت‌المقدس حاکی از آن است که مسجد وابسته به مدرسه عثمانی، در نتیجه حفاریهای مقامات اسرائیلی، در زیر مسجد و املاک وقف متصل به دیوار ندبه، شکافهایی برداشته است. خوف این است که شکافهای موجود، برای ویران کردن مسجد و محو ساختمانهای مجموعه فوق، به دست مقامات اسرائیلی بهانه بدهد، چنانکه همین حادثه برای محله معروف به «زاویه فاخوری» در ۴ ژوئن ۱۹۶۹ اتفاق افتاد.

مقامات اشغالگر نظامی اسرائیل، اعضای ساختمانهای وقفی مسلمانان در بیت‌المقدس را احضار کرده و به آنها اطلاع داده‌اند که

اسرائیل در صدد گشایش یک جاده در امتداد بخش شرقی بیت المقدس است، که از میان دو قبرستان مسلمانان به نام «یوسفیه» و «باب الرحمه» خواهد گذشت. این قبرستانها، یک بخش جداناپذیر و ضروری از تاریخ اسلامی بیت المقدس بحساب می آیند. در این دو قبرستان مقبره تعداد زیادی از صحابه معاصر حضرت محمد (ص) پیامبر اسلام، و مردان علم و مذهب وجود دارد که سالها برای گسترش فرهنگ اسلامی از دوره خلافت عمر تا کنون زحمت کشیده اند.

۲۹ ژوئن ۱۹۷۱

آنچه در زیر می آید، اظهارات تعدادی از شاهدان تجاوزات اسرائیل به حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی است، که از ۸ تا ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۱ به کمیته بررسی سازمان ملل تسلیم شده است.

۱- اسقف تئودوروس از کلیسای ارتدکس یونانی

من خوشحالم، که می توانم برای سومین بار در حضور کمیته حقوق بشر در رابطه با اعمال مقامات اشغالگر در فلسطین عربی، که بدون شک تجاوز آشکار به حقوق بشر، و بویژه آن اعرابی است که در زیر یوغ خشن ترین اشغال تاریخی بسر می برند، سخنرانی کنم...

یکی از حوادث تازه در رابطه با کلیساهای ما این است که کلیسای اسقفی ضرورت تعمیر کلیساهای و پاک کردن آنان از آلودگیهای اشغالگرانی که، آنها را به خاطر اهدافی به جز اهداف حقیقی آن مورد استفاده قرار داده اند، احساس کرده است. به این منظور کلیسای اسقفی لازم دید تا پنجره ها را ببندد و آنها را با تخته میخکوب کند و بدین ترتیب جلوی جسارت عابرین به مصونیت کلیساهای خدا را بگیرد. حادثه جدید دیگر، حادثه کلیسای «عین کریم» است که کلیسای اسقفی تا کنون ۳ بار آن را تعمیر کرده و هر بار اسرائیلیها آن را درهم کوبیده

و به آن بی‌حرمتی کرده‌اند. سپس کلیسای اسقفی ناچار شد برای حفظ کلیسا و تقدس آن پنجره‌ها را ببندد و جلو آنها را دیوار بسازد. هدف کلیسای اسقفی از این کار این بود تا جلو استفاده از کلیسا را به عنوان یک مستراح، چنانکه قبلاً سابقه داشته است، بگیرد.

کلیسای اسقفی در جلو در و پنجره‌های کلیسای «جرجیوس-مونت‌فیور» در پشت هتل کینگ دیوید، که ساکنان کنونی فلسطین (اسرائیلیها-م.) چندین بار به آن بی‌حرمتی کردند، دیوارهایی ساخت. اندکی قبل، یکی از ساکنان وارد «مقبره مقدس» که مقدس‌ترین مکان روی زمین بحساب می‌آید شد، و شروع به شکستن فانوسها و لامپهای گرانتیتمت و پاره کردن تمثالها و دادن دشنامهای زشت به حضرت مسیح نمود و سپس با کشیش ارتدوکس حافظ زیارتگاه گلاویز شد. حادثه مزبور از آنجا که در روزنامه‌ها منتشر شده، از نظر مخفی‌نمانده است. دولت ادعا کرد که متهم دیوانه بوده است. دولت قبلاً نیز به همین ترتیب ادعا کرده بوده که شخصی که مسجدالاقصی را به آتش کشیده، دیوانه بوده است. با توجه به این اوضاع چنین برمی‌آید که ارزشهای مقدس ما در معرض خطر قرار دارند، و بهانه‌های گوناگون در مورد دیوانه‌بودن یا غیان ادامه یافته، و در نتیجه ارزشمندترین مقدسات ما تابع رحم یا ابلهی دیوانه‌ها و حامیان آنها قرار گرفته است. این احتمال وجود دارد که روزی برسد که آنها مکانهای مقدس را به بهانه‌های مشابه منفجر کنند. طبیعتاً، این امر بستگی به این دارد که اسرائیلیها، سیاست تبدیل مکانهای مقدس به موزه را، بپذیرند یا نه.

به تازگی جوانان پسر و دختر یهودی وارد زیارتگاهها شده و چنان بی‌پروا در آن رفتار می‌کنند که گویی در استریوها و بارهای مشروب‌فروشی هستند.

۲- اسقف نعمت السمعان کاتولیک

من به توصیف تبعیض نژادی مقامات اشغالگر بر علیه اعراب زیاد طول نمی‌دهم. اسرائیل آنها را شهروندان درجه دوم بحساب می‌آورد. در دانشگاهها، تنها ۵ درصد دانشجویان عرب هستند و فقط اجازه دارند در رشته‌های تئوریک درس بخوانند. این تبعیض در تمام زمینه‌های زندگی توسعه یافته و حتی در کارتهای شناسایی اعراب بچشم می‌خورد.

یک شهروند عرب از جلیله، به مرکز پلیس که با وی به عنوان شهروند درجه دوم رفتار کرده بود، اعتراض کرد. پلیس اسرائیل به او جواب داد که: «در حقیقت شما شهروند درجه دوم نیستید بلکه درجه پنجم بحساب می‌آیید.»

در ۲۴ فوریه ۱۹۷۱، یک یهودی امریکایی وارد مقبره مقدس شد، و همچون یهودیان دیگر به هنگام ورود به زیارتگاههای مقدس، هیچ گونه ادای احترام از خود نشان نداد. او پس از ورود لحظه‌ای به طور مردد ایستاد، و بعد به طرف محراب رفت و شروع به نابود کردن لامپها، فانوسها، و تمثالهایی که به دیوار آویزان بود نمود. یکی از روحانیون که سرو صدا را شنیده بود وارد مقبره شد و جوان مزبور را دید که دارد همه چیز را ویران می‌کند. وی سعی کرد که جلو او را بگیرد، اما جوان یهودی خشمگین به طرف کشیش برگشت و با مشت به صورت او کوبید و به او توهین کرد. پلیس تنها کاری که کرد این بود که جوان یهودی را به آرامی از آنجا دور نمود.

روزنامه هائارتز، در شماره ۳ مارس ۱۹۷۱ خود نوشت که یهودی امریکایی مزبور دستگیر شد و سپس آزاد گردید. احتمالاً پلیس او را یک یهودی تشخیص داده است، درست مثل همان کاری که نسبت به یهودی - استرالیایی آتش زننده مسجد الاقصی، انجام داده بود.

این حادثه نشان می‌دهد که، مقامات اسرائیلی نتوانسته‌اند یهودیان را متقاعد به احترام گذاشتن به مکانهای مذهبی کنند، و شاید هم عمداً این کار را نکرده‌اند. طبق آمار بدست آمده ۱۵ درصد اسرائیلیها از مذهبهای فاناتیک هستند، و ۵۰ درصد آنها از وطن-پرستان متعصب بشمار می‌آیند.

در اوت ۱۹۷۰، مقامات اشغالگر برخلاف تمام قوانین و معیارهای عرفی، ۳،۲۰۰ هکتار از زمینهای اعراب را مصادره کردند. بعداً در ژانویه ۱۹۷۱ دوازده هزار هکتار دیگر مصادره شد. این مصادره‌های وسیع انسان را به این نتیجه می‌رساند که اعراب فلسطینی (چه مسلمان و چه مسیحی) دیر یا زود مجبور خواهند شد تا خانه‌ها و زمینهای خودشان را رها کنند. از طرف دیگر مکانهای مقدس تبدیل به موزه خواهد شد تا فقط توریستها در آن رفت‌وآمد کنند و نه افراد مذهبی.

۳- آقای روحی الخطیب شهردار بیت‌المقدس قدیم

این برای دومین بار است که در حضور کمیته فعلی، یک سری دیگر از تجاوزات اسرائیل را به حقوق بشر در بیت‌المقدس، برای شما بازگو می‌کنم. من درباره آن تجاوزاتی که بعد از اظهارات اول من، صورت پذیرفته است با شما سخن می‌گویم.

اولین تخلف، در ۱۷ مه ۱۹۷۱ توسط رادیو اسرائیل اعلام شد، و آن هنگامی بود که رادیوی مزبور از قول شهردار بیت‌المقدس قدیمی اعلام کرد که ۴،۰۰۰ نفر از اعراب از سال ۱۹۶۷ از آنجا اخراج شده‌اند. منابع عرب در بیت‌المقدس فاش کردند که ۷۰ درصد آنها، که ۲۰۰ نفرشان در دهکده نبی‌ساموئل زندگی می‌کردند، سال گذشته اخراج شدند. ژنرال موشه دایان در ۲۲ مارس ۱۹۷۱ دستور

داده بود تا خانه‌های آنها را، که به ۲۰ خانه می‌رسید، ویران کنند. دومین تخلف، ضمیمه کردن زمینهای اضافی اعراب در اطراف بیت‌المقدس است که به دستور «پیناس ساپیر» وزیر دارایی صورت گرفت. دستور مزبور در گازت (روزنامه دولتی اسرائیل - م.) شماره ۶۵۶ در ۳۰ اوت ۱۹۷۰ منتشر شد. مقدار زمین ۱،۶۸۰ هکتار است و متعلق به ۱۰،۰۰۰ نفر از اعرابی که در ۷ دهکده اطراف بیت‌المقدس زندگی می‌کنند، می‌باشد. این اعراب برای بدست آوردن معاش روزانه خودشان متکی به کشت و زرع زمینهایشان می‌باشند.

سومین تخلف، حفاریهای غیرقانونی مداوم اسرائیل در اطراف دیوارهای دور مسجدالاقصی می‌باشد. تازه‌ترین گزارشات رسیده از منابع عرب فاش می‌کنند که مسجد مدرسه عثمانی که نزدیک دیوار غربی بیت‌المقدس قرار دارد، در نتیجه حفاریهای «وزارت مذهب» اسرائیل شکاف برداشته است.

حفاریها در برگیرنده پیش از ۲۰ ساختمان مذهبی، مراکز فرهنگی و ساختمان مسکونی که ۳۰۰ نفر در آنها زندگی می‌کنند می‌باشد. نزدیک این ساختمانهای مسکونی ۸۰ ساختمان هست که ۷۰۰ شهروند عرب در آن ساکن می‌باشند و گمان می‌رود که طی طرح ویرانسازی، این ساختمانها صدمات و خیمی بینند، و شاید هم در نهایت ویران گردند.

چهارمین تخلف، طرح تازه‌ای است که شهردار بیت‌المقدس اشغال شده آن را در نوامبر ۱۸۷۰ فاش کرد. براساس آن قرار است وزارت کشور، یک بیت‌المقدس جدید احداث کند. هدف طرح مزبور این است که منطقه بیت‌المقدس را، ۸ برابر مساحت فعلی وسعت دهند تا ۳ شهر عربی و ۲۳ دهکده به جمعیت ۱۰۰،۰۰۰ نفر را دربر بگیرد. برای اجرای این طرح، تمام زمینهای سابق الذکر باید تحت

حاکمیت اسرائیل قرار بگیرد.

پنجمین تخلف، عبارت است از طرح‌های اسرائیل برای اسکان دادن اسرائیلیها در بیت‌المقدس، و تأسیس مراکز صنعتی به روی زمینهایی که طرح مصادره و اخراج ساکنان آن ریخته شده است. تصمیم اسرائیل برای دادن غرامت به ساکنان عرب بیت‌المقدس، که اموال غیرمنقول خودشان را پس از جنگ ۱۹۴۸ از دست داده‌اند، در واقع محروم داشتن اعراب از تمام حقوق شهروندی است.



۱- چهارشنبه ۱۵ سپتامبر:

تانکهای اسرائیلی صبرا و شتیلا را محاصره کردند، و گشتی‌ها خانه به خانه به جستجو پرداختند. در قسمت‌های شمالی جاییکه احتمالاً مرکز مقاومت چریکهای فلسطینی و شبه نظامیان چپ‌گرا با اسرائیلی‌ها بود نبرد در گرفت.

۲- پنجشنبه ۱۶ سپتامبر:

اردوگاهها امن هستند و شهروندانی که روز قبل گریخته بودند بازگشتند. تانکها و نیروهای اسرائیلی نیز منطقه را تخلیه کرده‌اند. طی روز نیروهای مسیحی متشکل از شبه نظامیان سعد حداد از جنوب، و فالانژیست‌ها از شرق بیروت از خطوط اسرائیلی گذشته و در جنوب فرودگاه جمع شدند.

۳- آنها بطرف شمال حرکت کرده و در همسایگی یک پست ناظر اسرائیلی مشرف به اردوگاهها یک پست فرماندهی تأسیس کردند.

۴- با استفاده از روشنائی گلوله‌های نورانی اسرائیلی حدود ۶۰۰ شبه نظامی مسیحی وارد اردوگاهها شدند. در تمام طول شب صدای تیراندازی و انفجار بگوش میرسید.

۵- جمعه ۱۷ سپتامبر:

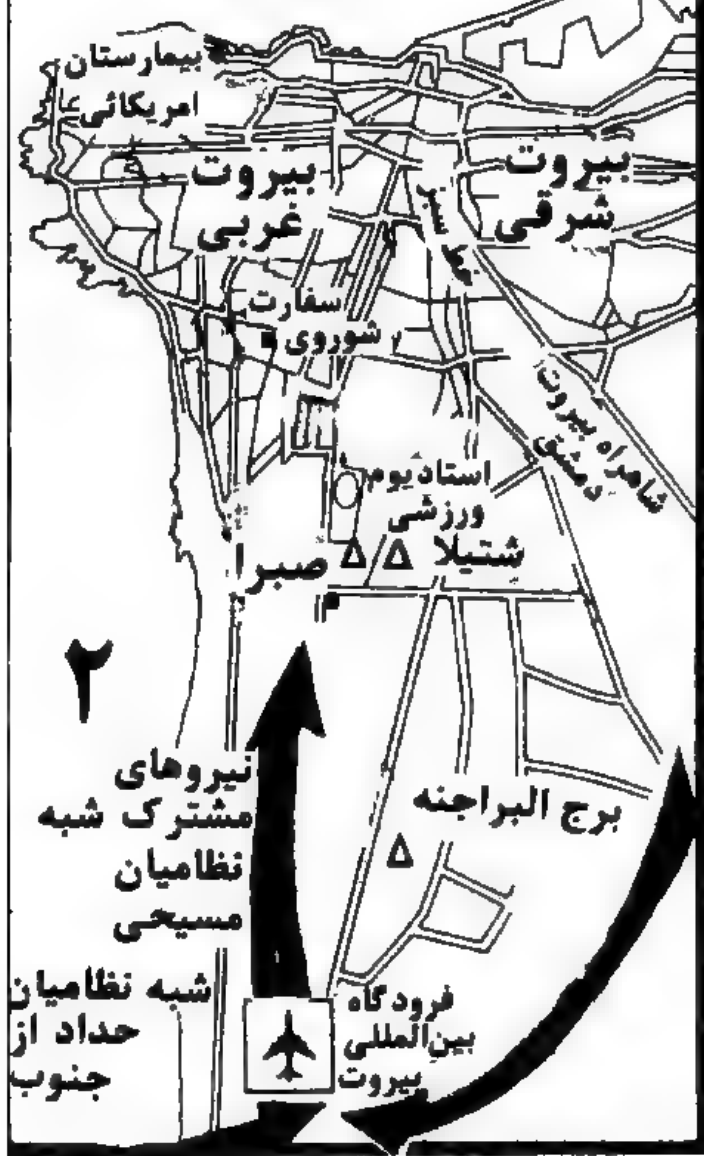
شبه نظامیان مسیحی داخل اردوگاهها میشوند، و نیروهای اسرائیلی با شبه نظامیان گفتگو می‌کنند. درحالیکه صدای تیراندازی هنوز ادامه دارد، بلدوزرها با حفر قبرهای عمومی اجساد را از منطقه خارج می‌کنند.

۶- روز جمعه شبه نظامیان مسیحی وارد بیمارستان عکا میشوند و پزشکان و پرستاران را می‌کشند.

روز شنبه ۱۸ سپتامبر، شبه نظامیان بیمارستان غزه را از کارکنان، بیماران و آوارگان خالی می‌کنند و آنها را با پای خود بطرف نقاط تیراندازی می‌برند.



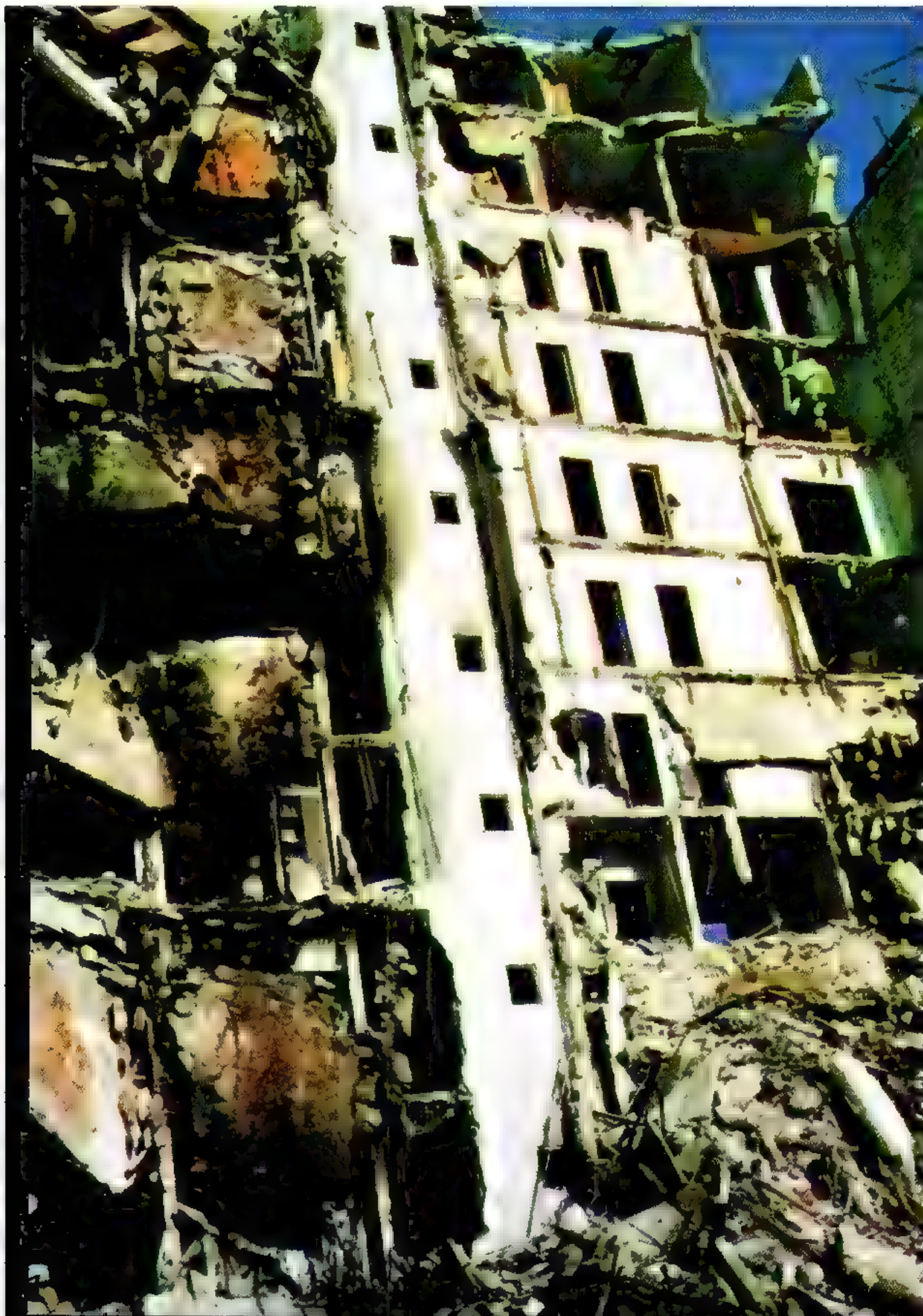
دریای مدیترانه



۲۱

تادیوم ورزشی





سجده عماراتها و گلوله بارانهای بدون هدف غرب بیروت. طبقه دوم این ساختمان به یک موزه هنر فلسطینی تعلق داشت.



هیجدهم سپتامبر - اردوگاه شاتیلا - پیرمرد از مسجد یازمی گشت تازه از بازار و
 تیار با حداس قارع شده بود که جلویش را گرفتند ، تخت گلونه هـا را در
 شقیقه اش خالی کردند و سپس چشمهایش را با ز کاسه در آوردند .



پیرمرد را کشتند ، و سپس با تبر سرش را چاک دادند . آنوقت یک نارنجسک
 دست را با ضام کشیده بر بدنش گذاشتند تا اگر حرکت کند ، منفجر شود .



بین پسرک، زنجیری به گردن داشت و بنظر می‌رسد که بوسیله همین زنجیر
او را خفه کرده‌اند.





زن فریاد می‌گشود و سر می‌زند. او بتازگی از نتیجه قتل عام ۱۸ سپتامبر
باخبر شده است.





صبح روز ۲۰ سپتامبر حدود ۶ جسد از اردوگاه شاتیلا جمع آوری گردیده
بزشکان داوطلب به ضد عفونی احساد مشغولند و اقوام قربانیان جمع شده اند تا
اعضاء خانواده های گمشده را شناسایی کنند.



زن فریاد می زند: ای خدا! بیا و ببین! بیا و این جنایت را تماشا کن! قاتلان
جنایتکار! جنایتکار! معصوم فلسطینی نگذاشتند به آنها تجاوز کرده



مادر شناسنامه های دوفروزندش را به خبرنگاران نشان می دهد آنها در اردوگاه



فرزند یکی از شهیدان فلسطین بر سر پدر خود.











ما هنوز ایستاده‌ایم! آوارگی را می‌پذیرند، دیرباز این‌ها کفر قاسم‌ها و شائیلان و
صبراها را تحمل می‌کنند. اما رویای بازگشت به فلسطین راه‌گز از یاد نمی‌برند.
شاید زنان، مردان، کودکان و پسران به‌سری رانند اما سرانجام
سیربجده‌ای از این انقلاب برچم فلسطین را بر فراز بیت‌المقدس خواهد افراشت.

ضمیمہ شماره یک

گزارش کمیٹہ ویژہ
سازمان ملل-۱۹۷۱

۱- گزارش کمیته ویژه مأمور بررسی اعمال اسرائیل در رابطه با زیر پا گذاشتن حقوق بشر ساکنان سرزمینهای اشغال شده:

مفاد گزارش:	شماره پاراگرافها:
۱- سازمان کار کمیته ویژه	(ذکر نشده)
۲- حکم (قیمومت) کمیته ویژه	۳۳ تا ۳۴
۳- تحلیل مدارك و شواهد	۳۵ تا ۴۳
الف: انضمام سرزمینهای اعراب، و تأسیس آبادیهای یهودی نشین	۴۴ تا ۴۸
ب: تبعید (فلسطینیها)	۴۹ تا ۵۱
ج: ویران کردن خانه ها و درهم کوبیدن دهکده ها	۵۲ تا ۵۸
د: بدرفتاری با فلسطینیهای تحت بازداشت	۵۹ تا ۶۷
ه: بازداشت غیر قانونی	۶۸
و: کارهای خلاف حقوق بشر دیگر	۶۹ تا ۷۱
۴- نتایج بدست آمده از بررسیها	۷۲ تا ۸۳
۵- توصیه ها	۸۴ تا ۹۱
۶- دادن گزارش	۹۲

۲- حکم (قیمومیت) کمیته ویژه

۳۳- اولین گزارش کمیته ویژه به دبیر کل (بخش دوم، شماره الف / ۸۰۸۹)، در برگیرنده تفسیر کمیته از حکم (قیمومیت) خود برطبق قطعنامه‌های مربوطه مجمع عمومی و دیگر اسناد بین‌المللی، می‌باشد. کمیته ویژه برای چندمین بار تفسیری را که از حکم (قیمومتش) در آن گزارش، کرده است تکرار می‌کند، و دومین مأموریت خود را به طور دقیق برطبق آن تفسیر انجام داده است.

۳۴- کمیته ویژه، اعتبار این تفسیر را مطابق با روح و متن اعلامیه سازمان ملل به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تأسیس این سازمان، (که در چهارم اکتبر ۱۹۷۰ در هزار و هشتصد و هشتاد و سومین جلسه تمام اعضای مجمع عمومی - در قطعنامه شماره ۲۶۲۷ توسط این مجمع صادر شد) مورد تأیید قرار داده و توجه خاصی به عبارت زیر از پاراگراف هشتم این قطعنامه - ۲۶۲۷ - که چنین اظهار می‌کند، مبذول می‌دارد:

سازمان ملل متحد در نخستین ۲۵ سال تأسیس خود، کوشش کرده است تا اهداف منشور سازمان ملل را مبنی برافزایش احترام و رعایت آزادیهای انسانی و اساسی تمام مردم جهان برآورده کند. توافق‌نامه‌ها و اعلامیه‌های صادر شده در تحت توجهات این سازمان، بیانگر آگاهی معنوی بشریت، و ارائه دهنده معیارهای انسانی برای تمام اعضای جامعه بین‌المللی می‌باشد. صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر و توافق‌نامه‌های بین‌المللی در مورد حقوق بشر...، یک سر فصل تاریخی در همکاری بین‌المللی، و شناسایی و حفظ حقوق بدون تمایز همه افراد بشر بحساب می‌آید.

۳- تحلیل مدارک و شواهد

۳۵- در طی سال ۱۹۷۰، کمیته ویژه شواهد شفاهی و کتبی‌ای بدست آورد، که اساس و پایه گزارش (شماره الف/۸۰۸۹) این کمیته را به‌دیرکل، تشکیل می‌داد. به‌منظور انجام اقدامات لازم برای اجرای مؤثر مسئولیت حکم (قیمومیت) مندرج در قطعنامه ۲۷۲۷ (xxv) مجمع عمومی، کمیته ویژه، نامه‌هایی برای دولتهای اسرائیل، اردن، لبنان، سوریه و جمهوری متحده عربی ارسال داشت، و از آنان خواستار اطلاعات بیشتر و نیز اطلاعات دیگر در مورد بعضی موارد خاصی که توجه کمیته ویژه را در طی سال ۱۹۷۰ به‌خود جلب کرده، گردید... دولت اسرائیل از طریق نماینده‌اش در سومین کمیته، در جریان بحث پیرامون مسأله «احترام به حقوق بشر در برخوردهای مسلحانه»، در بیست‌وپنجمین اجلاس مجمع عمومی، به‌این موضوع اشاره کرد که اسرائیل اطلاعاتی در اختیار دارد که سخنان ایراد شده در حضور کمیته ویژه، و بخصوص سخنان مربوط به بدرفتاری با زندانیان را رد می‌کند. نماینده اسرائیل در سومین کمیته، به‌مورد آقای «محمد درباس»، که به‌عنوان شاهد در حضور کمیته ویژه اظهار داشته بود که به‌هنگام بازداشتش در زندان «آتلیت» اسرائیل در حوالی ۱۵ ژوئن ۱۹۷۱ یک جراح اسرائیلی، از طریق یک عمل جراحی او را اخته کرده بود، اشاره نمود. کمیته ویژه‌نامه‌ای در ۲ فوریه ۱۹۷۱ به‌دولت اسرائیل نوشت، و در آن به‌اظهارات نماینده اسرائیل در حضور سومین کمیته در جلسه ۱۷۸۲ مجمع عمومی اشاره کرد، که گفته بود دولت او یک گزارش پزشکی به‌تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۶۶ از «پروفسور محمدصفوت» در اختیار دارد مبنی براینکه در همان تاریخ عمل جراحی مشابهی صورت گرفته است. کمیته ویژه از دولت اسرائیل

دعوت کرد تا تمام مدارك موجود را در رابطه با آقای «درباس» و نیز موارد اشاره شده در گزارش کمیته ویژه (نگاه کنید به پاراگراف ۹ در بالا)، در اختیار این کمیته قرار بدهد.

کمیته ویژه همچنین طی درخواستی از جمهوری متحده عربی، خواهان کسب اطلاعات در رابطه با محل «پروفسور محمد صفوت» گردید. دولت اسرائیل تا کنون اطلاعاتی را که ادعا می کرد در رد اتهامات وارد شده به خود دارد، به کمیته ویژه ارائه نداده است. و کمیته ویژه هم نتوانسته است محل پروفسور محمد صفوت را پیدا کند (نگاه کنید به پاراگراف ۶۵ در صفحات بعد).

۳۶- کمیته ویژه، در پی این بوده است تا از اشخاصی که شاهدان در حضور این کمیته در طی سال ۱۹۷۰ از آنان اسم برده اند، خبری بدست آورد. زیرا یک چنین مدرکی از ارزش تأیید کننده زیادی برخوردار بوده، و به در دست داشتن یک ارزیابی و تشخیص صحیح درباره اظهارات گفته شده در حضور این کمیته، و بخصوص درباره اتهامات وارده مبنی بر بد رفتاری با زندانیان به هنگام بازداشت آنان، کمک خواهد نمود. به منظور رسیدن به یک چنین هدفی، تا آنجا که به مسأله بد رفتاری با افراد مربوط می شود، کمیته ویژه وظیفه خود دانسته است تا در عوض جمع کردن و انبوه نمودن اظهارات مازاد بر اظهارات شنیده شده در طی سال ۱۹۷۰، بیشتر سعی خود را متوجه بدست آوردن مدارکی که جنبه کیفی و تأیید کننده داشته باشند، بنماید. کمیته ویژه بر لزوم داشتن شواهد سندی، بخصوص به شکل گزارشات پزشکی در رابطه با مورد قبل (اخته کردن از طریق عمل جراحی-م.) تأکید ورزیده است.

۳۷- بر اساس گفتگوهای شفاهی ایراد شده در حضور کمیته ویژه در سال جاری، موارد چندی پیرامون اخراج اجباری یا تبعید

ساکنان، بدرفتاری به هنگام بازداشت، و ویرانسازی خانه‌ها ذکر گردید. دیگر مدارك بدست آمده توسط کمیته ویژه به این موارد، و نیز مواردی نظیر سیاست انضمام و ساختن اسکانهای یهودی در سرزمینهای اشغالی مصادره شده، تأسیس اسکانهای اسرائیلی، تبعید و محروم کردن آن دسته از ساکنان سرزمینهای اشغالی، از حق بازگشت مجدد به سرزمینهای متروکه خود، مربوط می‌شده است. این مدارك در همین بخش (پاراگراف ۴۴ تا ۷۱ صفحات بعدی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۳۸- کمیته ویژه، اظهارات موجود در نامه‌هایی را که به عنوان اسناد شورای امنیت و مجمع عمومی منتشر گردید، و توسط نمایندگان دائمی اردن، سوریه و جمهوری متحده عربی برای دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت فرستاده شد، مورد توجه قرار داد. بسیاری از این اظهارات بنا به درخواست مصرانه دولت مربوطه، از مدنظر کمیته ویژه گذشت. کمیته ویژه در ضمن، پاسخهای دولت اسرائیل به این اظهارات را که جزو اسناد شورای امنیت و مجمع عمومی نیز بحساب می‌آید، مورد توجه قرار داد.

۳۹- اظهارات ذکر شده در این نامه‌ها، عمدتاً به تبعید افراد، تأسیس آبادیهای اسرائیلی در سرزمینهای اشغالی، اعمال وحشیانه پلیس مرزی در آغاز سال ۱۹۷۱، اقدامات اسرائیل در بیت المقدس و مصادره زمین و نیز وارد آوردن جراحات عمیق جسمانی، و ایجاد تغییرات در ترکیب جمعیت سرزمینهای اشغالی، مربوط می‌گردد.

۴- علاوه بر نکات بالا، کمیته ویژه، مذاکرات کمیته سیاسی ویژه در طی بیست و پنجمین اجلاسیه این کمیسیون در مورد مسأله تجاوز به حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی در خاورمیانه، و مواد اشاره شده به گزارش کمیته ویژه در قطعنامه شماره ۹ کمیسیون حقوق بشر

را، از مد نظر گذرانیده است.

۴۱- کمیته ویژه تعدادی مکاتبات کتبی از سازمانها و افراد در اختیار دارد، که در آنجا به تجاوزات به حقوق بشر اشاره شده است. در میان این مکاتبات، گزارشات روزنامه‌ای اسرائیلی و عربی در رابطه با جنبه‌های مختلف تجاوز به حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی، و اظهار نظر مقامات مذهبی درباره دیگر موارد اشغال بیچشم می‌خورد.

۴۲- یک فیلم مستند که در داخل سرزمینهای اشغالی ساخته شده، به کمیته ویژه نشان داده شد. کمیته ویژه هیچ گونه زمینه‌های منطقی برای زیر سؤال قرار دادن صحت و سندیت فیلم در اختیار نداشت. این فیلم مدارك کمیته ویژه از موقعیت سرزمینهای اشغالی، بخصوص در رابطه با ساختن آبادیهای اسرائیلی، ویران کردن دهکده‌های عرب، و احساس موجود میان اعراب و اسرائیلیهای سرزمینهای اشغالی را، تکمیل کرد. در این فیلم با اعراب و اسرائیلیها، چه از رهبران و چه از مردم عادی، مصاحبه شده و نظرات و اعتقادات آنها در مورد مسأله اشغال سرزمینها، ضبط گردیده است.

۴۳- وظیفه (حکم قیمومیت) کمیته ویژه، بررسی سیاستها و اعمال اسرائیل در رابطه با حقوق بشر جمعیت سرزمینهای اشغالی می‌باشد. با در نظر داشتن این مسأله، کمیته ویژه مدارك موجود را به طریق زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است: کمیته ویژه در ابتدا بر طبق «معیار شک منطقی»، گفته‌های افراد را مورد بررسی قرار داد، و به هنگامی که این بررسی به انجام رسید، به این کار پرداخت که آیا گفته‌های آنان منعکس کننده یک سیاست یا یک عمل ناقص حقوق بشر است یا نه. در بعضی موارد، مدارك به طور کلی افشا کننده یک الگوی روشن از سیاست مزبور بوده است. مثلاً، میزان تأسیس آبادیهای اسرائیلی در سرزمینهای اشغالی با تبعید ساکنان، و مخالفت با بازگشت

مجدد تعداد مهمی از ساکنان سرزمینها، که این مناطق را در نتیجه جنگ ۱۹۶۷ ترك کرده‌اند، رابطه دارد. کافی است نتیجه بگیریم که دولت اسرائیل سیاست انضمام طلبانه‌ای درپیش گرفته است، که افراد را از حق اساسی بازگشت به سرزمین خودشان محروم کرده و یا احقاق این حق را عقیم ساخته است.

الف: انضمام سرزمینهای اعراب و تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین

۴۴- شواهد، و منجمله مدرک موجود در نزد کمیته ویژه در رابطه با انضمام سرزمینها و تأسیس آبادیها، اظهارات موجود، پیرامون سیاست انضمام و تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی از سوی اسرائیل، به منظور از بین بردن تمام امکانات استرداد مالکیت قانونی اعراب رامورد تأیید قرار می‌دهد. به نظر کمیته ویژه، نشانه انضمام، در رابطه با بعضی مناطق مثل بیت المقدس قوی‌تر است. در حالی که در بعضی مناطق دیگر که در اثر جنگهای شش روزه ۱۹۶۷ به اشغال درآمده، شواهد حاکی از این است که دولت اسرائیل دست به اعمالی می‌زند که نوعی تجاوز به حقوق بشر بشمار می‌آید.

۴۵- فرق بین انضمام سرزمین مفتوحه، و اشغال سرزمین در دوران جنگ، در متن زیر در تفسیری که توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از چهارمین توافق‌نامه ژنو، منتشر شده آمده است:

همانطور که در تفسیر ماده چهار تأکید گردید، اشغال سرزمین در دوران جنگ لزوماً یک وضع موقت و دوفاکتو دارد، و براساس آن قدرت تحت‌اشغال را از داشتن حق حکومت و حاکمیت در آن سرزمین محروم نمی‌کند، و قدرت تحت اشغال تنها با مداخله قدرت، حقوق خودش را در آن سرزمین اعمال می‌کند. این چیزی است که

اشغال را از انضمام، که در آن قدرت اشغالگر تمام و یا بخشی از سرزمین اشغال شده را گرفته و به قلمرو خودش الحاق می‌کند، مشخص و متمایز می‌سازد. در نتیجه، اشغال ناشی از جنگ، گرچه به ظاهر نشان دهنده مالکیت واقعی است، اما نمی‌تواند هیچ گونه حقی را برای دولت اشغالگر به منظور مصرف، فروش یا واگذاری سرزمین مزبور، فراهم آورد. بنابراین مادامی که تخصیصات ادامه دارد، قدرت اشغالگر، حتی در صورتی که تمام سرزمین را به اشغال خود درآورد، نمی‌تواند سرزمین مربوطه را به خاک خود ضمیمه کند. تنها از طریق یک معاهده صلح می‌توان چنین تصمیمی را اتخاذ کرد. این یک قانون شناخته شده جهانی است، که بوسیله هیأت‌های منصفه امضا شده، و مورد تأیید قوانین متعدد دادگاه‌های بین‌المللی و ملی قرار گرفته است.

.....
از ملاحظات بالا یک اصل اساسی مشتق می‌شود: و آن این است که یک قدرت اشغالگر حتی به هنگامی که برخلاف قوانین حقوق بین‌المللی، ادعا می‌کند که در طی یک برخورد تمام یا بخشی از یک سرزمین اشغال شده را ضمیمه خاک خود کرده، به‌طور کلی موظف است که توافق فوق‌الذکر را به مرحله اجرا بگذارد...

۴۶- کمیته ویژه اعتبار این پیشنهاد را مورد تأکید و تصدیق مجدد قرار می‌دهد. بعلاوه، کمیته ویژه، بار دیگر تکرار می‌کند که هرگونه کوششی از جانب دولت اسرائیل برای در پیش گرفتن یک سیاست انضمام و اسکان آبادیهای یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی، انکار حقوق انسانی اساسی ساکنان محلی، بخصوص حق خودگردانی و حق اعاده وطن آنها، و رد معیارهای پذیرفته شده و مسلم حقوق بین‌المللی از سوی دولت اسرائیل، بحساب می‌آید.

۴۷- حقایق زیر نشانگر تأیید این مسأله است که هدف

سیاست دولت اسرائیل انضمام و اسکان سرزمینهای اشغالی می‌باشد:

الف: وجود یک «کمیته وزارتی برای ساختن آبادیها در

سرزمینهای اشغالی» در دولت اسرائیل.

ب: بیان اظهاراتی حاکی از این مسأله (انضمام و اسکان سرزمین - م.) از سوی وزرا و رهبران اسرائیلی.

ج: یک یادداشت در ۸ ژوئیه ۱۹۷۱ توسط آقای روحی الخطیب، شهردار بیت المقدس در دوران جنگ ۱۹۶۷، به کمیته ویژه تسلیم گردید که حقایق آن براساس مدارك دیگر تأیید می گردد.

د: وجود گزارشات متناقض، در رسانه های اطلاعاتی اسرائیل، در مورد تأسیس آبادیهای یهودی نشین در سرزمینهای اشغالی.

ه: بیانات موجود در چندین نامه ارسالی توسط دولتهای اردن و سوریه، در رابطه با اقدامات دولت اسرائیل در تجاوز به حقوق انسانی اشخاص ساکن در سرزمینهای اشغالی.

و: در میان نبودن هیچ گونه تلاش جدی برای بازگرداندن پناهندگان به خانه هایشان در سرزمینهای اشغالی.

ز: اخراج دسته جمعی و تبعید مداوم افراد از سرزمینهای اشغالی.

ح: انتقال مداوم جمعیت سرزمینهای اشغالی به دیگر مناطق این سرزمینها.

۴۸ - اکنون، کمیته ویژه هریک از موارد ذکر شده را با آوردن مدرك مورد بررسی قرار خواهد داد.

الف: وجود يك کمیته وزارتی برای ساختن آبادیها در سرزمینهای اشغالی در دولت اسرائیل

به نوشته جرزالم پست در سوم ژانویه ۱۹۷۱، رئیس این کمیته وزارتی، آقای «اسرائیل جلیلی» وزیر مشاور می باشد. از نظر کمیته ویژه،

وجود یک چنین کمیته ای به رهبری شخصی از مقامات وزارتتی، بدون شک نشاندهنده سیاست دولت برای اسکان سرزمینهای اشغال شده ناشی از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ می باشد.

ب: بیانات وزرا و رهبران اسرائیل

در حالی که افراد عادی، که هیچ گونه مقام رسمی در دولت اسرائیل ندارند، این اظهارات را بیان کرده اند، بعضی از این بیانات نیز، حتی به هنگامی که توسط وزرا و رهبران اسرائیل اظهار می شود، حاکی از افکار شخصی است. از طرف دیگر، کلیت این بیانات، تکرار پی در پی آنان و اقدامات گوناگون متخذه از سوی دولت اسرائیل، از جمله تأسیس آبادیهای یهودی نشین، از نظر کمیته ویژه تأیید کننده این است که بیانات مذکور انعکاس دقیق سیاست رسمی اسرائیل می باشد. بیاناتی که از اهمیت ویژه برخوردار می باشد در زیر آمده است:

۱- زائوشارف وزیر مسکن، در ۱۸ فوریه ۱۹۷۱، طی سخنانی که در تلویزیون پخش گردید، و در روزنامه واشنگتن پست در ۱۹ فوریه ۱۹۷۱ گزارش شد، اظهار داشت که دولت اسرائیل در مقابل فشارهای بین المللی برای متوقف کردن طرحهای توسعه خانه سازی در امتداد خط آتش بس در بیت المقدس، سرفرود نخواهد آورد. در همان گزارش از قول وزیر گفته شد که، این طرحهای توسعه خانه سازی در روی سرزمینهای مصادره شده ساخته خواهد شد.

۲- اظهارات سخنگوی صندوق ملی یهود، که در شماره آوریل ۱۹۷۱ در جرزالم پست گزارش شد. بر طبق اظهارات وی «صندوق ملی یهود» در عرض دو سال گذشته در حال خرید زمین در سرزمینهای اشغالی بوده است. مناطق ذکر شده شامل نبی ساموئل، بیت المقدس

و بلوک تزیون می شود.

۳- بیانات وزیر سابق حمل و نقل، و عزروایزمن رئیس کنونی هیأت اجرائی هیروت، در یک مصاحبه تلویزیونی، که در شماره ۲۱ مارس ۱۹۷۱ روزنامه جرزالم پست به طور خلاصه گزارش شد، حاکی از این است که، «رود اردن بهترین مرز شرقی اسرائیل به حساب خواهد آمد، جودیه و سامریه (کرانه باختری) باید تحت کنترل اسرائیل باقی بماند، شرم الشیخ برای حفاظت هوایی اسرائیل اهمیت حیاتی دارد، و هرکسی که شمال صحرای سینا را کنترل کند... امنیت اسرائیل را تحت کنترل خود درمی آورد.»

۴- موشه دایان وزیر دفاع اسرائیل، طی بیاناتی که در ۷ ژانویه ۱۹۷۱ در جرزالم پست منتشر شد، خطاب به دانشجویان دانشگاه حیفا و تکیون، گفت:

ما قادر هستیم تعداد ...، ۲۰۰ پناهنده را در غزه به شهروندان مستعد تبدیل نماییم. باید آبادیهای یهودی نشین در نوار غزه تأسیس کنیم. توده های شن را تبدیل به زمین زراعی حاصلخیز کرده، آنها را در اقتصاد خودمان جذب نموده و به آوارگان شغل، خدمات بهداشتی، و خدمات آموزشی بدهیم. شهروندی اسرائیلی را نیز به تمام کسانی که مایل هستند، باید اعطا نماییم.

۵- در ۱۹ اوت ۱۹۷۱، موشه دایان وزیر دفاع طی بیاناتی (به عنوان نظرات شخصی خود)، که در ۲۰ اوت ۱۹۷۱ در جرزالم- پست منتشر شد، خواهان «تأکید بروی اقدامات یکجانبه و سریع در سرزمینهای اشغالی شد.» طبق گزارش جرزالم پست، دایان گفته است که «ما باید به نقش خودمان در سرزمینهای تحت اداره به عنوان یک دولت پابرجا توجه نماییم، تا برای روز صلح، که ممکن است فاصله زیادی تا آن موقع وجود داشته باشد، کار انجام نشده ای باقی

نگذاشته باشیم.» در ۲۷ اوت ۱۹۷۱، جرزالم پست یک مصاحبه با موشه دایان چاپ کرد که در آن وی تلاش کرد تا در مورد اشارات قبلی خودش که در بالا آمده توضیح بدهد. در این مصاحبه آقای دایان اظهار داشت که: «پس از ترتیب امور، ما در اغلب مناطق، مثل بلندیهای جولان، و کرانه باختری، باقی خواهیم ماند.» دایان از اسرائیلیها خواست تا «بیشترین تلاش خود را اختصاص به این مناطق بدهند.» آقای دایان در اشاره به مسأله پناهندگان در نوار غزه گفت:

آنچه که ما می‌توانیم و باید انجام بدهیم، و در حال حاضر نیز در نوار غزه مشغول انجام آن هستیم، حل مسأله «موقعیت انسانی» پناهندگان است...

وقتی آنها کار می‌کنند و مزد می‌گیرند، سطح زندگی آنها بالا خواهد رفت. سبک سکونت آنها می‌بایستی تغییر کند، تا فقط بتوانند در محله‌هایی که مناسب انسان است زندگی کنند. در حال حاضر، ما نمی‌توانیم موقعیت قانونی پناهندگان را تغییر بدهیم... اما می‌توانیم و باید تغییراتی در موقعیت انسانی آنها بوجود آوریم، یعنی نشانه «پناهندگی» را از آنان رفع کنیم — و نشانه زندگی در شرایط حقیرانه را از بین ببریم... این چیزی است که ما می‌توانیم تغییر بدهیم — انسانیت اقتضا می‌کند که موقعیت پناهندگی آنان را از بین برده و آنها را به مردم فعال تبدیل نماییم.

.....
من انضمام آنها را پیشنهاد نمی‌کنم، و نظرم این نیست که وضع شهروندی (تابعیت) ساکنان کرانه باختری و نوار غزه را تغییر بدهیم. اینها موارد قانونی هستند. چیزی که من از آن سخن می‌گویم محتوی زندگی آنهاست، و نه وضع قانونی آنها. آنچه من پیشنهاد می‌کنم این است که حداکثر تلاش خودمان را انجام بدهیم، و من خیلی خوشحالم که آنها نیز یک چنین آرزویی دارند. آنها حاضرند از اردوگاهها بیرون بیایند و کار کنند، و مثل انسانها زندگی نمایند. بگذارید این کار را انجام بدهیم، و درباره اسناد،

پاسپورتهای و کارتهای پناهندگی آنان نگرانی نداشته باشیم.

.....
من دلیلی برای اخراج ساکنان عرب هیرون نمی بینم، به همان ترتیب
که نمی توانم تصور کنم که یهودیان از استقرار دائم در مناطق مختلف
کرانه باختری محروم گردند.

.....
اما تا زمانی که یک توافق صلح آسبز بوجود آید، من فکر می کنم
که یک «اقدام نهایی» باید انجام بگیرد.

.....
فکر نمی کنم آن مسأله بتواند اساس گفتگوها قرار بگیرد. من فکر
نمی کنم که باید تصمیم گیری درباره آینده مناطق بین رود اردن،
کوهستانها و اسرائیل کوچک را به آنها واگذار کنیم.

.....
اما گذشته از آن، در محیط زندگی روزمره، من طرفدار انجام سخت
ترین تلاش ممکن برای رسیدن به مذاکره با آنان و دادن خود-
مختاری تا حد ممکن، در سطح زندگی اجتماعی، در امور آموزشی
و... و زندگی مشترک خودمان به آنها می باشم.

۶- روزنامه جرزالم پست در سوم دسامبر ۱۹۷۰ گزارش داد
که «ایگال آلون» معاون نخست وزیر در ۲ دسامبر ۱۹۷۰، در جریان
بحث در مورد «تأسیس حومه های یهودی در شهرها» در سرزمینهای
اشغالی در کنست (پارلمان اسرائیل-م.)، با تأسیس چنین حومه هایی
به علل سیاسی و دلایل دیگر مخالفت کرد. به گزارش روزنامه مزبور،
آلون اظهار داشت که دولت اسرائیل «یک سیاست واقع گرایانه براساس
امکانات سیاسی خاورمیانه و امکانات سیاسی بین المللی» در پیش
گرفته است. بنابه همین گزارش وی گفت: «دولت قبلاً تصمیم گرفته
است تا چهارآبادی شبه نظامی (ناها) دیگر و یک آبادی نیمه شهری،
به روی ۱۱،۴۰۰ هکتار زمین توقیف شده در بیت المقدس شرقی و
نواحی جنوبی، به منظور تأسیس مناطق مسکونی برای یهودیان و اعراب

بسازد، و نیز یک محله یهودی در هبرون تأسیس کند. در جریان مباحثه به آن «اصول اساسی» که توسط حزب کارگر، حزب مذهبی ملی و گمال، امضا شده، نیز اشاره گردید. بنابه گفته مناخیم بگین، که موضوع بحث را ارائه داده بود این «اصول اساسی» خواستار «افزایش آبادیهای دائمی — چه روستایی و چه شهری — به روی خاک وطن» می باشد. به گزارش جرزالم پست، آقای آلن وزیر مشاور با مراجعه به اشارات بگین در مورد «حقوق تاریخی نسبت به سرزمین اسرائیل» اظهار داشت که: این امر اساس معنوی رنسانس دولت یهود می باشد، اما «مطلقهای تاریخی و دینی نمی تواند به سیاست پاسخ بگوید. نقشه آینده اسرائیل در چهارچوب یک پیمان صلح، باید براساس حقوق تاریخی به عنوان پایه های معنوی، مرزهای قابل دفاع به عنوان پایه های امنیتی، و یک دولت یهودی دمکراتیک به عنوان پایه های ملی و اجتماعی بنیان نهاده شود.»

این گزارش اشاره بیشتری به اظهارات آقای بگین در طی این مباحثه می کند. گزارش مزبور می گوید:

«آقای بگین، که طرح خود را معرفی می کرد، گفت: تجربه ثابت کرده است که دلیلی ندارد که یهود و عرب نتوانند با یکدیگر زندگی، کار و تجارت کنند، و بچه های خودشان را به یک مدرسه بفرستند. وی اظهار داشت که این مسأله به نفع ایجاد صلح، امنیت، و تفاهم بین مردم می باشد. هیچ یک از مردم تاریخ همانند اسرائیلیها اینقدر به خاطر سرزمین خودشان رنج نبرده اند. وی گفت که اخیراً مجمع عمومی سازمان ملل متحد یک «تصمیم چرند و بی معنی» گرفته است که در آن گویا گفته شده که اسرائیل کسی (اعراب فلسطینی) را از داشتن حق خود گردانی محروم کرده است. اسرائیل تنها به روی همین یک سرزمین دارای حق است. در حالی که اعراب چهارده کشور مستقل دارند ما سرزمین اسرائیل را آزاد کردیم، و دلیلی ندارد که یهودیان نتوانند در جریکو، هبرون، بیت اللحم،

شیشم، طولكرم ورام الله، زندگى نمايند.

در بطن مشكل خاورميانه، «دكترين وطن» وجود دارد كه دولت اسرائيل آن را اعلام كرده و از سوى اوپوزيسيون (مخالفين) تحت حمايت قرار گرفته. برطبق اين دكترين، حتى قطعنامه سازمان ملل در مورد تقسيم فلسطين، و ايجاد دولت اسرائيل، چيزى را كه يهوديان آن را به عنوان كشور خودشان قلمداد مى كردند، براى آنان بازنياورد. كشوراسرائيلى كه بوسيله سازمان ملل بوجود آمد، از نظر قلمرو سرزمينى درطى زمان توسعه يافته است. به گفته دولت اسرائيل، اين توسعه به خاطر ملاحظات امنيتى صورت گرفته است. كميته ويژه، سازش و تطبيق اين ادعا را با اظهارات رهبران اسرائيل، كه مى گويند به آنچه كه به عنوان مرزهاى باستانى سرزمين اسرائيل قلمداد مى شود، ايمان دارند، يك مسأله مشكل مى داند. حقوق بين المللى و يا حتى عرف بين الملل مى تواند پوچى و بى فايدگى يك چنين عقيده اى را ثابت كند. در هر صورت، كميته ويژه قادر نيست تا به دلايل امنيتى، كاهش جمعيت سرزمينهاى اشغالى و محروم كردن، صدها هزار نفر از وطن اجدادى شان را، به اين بهانه كه مى توانند در خاك ۱۲ كشور عرب ديگر پذيرفته شوند، قبول كند.

با توجه به سياست اعلام شده دولت اسرائيل، كه به طور ضمنى توسط رهبران اسرائيل بيان شده، كميته ويژه شكى ندارد كه سياست انضمام و ساختن آباديهاى يهودى، ناشى از ملاحظاتى مى باشد، كه با امنيت مى مغاير است. اما هيچ يك از ملاحظات فوق نمى تواند كوچكترين تأييدى براى اقدامات مخالف با شرايط چهارمين توافق- نامه ژنو، فراهم آورد.

هدف موشه دايان وزير دفاع، در مورد تبديل تپه هاى شنى به

زمینهای حاصلخیز، و ایجاد شغل، خدمات بهداشتی، و آموزشی، چنانکه در بند شماره ۴ بالا نقل شد، اگر مطابق شرایط چهارمین توافق نامہ ژنو می بود، یک سیاست قابل تحسین، و مقبول بحساب می آمد. حتی بهترین سیاستها، اگر غیر عادلانہ بنا شود، و تملک اجباری سرزمین و مصادره اموال را بوسیله یک دولت اشغالگر فاتح، باعث گردد، نمی تواند تضمینی دربر داشته باشد. همین نظر در مورد اظهارات آقای دایان نیز کہ در بند ۵ - در صفحات قبل - نقل شد، مصداق پیدا می کند.

ج: آقای روحی الخطیب شهردار بیت المقدس در دوران تخاصمات ژوئن ۱۹۶۷، یک یادداشت به کمیته ویژه ارالہ داد

آقای خطیب عقیدہ دارد کہ هنوز عہدہ دار واقعی پست شهرداری است. این یادداشت دربردارندہ اظهارات بیشتری در رابطہ با تجاوز بہ حقوق بشر در بیت المقدس است، کہ در دورہ بین ۱۲ آوریل ۱۹۷۰ و ۳۰ ژوئن ۱۹۷۱ انجام شدہ است. یادداشت فوق، تخلفات مذکور را بہ شرح زیر طبقہ بندی می کند:

۱ - اخراج اعراب از بیت المقدس (اشغال شدہ)

این یادداشت، اظهارات «تدی کولک» شهردار کنونی بیت المقدس را کہ در رادیو اسرائیل اعلام شد، و روزنامہ جرزالم پست در ۱۷ مه ۱۹۷۱ آن را گزارش داد، نقل می کند. برطبق این اظهارات . . . ، ۴ عرب از سال ۱۹۶۷ خانہ هایشان را در بیت المقدس ترک کردہ اند. یادداشت مزبور از قول منابع عرب در بیت المقدس فاش می کند، کہ حدود ۷۰ درصد این اشخاص سال گذشتہ از خانہ هایشان بیرون

انداخته شدند. ۲۰۰ نفر از دهکده نبی ساموئل، حومه عربی شمال بیت المقدس، نیز جزو آنان می باشند. یادداشت فوق می افزاید که وزیر دفاع فرمان ویران کردن ۲۵ خانه را، در ۲۲ مارس ۱۹۷۱، در «نبی ساموئل» صادر کرد. روزنامه «هائارتز» در ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱، نابودی ۴ خانه از این خانه ها را گزارش داد.

۲- تملك بیشتر زمینهای عربی در بیت المقدس (اشغال شده)

یادداشت روحی الخطیب، به نقل از «گازت» (روزنامه رسمی اسرائیل)، شماره ۱۶۵۶، ۳۰ اوت ۱۹۷۰، می گوید که: آقای «پینهاس ساپیر»، وزیر دارایی اسرائیل فرمان تملك زمینهای عربی در بیت المقدس و اطراف آن را صادر کرد. برطبق این یادداشت مساحت تمام منطقه زمینهای جدید المصادره براساس این فرمان، به ۱۱،۶۸۰ هکتار، معادل ۲،۹۲۰ جریب، می رسد. یادداشت، همچنین می گوید که این زمینها به بیش از ۱۰،۰۰۰ عرب، در ۷ دهکده اطراف بیت المقدس تعلق دارد که، برای کسب معاش خودشان، عمدتاً بردرآمد حاصله از کارشان در باغهای مرکبات این مناطق به زراعت به روی بعضی از این زمینها، متکی هستند. برطبق یادداشت، مردم مزبور، همانند ساکنان دهکده نبی ساموئل، که در ۲۲ مارس ۱۹۷۱ خانه هایشان ویران شد، محکوم به ترك خانه هایشان می باشند.

۳- ادامه حغاریهای باستانشناسی غیرقانونی در اطراف دیوارهای مسجد الاقصی، تهدیدات بیشتری را متوجه جمعیت عربی شهر می کند

این یادداشت می گوید که «مسجد مدرسه عثمانی» در نزدیک

دیوار غربی در بیت المقدس، در اثر حفاریهای زیر آن، توسط یک تیم باستانشناسی از وزارت مذهب اسرائیل، شکاف برداشته است. این حفاریها تا کنون از زیر زمین بیش از ۲۰ ساختمان بزرگ مذهبی، فرهنگی یا مسکونی عرب که ۳۰۰ نفر جمعیت دارد گذشته و به ۸۰ ساختمان دیگر که بیش از ۷۰۰ نفر را در خود اسکان می دهد، متصل است. یادداشت روحی الخطیب می گوید که این ساختمانها نیز در معرض خطر ویرانی قرار دارد و ساکنان آنها نیز همانند ۴۰۰۰ نفری که بوسیله «تدی کولک» شهردار بیت المقدس، در ۱۷ مه ۱۹۷۱ از خانه هایشان بیرون انداخته شدند، در معرض خطر پراکندگی قرار دارند. به گفته یادداشت فوق، این اعمال ناقض قطعنامه ۱۰ اکتبر ۱۹۶۹ یونسکو، می باشد.

۴- طرح اساسی جدید بیت المقدس حقوق اعراب را مورد تهدید قرار می دهد.

یادداشت، به «طرح اساسی» جدید بیت المقدس اشاره می کند، که در دسامبر ۱۹۷۰ توسط «تدی کولک» شهردار بیت المقدس، اعلام شد. یادداشت، می افزاید که براساس این «طرح اساسی»، منطقه بیت المقدس به ۸ برابر اندازه کنونی وسعت یافته و سه شهر عربی و ۲۳ دهکده عربی را، که رویهم رفته ۱۰۰،۰۰۰ عرب در آن ساکن هستند، دربرمی گیرد.

۵- منازعه جدید بر سر غرامت

یادداشت روحی الخطیب، به یک «اعلامیه اخیر» که در ۲۹ ژوئن ۱۹۷۱ از سوی آقای شاپیرو، وزیر دادگستری اسرائیل، صادر شد

اشاره می‌کند. برطبق آن اعلامیه دولت اسرائیل تصمیم خود را برای دادن غرامت به اعراب بیت المقدس، که اموالشان بعد از ۱۹۴۸ مصادره شد، اعلام نمود. از این اعلامیه می‌توان پی‌برد که حقیقت مصادره اموال اعراب پذیرفته شده است. یادداشت فوق، به «فرمان حقوقی و اجرایی ۱۹۶۸» اشاره می‌کند. برطبق ماده ۵ آن قانون، اموال غیرقابل انتقال یهودیان، که دولت اردن بین سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ آنها را اداره می‌کرد، باید به صاحبان اصلی و یا وارثان آنها بازگردانده شود. یادداشت اشاره می‌کند، که قانون فوق اموال اعراب بیت المقدس را که برطبق «قانون شخص غایب» سال ۱۹۵۰ اسرائیل، مصادره شد، به صاحبان اصلی‌اش بازمی‌گرداند، و بدین ترتیب شکلی از تبعیض نژادی را در اینجا اعمال می‌کند. این یادداشت به قطعنامه شماره ۱۹۴، مجمع عمومی در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ اشاره می‌کند. این قطعنامه تعهدات مقامات اشغالگر نسبت به بازگشت به وطن خودشان و دادن غرامت، به جای ترك خانه، و واگذاری آنها را، معین می‌کند. این یادداشت می‌گوید که، سیاست غرامت حق انسانی اعراب بیت المقدس برای بازگشت به خانه‌هایشان، را مورد انکار قرار می‌دهد. این گزارش به «مزخرفترین تناقض» در این سیاست اشاره می‌کند، زیرا از یک طرف دولت اسرائیل ادعای حق بازگشت به سرزمین اجداد ... سال پیش خود را می‌کند، و در همین حال از طرف دیگر، پناهندگان عرب بیت المقدس را — که بخشی از پناهندگان عرب فلسطینی هستند — از حق طبیعی آنها برای بازگشت به خانه‌های خودشان محروم می‌کند. گزارش مزبور می‌افزاید که «غرامت پیشنهاد شده تقریباً به یک سوم جمعیت اصلی، یعنی کسانی که در حال حاضر هم در بیت المقدس زندگی می‌کنند، محدود می‌شود، اما کسانی را که از خانه‌هایشان بیرون انداخته شدند، یا کسانی را که به دلایلی، در زمان

اشغال بخشی بزرگی از بیت المقدس در ۱۹۴۸، در این شهر نبودند، شامل نمی شود.» گزارش مزبور اظهار می دارد: «از آنجایی که قانون غرامت در مورد کسانی که در طی تخصیصات ۱۹۶۷ از خانه هایشان بزور بیرون انداخته شدند، و یا کسانی که به علت دیدارهای موقت در خارج بیت المقدس غایب بودند، اعمال نمی شود، این چنین افرادی جزو افراد غایب به حساب می آیند. بر طبق این یادداشت، تعداد اشخاصی که تحت پوشش قانون غرامت اسرائیل قرار نمی گیرند، به بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفر می رسد. بنابه اشاره این یادداشت، آقای «شاپیرو» در ۲۸ ژوئن ۱۹۷۱، اظهار کرد که: «غرامت براساس ارزش این اموال در ۱۹۴۸، بعلاوه ۲۵ درصد اضافی، از طریق اقساط سالیانه در عرض ۲۰ سال از تاریخ وضع این قانون، به مالکان عرب پرداخت خواهد شد». یادداشت، توجه کمیته ویژه را به نتایج ممکن این قانون بطریق زیر جلب می کند:

- ۱- این قانون، بقیه اعراب بیت المقدس را به طور دائم تحت اجبار قرار می دهد، تا اموال مصادره شده خودشان بعد از ۱۹۴۸ را، از طریق به اصطلاح یک «معامله قانونی»، به اسرائیل بفروشند.
- ۲- این قانون، بعداً در حضور محافل بین المللی و افکار جهانی به عنوان مدرکی استفاده خواهد شد، تا بدان وسیله ثابت گردد که اعراب بیت المقدس با کمال میل اموال خود را به شهروندان اسرائیلی فروخته اند.
- ۳- مراحل قبلی، ممکن است به نحو وسیعی توسط مقامات اشغالگر منتشر شود، تا ادعای آنان را برای انضمام بیت المقدس و در نتیجه، اعلام بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل، تقویت کرده و موجه جلوه دهد.
- ۴- این قانون، حقوق بازگشت و غرامت اموال اعراب بیت المقدس را پایمال خواهد کرد.
- ۵- این قانون، به عنوان سابقه ای برای اعمال همان قوانین، در مورد بقیه سرزمینهای اشغالی در نظر گرفته خواهد شد.
- ۶- این قانون، به مسأله اسکان دادن جمعیت عربی بیت المقدس،

و سپس بقیه جمعیت عربی فلسطین در سرزمینهای اشغالی در گتوهای عربی، صورت قطعی خواهد داد.

۷- سرانجام، این قانون، مردم عربی بیت المقدس، مردم فلسطین و قضیه فلسطین را نابود خواهد کرد.

د: وجود گزارشات متناقض، در رسانه‌های اطلاعاتی اسرائیل، در مورد تأسیس آبادیهای یهودی نشین در سرزمینهای اشغالی

در اینجا به یک نمونه از یک چنین گزارشاتی اشاره می‌شود:

۱- طرح اصلی برای ساختن واحدهای مسکونی در بیت المقدس اشغالی، که اوایل سال جاری اعلام گردید. این طرح نه تنها دربرگیرنده ساختن تقریباً ۲۱،۰۰۰ واحد در داخل سرزمین اشغالی است، بلکه این واحدها به روی زمین مصادره شده‌ای ساخته می‌شود که ۷۴ تا ۸۰ درصد آن متعلق به اعراب است.

اطلاعات در مورد واحدهای مسکونی را، «زیوشارف»، طی یک کنفرانس مطبوعاتی که در جرزالم پست شماره ۵ مارس ۱۹۷۱ گزارش شد، اعلام کرد. اطلاعات مربوط به زمینهای مصادره شده نیز در یک گزارش از کنفرانس مطبوعاتی «تدی کولک» شهردار بیت المقدس در ۲۹ ژانویه ۱۹۷۱ ذکر گردید. در این زمینه کمیته ویژه همچنین فرصت یافت فیلمی را بررسی کند که گویا اخیراً از منطقه بنای واحدهای مسکونی، برداشته شده است.

۲- به گزارش جرزالم پست شماره اول مارس ۱۹۷۱، طرح ساختن دو آبادی یهودی دیگر برای بلندیه‌های جولان در طی سال ۱۹۷۲، و یک آبادی دیگر در رفح، ریخته شده است.

۳- بنابه گزارشات منتشره در روزنامه جرزالم پست ۵ ژانویه ۱۹۷۱، اولین «موشاوشی توفی» (آبادی) در ۴ ژانویه ۱۹۷۱ در

صحرای سینا تأسیس شد. آبادی مزبور، نزدیک رفح بنا گردید.

۴- بنابه گزارش جرزالم پست، در ۳۰ دسامبر ۱۹۷۱، قرار است ساختمانهای صنعتی در هبرون، در محله جدید یهودی که در دست بنا است، ساخته شود. بنابه اظهارات «پینهایس ساپیر»، وزیر دارایی، منطقه بنای این ساختمانها به ۱،۵۰۰ متر مربع وسعت یافته است. برطبق یک گزارش دیگر، وزیر دارایی اظهار داشت که این مقدار تنها برای مرحله اول است و هنگامی که بخشی از این ساختمانها مسکونی بشود، ساختن ساختمانهای اضافی، که کلاً به ۴،۰۰۰ متر مربع می‌رسد، آغاز می‌گردد.

۵- در ۳ دسامبر ۱۹۷۰، اعلام شد که یک آبادی در «کفرداروم»، در نوار غزه تجدید بنا شده است. برطبق این گزارش آبادی مذکور که قبل از ۱۹۴۸ وجود داشته، در طی جنگ ۱۹۴۸ بوسیله ارتش مصر خراب شده بود.

۶- برطبق گزارش روزنامه «جرزالم پست» شماره ۱۵ ژوئن ۱۹۷۱، اولین آبادی غیرنظامی دائمی یهود در هبرون افتتاح گردید. گزارش مزبور همچنین می‌گوید که اولین خانواده‌ها که تعدادشان به ۵۰ خانواده می‌رسد، در آغاز سپتامبر ۱۹۷۱ به آنجا نقل مکان خواهند کرد. برطبق این گزارش، در حال حاضر آنها در محله‌های موقتی زمینهای ساختمانهای دولت نظامی، ساکن هستند. کمیته ویژه، به عنوان مدرک و شاهد این مسأله، یک فیلم را مورد بازبینی قرار داده است.

۷- برطبق گزارش منتشره در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۰ روزنامه جرزالم پست، «ایگال آلون» فاش کرد که دولت اسرائیل تصمیم به تأسیس ۵ آبادی یهودی‌نشین دیگر، در سرزمینهای اشغالی گرفته است.

ه: بیانات موجود در چندین نامه ارسالی توسط دولتهای اردن و سوریه، در رابطه با اقدامات دولت اسرائیل در تجاوز به حقوق انسانی ساکنان سرزمینهای اشغالی

این بیانات در اسناد شماره اس/۹۹۶۹، اس/۱۰۱۲۳، اس/۱۰۱۳۰، اس/۱۰۱۳۹، اس/۱۹۱۹۴، و اس/۱۰۱۶۹ آمده است. دولت اسرائیل به بعضی از اظهارات موجود در نامه‌ها که به عنوان اسناد شماره اس/۱۰۱۳۸، اس/۱۰۱۲۴، و اس/۱۰۱۴۶ منتشر شد، پاسخ داد و سعی کرد که آنها را رد کند. از آنجا که رویه دولت اسرائیل بر اظهارات دولت اردن، متکی بر این ادعاست که بیت المقدس اشغالی به اسرائیل ضمیمه شده، و از آنجا که شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل این ادعا را رد کرده‌اند، کمیته ویژه احساس می‌کند که رویه فوق عاری از اهمیت و استحکام می‌باشد.

تعدادی از نامه‌ها نیز به مسئله ساختن آبادیها در بلندیهای جولان مربوط می‌شود. این نامه‌ها در اسناد شماره، اس/۱۰۲۱۳ و اس/۱۰۳۰۰ آمده است. نامه به عنوان سند شماره اس/۱۰۲۱۳ منتشر شد، تا مایه ارتباطات بیشتر اسرائیل و سوریه با مجمع عمومی شود. نامه‌های سوریه در اسناد شماره اس/۱۰۲۲۴ و اس/۱۰۲۳۴ و اس/۱۰۲۳۸ منتشر شده است. نامه‌های اسرائیل نیز در اسناد شماره اس/۱۰۲۲۰، اس/۱۰۲۲۸ و اس/۱۰۲۳۴ آمده است. کمیته ویژه مدارك قابل ملاحظه‌ای دارد که نشان می‌دهد اخراج جمعیت غیر-نظامی به میزان زیادی در دوره بعد از تخصیصات ۱۹۶۷، صورت گرفته است، هرچند که جریان مزبور حتی در طی تخصیصات شروع شده بود. کمیته ویژه به این جنبه از تجاوز به حقوق بشر اهالی غیرنظامی

بلندیهای جولان، در اولین گزارشش به مجمع عمومی (الف/۸۰۸۹) اشاره کرد. کمیته ویژه از اظهارات رهبران اسوئیل مبنی بر اینکه بلندی جولان به اسرئیل ضمیمه خواهد شد، مطلع است. این کمیته همچنین مدارکی در اختیار دارد، که نشان می دهد در منطقه بلندیهای جولان (نگاه کنید به پاراگراف شماره ۴۸ بند الف و ب در صفحات قبل)، یا در مجاور دهکده هایی که (ساکنان آن) طی تخصیصات و یا بعد از آن بزور بیرون انداخته شده بودند، آبادی هایی تأسیس شده است. کمیته ویژه این را نقض حق بازگشت کسانی می داند که قبل، همزمان و بعد از تخصیصات ژوئن ۱۹۶۷ از منطقه فرار کرده بودند. بدون توجه به وجود هرگونه توافق سیاسی چه در حال حاضر با در آینده، مردمی که خانه هایشان در بلندیهای جولان قرار دارد، دارای یک حق فوری و بلامنازع برای بازگشت به خانه هایشان می باشند.

و: در بین نبودن هیچ گونه تلاش جدی برای بازگرداندن پناهندگان به خانه هایشان در سرزمینهای اشغالی

براساس شهادت چند شاهد در ۱۹۷۰ در دمشق، که بزور از خانه هایشان اخراج شدند، و براساس گزارش کمیته بین المللی صلیب سرخ در مورد فعالیت هایش در خاورمیانه (از ژوئن ۱۹۶۷ تا ژوئن ۱۹۷۰) که در مجله بین المللی صلیب سرخ در اوت و سپتامبر ۱۹۷۰، شماره های ۱۱۳ و ۱۱۴ منتشر گردید، کمیته ویژه به این نتیجه رسیده است که هیچ تلاش جدی از طرف مقامات اسرائیلی، برای بازگرداندن غیرنظامیانی که خانه هایشان در بلندیهای جولان قرار دارد، بعمل

نیامده، و مطمئناً سیاستی نیز در آن جهت بچشم نمی‌خورد. بیانات مطبوعاتی بعدی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نشان می‌دهد که، به‌جز تلاش‌های پراکنده از خلال طرح‌های بازگشت اعراب که برای بهم‌پیوستن خانواده‌ها ریخته شد، و طرح‌هایی که به‌جز چند نفر کس دیگری را دربر نمی‌گرفت، از ژوئن ۱۹۶۷ هیچ‌گونه بازگشتی به‌میزان مهم وجود نداشته است، تا بتوان به‌این نتیجه رسید که دولت اسرائیل در شناسایی حق انسانی پناهندگان برای بازگشت به‌خانه‌هایشان، اقدامی بعمل آورده است.

ز: اخراج دستجمعی و تبعید مداوم افراد از سرزمین‌های اشغالی

کمیته ویژه با تأیید نتایج اولین گزارش خودش (به‌شماره الف/ ۸۰۸۹ پاراگراف‌های ۷۵ تا ۷۷)، اظهار می‌دارد که در چندین مورد، بویژه در بلندی‌های جولان و منطقه لاترون (در کرانه باختری)، تمام جمعیت دهکده توسط نیروهای اسرائیل بزور از خانه‌هایشان اخراج شده و تاکنون اجازه بازگشت به‌خانه‌های خود را نیافته‌اند. کمیته ویژه مذکور می‌دارد که اظهارات دولت اردن در نامه‌ای که به‌عنوان اسناد شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل منتشر گردید، توسط دولت اسرائیل مورد تکذیب قرار نگرفته است، (نگاه کنید به پاراگراف‌های ۴۹ تا ۵۱ در صفحات قبل).

ح: انتقال مداوم جمعیت سرزمین‌های اشغالی به دیگر مناطق این سرزمین‌ها

بک چنین انتقالاتی در مورد چندین دهکده، که در سال ۱۹۶۷

به‌طور سیستماتیک ویران گردید، رخ داده است. جمعیت این دهکده‌ها یا اخراج گردیدند و یا مجبور شدند تا در جای دیگری در سرزمینهای اشغالی زندگی کنند. همان عمل بعداً در بیت‌المقدس اشغال شده بوقوع پیوسته است. برطبق گزارش جرزالم‌پست در ۱۷ مه ۱۹۷۱، آقای تدی کولک شهردار اسرائیلی بیت‌المقدس گفت که: «... عرب از بیت‌المقدس بیرون انداخته شده‌اند. به همین ترتیب برطبق گزارشات مندرج در چند روزنامه و نامه‌های رسیده توسط دولت‌ها، در غزه نیز چندین هزار نفر از سه اردوگاه مهم بی‌خانمان شده‌اند. منابع رسمی اسرائیلی اظهار داشته‌اند که این انتقالات جمعیت به خاطر اقدامات جدید امنیتی، مثل بنای جاده‌های عریض‌تر در داخل اردوگاه‌ها برای بوجود آوردن تسهیلات در پاسداری از آنها، و حفظ قانون و نظم در اردوگاه‌ها، ضروری تشخیص داده شده است. اغلب اشخاصی که محل پناهندگی آنها برای ساختن این جاده‌ها ویران شده، ناچار شدند به کرانه باختری و العریش بروند و به عده کمی نیز گفته شده است تا به خانواده‌های دیگر در غزه پناه ببرند.

کمیته ویژه، انتقالات مزبور را بدون مجوز قلمداد می‌کند و حتی اگر ساختن جاده‌های جدید برای حفظ قانون و نظم ضروری بحساب آید، انتقال خودسرانه جمعیت غیرضروری، بیمورد، و ناقض چهارمین توافق‌نامه ژنو می‌باشد.

ب: تبعید (فلسطینیها)

۹-۴ — اظهارات موجود درباره تبعید افراد از سرزمینهای اشغالی در نامه‌های دولت اردن، که در اسناد شماره اس/۹۸۶۸، اس/۹۸۸۵، اس/۹۹۰۴، اس/۹۹۱۹، اس/۱۰۰۷۳، اس/۱۰۰۷۴، اس/۱۰۱۶۵

و اس/ ۱.۲.۳ منتشر شده، آمده است. برطبق این نامه‌ها، اخراج اجباری افراد، به دنبال بازداشت و بدرفتاری خودسرانه صورت گرفته است. دولت اسرائیل تنها به این اظهارات در سند شماره اس/۹۸۷۹ جواب داد. این سند به اظهارات دولت اردن در سند شماره اس/۹۸۶۸ اشاره می‌نماید. اما، از نظر کمیته ویژه اظهارات مزبور را رد نمی‌کند. دولت اسرائیل تنها اظهار می‌دارد که «نامه‌هایی چون نامه نماینده دائمی اردن، به طور وضوح، به منظور رفع مسئولیت سنگین خونریزی و ضرر مداوم از جانب هر دو طرف (اردن اسرائیل)، طرح-ریزی شده است. کمیته ویژه اشخاصی را که در اسناد شورای امنیت نامشان ذکر شده، از نزدیک مشاهده کرد و آنها اظهار داشتند که از سرزمینهای خود تبعید گردیده‌اند. کمیته ویژه نامه‌هایی از صلیب سرخ بین‌المللی به رئیس «جامعه هلال احمر» اردن در اختیار داشت که، در آنها گفته شده بود: «صلیب سرخ بین‌المللی عمیقاً از مسأله (اخراج غیرنظامیان از کرانه باختری) اظهار تأسف می‌کند.» و «نمایندگان صلیب سرخ در کرانه باختری در عرض سه سال آخر (سه سالی که تا نوامبر ۱۹۷۰ پایان می‌یابد)، ضمن مداخلات زیاد در این مورد به اخراج ساکنان اعتراض نموده و (گاهی) نیز مانع اخراج بعضی افراد شده‌اند.» در دنباله نامه آمده است که: «می‌توانم به شما اطمینان بدهم که آنها به طور مصرانه به مداخله به نفع اشخاص اخراج شده، ادامه خواهند داد. برای کمیته ویژه جای هیچ شکي باقی نمانده است، که تعداد زیادی توسط مقامات اسرائیلی، بتدریج از سرزمینهای اشغالی بزور تبعید شده‌اند.»

حقیقت تبعید برای کمیته ویژه همچون روز روشن است و در این زمینه جای شکي از نظر این کمیته وجود ندارد، و تکرار این عمل از زمان برخوردهای ژوئن ۱۹۶۷ (جنگ شش روزه-م.)، کمیته ویژه را به این

باور معتقد می‌سازد که این مسأله بخشی از سیاست دولت اسرائیل می‌باشد. دولت اسرائیل تفسیری در مورد تبعیدهای افراد برطبق نامه‌های دولت اردن نکرده است، و به همان اظهارات مندرج در سند اس/۹۸۷۹ که در اول همین پاراگراف توضیح داده شده اشاره نموده است.

۵- اعضای دولت اسرائیل و رهبری اسرائیل، برخلاف سیاست انضمام زمینهای اعراب، که آشکارا آن را قبول کرده و اعلام داشته‌اند، تبعید ساکنان عرب را قبول نداشته و در مورد آن اظهار نظر نمی‌کنند. اظهارات شفاهی شاهدان در حضور کمیته ویژه، با توجه به این حقیقت مسلم که تعداد عمده‌ای از افراد تبعید شده‌اند، بروشنی وجود سیاست تبعید از جانب دولت اسرائیل را نشان می‌دهد. اگرچه در توجیه این تبعیدها، دولت اسرائیل مقررات دفاعی (اضطراری) سال ۱۹۴۵ را که به سرزمینهای اشغالی گسترش یافته، پیش می‌کشد، اما یک چنین تبعیدهایی ناقض مفاد ماده ۴۹ چهارمین توافق‌نامه ژنو می‌باشد. کمیته ویژه قبلا در مورد این مقررات در اولین گزارش خود (شماره الف/ ۸۰۸۹ پاراگراف ۷۵ تا ۷۰) اظهار عقیده کرده و به همان امر، یعنی تناقض مقررات مزبور با چهارمین توافق‌نامه ژنو، هنوز هم معتقد است.

۱۵- در مورد مسأله تبعید، کمیته ویژه همچنین تصمیم دیوان عالی (تمیز) اسرائیل را، که به عنوان دادگاه عالی عدالت در مورد دعوی «عزمی ابراهیم مرار» برضد وزیر دفاع تشکیل جلسه داده بود، مورد توجه قرار می‌دهد. مرار، طی عرضه یک دادخواست به دادگاه عالی عدالت، خواستار احضاریه وزیر دفاع گردید تا نشان بدهد که به چه علت وی تصمیم خود در مورد تبعید شاکیان از کشور را ملغی نکرده است. شاکیان برطبق ماده ۳ مقررات (اضطراری) دفاعی سال ۱۹۴۵، که می‌گوید «یک فرمانده نظامی، حسب الامر می‌تواند

دستور بازداشت هر شخصی را صادر نماید»، برای مدت زیادی بازداشت شده بودند. بعداً وزیر دفاع، به موجب اختیاراتی که برطبق ماده ۱۱۲ مقررات اضطراری به وی محول شده، فرمان تبعید او را صادر نمود. ماده ۱۱۲ می گوید که «وزیر دفاع باید برای تبعید هر شخصی از اسرائیل قدرت صدور دستور داشته باشد. شخصی که دستور تبعید در مورد او صادر شده، می بایستی مادامی که دستور فوق به قوت خود باقی است، دور از اسرائیل نگاه داشته شود.» ماده مزبور همین شرایط را برای تشکیل کمیته مشورتی، که بر طبق مقررات اضطراری منصوب شده، مقرر می دارد، تا با توجه به دستور تبعید، در صورتی که شخص تبعید شده بخواهد، بتواند به دولت توصیه هایی بکند. در این مورد، شخص شاکی از کمیته مشورتی خواسته بود تا دستور تبعید را مورد ملاحظه قرار دهد. کمیته مشورتی با ملاحظه دستور فوق، توصیه کرد که دستور مذکور به قوت خود باقی بماند. دادگاه به این بهانه که ملاحظه بحث پیشنهاد شده توسط شاکی در صلاحیت دادگاه عالی نیست، دادخواست عزمی ابراهیم را نادیده گرفت. زیرا، به گفته دادگاه عالی، این امر، «چه مورد پسند باشد چه نباشد» منحصراً برحسب ماده ۱۱۲ به کمیته مشورتی محول گردیده است. تصمیم در ۲ ژانویه ۱۹۷۱ اتخاذ گردید.

ج: ویران کردن خانه ها و درهم کوبیدن دهکده ها

۵۲- کمیته ویژه علاوه بر ملاحظه مدارك موجود در جریان بررسی ۱۹۷۰، در رابطه با ویران کردن خانه ها، مدارك بیشتری در ۱۹۷۱ در مورد همان موضوع بدست آورد. کمیته ویژه بخصوص گزارشات منظم مطبوعات اسرائیلی، راجع به ویران کردن خانه ها را،

مورد توجه قرار می دهد.

۵۳- بعضی از شاهدین در حضور کمیته ویژه در رابطه با ویران کردن خانه ها اظهاراتی کردند:

۱- شفیق احمد حسن شتیوی، ۲۰ ساله در ۲۴ آوریل ۱۹۷۰ دستگیر شد. بنابه گفته شتیوی: برادر وی عضو جنبش مقاومت است و اسرائیلیها تهدید کرده اند در صورتی که در مورد برادرش اطلاعاتی ندهد، با مادر و دو خواهرش، که دستگیر شده اند، با خشونت رفتار خواهند نمود. شتیوی تصدیق کرد که خانه آنها ویران شده، مادر و یک خواهرش کشته شده و خواهر دیگرش در زندان در بازداشت بسر می برد. او همچنین تصدیق کرد که خانه اش جزو هفت خانه ای بوده است که توسط ارتش اسرائیل ویران شد.

۲- صابر محمد عبدالطیف، رئیس شورای محلی دهکده «ییرفجار»، در بخش هیرون، تصدیق کرد که پس از دستگیری در اول نوامبر ۱۹۶۹، دهکده اش حدود ۴ ماه به محاصره درآمده، اجازه داده نشده تا آب به داخل دهکده بیاید، حدود ۷۰ خانه نیز در این دهکده منفجر گردیده است. عبدالطیف در ۲۸ اوت ۱۹۷۰ تبعید شده بود.

۵۴- کمیته ویژه همچنین گزارشات زیر را در مورد ویران کردن خانه ها، که در مطبوعات اسرائیل چاپ شده، مورد توجه قرار داده است. لیست مذکور، لیست کامل گزارشات فوق نیست، زیرا این گزارشات به طور مصور نقل شده است.

هائارتز، ۱۰ مه ۱۹۷۰، سه خانه در هیرون.

هائارتز، ۲۰ مه ۱۹۷۰ - ۷۰ خانه - مرج نوجه. (شمال دره اردن)

جرزالم پست، ۲۷ مه ۱۹۷۰ - ۵ خانه - اردوی اشکر نزدیک

نابلس.

جرزالم پست، ۲۱ دسامبر ۱۹۷۰ - ۵ خانه، در غزه.

جرزالم پست، ۱۲ ژانویه ۱۹۷۱ - ۷ خانه - کرانه باختری،
کفر تیسیر. (نزدیک جنین)

جرزالم پست، ۲۸ فوریه ۱۹۷۱ - ۶ خانه دهکده بورین.
(منطقه نابلس)

جرزالم پست، ۲ آوریل ۱۹۷۱ - ۱۰ خانه در غزه.

۵۵ - کمیته ویژه همچنین یک بیانیه حاوی لیستی از ۳۴ خانه
ویران شده، به همراه جزئیات وضع مالکیت آنها، اندازه ساختمانها، و تاریخهای
ویران شدن خانه ها، از دولت جمهوری متحده عربی دریافت کرد. بر طبق
این لیست، این ویرانیها در طی دسامبر ۱۹۷۰ صورت گرفت.

۵۶ - کمیته ویژه قادر نبوده است تا تعداد دقیق خانه های
ویران شده را مشخص کند، اما حقیقت ویران شدن خانه ها انکارناپذیر
است. در ۱۳ نوامبر ۱۹۶۹، نخست وزیر اسرائیل در حضور مطبوعات
اعلام کرد که ویران کردن خانه ها در الحمول و غزه، در تعقیب
سیاست دولت در خراب کردن خانه های اشخاصی که به اعضای الفتح
کمک می کنند، صورت گرفته است. بر طبق گزارش کمیته بین المللی
صلیب سرخ، همین بیانیه، بوسیله وزارت امور خارجه در ۲۳ دسامبر
۱۹۶۹، به هیأت نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ ابلاغ شد
(مجله بین المللی صلیب سرخ، سپتامبر ۱۹۷۰ شماره ۱۱۴ صفحات
۴۸۸ و ۴۸۹).

۵۷ - علاوه بر اظهارات موجود پیرامون ویران سازی خانه ها،
کمیته ویژه گزارشاتى دریافت کرد مبنی بر اینکه تعدادی از دهکده ها
کاملاً توسط مقامات اسرائیلی در سرزمینهای اشغالی خراب شده است.
این مسأله، در گزارش سابق الذکر کمیته بین المللی صلیب سرخ،
(صفحات ۴۸۶ - ۴۸۵ گ) و گزارشات روزنامه ها، مثل گزارشات منتشر
شده در ساندی تایمز (لندن) در ۱۱ اکتبر ۱۹۷۰، ذکر گردیده است.

(گزارش ساندی تایمز نه تنها به دهکده‌های جالو، بیت‌لونه، و اعمواس اشاره دارد، بلکه به اولین گزارش کمیته ویژه به دهکده‌های سوریت، بیت عوه، بیت مرحم و الشیوخ در منطقه هبرون و جفلیک، آگاریت و حوصیرت در دره اردن، اشاره می‌کند). کمیته ویژه اعلام کرده است که این دهکده‌ها کاملاً خراب شده است. کمیته ویژه همچنین مورد حملول را با توجه به مسأله‌ای که در اولین گزارشش (به شماره الف/ ۸۰۸۹ پاراگراف ۷۳) گفته شده، یادآوری خواهد کرد:

این یک حقیقت مسلم است، که حملول صحنه ویرانی وسیعی بوده، و این ویرانی بعنوان یک مجازات دسته جمعی از طریق تلافی اعمال شده، و مقامات اسرائیل مسؤول خرابی فوق بوده‌اند.

کمیته ویژه اظهاراتی در مورد نابودی بیش از ۴۰۰۰ دهکده عربی شنید، اما هیچ مدرکی برای اثبات این امر به این کمیته داده نشده است.

۵۸- کمیته صلیب سرخ بین‌المللی، طی یک نامه که در ۲۳ ژوئن ۱۹۷۱ به جامعه هلال احمر اردن نوشته شد، اظهار می‌دارد که:

مایل دارم به اطلاع شما برسانم که به گفته هیأت نمایندگی ما در کرانه باختری، دهکده نبی‌ساموئل در حقیقت در ۲۲ مارس ۱۹۷۱ توسط نیروهای مسلح اسرائیل خراب شد. آقای نویله، رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اخیراً نامه‌ای به خانم گلدامایر نوشت و در آن نگرانی شدید کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را درباره ویران کردن ساختمانها در سرزمینهای اشغالی بیان نمود. در این نامه، که در پایان ماه به مبادله گردید، وی تأثیر منفی این ویرانیها را بدروی خانواده‌ها متذکر گردید، و موضع کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را - که قبلاً نیز بارها بیان شده بود - در مورد تجاوز جدی به اصول انسانی از طرف آنها، بار دیگر مورد تأکید قرار داد.

د: بدرفتاری به هنگام بازداشت

کمیته ویژه در اولین گزارش خود به شهادت بعضی شاهدان اشاره کرد، که در حضور کمیته ویژه اظهار کرده بودند به هنگام بازداشت مورد بدرفتاری قرار گرفته اند. کمیته ویژه در جریان سفرش به عمان و بیروت در ۱۹۷۱، اظهارات بیشتری در مورد بدرفتاری با افرادی که نزد این کمیته آمده بودند، شنید. کمیته ویژه تعدادی مکاتبات کتبی دریافت کرد که در آن در مورد بدرفتاری حرفهایی زده شده بود.

۶۰- کمیته ویژه در انجام بررسیهایش در ۱۹۷۱، در پی مدارکی بوده است، که بجای تکرار اظهارات شنیده شده در جلسات این کمیته، در سال ۱۹۷۰ ماهیت تقویتی و اثباتی داشته باشد. کمیته ویژه تا آنجا که ممکن است، اظهارات شاهدان زیادی را در زمان مناسب شنیده است، و از اظهارات تعداد زیاد دیگری که ظاهراً حاضر بودند تجربیات شخصی خود را در زندان و اردوگاههای بازداشتی در سرزمینهای اشغالی در حضور این کمیته بازگو کنند، مطلع شده است. در بعضی مواد خاص، این گفته ها بوسیله مدارک دیگر، مثل گزارشات پزشکی یا نشانه های قطع اندام، جراحت بدنی یا آسیب نیروی جسمی، مورد تأیید قرار گرفت. کمیته ویژه در صورت عدم وجود مدارک تقویتی بیشتر، نمی تواند این اظهارات را پذیرفته یا آنها را رد کند.

۶۱- کمیته ویژه مشکلات عملی بدست آوردن مدارک موجود، در رابطه با اظهارات افرادی را که مورد بدرفتاری قرار گرفته اند، درک می کند. زیرا این اعمال، در شرایطی بوقوع می پیوندد که دسترسی به مدارک تأیید کننده مقدور نمی باشد. درک ماهیت جدی اظهاراتی از این نوع، ملزم به این است که قبل از اظهار نظر کمیته ویژه در مورد

اثبات اظهارات فردی و انجام یک بررسی اولیه راجع به آنها و مجسم کردن این حوادث به عنوان الگوی اقدامات منظم مقامات اسرائیلی، پایه تمام مدارك مربوط را مورد بررسی کامل قرار بدهد.

۲۲- کمیته صلیب سرخ بین المللی در گزارش خود (در مجله بین المللی صلیب سرخ، سپتامبر ۱۹۷۰، شماره ۱۱۴) مشکلات مشابه ویژه ای در رابطه با تقریباً ۳۰۰ زندانی که برای بازجویی نگاه داشته می شوند، و صلیب سرخ هیچ گونه دسترسی به آنها ندارند، بیان کرده است. در آن گزارش، کمیته صلیب سرخ بین المللی اظهار داشت که، در مه ۱۹۶۹ نماینده اش از جانب وزیر دفاع اختیار یافته بود تا به طور خصوصی با زندانیانی که بازجویی آنها تمام شده صحبت کرده، و در حضور یک افسر اسرائیلی زندانیان بازداشت شده برای بازجویی را دیده، و بدین وسیله وضع بهداشتی آنها را بررسی نماید. در ضمن او نتوانست با تعدادی از بازداشت شدگانی که نامشان اعلام نشده بود، ملاقات کند. کمیته بین المللی صلیب سرخ، همچنین اعلام کرد که این رویه فقط نسبت به زندانها اعمال می شود، و مراکز پلیس و اردوگاههای نظامی به روی هیأتها بسته است. کمیته بین المللی صلیب سرخ گزارش می دهد که از آوریل تا سپتامبر ۱۹۶۹ ملاقاتها طبق همین رویه صورت گرفته است. گزارش مزبور می گوید که:

به هر حال، در پاییز ۱۹۶۹ مقامات اسرائیلی به کمیته بین المللی صلیب سرخ خبر دادند که بعلت افزایش بیش از حد زندانیان، ناچار شده اند ترتیبات ملاقاتی خودشان را تغییر بدهند. از آن موقع به بعد، هیأتهای (صلیب سرخ) قادر نیستند تا بازداشت شدگانی را که نام آنها اعلام نشده، ملاقات کنند...

کمیته بین المللی صلیب سرخ پاسخ داد که چنین رویه ای قابل قبول نیست و کوشش کرد راهحلی پیدا کند، که با سند نوشته و روح

چهارمین توافق نامه ژنوسازگار باشد. هرچند که هیأت‌های صلیب سرخ فکر می‌کردند که در شرایط بازجویی بهبود حاصل شده اما کمیته صلیب سرخ ملاحظه کرد که رویه ملاقاتی وضع شده توسط مقامات اسرائیلی، دیگر نمی‌تواند به آنان اطمینان بدهد که شیوه‌های بازجویی برخلاف قانون انسانی نمی‌باشد.

در ۱۹ آوریل ۱۹۷۰، دولت اسرائیل به هیأت‌های صلیب سرخ اجازه داد تا ملاقات‌های خود با زندانیان را با شرایط زیر متناسب کنند: هر زندانی باید فقط در ماه یک بار ملاقات داشته باشد، هیچ شخص بازداشت شده‌ای را بدون دوبار ملاقات با هیأت‌های صلیب سرخ پس از دستگیری، نمی‌توان در یک مرکز بازداشتی نگاه داشت، مگر اینکه در شرایط استثنائی و به‌خاطر دلایل امنیتی، او را از یک مرکز چنین حق ملاقاتی محروم کنند و با این وضع هم، نام او به هیأت صلیب سرخ داده خواهد شد.

۶۳- کمیته ویژه اظهار می‌دارد که بخش بزرگتر اظهارات راجع به بدرفتاری به‌هنگام بازداشت، از جمله بازداشت شدگان امسال، به تجربیات زندانیان یا بازداشت‌شدگان به‌هنگام بازجویی آنها در مرکز پلیس یا اردوگاه‌های نظامی، مربوط می‌شود. زندانی که در این اظهارات بیشتر به آن اشاره شده، زندان «سرافد» است. شاهدانی که ادعا می‌کردند در اردوگاه نظامی سرافد مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند، اینها بودند: «سلیمان محمد ابوتایر» ۴۲ ساله که در ۲ فوریه ۱۹۶۹ دستگیر شد و در ۱۵ ژوئن ۱۹۷۱ تبعید گردید، یک شاهد که در ژوئن ۱۹۷۰ دستگیر و بعداً تبعید شد؛ «محمد علی عمر ابوبکری» ۳۵ ساله که در ۹ فوریه ۱۹۷۰ دستگیر و در ۱۸ مارس ۱۹۷۱ تبعید گردید، «حمدی خلیل محمد قصاب»، ۵۰ ساله که در ۶ آوریل دستگیر و در ۱۵ ژوئن ۱۹۷۱ تبعید شد.

۶۴- کمیته ویژه میل دارد تا از میان موارد ذکر شده، در اولین گزارش خود به‌مورد «مؤید عثمان بداوی البهش» ۲۲ ساله که

در دسامبر ۱۹۶۷ در نابلس دستگیر و در ۷ سپتامبر ۱۹۷۰ تبعید شد، اشاره کند. البهش در ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۱، در بیروت به حضور کمیته ویژه رسید. در آن موقع او در لندن تحت معالجه پزشکی قرار داشت. هنگامی که وی به حضور کمیته ویژه رسید، علامتهای روی بازوی چپ او، نشان می داد که بازویش فلج است. وی اظهار داشت که این امر ناشی از بدرفتاری ای می باشد که بعد از دستگیری با او شده است، و همچنین گفت که بازوی چپ او در ۹ مارس ۱۹۶۸ فلج گردیده است. البهش گفت که بوسیله گیره هایی که برگوش و آلت تناسلی او وصل می گردید، و بندی که بدور سرش پیچیده می شد، در معرض شکنجه الکتریکی قرار می گرفت، و نیز اظهار داشت که آنها یک بازوی او را به نقطه ای بسته و بازوی دیگر را به یک «در» که دائماً باز بسته می شد وصل کردند، و بدین ترتیب وی را در معرض شکنجه قرار دادند. کمیته ویژه زخمهایی را به روی پاها، زانوها، قوزک پا و آلت تناسلی شاهد، مشاهده کرد، که می توانست ناشی از سوزاندن آنها با سیگار باشد. شاهد اظهار داشت که او را از مچهایش از یک پنجره آویزان کردند، و یک سرباز، زنجیری را که پاهایش را بهم نگاه داشته بود بالا و پایین می کشید، و همین امر بود که باعث فلج شدن بازوی چپ او گردید. شاهد همچنین گفت که وی در ۱۹۶۸ با یک نماینده عفو بین المللی ملاقات کرده است. نجیب الاحمد، که در حضور کمیته ویژه در ۱۶ آوریل ۱۹۷۰ شهادت داد، گفت که او البهش را در سال ۱۹۶۸ در بیمارستان زندان نابلس، که با یکدیگر در آنجا ۳ روز بسر برده بودند، ملاقات کرد. و نیز گفت که البهش «دارای فلج جزئی» در سمت چپ بدن، تا نزدیکی شانه هایش بود، و این مسأله از نظر او ناشی از شکنجه هایی بوده که البهش در زندان سرافند تحمل کرده است.» گفته می شود که عفو بین المللی در این

مورد گزارشی برای دولت اسرائیل فرستاده است. اگر چه خود این گزارش منتشر نشده، اما کمیته ویژه یک نسخه از برداشت دولت اسرائیل در مورد این گزارش را، از عفویین المللی دریافت کرده است. از نظر دکترهای اسرائیلی «آزمایشات پزشکی ثابت کرده است آنچنانکه ادعا می‌گردد، هیچ‌گونه علامت فلجی یا جراحت وارده به روی بازوی چپ او مشاهده نگردیده است. وضع «البهش» ظاهراً یکی از امراض تشنجی می‌باشد» که در آن، حالت روحی مریض ظاهراً بدون اینکه هیچ‌گونه نشانه عینی و خارجی از ایراد آسیب به اعصاب در آن دیده شود، باعث فلج شدن می‌گردد. این گزارش می‌گوید:

از نتیجه آزمایش اشعه ایکس در ۱۸ فوریه ۱۹۶۸ و آزمایشات پزشکی بعدی از مؤید (البهش)، چنین برمی‌آید که هیچ اساس و پایه‌ای وجود ندارد که نشان بدهد بازوی چپ او بین ۲۴ و ۲۹ ژانویه ۱۹۶۸ «در اردوگاه» شکسته باشد.

به همین نحو مدارك پزشکی ثابت کرد که طی مدت بین ۲۴ ژانویه و ۸ مارس ۱۹۶۸، مؤید دارای یک شکستگی در شانه یا بازوی چپ نبوده است.

به هنگام نوشتن این سطور، کمیته ویژه هنوز در انتظار گزارشات دکترهایی است که البهش به هنگام حضورش در کمیته ویژه، بوسیله آنها تحت معالجه قرار گرفته بود.

۶۵- کمیته ویژه قبلاً در اولین گزارش خود، به ذکر بعضی موارد در مورد بدرفتاری بازندانیان و بازداشت شدگان پرداخت. نماینده دولت اسرائیل در کمیته سوم در جلسه بیست و پنجم مجمع عمومی (شماره ۱۹۸۲ / ۳ اس.ا.ر.آ.ث) اظهار داشت، که آنها اطلاعاتی در رد این اظهارات در اختیار دارند. نماینده اسرائیل به‌مورد آقای محمد درباس، که به کمیته ویژه گفته بود که بوسیله عمل جراحی توسط یک

دکتر اسرائیلی مقطوع النسل شده (شماره ال/۸۰۸۹، پاراگراف ۱۰۴) اشاره کرد. نماینده اسرائیلی گفت که او اطلاعاتی دارد که ثابت می‌کند که آقای درباس قبلاً توسط یک دکتر مصری عمل شده است. کمیته ویژه برطبق این گفته از دولت اسرائیل خواست تا این اطلاعات را در اختیار کمیته بگذارد. (نگاه کنید به پاراگراف ۹ در صفحات قبل). دولت اسرائیل تا کنون این مدرک را در اختیار کمیته نگذاشته است.

۶۶- موارد دیگری وجود دارد که سال گذشته ذکر گردید، و آن موارد در رابطه با آقای «سعدالدین کمال» (شماره الف/۸۰۸۹، پاراگرافهای ۷۸ و ۷۹)، «آقای یوسف سلهب» (شماره الف/۸۰۸۹، پاراگرافهای ۱۰۰ و ۹۶ و ۷۸) آقای «ابورأس» (شماره الف/۸۰۸۹، پاراگرافهای ۹۳ تا ۹۵)، آقای «نجیب محمد عیسی الخطاب» (شماره الف/۸۰۸۹، پاراگرافهای ۹۶ و ۱۰۰)، آقای «سلیمان م، شیخ عید» (شماره الف/۸۰۸۹، پاراگرافهای ۹۸ و ۹۹)، آقای «منیر عبدالله غانم» (شماره الف/۸۰۸۹، پاراگراف ۱۰۲)، آقای «ابورمیله» (شماره الف/۸۰۸۹، پاراگرافهای ۸۰ و ۸۶)، آقای «اسماعیل ابومیاله» و همسرش «خانم عباطه» (شماره الف/۸۰۸۹، پاراگرافهای ۷۸، ۸۵ و ۱۰۱)، می‌باشد. این موارد فراهم آورنده مدرک موثق و نیرومندی است، که قضاوت کمیته ویژه را چنانکه در اولین گزارش این کمیته بیان شده، مبنی بر اینکه در چندین زندان، بویژه در اردوگاه نظامی سراقند، با زندانیان و ساکنان بخصوص به هنگام بازجویی بدرفتاری می‌شود، تصدیق و تأیید می‌کند.

۶۷- از زمانی که اولین گزارش کمیته ویژه منتشر شد، آقای «ابورمیله» در ۲ دسامبر ۱۹۷۰ به ۱۰ سال زندان محکوم گردید. این محکومیت، به گفته رئیس دادگاه و به گزارش جرزالم هست، یک محکومیت

سبک بود «زیرارمیله» اتهامات را قبول کرده و در طی بازداشتش مریض شده بود. «مدارك موجود در نزد کمیته ویژه، نشان می دهد که ابورمیله که در ۸ مارس ۱۹۶۹ دستگیر شد، آنقدر مورد بد رفتاری قرار گرفت که ذهنش معیوب شد، (نگاه کنید به شماره الف/ ۸۰۸۹ پاراگراف ۸۶). خانم «فیلیسیا لنگر» وکیل آقای «رمیله» طی نامه ای به تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۷۰ که به ضمیمه شماره ۷ گزارش کمیته ویژه آمده است، به وزیر امنیت نوشت:

«موکل من در ۸ مارس ۱۹۶۹ دستگیر شد، و در لیدا توسط دادستان کل نظامی (اسکان آلف) بر طبق مقررات دفاعی (اضطراری) ۱۹۴۵ به جرمهای گوناگون متهم گردید. بر طبق مدارکی که به خانواده او داده اند، و بر طبق اظهارات وکیل قبلی او قوه ذهنی موکل من، تا بیستم ژوئن ۱۹۶۹ کامل بوده است. وی ادعا کرد که در دوره بین دستگیری اش و بیستم ژوئن به هنگام بازجویی، بشدت شکنجه شده، و دچار جراحات بدنی و ذهنی گردیده است. او شرح داد که چگونه مورد ضرب و شتم قرار گرفته و با وسایل الکتریکی شکنجه و بدنش با سیگارهای روشن سوزانده شده است. نشانه های سوزاندن بدن او با سیگارهای روشن، هنوز هم حقیقتاً به روی بازوی چپ او دیده می شود. بر طبق مدارک، موکل من از صدمه شدید ذهنی رنج برده و قوای ذهنی خودش را پس از ۲۰ ژوئن ۱۹۶۹ از دست داده، و هنوز هم تا امروز دچار این وضع می باشد. آزمایش پزشکی دکتر ج. ژ. استریش، معاون روانشناسی بخش، و رئیس مؤسسه بهداشت روانی در «پتایتیکوه»، فاش کرد که موکل من دیگر قادر به کنترل حرکات درونی خود نیست، و نمی تواند اطرافیان خودش را بشناسد، و قادر نیست به طور پیوسته و منسجم صحبت کند. در نتیجه دکتر استریش اعلام کرد که وی برای حضور یافتن در دادگاه آمادگی ندارد. در ۱۴ اکتبر ۱۹۶۹، دادگاه نظامی در لیدا اعلام کرد که ظاهراً به خاطر وضع روانی متهم امکان این نیست که او را بتوان برای محاکمه به دادگاه آورد. موکل من، هم قبل از دستگیری، و هم مدتی بعد از دستگیری،

از وضع روانی خوبی برخوردار بود. شاهدانی—چه یهودی و چه عرب—وجود دارند که او را قبل از دستگیری‌اش به‌عنوان یک تاجر موفق می‌شناختند. همچنین شواهدی هستند که می‌توانند در مورد وضع او پس از اینکه به‌دنبال بازجویی به‌سلول خودش آورده شد، گواهی بدهند. سلامت موکل من بهبود نیافته است. او نه‌تنها تاکنون در یک بیمارستان مناسب بستری نشده، بلکه هنوز هم در زندان رمله بسر می‌برد. در ۱۶ ژانویه، او را دیدم که مثل یک دیوانه کامل شده و درهم شکسته بود. براساس ادعاهای موکل من، به‌هنگامی که از نظر ذهنی و روانی سالم بود—و براساس ادعاهایی که خانواده او، و همچنین شاهدان سابق‌الذکر آنها را تأیید می‌کنند، وضع کنونی او ناشی از شیوه‌های بازجویی غیرقانونی، منجمله ضربات و شکنجه‌ها، حاصل شده است. با توجه به‌جدی بودن این مورد، یعنی موردی که در آن پلیس و یا سرویس امنیتی، مرد سالمی را تبدیل به یک انسان خردشده از نظر جسمی و روانی می‌کنند، من مصرانه از شما درخواست می‌کنم تا یک کمیسیون تحقیق منصوب کرده و کسانی را که مسؤول این کار هستند مجازات نمایید. من هروقت که شما میل داشته باشید، می‌توانم نام شاهدان را به‌همراه آدرسهای آنان در اختیارتان بگذارم.

ه: بازداشت غیرقانونی

کمیته ویژه می‌گوید که بازداشت غیرقانونی افراد همچنان ادامه دارد. براین اساس، هنوز افراد بی‌شمار، بدون اینکه اتهامی به آنها وارد بیاید، از آزادی محروم هستند. برطبق گزارش جرزالم‌پست در ۱۱ ژوئن ۱۹۷۱، موشه‌دایان وزیر دفاع به‌کنست (پارلمان اسرائیل) اطلاع داد که در مه ۱۹۷۰ تعداد بازداشتیهای غیرقانونی، ۱۳۱ نفر بوده، و در ژوئیه ۱۹۷۱ تعداد مزبور به ۵۶ نفر کاهش پیدا کرده است. از این تعداد، ۲۲۹ نفر از کرانه باختری، ۳۰۳ نفر از نوار غزه، ۱۴۲ نفر از بیت‌المقدس و ۱۴ نفر از اسرائیل بودند. فرمانده

نیروهای اسرائیلی در غزه، مناخم آویرام، در یک کنفرانس مطبوعاتی در اوایل فوریه ۱۹۷۱ گفت: ... ظرفیت بازداشتگاههای ۷۰ تخته محلی در غزه، پر شده است، و ۱۶۰ فلسطینی اهل غزه، که اغلب آنها از بازداشت شدگان غیرقانونی هستند، در اردوگاه زندان صحرای سینا نگاه داشته می‌شوند. بعلاوه برطبق همان گزارش (جرزالم پست ۲ فوریه ۱۹۷۱) و همان منبع، ۲۴ خانواده از اشخاص تحت تعقیب، در دو محله ساخته شده ویژه، در صحرای سینا بسر می‌برند. برای اینکه جلو کمک و همکاری این خانواده‌ها به اقوام تحت تعقیب‌شان گرفته شود، تبعید گردیده، و به محض دستگیری اشخاص تحت تعقیب مذکور، به خانه‌های خودشان بازگردانیده خواهند شد. گزارش مزبور می‌گوید که «فرمانده شلوموگازیت»، فرمانده نظامی سرزمینهای اشغالی، خواسته‌های روزنامه‌نگاران را برای بازدید اردوگاه بازداشتی سینا، مطلقاً رد کرد. این گزارش به نقل از او می‌گوید که: «این کار به صلاح حیثیت اسرائیل نخواهد بود.»

و: اظهارات دیگر

۶۹- اظهارات دیگری در مورد ارباب مردم محلی از طریق تحمیل منع رفت و آمدهای شدید برای مدتهای نامعین، دستگیریهای دسته‌جمعی، و ایجاد تغییر و تحولات در اوقات تحصیلی بچه‌های عرب، در حضور کمیته ویژه ایراد شده است. کمیته ویژه بخصوص به ممنوعیت رفت و آمدی اشاره می‌کند، که به دنبال پرتاب دو بمب دست‌ساز در یک خیابان عمومی و قتل دو بچه اسرائیلی، در ژانویه ۱۹۷۱ در اردوگاه پناهندگی الشاتی در غزه برقرار گردید. ممنوعیت مزبور ۲۲ ساعت در روز بود و به مدت چهار هفته بطول انجامید. برای تکمیل

این کار، مقامات اسرائیلی پلیس به اصطلاح مرزی را به منطقه فراخواندند، و بنا به اظهاراتی رفتار آنها با جمعیت غیرنظامی به طور وسیعی خشن و گاهی وحشیانه بوده است. اظهارات راجع به رفتار پلیس مرزی، چنانکه در جرزالم پست ۲ فوریه ۱۹۷۱ گزارش گردید، با صدور اعلامیه‌ای از سوی دولت اسرائیل به دنبال برقراری منع رفت و آمد در اردوگاه پناهندگی الشاتی و دادن اجازه به روزنامه نگاران برای سفر به منطقه، مورد تأیید قرار گرفت. گزارش جرزالم پست می‌گوید: فرمانده آویرام در حضور روزنامه نگاران تأیید کرد که در چندین مورد سربازان اسرائیلی اعراب مورد سوءظن را کتک زده و غارت کرده‌اند. وی همچنین گفت مأموران مذکور، پس از اثبات اتهامات وارده، تأدیب خواهند شد.

۷۰- کمیته ویژه مذکور می‌دارد که دستگیری دسته جمعی افراد بین ۲۱ تا ۵۰ سال ادامه دارد. این دستگیریها معمولاً به تلافی بعضی اعمال خشونت‌بار که به جنبش مقاومت نسبت داده می‌شود، صورت می‌گیرد. نمونه‌هایی از این نوع دستگیریها در اینجا ذکر شده است: دستگیری ۲۵ جوان در جنین که در ۲۱ دسامبر ۱۹۷۱ در روزنامه جرزالم پست گزارش شد، دستگیری ۲۸ مرد در غزه که در ۲۵ فوریه ۱۹۷۱ گزارش گردید، و ۵۴ نفر از هیرون که در ۱۰ فوریه ۱۹۷۱ دستگیر شدند. مدارك شفاهی موجود در نزد کمیته ویژه نشان می‌دهد که این دستگیریها بدون هشدار قبلی و به طور اتفاقی صورت می‌گیرد.

۷۱- مواردی از تغییرات و تحولات سریع در ساعات تحصیلی سالیانه بچه‌های عرب، که ظاهراً برای تضعیف آگاهی ملی آنان، و یا ازین بردن موجودیت خلق فلسطین برنامه‌ریزی شده، توجه کمیته ویژه را بخود جلب کرده‌است.

۴- نتایج بدست آمده از بررسیها

مدارکی که به دست کمیته ویژه رسیده است، نشان می دهد که دولت اسرائیل سیاستی طرح ریزی کرده است تا بدان وسیله تغییرات عمیقی در شخصیت فیزیکی و ترکیب جمعیتی چندین منطقه قلمرو تحت اداره، از طریق محو تدریجی و سیستماتیک هرگونه حضور فلسطینیها در این مناطق، بوجود آورد. این سیاست باعث نابودی فرهنگ عربی، و شیوه زندگی عربی در منطقه می گردد، و برخلاف حقوق بین الملل، باعث تبدیل آن به یک منطقه یهودی خواهد شد. اقدامات انجام شده براساس این سیاست، شامل تأسیس آبادیهای یهودی نشین اسرائیلی، مثلاً در بیت المقدس اشغال شده، هبرون، بخشهای خاصی از دره اردن، بلندیهای جولان، غزه، شمال صحرای سینا، و شرم الشیخ می گردد. یک چنین سیاستی مشکلات بیشتری در سر راه استرداد اموال خلق فلسطین و دیگر حقوق آنها بوجود می آورد. این سیاست علاوه بر اینکه حق فلسطینیهایی را که از سرزمینهای اشغالی فرار کرده اند، برای بازگشت مجدد به آنجا نادیده می گیرد، حق فلسطینیهای باقی مانده در سرزمینهای اشغالی را نیز تهدید می کند. از نظر کمیته ویژه حق ساکنان سرزمینهای اشغالی برای باقی ماندن در وطن خودشان، یک حق بدون قید و شرط و غیر قابل انتقال می باشد.

۷۳- نظر کمیته ویژه بر این است که تبعید اشخاص از سرزمینهای اشغالی، که توسط اسرائیل انجام شده، نه تنها برخلاف ماده ۴۹ چهارمین توافق نامه ژنو می باشد، بلکه همچنین بخشی از یک سیاست کلی است که مردم سرزمینهای اشغالی را از حق خودشان برای باقی ماندن در وطنشان محروم می کند. کمیته ویژه درباره عمل انتقال ملتهای اسرائیلی به سرزمینهای اشغالی، مثل بیت المقدس شرقی، هبرون،

بلندیهای جولان، بخشهای خاصی از دره اردن، غزه، شمال سینا و شرم الشیخ نیز به همان نتیجه رسیده است.

۷۴- در بحث گزارش کمیته ویژه در کمیته سیاسی ویژه، طی بیست و پنجمین اجلاسیه مجمع عمومی، هیأت اسرائیل در اشاره به سیاست دولتش در سرزمینهای اشغالی، اظهار داشت که چندین هزار نفر از ملاقات کنندگان عرب اجازه یافتند تا در طی تابستان ۱۹۷۰ به سرزمینهای اشغالی بروند. بر طبق گزارشات مطبوعات اسرائیل، چندین هزار بازدید کننده دیگر، امسال اجازه یافتند به آنجا بروند. اگرچه این امر می تواند به عنوان یک جنبه مثبت سیاست اسرائیل نسبت به سرزمینهای تحت اشغال این دولت قلمداد گردد، اما با این ترتیب هیچ گونه علاحی برای مسأله نیست. برنامه تابستانی بازدید کنندگان، جای شناسایی حق بازگشت پناهندگان به میهن خودشان را که به طور مداوم توسط دولت اسرائیل از آنان دریغ داشته شده، نمی گیرد و بر سیاست معروف دولت اسرائیل در اسکان یهودیان در سرزمینهای اشغالی، و تبعید صدها نفر از سرزمینهای اشغالی، و بفرامین تبعید رسمی که بر اساس مقررات دفاعی (اضطراری) ۱۹۴۵ توسط مقامات اسرائیلی صادر شده، هیچ گونه تأثیری نخواهد داشت. هیچ گونه آماری در مورد تعداد افرادی که بدون حساب و بزور اخراج شده اند وجود ندارد.

حقایق مذکور علی رغم ادعای مقامات اسرائیلی، مبنی بر پیش گرفتن یک سیاست آزادی خواهانه برای دادن اجازه بازدید، یا برداشتن محدودیتهای سفر، وجود دارد و باقی می ماند. همین ملاحظه در مورد دیگر اظهارات مکرر اسرائیلیها، مبنی بر بی ضرر بودن حضور اسرائیل در سرزمینهای اشغالی، عدم مداخله در کارهای محلی، و کاهش مداخله دولت اشغالگر به حداقل ممکن، مصداق پیدا می کند مشکل

است که بتوان اظهارات اخیر اسرائیلیها را با مسأله برقراری ممنوعیت عبور و مرور به مدت ۲۲ ساعت در روز، و مداخله سربازان اسرائیلی برای مقابله با مقاومت فلسطینیها در برابر اشغال، سازگار داشت. حقیقت امر این است که الف: دولت اسرائیل هنوز حق ساکنان سرزمینهای اشغالی را برای بازگشت به خانه خودشان انکار می کند. ب: سیاست محلی دولت اسرائیل، براسکان دادن شهروندان اسرائیلی در سرزمینهای اشغالی استوار است. ج: دولت اسرائیل به طور مرتب غیرنظامیان را از سرزمینهای اشغالی تبعید می کند.

۷۵- کمیته ویژه در پاراگرافهای ۵۲ و ۵۸ صفحات قبل، نشان داد که سیاست مشخص اسرائیل، در محور نابود کردن خانه های افراد مشکوک به کمک به اعضای جنبش مقاومت، دور می زند. این سیاست ناقض مواد ۳۳ و ۵۳ چهارمین توافق نامه ژنو است. این سیاست همچنین حق اساسی اشخاص تحت الحمايه را مورد تجاوز قرار می دهد. علاوه براین، مدارك موجود در نزد کمیته ویژه، نشان می دهد که ویران کردن خانه ها به طور خودسرانه رخ می دهد و هنوز قطع نشده است. کمیته ویژه تلاشهای کمیته بین المللی صلیب سرخ را در فراهم آوردن تدارکات رفاهی و پناهگاه موقت، برای کمک به قربانیانی که خانه هایشان ویران شده، مورد توجه قرار می دهد. کمیته ویژه مذکور می دارد که بسیاری از اشخاصی که خانه هایشان ویران شده، سرزمینهای اشغالی را ترك کرده اند. نظر کمیته ویژه براین است که سیاست ویران کردن خانه ها به این طریق، و سیاست آشکار تبعید، به عنوان بخشهایی از یک سیاست کلی انضمام و ساختن آبادیهای یهودی، نمی تواند به جز یک نتیجه داشته باشد و آن عبارت از محو هرگونه امکان اعمال حق خودگردانی خلق فلسطین در محدوده های میهن خودش می باشد.

۷۶- روشن است که حق خلق فلسطین بر میهن خودش، توسط

سازمان ملل متحد در تمام قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت شناخته شده است. از جمله این قطعنامه‌ها، می‌توان به قطعنامه شماره ۱۸۱ اشاره کرد که برطبق آن مجمع عمومی سازمان ملل، طرح تقسیم فلسطین و تشکیل اتحادیه اقتصادی را برطبق آن قطعنامه، توصیه نموده است. طرح تقسیم همانند دیگر قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های سازمان ملل در مورد مسأله فوق، حق خلق فلسطین را برای خود گردانی به رسمیت شناخته است. علاقه جامعه بین‌المللی به این حق اساسی، به هنگامی آشکار شد، که مجمع عمومی توافق‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر را که ماده اول آن دربرگیرنده شناسایی حق خودگردانی است، تصویب نمود. سیاست اسرائیل، حق خلق فلسطین را برای خودگردانی زیرپا می‌گذارد. کمیته ویژه هرگونه اقدام برای پیش‌بردن سیاست مذکور را یک تجاوز اساسی به حقوق بشر، قلمداد می‌کند.

۷۷- در حضور کمیته ویژه، اظهارات متعددی در مورد بد رفتاری به هنگام بازداشت ایراد شده است. کمیته ویژه در صورت نداشتن مدارك تأییدکننده کافی، قادر نیست به یک نتیجه قاطع راجع به این موارد برسد. اما کمیته ویژه تأیید می‌کند که به جز شرایط موجود در زندانهای عمومی، که بنابه گزارشات در حال بهبود است، شرایط در سایر زندانها و بازداشتگاهها، اسفناک می‌باشد. این امر اساساً ناشی از شلوغی بیش از حد زندانها، و شیوه‌های بازجویی مکرر می‌باشد، که خشونت فیزیکی شکنجه، ضرب و شتم و... را نیز دربر می‌گیرد (نگاه کنید به مجله بین‌المللی «صلیب سرخ» سپتامبر ۱۹۷۰، شماره ۱۱۴ صفحات ۵۰۴ و ۵۰۵، و نیز نگاه کنید به «صلیب سرخ در عمل»، بولتن خبری، شماره ۱۶۴، ۱۴ ژوئیه ۱۹۷۱).

۷۸- مدارك موجود نشان می‌دهد که برقراری مقررات منع

رفت و آمد شدید، هنوز هم ادامه دارد. در رابطه با برقراری منع رفت و آمد چهار هفته‌ای در اردوی پناهندگی الشاتی، به دنبال حادثه انفجار نارنجک در ژانویه ۱۹۷۱ شرایط و مقررات منع رفت و آمد حکایت می‌کند که این امر بیشتر نوعی عمل تلافی‌جویانه است تا یک وسیله ضروری برای جلوگیری از حوادث مشابه، یا دستگیری مجرمان.

۷۹- راجع به دستگیریهای دسته‌جمعی، کمیته ویژه به این نتیجه رسیده است که دستگیریهای بروشنی نوعی وسیله تضعیف روحیه مردم سرزمینهای اشغالی، بحساب می‌آید.

۸۰- به علت فقدان مدارك، کمیته ویژه قادر نیست تا در مورد اظهارات موجود در رابطه با تغییرات وسیع در دوره تحصیلی سالیانه بچه‌های عرب در سرزمینهای اشغالی، به نتیجه‌ای برسد. کمیته ویژه می‌داند که یونسکو در تأمین کیفیت و نوع آموزش و پرورش مورد استحقاق بچه‌های سرزمینهای اشغالی، از خود اظهار علاقه نشان داده است.

۸۱- کمیته ویژه، براساس مدارکی که از جریان بررسیهایش بدست آورده، و با دیگران در اختیارش گذاشته‌اند، نتیجه گرفت که دولت اسرائیل به‌طور آگاهانه سیاستهایی را در پیش می‌گیرد که هدف آن جلوگیری از بازگشت جمعیت سرزمینهای اشغالی به خانه‌هایشان، و وادار کردن ساکنان سرزمینهای اشغالی به ترك این خانه‌ها می‌باشد. این روش از طریق شیوه‌های مستقیم مثل تبعید و شیوه‌های غیرمستقیم مثل تضعیف روحیه آنان، و پیشنهاد انگیزه‌های خاص صورت می‌گیرد، و در نهایت به انضمام این سرزمینها و ساختن آبادیهای یهودی در آنها، منجر می‌شود. کمیته ویژه اقدامات دولت اسرائیل را برای درپیش گرفتن این سیاستها، شدیدترین تجاوز به حقوق بشر قلمداد می‌کند. مدارك نشان می‌دهد که این وضع از زمان مأموریت گذشته کمیته

ویژه در ۱۹۷۰، بدتر شده است.

۸۲- کمیته ویژه باید بار دیگر اهمیت رعایت مفاد موافقتنامه ژنو را که مورد قبول تمامی طرفین است مورد تأکید مجدد قرار دهد، زیرا بدین وسیله حقوق انسانی ساکنان سرزمینهای اشغالی به بهترین وجه تأمین خواهد شد. کمیته ویژه علی‌رغم وجود بعضی مشکلات سیاسی و حقوقی که لزوماً از ماهیت مسأله خاورمیانه به عنوان یک کل ناشی می‌شود، وظیفه خود را ضرورتاً یک وظیفه انسانی می‌داند و نه سیاسی. اما، روشن است که برای حفظ حقوق انسانی ساکنان سرزمینهای اشغالی، باید طرح مورد نظر کمیته ویژه، که در گزارش این کمیته به دبیرکل سازمان ملل (شماره الف ۸۰۸۹ پاراگراف ۱۵۵) توصیه گردیده، به مرحله اجرا درآید. کمیته ویژه میل دارد تا به توصیه فوق، که عرضحال جمعیت وسیع سرزمینهای اشغالی است توجه خاصی مبذول گردد. کمیته ویژه به هیچ عنوان قصد ندارد خود را درگیر امور و مواضع دولتهای متخاصم کند و نیز طرح پیشنهادی این کمیته به هیچ وجه به مفهوم ضربه زدن به مواضع سیاسی این دولتها در رابطه با یکدیگر، نمی‌باشد. طرح مورد نظر کمیته ویژه، برای این پیشنهاد شده تا به افراد سرزمینهای اشغالی اطمینان بدهد که حفظ حقوق ابتدایی آنها برای باقی ماندن یا بازگشتن به خانه‌هایشان مورد تضمین قرار می‌گیرد.

۸۳- کمیته ویژه قبلاً در اولین گزارش خود (به شماره الف/ ۸۰۸۹، پاراگراف ۱۴۶) اعلام کرد که مسأله اشغال، یک تجاوز اساسی به حقوق بشر بشمار می‌آید. بنابراین، مؤثرترین راه حفظ حقوق بشر جمعیت سرزمینهای اشغالی، پایان دادن به اشغال این سرزمینها می‌باشد. اشغال، یک نوع تخطی از اصل تمامیت ارضی است که از سوی خانواده ملل پذیرفته شده و در منشور سازمان ملل متحد محترم

نگاه داشته شده است. همان اصل بعداً توسط سازمان ملل در اعلامیه «اصول حقوق بین‌المللی» مربوط به روابط دوستانه و تعاون میان دولتها بر طبق منشور سازمان ملل که توسط مجمع عمومی در بیست و پنجمین اجلاس آن (قطعنامه ۲۶۲۵) در ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ تصویب گردید، به رسمیت شناخته شده است، و اصل مربوط به ناپسند بودن تملک زمین با توسل به زور، توسط مجمع عمومی در پاراگراف اول قطعنامه ۲۶۲۸ در رابطه با اوضاع خاورمیانه، مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است.

مدارك بدست آمده توسط کمیته ویژه از هنگام اولین مأموریتش در خاورمیانه در ۱۹۷۰، نظریه کمیته را تقویت می‌کند، نظریه‌ای که براساس آن کمیته ویژه می‌گوید: «با توجه به اینکه به مسئله اشغال پایان داده نشده، اگر قرار باشد شرایط و مفاد توافق‌نامه‌های ۱۹۴۹ ژنو به مرحله اجرا درآید، کشورهای مربوط ناچار خواهند بود در مورد پیاده کردن یک طرح به توافق برسند، طرحی که هرگونه سوءظن مربوط به تجاوز به حقوق انسانی جمعیت سرزمینهای اشغالی را برطرف خواهد کرد.»

ح: توصیه‌ها

- ۸۴- کمیته ویژه، با بررسی مدارکی که در اختیار دارد، اموری را که در اولین گزارشش (شماره الف/۸۰۸۹ پاراگراف‌های ۱۵۴ تا ۱۵۶) توصیه کرده است با اصلاحات زیر بار دیگر تکرار می‌کند.
- ۸۵- کمیته ویژه مذکور می‌دارد که سیاست مشهور انضمام بیت‌المقدس، با ساختن پروژه‌های بزرگ خانه‌سازی در محدوده‌های شرقی اشغال شده شهر، به عنوان ابزار آشکار آن سیاست، بیشتر مشخص

می‌شود.

کمیته ویژه توصیه می‌کند که مجمع عمومی از دولت اسرائیل بخواهد تا از تمام اقدامات جاری برای انضمام بخش اشغالی بیت المقدس، دست بکشد.

۸۶- کمیته ویژه مذکور می‌دارد که از زمان ارائه اولین گزارش خود، به وجود و ادامه سیاستها و اعمال خاصی در سرزمینهای اشغالی پی برده که در بعضی موارد حتی میزان آن وسیع تر از قبل می‌باشد. این امر بویژه در رابطه با سیاست تشویق انتقال مهاجران اسرائیلی به آبادیهای یهودی‌نشین، مصداق پیدامی‌کند. کمیته ویژه توصیه می‌کند که از دولت اسرائیل خواسته شود تا به این سیاست ادامه ندهد.

۸۷- کمیته ویژه همچنین نظرها را به این حقیقت جلب می‌کند که تبعید غیرنظامیان از سرزمینهای اشغالی بدون وقفه ادامه یافته است. این کمیته همچنین باید نگرانی شدید خود را از این عمل و نیز سیاست تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی، که هدف آن محو جامعه دارای هویت فلسطینی از سرزمینهای اشغالی می‌باشد، اظهار دارد. بنابراین کمیته ویژه توصیه می‌کند که مجمع عمومی از دولت اسرائیل بخواهد تا بدون قید و شرط، به تمام اشخاصی که از سرزمینهای اشغالی گریخته، یا از آنجا تبعید یا اخراج گردیده‌اند، اجازه دهد تا به خانه‌هایشان بازگردند.

۸۸- کمیته ویژه، هنوز عقیده دارد که طرح موجود برای اجرای سومین و چهارمین توافق‌نامه‌های ژنو، در شرایط حاضر، کافی نیست. زیرا، این طرح نه بررسی کامل و جامعی از تخلفات به این توافق‌نامه‌ها را بدست می‌دهد، و نه اینکه می‌تواند انجام دقیق آنها را از جنبه مثبت تأمین کند. یک چنین بررسی‌ای، تنها اگر طرفهای مربوطه همکاری دلخواهانه خودشان را توسعه بدهند، می‌تواند مؤثر

واقع شود.

۸۹- مدارك موجود نزد کمیته ویژه نشان می دهد که اقدامات و سیاستهای موجود در سرزمینهای اشغالی در ۱۹۷۰ قطع نشده، و به این دلیل کمیته ویژه توصیه خود را، که در پاراگراف ۱۵۵ اولین گزارشش آمده، در رابطه با برقراری یک مکانیسم برای تأمین حفظ حقوق انسانی جمعیت سرزمینهای اشغالی، تکرار می کند.

کمیته ویژه تأکید می کند، که توصیه مذکور در رابطه با حمایت از منافع جمعیت فلسطینی، که حق خودگردانی به آنها داده نشده، از بیشترین اهمیت برخوردار است. کمیته ویژه آرزو دارد، تا نیاز به اجرای مؤثر توافق نامه های ژنو را مورد تأکید قرار دهد، و اظهار دارد که ملاحظات انسانی می بایستی بر تمام اختلافات و مشکلات سیاسی فایق آید.

ملاحظات انسانی و اهمیت حفظ حقوق، بر طبق حقوق بین الملل باید، جدا و متمایز از مسائل سیاسی نگاه داشته شود. کمیته ویژه خشنود است که طرح پیشنهاد شده اش به هیچ راه حل نهایی برای مسائل سیاسی، مطابق با شرایط قطعنامه ۲۴۲ (۱۹۶۷) شورای امنیت سازمان ملل، صدمه و آسیبی وارد نکرده و نمی تواند بکند.

۹- بنابراین، کمیته ویژه به کشورهای درگیر در تخصیص خاور- میانه توصیه می کند، تا طرح پیشنهاد شده این کمیته را که در اولین گزارشش آمده، قبول کنند. امتیاز پیشنهاد فوق این است که با روح سومین و چهارمین توافقی نامه های ژنو سازگاری دارد، و در همین حال عاری از مشکلات سیاسی موجود در وضع کنونی می باشد. برای اینکه این طرح مؤثر باشد، سه عامل زیر اساسی بنظر می رسد:

الف: شرایط اشغال باید تحت نظارت قرار بگیرد.

ب: این نظارت باید توسط یک ارگان (ساخت) مستقل و بی طرف

اعمال شود.

ج: ارگان ناظر باید مطابق با روح توافق نامه های ژنو، از آزادی عمل برخوردار باشد.

۹۱- طرح پیشنهادی کمیته ویژه در گزارش این کمیته، که بار دیگر مورد توصیه قرار گرفت، بدین قرار است، مجمع عمومی توصیه می کند که:

الف: کشورهایی که سرزمین آنها بوسیله اسرائیل اشغال شده برای حفظ حقوق انسانی جمعیت سرزمینهای اشغالی، بسرعت یک ارگان یا ارگانهای بی طرف، یا یک سازمان بین المللی منصوب کنند تا تمام تضمینهای بی طرفی و مؤثر بودن را پیشنهاد نماید.

ب: برای حمایت از منافع یک جمعیت بزرگ در سرزمینهای اشغالی، که فرصت اعمال حق خودگردانی به آنها داده نشده، اقدامات لازم بعمل آید.

ج: یک ارگان، یا سازمان بین المللی بی طرف، به ترتیبی که در بند (الف) در بالا توصیف گردید، توسط اسرائیل تعیین گردد، و در این طرح شرکت کند. کمیته ویژه توصیه می کند که ارگان یا ارگانها، و یا سازمان بین المللی مذکور باید تعهدات زیر را به عهده بگیرند:

۱- اجرای دقیق و موşkافانه مقررات مربوط به حقوق بشر مندرج در سومین و چهارمین توافق نامه ژنورا به عهده گرفته و حقیقت اظهارات مربوط به تخلف از مفاد حقوق بشر در این توافق نامه ها یا دیگر اسناد بین المللی قابل اجرا را بررسی و تعیین کند.

۲- اطمینان بدهد که با جمعیت سرزمینهای اشغالی برطبق قانون قابل اجرا رفتار می شود.

۳- کار خود را به دولتهای مربوطه و به مجمع عمومی سازمان ملل متحد گزارش بدهد.

۶- تصویب گزارش

- ۹۲- (گزارش فوق‌الذکر) برطبق ماده ۲. قوانین آیین کار، توسط کمیته ویژه بدین شرح تصویب، و امضا گردید:
- (امضا) ه.اس. آراسینگه (میلان)
- (امضا) حسین نور- علمی (سومالی)
- (امضا) ب.بوهته (یوگسلاوی)
- (ضمایم بار دیگر ذکر نگردیده)

ضمیمه شماره ۲

پیوست به گزارش سال
۱۹۷۱ کمیته ویژه

۳- پیوست به گزارش ۱۹۷۱ کمیته ویژه در مورد بررسی اعمال اسرائیل، در زیر پا گذاشتن حقوق انسانی (بشر) جمعیت سرزمینهای اشغالی^۱ در ۹ دسامبر ۱۹۷۱.

مقاد گزارش	پاراگرافهای
۱- تحلیل مدارك اضافی و نتایج مترتب بر آن	۱۱ تا ۳۳
الف: انضمام سرزمینهای اعراب و ساختن آبادیهای یهودی نشین	۱۱ تا ۱۶
ب: انتقال جمعیت و انکار حق بازگشت	۱۷ تا ۲۲
ج: بدرفتاری به هنگام بازداشت	۲۳ تا ۳۰
د: اظهارات دیگر	۳۱ تا ۳۳
۲- الحاق به توصیه مندرج در بخش ۵ دومین گزارش	
کمیته ویژه	۳۴ تا ۳۸
۳- تصویب گزارش	۳۹

۱. سازمان ملل، مجمع عمومی، اجلاسیه بیست و پنجم، ۹ دسامبر ۱۹۷۱، گزارش کمیته ویژه در مورد بررسی اعمال اسرائیل در زیر پا گذاشتن حقوق انسانی (بشر) جمعیت سرزمینهای اشغالی، شماره الف/۸۳۸۹، صفحات، ۷ تا ۱۹. (مقدمه و ضمائم در اینجا نیامده است).

۱- تحلیل مدارك اضافی و نتایج مترتب بر آن

الف: انضمام سرزمینهای اعراب و ساختن آبادیهای یهودی نشین

۱۱- کمیته ویژه در دومین گزارش خود، عقیده‌اش را در مورد اینکه سیاست دولت اسرائیل انضمام و اسکان سرزمینهای اشغالی است، بیان کرد. کمیته ویژه در آن گزارش حقایق را بیان نمود که این نتیجه را تأیید می‌کرد (شماره الف/۸۳۸۹، پاراگراف ۴۷). از جمله آن حقایق، اظهارات آشکار وزرا و رهبران اسرائیلی بود که از نظر کمیته ویژه، نشان دهنده و تأییدکننده این سیاست دولت اسرائیل می‌باشد.

کمیته ویژه از زمان پذیرش گزارش خود، از اظهارات و سخنان دیگری در همان رابطه، مطلع شد، که از جمله آنها می‌توان بیانات خانم گلدامایر نخست‌وزیر اسرائیل را ذکر کرد، که در روزنامه جرزالم پست، به تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۷۱، گزارش گردید. برطبق این گزارش، نخست‌وزیر اظهار داشت:

«مرزهای ما توسط مردمی که در امتداد آنها زندگی می‌کنند تعیین می‌شود. اگر عقب‌نشینی کنیم مرزها نیز با ما عقب‌نشینی خواهند کرد. خطر اینجاست که، بعد از آن، کسر دیگری مرزها را برای ما تعیین کند.»

۱۲- کمیته ویژه گزارشات جدیدی از تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی توسط دولت اسرائیل، دریافت کرده است. کمیته ویژه اطلاعات مشابهی در گزارش دوم خود (شماره الف ۸۳۸۹، پاراگراف ۴۸، بند «د») ذکر کرده بود. کمیته ویژه احساس می‌کند که گزارشات اضافی زیر باید به عنوان مدارك بیشتر، در مورد سیاست انضمام و اسکان سرزمینهای اشغالی از سوی اسرائیل،

ذکر گردد:

- ۱- گزارش ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۱ روزنامه اسرائیلی معاریو، به نقل از رئیس بخش ساختن آبادیها در سازمان جهانی صهیونیستی می‌گوید که: از زمان تخصیصات ژوئن ۱۹۶۷، ۳۲ آبادی یهودی‌نشین در سرزمینهای اشغالی تأسیس گردیده، که هفت تای آن در سال گذشته ساخته شده است. همان گزارش می‌گوید که ۶ آبادی یهودی‌نشین دیگر برای سال آینده در حال ساختن است که سه تای آن در بلندیهای جولان، ۲ تا در دره اردن و یکی در نوار غزه قرار دارد.
- ۲- روزنامه جرزالم‌پست در ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۱ در مورد تأسیس آبادیهای یهودی در «کفرا تزیون» گزارش داد.
- ۳- گزارش روزنامه جرزالم‌پست در ۲۰ اکتبر ۱۹۷۱، می‌گوید که مقامات اسرائیلی دیوارکشی ۴،۰۰۰ هکتار زمین در نزدیکی «دیرالبلا» در نوار غزه به‌عنوان بخشی از یک پروژه بزرگتر برای تأسیس ۶ آبادی یهودی‌نشین در نوار غزه، تکمیل کرده‌اند. گزارش فوق می‌گوید که تمام منطقه آبادیهای یهودی‌نشین به ۳۴،۰۰۰ هکتار می‌رسد.
- ۴- روزنامه جرزالم‌پست در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۱ در مورد توسعه مداوم آبادیهای یهودی در هبرون که «به کریات عرب» معروف است، گزارش داد. برطبق این گزارش، وزارت مسکن اسرائیل، یک طرح اساسی برای اسکان دادن ۹۰۰ خانواده در دست دارد. همان گزارش به بنیانگذار و سخنگوی گروه اصلی اشاره می‌کند که برای عید فطر در ۱۹۶۸ به پارک هتل در هبرون رفت و در آنجا باقی ماند. در این زمینه، کمیته ویژه نامه نماینده اردن را به‌دیرکل سازمان ملل (شماره الف/۷۱.۳) به تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۶۸ مورد توجه قرار می‌دهد. نامه مذکور می‌گوید:

در آوریل ۱۹۶۸، حدود ۸ یهودی ارتدوکس، به پارک هتل در حومه شمالی شهر (هبرون) آمدند، تا ظاهراً تعطیل عید فطر را جشن بگیرند. اما بعداً اعلام کردند که برای اقامت به آنجا آمده‌اند. بزودی شروع به اجاره خانه‌ها و فروشگاه‌ها کردند. اهالی شهر این خواسته‌ها را اجابت نکردند. شهردار الخلیل (هبرون) به نخست‌وزیر اسرائیل تلگرام زد و خواهان اخراج این گروه از یهودیان شد. در نتیجه، آنها به شهردار فحاشی کردند، و از او خواستند تا تلگرام مزبور را پس بگیرد. پس از اینکه این خواسته آنها رد شد، در خیابانها به تظاهرات پرداختند و ادعا کردند که باید باقی بمانند و این وظیفه آنها بخشی از آزادسازی سرزمین اسرائیل می‌باشد. اقدامات تحریک آمیز آنها ادامه پیدا کرد و دولت اسرائیل هیچ گونه اقدامی در این باره بعمل نیاورد.

۱۳- نامه مزبور می‌گوید که یک هیأت منصوب از سوی ساکنان هبرون، با فرماندار نظامی در ۹ مه ۱۹۶۸ ملاقات کرد، و علیه تأسیس آبادیهای یهودی‌نشین در شهر اعتراض نموده و تأکید کرد که حضور آنها برای امنیت شهر بالقوه خطرناک است و باقی ماندن آنها نتایج وخیمی را در پی خواهد داشت. «نامه نماینده اردن به ملاقات ایگال آلون، وزیر کار اسرائیل اشاره می‌کند که، با گروه مذهبی فوق دیدار کرد و حمایت کامل خود را از آنان اعلام نمود.»

۱۴- کمیته ویژه همچنین پاسخ دولت اسرائیل را به اظهارات مندرج در نامه دولت اردن که در نامه دولت اسرائیل آمده است، مورد توجه قرار داد. نامه مزبور (شماره الف/ه. ۷۱) می‌گوید:

این نامه در مورد مسأله مورد بحث اغراق کرده و آن را بدجلوه داده است. گروهی از یهودیان مؤمن و خانواده‌های آنها از جانب خود در شهر هبرون، که آثار تاریخی و مذهبی یهودی مقدسی در آن هست، اقامت گزیده‌اند.

دلیلی ندارد که همسایگان نشان نباید با آنها به‌طور مسالمت آمیز و دوستانه زندگی کنند، و بدین ترتیب به التیام خاطرات غم‌انگیز

قتل عام یهودیان هبرون در ۱۹۲۹ کمک نمایند.

۱۵- علاوه بر گزارشات بالا، جرزالم پست در ۶ اکتبر ۱۹۷۱ گزارش داد که «شیخ محمد قلی جعبری» شهردار هبرون، به تملک ۱۰۰۰ هکتار زمین اعراب «برای توسعه آبادی یهودی نشین «کریات عرب» در منطقه» اعتراض کرد. اما همان گزارش، به نقل از یک گزارش رادیوی اسرائیل از قول یک مقام دولت نظامی، اظهار داشت که: تنها ۲۳۰ هکتار «به دلایل امنیتی گرفته شده» و در حقیقت، تنها ۶ هکتار واقعاً تصرف گردیده، که صاحبان این ۶ هکتار نیز غرامت کافی دریافت کرده اند.

۱۶- از نظر کمیته ویژه، این نامه ها، گزارشات سابق الذکر، و نیز گزارشات مربوط به آبادیهای یهودی نشین هبرون، که در دومین گزارش کمیته ویژه (شماره الف/۸۳۸۹ پاراگراف ۴۸-د) به آنها اشاره شده، وجود یک سیاست انضمام سرزمینهای اعراب و ساختن آبادیهای یهودی را تأیید می کند.

ب: انتقال جمعیت و انکار حق بازگشت

۱۷- کمیته ویژه در دومین گزارش خود، تعدادی از گزارشات روزنامه ای را ذکر کرد که بر اساس آنها، چندین هزار نفر از سه اردوی بزرگ در غزه، بی خانمان شدند. کمیته ویژه مذکور داشت که مقامات اسرائیلی گفته اند این نقل و انتقالات جمعیت به دلیل اقدامات امنیتی، مثل ساختن جاده های عریض تر در داخل اردوگاهها به منظور تسهیل پاسداری و حفظ قانون و نظم در این اردوگاهها، ضروری تشخیص داده شده است. کمیته ویژه اظهار داشت، اغلب اشخاصی که محل اقامت پناهندگی آنها برای ساختن این جاده ها خراب

شده، مجبور شدند به کرانه باختری و العریش عزیمت کنند. در حالی که به تعداد اندکی گفته شد، تا به دیگر فامیلهایشان در داخل غزه پناه ببرند (شماره الف/۸۳۸۹، پاراگراف ۴۸ بند-ز).

۱۸- کمیته ویژه از زمان تسلیم اولین گزارش خود در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱، گزارش بعدی چندین روزنامه، و نامه‌های دولتها، و نیز دو گزارش کمیسیون کل «آژانس کار و رفاه سازمان ملل» را در مورد انتقال پناهندگان فلسطینی، مورد توجه قرار داده است. این گزارشات: نشان می‌دهد که هزاران خانه مربوط به آنها در ۳ اردوگاه مهم پناهندگی در غزه ویران شده و ساکنان این خانه‌ها در مناطق مختلف پراکنده گردیده، و گاهی از دریافت کمکهای «آژانس کار و رفاه سازمان ملل» نیز محروم شده‌اند.

این مسأله را بعداً، بیانات نماینده اسرائیل در کمیته ویژه، طی اجلاس ۷۸۸ آن در ۲۶ نوامبر ۱۹۷۱، تأیید کرد.

۱۹- پس از گزارشات بالا، گزارش دیگری در روزنامه جرزالمپست ۲۱ اکتبر ۱۹۷۱ منتشر شد، که نشان می‌داد مقامات اسرائیل تصمیم گرفته‌اند «به‌طور داوطلبانه» ۳،۰۰۰ خانواده دیگر را در ۱۹۷۲ از اردوگاههای پناهندگی غزه، به خانه‌های دائمی منتقل کنند. برطبق این گزارش قرار است ۲،۰۰۰ خانواده در حومه‌های شهرهای نوار غزه اسکان داده شوند و ۱،۰۰۰ خانواده دیگر به کرانه باختری منتقل گردند. گزارش فوق می‌گوید که این نقل و انتقال نظر به کم کردن تراکم در اردوگاهها بایستی تا بهار ۱۹۷۲ به پایان برسد. همان گزارش به نقل از مقامات می‌گوید که اگر با این طرح اسکان مخالفت بشود، آنها ناچار خواهند بود تا عملیات کم کردن تراکم جمعیت را از سر بگیرند. طبق گزارش مزبور، هزینه خانه‌های جدید هریک ۳،۰۰۰ لیره اسرائیلی خواهد بود، که توسط دولت نظامی،

«آژانس کار و رفاه سازمان ملل»، و خود پناهندگان پرداخت می‌شود. یک گزارش مندرج در روزنامه جرزالم پست ۲۶ اکتبر ۱۹۷۱، به نقل از یک سخنگوی وزارت دفاع، طریقه تهیه خانه‌های جانشینی و منبع هزینه مالی این خانه‌های جدید را انکار کرد، اما کمیته ویژه مذکور می‌دارد که سخنگوی مزبور قصد دولت اسرائیل برای انتقال ... ۳ خانواده از اردوگاهها در بهار آینده را مورد انکار قرار نداد.

۲- در این زمینه، کمیته ویژه، این انتقالات و نیز انتقالاتی را که در طی عملیات کم کردن تراکم جمعیت صورت گرفته است، بدون مجوز قلمداد می‌کند. کمیته ویژه میل دارد تا نظر خود را که در دومین گزارشش بیان شده مورد تکرار قرار دهد. براساس آن نظریه، دلایل امنیتی نمی‌تواند برای قدرت اشغالگر، توجیه کننده انتقال خودسرانه جمعیت به منظور ساختن راههای جدید در منطقه تخلیه شده باشد. کمیته ویژه انتقال خودسرانه جمعیت را غیر ضروری، توجیه نشدنی، و ناقض چهارمین توافق نامه ژنو قلمداد می‌کند.

۲۱- کمیته ویژه در دومین گزارش خود به برنامه به اصطلاح بازدید کنندگان تابستانی اشاره کرد، که به فلسطینیهای خارج سرزمینهای اشغالی اجازه می‌دهد تا طی دوره سه ماه تابستانی از دوستان و اقوام خود بازدید کنند. کمیته ویژه، مذکور داشت که نماینده اسرائیل، در طی بحث درباره گزارش کمیته ویژه در اجلاس بیست و پنجم مجمع عمومی، به این برنامه به عنوان نشانه سیاست دولتش در سرزمینهای اشغالی اشاره کرد. کمیته ویژه، در دومین گزارش خود اظهار داشت که اگر هم برنامه بازدید کنندگان تابستانی یک جنبه مثبت سیاست اسرائیل نسبت به سرزمینهای اشغالی تلقی می‌شود، نه جانشین شناسایی حق پناهندگان برای بازگشت به خانه هایشان می‌شود، و نه هیچ گونه اثری بر سیاست مشخص دولت اسرائیلی در مورد ساختن اسکانهای

یهودی در سرزمینهای اشغالی خواهد داشت. این سیاست برواقعیت تبعید چند صد نفر از خانه‌هایشان در سرزمینهای اشغالی، و فرامین رسمی تبعید که براساس مقررات دفاعی (اضطراری) ۱۹۴۵، که توسط مقامات اسرائیل صادر شد، نیز تأثیری نخواهد داشت.

۲۲- کمیته ویژه، در این رابطه، بیانات نماینده اسرائیل در کمیته ویژه در اجلاسیه ۷۸۸ آن، و نیز گزارشاتی را که برطبق آن گفته می‌شود برنامه بازدید کنندگان تابستانی برای سال ۱۹۷۱ شامل ۸۰،۰۰۰ تا ۱۰۶،۰۰۰ بازدید کننده می‌شود، مورد توجه قرار می‌دهد. کمیته ویژه مذکور می‌دارد که برنامه در اواسط سپتامبر ۱۹۷۱، پایان یافت و همه بازدید کنندگان سرزمینهای اشغالی را ترك کردند. جرزالم پست، در ۳ اکتبر ۱۹۷۱ گزارش داد که چندین هزار بازدید کننده تابستانی عرب، قبل از عزیمت، تقاضا کرده بودند تا در سرزمینهای اشغالی باقی بمانند. گزارش به نقل از فرماندار نظامی کرانه باختری می‌گوید که چنین تقاضاهایی برطبق مقررات تجدید وحدت خانواده، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ج: بدرفتاری به هنگام بازداشت

۲۳- کمیته ویژه در دومین گزارش خود به دبیرکل سازمان ملل، علاوه برمسائل دیگر، به مسئله مؤید عثمان بدایوی البهش ۲۲ ساله، که در دسامبر ۱۹۶۷ در نابلس دستگیر و در ۷ سپتامبر ۱۹۷۰ تبعید شد اشاره کرد (پاراگراف ۲۳ و ۲۴ تکرار پاراگراف شماره ۶۴ ضمیمه شماره یک در صفحات قبل می‌باشد. رجوع کنید به پاراگراف ۶۴ در ضمیمه شماره یک)

۲۵- در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱ کمیته ویژه هنوز در انتظار گزارش دکترهایی که البهش را به هنگام حضورش در کمیته ویژه معالجه

می کردند، بسر می برد. کمیته ویژه از زمان تاریخ پذیرش دومین گزارش خود، یک کپی از گزارش اصلی عفو بین المللی را به دولت اسرائیل و نیز گزارش دکترت. ه. ه. وید را در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۷۱ دریافت کرده است. هردو گزارش مزبور در مورد البهش می باشد. دکتر وید در گزارش خود تا آنجا که مربوط به بازوی چپ البهش می شد، آن را یک فلج تشنجی تشخیص داد. دکتر وید بعداً اظهار داشت که، دکتر دیگری، به نام آقای رونالد بروکر آن را به عنوان فلج تشنجی یا فلج دروغین، تشریح کرد. گزارش دکتر وید همچنین در برگیرنده شرح مشاهدات خودش از معاینه کامل البهش می باشد.

۲۶- کمیته ویژه با توجه به مدارك موجود، احساس می کند در موقعیتی نیست که در حقیقت بتواند بگوید که البهش در معرض انواع شدید بد رفتاری، چنانکه خود وی در حضور کمیته ویژه اظهار کرد، قرار داشته است. اما کمیته ویژه نمی تواند امکان این را که فلج می تواند ناشی از وضع ذهنی شخص و به تبع نتیجه نوعی از بد رفتاری جسمانی یا فشار شدید روانی در هنگام بازداشت باشد، نادیده بگیرد.

۲۷- در مدت زمان بعد از ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱، کمیته ویژه گزارشاتی دریافت کرده است مبنی بر اینکه در ۳ سپتامبر شورش در زندان اشکلون بوقوع پیوسته است. بر طبق این گزارشات، شورش حدود ۳ ساعت بطول کشید و توسط ۴۸ زندانی این زندان شروع شد. یک گزارش روزنامه جرزالم پست در ۳ اکتبر ۱۹۷۱، می گوید که شورش فوق به علت فقدان تسهیلات مناسب برای زندانیانی که محکومیت ۱۵ سال یا به بالا دارند، بوقوع پیوسته است. گزارش مزبور از قول آقای «اریس نیر» کمیسر زندان، اظهار می دارد که تنها نیمی از کل زندانیان، که تقریباً تعدادشان ۵۰۰ نفر است در شورش

شرکت داشته‌اند. کمیسر، بنابه آن گزارش، اظهار داشت که بدین ترتیب بین ۲۵۰ و ۳۰۰ نفر روزانه ۲۳ ساعت در سلولهای خودشان، باقی می‌مانند. همان گزارش می‌گوید که اغلب زندانیان زندان اشکلون محکوم به حبس ابد هستند.

۲۸- کمیته ویژه مذکور می‌دارد که وزیر پلیس آقای شلومو هلیل در مصاحبه‌ای در ۱۲ اکتبر ۱۹۷۱ اظهار داشت که آقای «الفنیر» کمیسر زندان، کمیته مخصوصی را برای بررسی شورش زندان منصوب کرده است، و گزارش این بررسی «داخلی و تکنیکی» خواهد بود، و برای عموم منتشر نخواهد شد. گزارش به نقل از وزیر پلیس می‌گوید که علل اصلی شورش، جمعیت بیش از حد زندانیان، کمبود مأموران زندان و این حقیقت بوده است که زندانیان اشکلون شامل «رهبران ارشد تروریستی و دیگر انواع زندانیان خطرناک» می‌باشند.

۲۹- کمیته ویژه مدرکی در دست ندارد تا اظهارات اشخاصی را که بعد از دیدار زندان اشکلون اظهار داشتند زندانیان به تلافی شورش، مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند، تأیید یا تکذیب کند. کمیته ویژه مذکور می‌دارد که تقاضای شهرداران شهرهای کرانه باختری برای دیدار زندان و نیز تقاضای هیأت عمومی شهروندان نابلس به ریاست آقای حاج «معزوزالمصری»، شهردار نابلس، برای تشکیل کمیته‌ای از نمایندگان بی‌طرف‌کنست (پارلمان اسرائیل) به منظور بررسی شرایط زندان اشکلون پذیرفته نشد. برطبق گزارش ۱۵ اکتبر ۱۹۷۱ جرزالم‌پست، موشه‌دایان وزیر دفاع با تشکیل کمیته بررسی مخالفت کرد. همان گزارش می‌گوید که وزیر دفاع تصمیم گرفت تا هیچ یک از شهروندان شهر نابلس اجازه ملاقات با اقوام خود در زندانهای اسرائیل را در برنامه ملاقاتی آینده، که ۲ هفته بطول می‌انجامید، پیدا نکند.

۳- کمیته ویژه، در گزارش دوم خود، علی‌رغم تلاشهای گزارش شده برای بهبود اوضاع زندان، اعلام کرد که وضع کلی زندان بد است و این امر در اصل ناشی از شلوغی بیش از حد می‌باشد. اطلاعات ذکر شده در بالا این نتیجه را تأیید می‌کند.

د: اظهارات دیگر

۳۱- کمیته ویژه در دومین گزارش خود مذکور داشت که دستگیری دسته‌جمعی گاهگاهی جوانان ادامه می‌یابد، و مواردی را نیز از محل وقوع این دستگیریها، نقل نمود (شماره الف ۸۳۸۹ و پاراگراف ۷۰).

۳۲- کمیته ویژه بر اساس گزارشات مندرج در مطبوعات اشاره کرد که دستگیریها متوقف نشده است. جزالم‌پست در ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۱ گزارش داد که، ۹۰ نفر در طی ماه سپتامبر در منطقه شمال هبرون دستگیر شده‌اند. بنا به گزارش فوق، این دستگیریها در گروههای ۱۹، ۳۵ و ۳۶ نفری صورت گرفت. بر طبق گزارش «اتیم» بنگاه خبری اسرائیل، طی چهار ماهی که در سپتامبر ۱۹۷۱ پایان می‌یابد، تقریباً ۴۰۰ نفر از ساکنان کرانه باختری که مشکوک به انجام اعمال غیرقانونی مختلف بودند، بازداشت شدند.

۳۳- کمیته ویژه، در این زمینه، نتیجه دومین گزارش خود، مبنی بر اینکه دستگیریهای دسته‌جمعی بروشنی وسیله‌ای برای خراب کردن روحیه مردم سرزمینهای اشغالی بحساب می‌آید را تکرار کرد.

۲- الحاق به توصیه مندرج در بخش ۵ دومین گزارش کمیته ویژه

۳۴- کمیته ویژه در گزارش تقدیمی خود، به دبیر کل سازمان

ملل در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱، طرحی را توصیه کرد که براساس آن:
الف: کشورهایی که سرزمین آنها بوسیله اسرائیل اشغال شده،
برای حفظ حقوق انسانی جمعیت سرزمینهای اشغالی، بسرعت یک ارگان یا
ارگانهای بی طرف، یا یک سازمان بین المللی منصوب کنند تا تضمینهای
بی طرفی و مؤثر بودن را پیشنهاد نماید.

ب: برای حمایت از منافع یک جمعیت بزرگ در سرزمینهای
اشغالی، که فرصت اعمال حق خودگردانی به آنها اعطا نگردیده،
ترتیبات مناسب داده شود.

ج: یک ارگان یا سازمان بین المللی بی طرف به ترتیبی که در
بند (الف) در بالا توصیف گردید، توسط اسرائیل تعیین گردد و در
این طرح شرکت کند.

۳۵- کمیته ویژه بعداً توصیه کرد تا ارگان یا ارگانها، و یا یک
سازمان بین المللی براساس این طرح تعیین شود و فعالیتهای زیر را بعهده
بگیرد:

۱- اجرای دقیق و موشکافانه مقررات مربوط به حقوق بشر
مندرج در سومین و چهارمین توافق نامه ژنو را بعهده گرفته، و
بخصوص حقیقت اظهارات مربوط به تخلف از مفاد حقوق بشر در این
توافق نامه ها، و یا دیگر اسناد بین المللی قابل اجرا را، بررسی و تعیین
کند.

۲- اطمینان بدهد که با جمعیت سرزمینهای اشغالی، برطبق
قانون قابل اجرا، رفتار می شود.

۳- کار خود را به دولتهای مربوطه، و به مجمع عمومی سازمان
ملل متحد گزارش بدهد.

۳۶- کمیته ویژه به این امید این توصیه را کرد که بررسی
اظهارات مربوط به تجاوز به حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی بتواند

بی‌درنگ انجام بگیرد. زیرا کمیته ویژه به‌تنهایی به‌دلیل خودداری دولت اسرائیل از پذیرفتن کمیته ویژه، یا همکاری با آن، نمی‌تواند چنین کاری را انجام بدهد. نظر به اتخاذ این توصیه، کمیته ویژه مذکور می‌دارد که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، بعد از ملاحظه دقیق مسأله تقویت اجرای توافق‌نامه‌های موجود (ژنو)، به این نتیجه رسیده است که تمام وظایفی که براساس توافق‌نامه‌ها به‌عهده یک قدرت حمایت‌کننده گذارده شد، باید وظایف انسانی تلقی شود. و نیز مذکور می‌دارد، که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آمادگی خود را برای بعهده گرفتن تمام وظایف قدرتهای حمایت‌کننده در توافق‌نامه ژنو اعلام کرده است.^۱ کمیته ویژه با آگاهی از نتیجه‌ای که کمیته بین‌المللی، در رابطه با نقش جدیدش به‌عنوان یک قدرت حمایت‌کننده بدان رسیده است، ملحوظ می‌دارد که وظایف کنونی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سرزمینهای اشغالی، حتی با وجود محدودیتهای بوجود آمده برای آن، بایستی ادامه پیدا کند. بنابه تشخیص کمیته ویژه، نقش یک قدرت حمایت‌کننده براساس توافق‌نامه‌ها، باید فراتر از وسعت نقش سنتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در انجام وظایف انسانی‌اش باشد. اجرای مؤثر وظایف و مسؤولیتهای قدرت حمایت‌کننده، براساس توافق‌نامه‌های ژنو، محتاج به این است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ خود را از تمام قیدوبندها و محدودیتهایی که برای حفظ موقعیت ممتاز خود براساس نقش سنتی‌اش، ضروری تشخیص می‌دهد، آزاد نماید. تصویب قطعنامه‌های گوناگون از سوی ارگانهای سازمان ملل از سال ۱۹۶۷، نشان دهنده علاقه‌مندی، نگرانی و احساس مسؤولیت

۱. نگاه کنید به گزارش کارکنفرانس متخصصین دولت، در مورد تأکید مجدد و توسعه حق بین‌المللی انسانی قابل اجرا در برخوردهای مسلحانه (ژنو، ۲۴ مه - ۱۲ ژوئن ۱۹۷۱)، پاراگراف ۵۵۳.

سازمان ملل در رابطه با مسأله تجاوز به حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی در خاورمیانه، می‌باشد. بنابراین به نظر کمیته ویژه، بر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ فرض است تا از طریق دبیر کل، سازمان ملل را کاملاً از فعالیت خودش، به عنوان یک قدرت حمایت کننده، مطلع نگاه دارد، و بعلاوه کارهایش را به دولتهایی که این کمیته برای حفظ حقوق ملل آنها تعیین شده، گزارش بدهد.

۳۷- کمیته ویژه از اظهار تمایل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای بعهده گرفتن نقش یک قدرت حمایت کننده، به عنوان حادثه‌ای که اجرای توصیه مندرج در اولین و دومین گزارش این کمیته را آسان می‌کند استقبال می‌نماید، و امیدوار است که نظم و ترتیب خاصی داده شود تا کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را قادر سازد تا بیدرنگ انجام وظایف یک قدرت حمایت کننده را برای حفظ حقوق بشر جمعیت سرزمینهای اشغالی در خاورمیانه، آغاز نماید.

۳۸- به این دلایل، کمیته ویژه احساس می‌کند که مجمع عمومی می‌بایستی:

الف: از دبیر کل بخواهد تا آمادگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را برای بعهده گرفتن تمام وظایف محوله یک قدرت حمایت کننده، براساس توافق نامه‌های ژنو به اطلاع طرفین درگیر برساند و از آنها دعوت کند تا از خدمات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در رابطه با اجرای مقررات توافق نامه ژنو در سرزمینهای اشغالی در خاورمیانه، استفاده نماید.

ب: از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بخواهد تا از طریق دبیر کل، سازمان ملل متحد را کاملاً از فعالیت‌هایش به عنوان یک قدرت حمایت کننده مطلع نگاه دارد، و بعلاوه کارهایش را به دولتهایی درگیر، گزارش بدهد.

ج: بار دیگر قیومیت کمیته ویژه را، برای ضرورت یا عدم ضرورت ادامه فعالیت‌هایش، به هنگام شروع کار کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به عنوان یک قدرت حمایت کننده، مورد نظر قرار بدهد.

۳- تصویب گزارش

۳۹- کمیته ویژه در ۱۱ دسامبر ۱۹۷۱، پس از تشکیل جلسه از ۷ تا ۱۱ دسامبر، برای ملاحظه اطلاعات تکمیلی رسیده به کمیته ویژه بعد از ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۱ (یعنی زمانی که گزارش خود را تسلیم نمود)، این گزارش تکمیلی را مورد پذیرش و تصویب قرار داد.

(امضاء): ه.اس.آمراسینگه (سیلان)

(امضاء): الف.الف فرح (سومالی)

(امضاء): ب.بوهته (یوگسلاوی)

قتل عام در شاتیرلا و صبرا

نوشته صفا حسين زيتون

چهار هزار قصه، چهار هزار آرزو شهید شد

قتل عام در اردوگاه‌های فلسطینی صبرا و شاتیلا، نخستین مورد در تاریخ جنایت بار صهیونیسم نبود و آخرین هم نیست، مگر آنکه جهان عرب و جهان اسلام از خواب غفلت بیدار شوند. صهیونیستها و همدستان آنها، «.../ع» زن و مرد و کودک بیدفاع فلسطینی و لبنانی را به طرز فجیعی قتل عام کردند. در وسایل ارتباط جمعی جهان عرب و اسلام، گوشه‌هایی از این جنایت هولناک منعکس شد و بدین گونه «مسئولیت» آنهام بنحو احسن انجام گرفت و تمام. اما حدیث بازماندگان... حدیث زینبیان زمان همچنان باقی... حتی اگر بر سر راه «کاروان شام» و شامات دگر، گل و قالیچه‌های ایرانی بگسترانند... آخر، هنوز مجال نداده‌اند برای عزیزان خود به سوگ بنشینیم... نه تنها بیگانگان، که آشنایان نیز... همانهایی که به گفته برادرمان «ابوایاد» به سکوت نشسته، تماشاگر یا توطئه‌گر بودند. «یوم تبلی السرائر»... روزی که رازها از پرده درافتد. دور نیست که زینبیان باز هم بگویند و بگویند و خواهند گفت... آری، ...، ع قصه، ...، ع آرزو، شهید شد. مگر می‌توان فراموش کرد؟ هرگز. می‌توان گذشت؟ هرگز. این زخمها به رگم نمک پاشیها، التیام خواهد یافت، چرا که ما تفنگ به دست، زندگی را اراده کرده‌ایم... چرا که من فلسطینی هستم، وطنم را می‌خواهم... فلسطین را... قدس عزیز را... عکا و یافا و نابلس و غزه را... مساجد و کلیساهایش را... گلدسته‌ها و ناقوسهایش را... باغات پرتقالش را... خاکش را... فلسطین را... ایس الصبح بقریب، صبح پیروزی... صبح آزادی... صبح رهایی.

در اواخر قرن نوزدهم، تلودور هرتزل بنیانگذار جنبش صهیونیسم،

شعاری دروغین به این معنا مطرح کرد که: «سرزمین فلسطین»، «سرزمین بی‌ملتی است»، و بدین گونه توطن یهودیان در سرزمین فلسطین را توجیه کرد. در ژوئن ۱۹۶۹ نیز گلدامایر، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، همین معنا را تکرار کرده و با وقاحت گفت: «فلسطینیها! ... اینها کجا هستند؟! چیزی به این نام وجود ندارد.»

ریشه‌کنی فلسطینیها از زمینشان و نابود کردنشان، یکی از هدفهای اصلی رژیم صهیونیستی - از بدو تأسیس - باقی ماند، تا دیگر صدایی نماند و بگوید: «من فلسطینی هستم، وطنم را می‌خواهم.»

تاریخ اسرائیل، مملو از قتل‌عامهایی است که رهبران باندهای صهیونیستی، به منظور قتل بیشترین تعداد ممکن از فلسطینیها و ارباب هر کس که زنده می‌ماند، تدارک دیده و به اجرا در آورده‌اند... تا آنها که جان سالم بدر می‌برند، خانه و کاشانه و وطن خویش را رها کرده و به آنجا که «آزادی نباشد» - اگر باشد - هجرت کنند... مگر بود... مگر هست... مگر...؟

یکی از این قتل‌عامها «دیر یاسین» بود که باندهای ایرگون و اشترن تحت فرماندهی مناخیم بگین نخست‌وزیر فعلی اسرائیل و وزیر خارجه‌اش، اسحاق شامیر، مرتکب شدند. آنها در شب ۸/۴/۱۹۴۸ به مردم بیدفاع دهکده دیر یاسین یورش برده و دهها زن و مرد و کودک را بقتل رسانده و بند از بندشان جدا کرده و تعداد بیشماری از اجساد را به چاه آب دهکده انداختند و از اجساد باقیمانده، توده‌ای از استخوان و گوشت در کنار چاه، بجا گذاشتند.

قتل‌عامی دیگر را اهالی دهکده «قبیه» در کرانه غربی متحمل شدند. یک واحد ویژه به نام «واحد ۱۰۱» جمعی ارتش اسرائیل، که افراد آن لباس نظامی نمی‌پوشند و انواع سلاحهای مورد استفاده ارتش

اسرائیل را بکار نمی‌برند، به فرماندهی «اریل شارون» وزیر دفاع سابق در آخرین ساعات شب چهاردهم اکتبر سال ۱۹۵۳، در حالی که مردم در خانه‌های خود در خواب بودند، به دهکده مذکور حمله کرد. قاتلان به خانه‌ها یورش برده و به داخل آنها بمبهای دستی پرتاب کرده و اطراف خانه‌ها مواد منفجره گذاشتند. واحد ویژه بعد از بقتل رساندن ۶۶ نفر که اغلب زن و کودک بودند و مجروح کردن ۷۵ نفر دیگر و انهدام ۴ خانه، سحرگاه دهکده را ترک کردند. ارتش اسرائیل بعد از این قتل عام، ادعا کرد که دخالتی در آن نداشته و مهاجمین یک عده افراطی بوده‌اند. قتل عام سوم به سال ۱۹۵۶، هنگام اشغال غزه توسط اسرائیلیها بوقوع پیوست. نیروهای اسرائیلی در جریان حمله به خانه‌های شهر خان یونس به بهانه کشف اسلحه، ۲۷۵ نفر را کشتند.

«قتل عام کفر قاسم» نیز به این صورت بود که مقامات اسرائیل ابتدا از ساعت پنج بعد از ظهر ۲۹ اکتبر ۱۹۵۶، مقررات منع عبور و مرور را به اهالی دهکده که هنوز در مزارع خود بودند و چیزی در این زمینه نمی‌دانستند، تحمیل کردند. مردم که بعد از ساعت پنج — طبق معمول — به دهکده باز می‌گشتند، در نزدیکی دهکده توسط سربازان اسرائیلی متوقف و به رگبار بسته شدند. قربانیان دهکده کفر قاسم (از مرد و زن و کودک) که بعد و بطرزی وحشیانه، بقتل رسیدند، ۴۷ «انسان» بودند.

اخیراً نیز نقش اسرائیل در قتل عام «تل زعتر» افشا شد. این افشاگری بدین صورت بود که اریل شارون وزیر دفاع (سابق) اسرائیل در پاسخ حمله شدید رهبر اقلیت شیمون پرز مبنی بر اینکه وی — یعنی شارون — ارتش اسرائیل را در قتل عام صبرا و شاتیلا دخالت داده است، گفت: «مگر ارتش اسرائیل در جریان قتل عام «تل زعتر» به سال ۱۹۷۶

دخالت نداشت؟! یادآوری می‌شود که شیمون پرز در آن زمان (اوت ۱۹۷۶) وزیر دفاع اسرائیل بوده و اخیراً اعتراف کرده است که اسرائیل علاوه بر تعلیم دادن و مسلح کردن باندهای کتائب، مخارج آنها را نیز قبول کرده بود. مطبوعات اسرائیلی نیز اعتراف کردند که در جریان محاصره ۶۰ روزه تل زعتر، کارشناسان اسرائیلی در بیروت شرقی حضور داشته و در تهیه طرح قتل عام فلسطینیها در روزهای ۱۳ و ۱۴ ماه اوت ۱۹۷۶ به‌هنگام خروجشان از این اردوگاه، مشارکت داشته‌اند. فلسطینیها در تل زعتر «۲۰۰۰» شهید از دست دادند. قتل عامی که در اردوگاههای صبرا و شاتیلا بوقوع پیوست، نخستین مورد در تاریخ رژیم صهیونیستی نبود. با اینهمه خلق فلسطین به‌پایداری ادامه می‌دهد و مقاومت می‌کند و این شعار را همچنان فریاد می‌کند که: «من فلسطینی هستم... و وطنم را می‌خواهم».

زمینه‌سازی برای قتل عام شاتیلا و صبرا

۱- عزیمت رزمندگان:

آخرین گروه از رزمندگان فلسطینی روز یکم سپتامبر ۱۹۸۲ عزیمت کردند. حامیان بیروت که ۷۹ روز در برابر بربرها مقاومت کرده بودند، رفتند... بعد از اینکه امیدشان به کمکهای عربی و اسلامی به‌یأس مبدل شد، رفتند تا بیروت را از رنج و تخریب وانه‌دام بیشتر در امان نگه دارند... بعد از زمانی رفتند که دولتی لبنان و امریکا، حفظ جان رزمندگان در حال خروج و غیرنظامیان یکنه باقی‌مانده در بیروت را تضمین کردند... زمانی رفتند که کشورهای شرکت‌کننده در نیروهای چندملیتی قول دادند تا برقراری نظام و امنیت و

سپردن زمام امور بیروت غربی به مقامات قانونی لبنان، در خطوط تماس باقی خواهند ماند... زمانی رفتند که مسئولان دولتی امریکا تأکید کردند که نیروهای مهاجم صهیونیستی هرگز وارد بیروت مقاوم نخواهند شد... رزمندگان رفتند و همسران و فرزندان و مادران و پدران خود را به رسم امانت، به دست تضمین کنندگان و قول دهندگان، سپردند.

همان روزی که آخرین گروه از رزمندگان رفتند، یک باند مسلح به خانه یک خانواده فلسطینی در کوی الناعمه واقع در جنوب بیروت که در اشغال اسرائیلیها بود، حمله کرده و سه تن از افراد خانواده را بقتل رسانده و اجساد آنان را مثله کرده و تنها دختر کوچکی زنده ماند، تا آنچه بر سر خانواده آمده بود، بازگو کند.

۲- حرکتهای اسرائیلیها:

دوروز بعد، نیروهای اسرائیلی، جلو آمده و موضع جدیدی را در نزدیکی سفارت کویت که کاملاً مشرف به اردوگاههای صبرا و شاتیل است اشغال کردند. شفیق وزان، نخست وزیر لبنان نسبت به پیشروی نیروهای اشغالگر اعتراض کرد و آن را برخلاف آتش بس توافق شده بافرستاده امریکا فیلیپ حبیب دانست. سفیر امریکا در پاسخ تأکید کرد که هدف نیروهای اسرائیلی، صرفاً جمع آوری مینها و راهبندانهای موجود در جاده های اصلی منتهی به بیروت است و نیروهای اسرائیلی بعد از انجام این مأموریت، عقب نشینی خواهند کرد.

در اجرای قرارداد حبیب، ارتش لبنان، تحویل گرفتن انبارهای اسلحه متعلق به سازمان آزادیبخش فلسطین را در منطقه جامعه عرب و فاکهانی آغاز کرد. نیروهای امنیت داخلی لبنان در شکل واحدهای منظم گشتی در داخل بیروت غربی پراکنده شدند. نشانه های زندگی

عادی در حال بازگشت به منطقه بود. مردم به خانه‌های خود که در طول جنگ آن را رها کرده بودند، بازگشتند. کار ترمیم خرابیها آغاز شد... بانکها و ادارات دولتی درهای خود را گشودند و مدارس برای از سرگیری تحصیل آماده شد.

هفتم سپتامبر، اسرائیل ادعا کرد که دوهزار رزمنده فلسطینی و حدود یکهزار رزمنده از نیروهای ملی لبنان، هنوز در منطقه الجناح در بیروت غربی مستقر هستند. اسرائیل تهدید کرد، در صورتی که فلسطینیها نروند و نیروهای ملی لبنان منطقه را ترک نکنند، آتش بس اعلام شده در اطراف بیروت را زیر پا خواهد گذاشت. برای اثبات جدی بودن این تهدید، سربازان اسرائیلی به سفارت جمهوری دموکراتیک یمن یورش برده و ساختمان متروکه سفارت مجارستان را اشغال کردند. به منظور اجتناب از برخورد نظامی، جنبش شیعی لبنان «امل» اعلام کرد که حاضر است مواضع خود در الجناح را تحویل نیروهای چند ملیتی و یا ارتش لبنان بدهد. سخنگوی جنبش «امل» حضور رزمندگان فلسطینی در منطقه را تکذیب کرد. مواضع «امل» تحویل ارتش لبنان داده شد. روز بعد، ارتش لبنان، خاکریزها و سنگرهای اطراف و داخل بیروت غربی را جمع‌آوری کرد. نیروهای امنیت داخلی نیز سنگرهای داخل شهر جنبش لبنانی ناصریستهای مستقل «المرابطون» را تحویل گرفته و شروع به جمع‌آوری سلاحها از بیروت غربی کردند، هر چند که نیروهای ملی به این امر اعتراض کرده و اعلام داشتند که تا هنگامی که نیروهای اشغالگر اسرائیلی در لبنان حضور دارند، حاضر به کنار گذاشتن سلاحهای خود نیستند. ارتش لبنان وارد اردوگاه برج البراجنه نیز شد و شروع به جمع‌آوری سلاحهای باقیمانده در داخل اردوگاه کرد. در حالی که ساکنان اردوگاه اصرار داشتند برای دفاع از خود،

سلاحهای فردی خویش را نگه دارند پلیس لبنان وارد اردوگاه صبرا شده و در ورودیهای اردوگاه شاتیلو نیز مستقر شد. آرامش در هر دو اردوگاه برقرار شد. مردم در انتظار ورود ارتش لبنان بودند. اما وجود دوقرارگاه اسرائیلی در نزدیکی این دو اردوگاه، نگرانیهایی برانگیخت و گسترش ارتش لبنان و کنترل اوضاع امنیتی را با موانعی مواجه کرد.

۳- عزیمت نیروهای چندملیتی:

روز نهم سپتامبر امریکا اعلام کرد که تفنگداران دریایی امریکا، جمعی نیروهای چندملیتی فردا - دهم سپتامبر - یعنی فقط بعد از ۱ روز از ورود خود، لبنان را ترک خواهند کرد. یادآوری می‌شود که براساس توافق انجام شده، قرار بود که نیروهای چندملیتی به مدت یک ماه بمانند، تا امنیت در بیروت برقرار شود. پیرو اعلام این خبر از سوی امریکا، منابع دیپلماتیک غربی در بیروت اظهار داشتند که نیروهای فرانسوی و ایتالیایی، بدون نیروهای امریکایی، قادر به ماندن در بیروت نیستند. در پی این گونه اظهارات، جوی از نگرانی بر بیروت حاکم شد. منابع لبنانی اظهار تردید کردند که ارتش لبنان و نیروهای امنیت داخلی بتوانند اوضاع امنیتی پایتخت را بعد از خروج نیروهای چندملیتی، کنترل کنند. رهبران بیروت غربی درخواست کردند که نیروهای چندملیتی تا پایان مدت مأموریت خود یعنی تا روز بیست و یکم سپتامبر باقی بمانند. شفیق الوزان نخست‌وزیر لبنان با سفیر امریکا تماس گرفت و از وی خواست که عزیمت تفنگداران دریایی امریکا به تعویق افتد. در ضمن به او گفت که عزیمت نیروهای چندملیتی قبل از موعد مقرر، مغایر طرح تهیه شده توسط فیلیپ حبیب است و یکی از مأموریت‌های این نیروها، تضمین سلامت غیرنظامیها و فلسطینیها تا زمان باقی ماندن

نیروهای اسرائیلی در اطراف بیروت است. اما رئیس‌جمهوری منتخب بشیرجمیل در همان روز اظهار داشت که مأموریت نیروهای چندملیتی پایان یافته و باید بروند.

سرانجام واحد امریکایی روز جمعه دهم سپتامبر عزیمت کرد، و در پی آن واحد ایتالیایی در روز شنبه یازدهم، و آنگاه واحد فرانسوی روز دوشنبه سیزدهم سپتامبر، بیروت را ترک کردند. بدین‌گونه نیروهای چندملیتی هشت روز قبل از موعد تعیین شده براساس طرح حبیب، رفتند... رفتند و اسرائیلیها ماندند.

۴- قتل بشیرجمیل:

ساعت چهار بعد از ظهر سه‌شنبه چهاردهم سپتامبر رئیس‌جمهوری منتخب، بشیرجمیل در دژ حزب کتائب واقع در بیروت شرقی بقتل رسید. بشیرالجمیل در مقر حزب در الاشرفیه به‌رغم اقدامات شدید امنیتی که جز نزدیکان و هم‌پیمانان توان ایجاد شکاف در آن را ندارند، بقتل رسید. او با فرماندهان نظامی حزب جلسه داشت که مقر حزب بر اثر انفجار مواد تخریبی قاجاق شده به‌داخل ساختمان به‌طور ناگهانی فرو ریخت. این مواد تخریبی از نقطه‌ای نزدیک و توسط بی‌سیم و بعد از اطمینان از اینکه بشیر در جلسه حضور دارد، منفجر شد. عناصری از شبه نظامیان کتائب در ویرانه‌های مقر حزب به‌جست‌و‌جوی رئیس‌جمهوری منتخب پرداختند و بیست‌دقیقه بعد از انفجار، او را در حالی که صورتش بهم ریخته بود، بی‌حرکت پیدا کردند.

رادیو لبنان خبر قتل بشیرجمیل را نیمه‌شب پخش کرد. اما آمادگیهای نظامی اسرائیل آغاز شده بود. یک افسر امنیتی لبنان که در روز حادثه در فرودگاه حضور داشت تأکید کرد که نیروهای اشغالگر اسرائیلی از ساعت ۱۸ روز سه‌شنبه تا نخستین ساعات بامداد روز

چهارشنبه یک پل هوایی برقرار کرده و هواپیمای نظامی هر کولس که حامل سرباز و اسلحه و مهمات بودند، در فرودگاه بین‌المللی بیروت به زمین نشستند. نیروهای اشغالگر اسرائیلی به منظور پوشاندن نقل و انتقالات ارتش اسرائیل و شبه‌نظامیان هم‌پیمان، در ساعت پنج بامداد روز چهارشنبه پانزدهم سپتامبر، اعلام منع عبور و مرور در تمامی شهرها و دهکده‌های جنوب لبنان کردند. حمله به بیروت غربی آغاز شد.

۵- یورش به بیروت غربی:

بعد از کنار زدن ارتش لبنان، نیروهای اسرائیلی به طرف بیروت غربی پیش آمدند. آنها از شش محور حمله کردند. سه محور از طریق راههای اصلی که سربازان اسرائیلی ده روز پیش آنها را از مینها و سنگرها پاکسازی کرده بودند و سه محور دیگر از طریق منطقه «موزه و بندر». آنها مواضع تخلیه شده توسط تفنگداران دریایی را اشغال کردند. صبح چهارشنبه پایان نیافتاده بود که تانکها و زرهپوشهای اسرائیلی در تمامی راهها و ورودیهای اصلی مستقر شدند.

نخست‌وزیر لبنان طی ارسال تلگرامی درمورد حمله اسرائیل به ریگان اعتراض کرد. اما ریگان به وی گفت: «اسرائیل معتقد است که بعد از کشته شدن بشیر جمیل این پیشروی محدود برای حفظ امنیت لازم است.» شفیق وزان در پاسخ به ریگان این توجیهات اسرائیلی را رد کرد. نیروهای ملی لبنان تا پای جان از بیروت مقاوم دفاع کردند و در چندین محور از جمله «الطریق الجدیده» و المزرعه و فاکهانی و در کنار اردوگاهها و منطقه الروشه، درگیر نبردهای بسی‌امانی شدند. بعد از ظهر چهارشنبه تانکهای اسرائیلی، اردوگاههای صبرا و شاتیلا را محاصره کرده و آنها را زیر آتش توپخانه خود گرفتند. در این میان سربازان اسرائیلی

مشغول بازرسی خانه‌های مجاور اردوگاه‌ها شدند و سپس روی ساختمانهای نزدیک و مشرف بر اردوگاه‌ها سنگر گرفتند. با فرا رسیدن شب، نیروهای اسرائیلی، برق بیروت غربی را قطع کردند.

نبردها در بامداد پنجشنبه شانزدهم سپتامبر ادامه یافت. اما نیروهای اسرائیلی توانستند بیروت غربی را به کنترل خود درآورده و ارتباط هر منطقه‌ای را با دیگری، قطع و اعلام منع عبور و مرور کردند و به مردم دستور دادند که از خانه‌های خود خارج نشوند. همه راههای منتهی به پایتخت را بستند. یورش به خانه‌ها و جمع‌آوری سلاح‌ها و بازداشتها آغاز شد. گلوله‌باران اردوگاه‌های صبرا و شاتیلا ادامه یافت. در طول ساعات روز و شب پنجشنبه برق بیروت غربی همچنان قطع بود. ظهر پنجشنبه اسرائیلیها با بیش از ۱۵۰ تانک و ۱۰۰ نفربر و ۴ زرهپوش حامل انواع توپ و ۲۰ بولدوزر، اردوگاه‌های صبرا و شاتیلو را در محاصره خود داشتند. بعد از ظهر پنجشنبه شانزدهم سپتامبر، اهالی شهر شویفات که مشرف به فرودگاه بین‌المللی بیروت است، شاهد سرازیر شدن سیلی از کامیونها و نفربرهای زرهی به یکی از باندهای فرودگاه که در نزدیکی قرارگاه اسرائیلیها قرار داشت، بودند. شاهدان عینی گفتند که نفربرها حامل سربازانی در لباس شبه‌نظامیان بوده که از دوسو سرازیر می‌شدند: یکی از جاده جنوب لبنان «دژ سعد حداد» و دیگری از بیروت شرقی، «دژ کتائب». منابعی در ارتش لبنان، گفته‌های اهالی شویفات را تأیید کردند.

هنگامی که تمرکز نیروها پایان یافت، حرکت از فرودگاه به سوی اردوگاه‌های فلسطینی آغاز شد. مهاجمین توسط علائمی به شکل دایره که یک مثلث در داخل آن قرار داشت و به تازگی تمیز و در دو سوی خیابان نصب شده بود، راهنمایی می‌شدند. خبرنگاران گفتند که این علائم در طول راه میان «دامور» تا باند غربی فرودگاه و

در طول جاده بیروت شرقی تا محل تمرکز نیروهای اسرائیلی در همین باند، دیده می‌شد.

در ساعت چهار بعد از ظهر، کاروان قاتلان به مرز اردوگاه‌ها که در محاصره نیروهای اسرائیلی بودند، رسیدند. سربازان اسرائیلی راه را برای این کاروان باز کرده و ورود آن را با اقدام به گلوله بارانهای شدید اردوگاه‌ها، پوشاندند... و قتل عام آغاز شد.

بوی مرگ و انبوه مگس و اجساد روی هم انباشته، همه جا را گرفت. در کوچه‌ها و خیابانهای فرعی، زیر گاریها و روی ویرنه‌ها و توده‌های زباله، در کنار خانه‌ها و در داخل اتاقهای خواب...

در مدخل جنوبی اردوگاه شاتیلایک ردیف خانه‌های کوچک و محقر بر اثر گلوله بارانهای شدید، بر سرساکنان آن، فرو ریخت. پنجاه متر دورتر، اجساد روی هم انباشته شده‌اند. دستها و پاها بهم گره خورده است. انگار از قساوت مرگ بهم پناه آورده بودند. گلوله‌ها را در سرشان خالی کرده بودند. بیضه‌های بعضیها را بریده بودند. سر عده‌ای دیگر را قطع کرده بودند. چشمانشان باز و متشنج مانده بود. مرگ هم نتوانسته بود رعب و وحشت را بویژه در چشمان کودکان، بر طرف کند. چند متر جلوتر جسد پنج زن و تعدادی کودک، روی تلی از خاک به پشت افتاده... از جمله یک زن که پیراهنش از ناحیه سینه پاره و دو پستانش قطع شده و در کنارش سر بریده دخترکی با نگاهی خشمگینانه به قاتلان، دیده می‌شود. و دخترکی دیگر، تقریباً سه ساله در لباسی سفید، آغشته به خون و گل و سری از هم پاشیده شده با گلوله...

در کنار خانه‌ای نیمه‌ویران، زن جوانی در حالی که طفل شیرخواره‌اش را در آغوش گرفته، به رو، افتاده است. تلاش کرده بود خود و کودکش را از چنگ قاتلان نجات دهد، اما جنایتکاران از

پشت او را به رگبار بسته بودند. گلوله‌ها از بدنش عبور کرده و در بدن طفل شیرخواره نشسته بود. در حالی که کودکش را به سینه می‌فشرده، به خاک و خون افتاده. در کنار دیواری، اجساد دست بسته بیست نوجوان پانزده، شانزده ساله ردیف شده بود. آنها دیگر نه مدرسه خود را خواهند دید، و نه معلمان و دوستانشان، آنها را.

بالای تلی از آوار، جسد دخترکی چهارساله افتاده است. در میان خرابه‌های خانه ویران شده خود، دنبال مادرش می‌گشت که قاتلان او را دیده و گلوله‌های خود را در عورت او خالی کردند. در میان زباله‌ها، جسد «عدنان نوری» - ۹ ساله - افتاده است. گلوله شقیقه چپ او را شکافته بود. عصایش در کنارش بود. موهای سپیدش از لای کوفیه‌اش بیرون زده بود. چند قدم جلوتر، جسد همسایه‌اش محمد دیاب - ۷ ساله - که گلوله‌ها به سرش اصابت کرده بود، مچاله شده بود. در حفره‌ای نزدیک بیمارستان عکا، جنایتکاران پیرمرد دیگری را با کارد سر بریده بودند. در کنار جسدی که سر آن از هم پاشیده بود، زنی کارت شناسایی آلوده به خونی به دست گرفته و فریاد می‌زند: «این برادر من است، لبنانی است نه فلسطینی».

در کوچه‌ای، دو دختر یازده یا دوازده ساله، در حالی که پاهایشان از یکدیگر فاصله داشت، به پشت افتاده‌اند. قاتلان قبل از خالی کردن گلوله‌ها در سرشان، آنان را مورد تجاوز قرار داده بودند. در جای دیگری، بولدوزرها، آوار خانه‌ها را روی تعدادی جسد ریخته بودند. از میان سنگها و خاکها، چند دست و پا بیرون زده است. از میان آنها دست زن بارداری دیده می‌شود، می‌خواسته کارت شناسایی لبنانش را نشان دهد که مهلتش نداده بودند. کارت شناسایی هنوز در دستش بود.

در خانه‌ای، جسد زنی در آشپزخانه دیده می‌شود. برای خانواده

غذا می پخت که کشته شد. در خانه دیگری، همه افراد خانواده در حین خوردن غذا به رگبار بسته شده بودند. بشقابها نیمخورده مانده بود. در خانه سوم، در اتاق تاریکی، اجساد یک زن و مرد و دو کودک خردسال و یک طفل شیرخواره، بهم چسبیده‌اند. آنها روی رختخوابشان—زمین—در خواب بقتل رسیدند. در چهارمین خانه، کودک شیرخواره‌ای میان دستان مادر بقتل رسیده‌اش، حرکت می کند و جسد مرد از پنجره‌ای آویزان است. در خانه بعدی، قاتلان شکم زن بارداری را از هم دریده و جنین را از امعا و احشا بیرون کشیده بودند... و جسد‌های دیگر، در خانه‌های دیگر، تکه شده و یا سرها از هم پاشیده و با کارد مثله شده‌اند. برکه‌های منجمد خون در کنار اجساد دیده می‌شود. این امر ثابت می‌کند که آنها قبل از شهادت، شکنجه شده‌اند. کیف‌های پول در اطراف توده‌های اجساد، پراکنده‌اند و این ثابت می‌کند که قاتلان، پول‌های قربانیان را می‌ربوده‌اند. پوکه‌های بسیار و صندوق‌های مهمات و کاغذهای رنگین مخصوص شکلات ساخت اسرائیل که نوشته‌هایی به زبان عبری روی آن دیده می‌شوند، در محل جنایت پراکنده‌اند. آثار بولدوزرها روی جاده شنی به گورهای دسته جمعی ختم می‌شود. قاتلان برای پنهان کردن اجساد، خانه‌ها را روی آنها ویران کرده و یا بوسیله بولدوزر آنها را به میان خرابه‌ها، انداخته‌اند و یا با همین بولدوزرها به داخل کامیونها انداخته و به نقاط نامعلومی حمل کرده و یا در گورهای دسته جمعی دفن کرده‌اند. قربانیان قتل عام صبرا و شاتیلا، بیش از ۲۰۰ شهید برآورد شده است. در اردوگاه، حتی یک جسد که لباس نظامی به تن داشته باشد، دیده نمی‌شود. هنوز رقم اجساد که با بولدوزر در کامیونها انداخته شده و به نقاط نامعلومی در خارج از اردوگاهها حمل شده‌اند معلوم نیست.

«ام کاید، فلسطینی» — نمی‌توانم بلایی که وحشیان بر سر

زنان و کودکان آوردند، فراموش کنم. وقتی شکم «ام مبارک» را که نه ماهه حامله بود، با کارد بزرگی از هم دریدند و امعا و احشای او را بهم ریختند و کودک را بیرون آورده و به رگبار بستند، نزدیک بود، دیوانه شوم... عفاف، دختر محمود و والدینش را کشتند... صالح- الطیبی و برادرش احمد را کشتند... ماجد خریبی و احمد حشمی و عبدالسلام برکه را کشتند... علی الطوفی و سعید العابدی و موسی العابدی و پدر بیچاره آنها را کشتند... مردی به نام ماضی و برادرش محمد و والدینش را کشتند... قاسم ابو حرب و پدرش و دو برادرش ولید و محمود را کشتند.

اما همسایه روبرویی، به اتفاق افراد خانواده در خانه ماندند. زیرا نمی دانست چه اتفاقاتی در حال وقوع است. آخر مدتهاست که ما در صدای انفجارها و سفیر گلوله ها زندگی می کنیم. او را دست بسته و سربریده و لخت، پیدا کردیم. گمان می کنم به او تجاوز کرده بودند. از اعضای خانواده اش، هیچ اثری نیافتیم. با من بیا نشانت دهم چگونه ابوعلی مقداد را کشتند. دستهایش را با چاقو قطع کردند، سرش را از تن جدا کردند. ابوعلی! بخند، بعد از تو مردانی مانده اند که انتقام خواهند گرفت... ابوعلی! بعد از رفتن قهرمانان بود که به ما حمله کردند. ام کاید برای «ابوعلی» سر از تن جدا شده و در کنار برکه ای از خون افتاده، سوگواری می کرد... دو متر آن طرفتر، سر ابوعلی که از ناحیه گردن روی زمین نصب شده بود، افتاده بود. صورتش با ضربات چاقو بهم ریخته بود.

یک لبنانی که از گفتن نامش خودداری کرد:

بعد از دیدار با فامیل خود، من و همسرم داشتیم از اردوگاه شاتیلای خارج می شدیم. افراد مسلح سوار بر خودروهای نظامی اسرائیلی

سر رسیدند. لباسهای شخصی به تن داشتند. به طرف هر جنبه‌ای شروع به تیراندازی کردند. ساکنان اردوگاه برای نجات جان خود، بهر سو دویدند. ما می‌دویدیم و بارانی از گلوله از پشت به طرف ما سرازیر می‌شد. اما نایستادیم. به حومه‌های شرقی اردوگاه رسیدیم. غافلگیرانه دیدیم که یک واحد اسرائیلی، در جاده راه‌بندان ایجاد کرده‌اند. به طرف من آمدند. بلافاصله کارت شناسایی لبنانی بودنم را نشانشان دادم. ولی آنها با باتوم شروع به زدن من کردند. همسرم سعی کرد فریاد بکشد، ولی نتوانست. خون از سینه‌اش جاری بود. به او تف انداخته و شروع به حرف زدن با هم کردند، به زبانی که چیزی از آن نفهمیدم. در اینجا یکی از آنها با اشاره به خانواده‌ای که قصد خروج از اردوگاه را داشت، فریاد کشید و به اتفاق دوستانش در حالی که تیراندازی می‌کردند، خانواده مذکور را دنبال کردند. این برای ما یک فرصت بود. به همسرم کمک کردم که از زمین برخیزد. دو قدم راه می‌رفت و سپس می‌افتاد. توانستیم خود را به جاده دیگری برسانیم. اما همسرم افتاد و مرد. کنارش به گریه نشستم تا اینکه مردی آمد و مرا با عجله به درون خانه‌اش برد.

حسین المقداد، لبنانی:

چند دقیقه وسط خیابان ایستادم، نمی‌دانستم به کدام طرف بروم. با فریاد زنی که پیراهنم را گرفته بود و تکانم می‌داد و فریادمی کشید، بخود آمدم. زن می‌گفت: فرار کن، همه را سر می‌برند، چرا مثل احمقها ایستاده‌ای... خواستم پیروسم مگر چه شده است، ولی او در میان جمعیت ناپدید شد. شروع کردم به دویدن. صدایی شنیدم که می‌گفت: بایست و گرنه ترا می‌کشیم. خواستم ببینم کیست که صدای گلوله شنیدم و لذا به دویدن ادامه دادم. احساس کردم، پای چپم سنگین

شده و مایع گرمی از آن جاری بود. به زنان و کودکان و سالخورده‌گان در حال فرار رسیدم. به من نگاه می‌کردند و درگوش هم چیزهایی می‌گفتند. مردی به من نزدیک شد. و گفت: توتیرخورده‌ای، خونریزی-داری، باید بروی بیمارستان. سه روز بعد یکی از نزدیکانم به من گفت: خانه‌ات را منهدم کردند. همسرت را دست‌بسته و سر از تن جداشده، پیدا کردیم. اجساد بچه‌هایت با چاقوی قاتلان، مثله شده بود. توانستیم همه‌شان را دفن کنیم، وقتی خوب شدی، می‌توانی به زیارت آنها بروی.

بسر به عطیه‌العموشی، مصری:

نزدیک بیمارستان عکا، وارد دو پناهگاه شده و همه خانواده‌ها را کشتند و سپس هر دو پناهگاه را با دینامیت منفجر کردند. با تاریک شدن هوا، در ساعت شش، صدای انفجارهای پیاپی شنیدم. نمی‌دانم چگونه پاهایم مرا فراری دادند. روز شنبه بازگشتم، گروه‌های امداد را دیدم که دارند اجساد را جمع‌آوری می‌کنند. نمی‌شد به آسانی قربانیان را شناسایی کرد.

«...» لبنانی:

با شوهر و پنج فرزندم در پناهگاه بودیم. در جریان بمبارانهای وحشیانه، هفتاد نفر به این پناهگاه آمده بودیم. دختر نوزده ساله همسایه‌مان که نامش «عایده ابوردینه» بود، گفت: می‌روم کارتهای شناسایی را بیاورم. من دخترم و متعرض من نخواهند شد. چند لحظه بعد، صدای تیر شنیدم و فریادی و بعد سکوت. پدر سالخورده‌اش تصمیم گرفت برود بیرون، ببیند چه شده. سعی کردیم جلو او را بگیریم. سودی نبخشید. رفت و دچار همان سرنوشت دخترش شد. نفس‌ها را در سینه حبس

کرده بودیم. هیچ کس در داخل پناهگاه از بیم لورفتن پناهگاه، جرأت جنیدن نداشت.

با اینهمه آمدند و از ما خواستند که از پناهگاه بیرون آییم. گفتیم ما زن هستیم و فقط کودکان با ما هستند. اما اصرار کردند که بیاییم بیرون. مردان و پسران را جدا کرده و از آنها خواستند روی زمین دراز بکشند. سپس همه را به رگبار بستند. فریاد کشیدیم و برای کمک به مردانمان دویدیم. ولی به ما هم رحم نکردند. دوزن را کشتند و سه نفر دیگر را مجروح کردند. بعد سه دختر را بردند و با طناب آنها را بستند و پیش روی ما به آنان تجاوز کردند.

منیر، فلسطینی:

منیر، یک نوجوان سیزده ساله فلسطینی است. پدر و برادرش به سال ۱۹۷۶ در کشتار تل زعتر به شهادت رسیده بودند. خانواده او به اردوگاه الرشیدیه واقع در نزدیکی شهر صور انتقال یافته و سپس در سال ۱۹۷۸ و در پی حمله اسرائیل به جنوب لبنان، به اردوگاه شاتیلآ آمده بود. می گوید: وقتی گلوله های توپ و خمپاره ها در همه جا فرو می ریخت من و مادرم و دو برادر و سه خواهرم در خانه بودیم. به یک پناهگاه نزدیک رفتیم. ۹ خانواده دیگر در آنجا جمع شده بودند. در ساعت ۱۹/۳، افراد مسلح آمدند و از ما خواستند از پناهگاه خارج شویم. اردوگاه مثل روز روشن شده بود. عربی را به لهجه اهالی جنوب لبنان تکلم می کردند. لباسی به تن داشتند که تصویر درخت سدر روی شانه راست و علایمی به شکل دایره همراه نوشته هایی در داخل آن، دیده می شد. نتوانستم نوشته ها را بخوانم. بلافاصله مردان را از زنان و کودکان جدا کردند. آنها را به موازات دیوار به صف کردند. من هم رفتم به میان زنان و کودکان. هنگام عزیمت توانستم ببینم که شبه نظامیان دارند مردان را با باتوم می زنند. آنها یکی پس از دیگری به زمین

می‌افتادند. ما را به یک پمپ بنزین نزدیک بردند و بعد از سپردن ما به دست چند نفر خطاب به ما گفتند: «منتظرمان باشید، می‌رویم شام بخوریم، برمی‌گردیم.» یک ساعت بعد آمدند و بلافاصله ما را به رگبار بستند و سپس خطاب به ما گفتند: «آنها که زخمی شده‌اند، بلند شوند تا به بیمارستان انتقالشان دهیم. به رغم اینکه تیر خورده بودم، بلند نشدم و به مادرم که در کنارم افتاده بود، آهسته گفتم: تکان نخور، آنها دروغ می‌گویند.» همین‌طور هم شد، مجروحانی که بلند شده بودند را دوباره به گلوله بستند و نورافکنها را روی آنها روشن کردند تا مطمئن شوند که همگی مرده‌اند. سرم را روی زمین گذاشتم و نفسم را حبس کردم و سرانجام رفتند. شب را در کنار خانواده‌ام، چه مرده و چه در حال احتضار گذراندم و هیچ متوجه نشدم که مادرم مرده است.

صبح روز بعد—جمعه—دوباره آمدند تا روی ماها را بپوشانند. یکی از آنها متوجه شد که دارم می‌لرزم. لذا دوباره به طرفم تیراندازی کرد. گلوله اول به من اصابت نکرد. اما دومی که قاتل سرم را هدف قرار داده بود، به گونه راستم که دستم را روی آن گذاشته بودم، اصابت کرد و انگشتم را مجروح و سپس گونه‌ام را لمس کرد و بعد روی زمین افتاد. قاتل، روی ماها را پوشاند و من دیگر چیزی نمی‌دیدم، ولی شنیدم از ساکنان اردوگاه می‌خواهند که خارج و در شهرک ورزشی جمع شوند. بعد رفتند و من دیگر چیزی نشنیدم. فرصت را غنیمت شمردم که برخیزم. در اولین خیابان تنگ و باریک براه افتادم و وارد اولین خانه شدم. خواستم لباسهای خون‌آلودم را عوض کنم که دو شبه نظامی غافلگیرم کرده و سرم داد کشیدند: تو هنوز زنده‌ای. الآن مثل بقیه ترا می‌کشیم. هرچه طلا و پول پیدا کرده‌ای بده به ما. به آنها گفتم من چیزی ندیده‌ام. فقط می‌خواستم لباسهایم را عوض کنم. التماس کردم مرا رها کنند. یکی از آنها پرسید: لبنانی هستی یا فلسطینی؟ گفتم: لبنانی. گفت: پس

برو، اگر فلسطینی بودی ترا می کشتیم. در حالی که می لنگیدم به طرف اردوگاه «صبرا» براه افتادم. در کنار مسجد چند تن از جوانان اردوگاه مرا به بیمارستان غزه بردند.

در بیمارستان، منیر از هوش رفت. روز بعد بهوش آمد و خود را در بیمارستانی در مرکز بیروت غربی دید. صلیب سرخ جهانی او را به این بیمارستان انتقال داده بود. عموی منیر که موفق به یافتن وی شده است، می گوید: از روز شنبه گذشته، منیر دیگر نمی خوابد و مرتب از ما سؤال می کند: آیا مطمئن هستید که آنها دیگر بر نمی گردند.

علی خلیل عفانه، کودکی هشت ساله:

ساعت، یازده و نیم بود. صدای انفجار مهیبی و سپس ناله زنی را شنیدم. ناگهان به خانه ما حمله کردند. گرگها به جست و جوی اتاقها پرداختند. مادرم فریاد کشید و درخواست کمک کرد. او را به رگبار بستند. پدرم، دست دراز کرد، چیزی پیدا کند تا از خود به دفاع برخیزد. ولی سرعت گلوله های آنها بیشتر بود. توان فریاد کشیدن نداشتم. با چاقو به جانم افتادند. نمی دانم، بعد چه شد. ولی همینطور که می بینی خودم را با سرودست و پای باند پیچی شده، در بیمارستان دیدم. یکی از دوستان مدرسه که برای عیادت مادرش به بیمارستان آمده بود، به من گفت: «خانه تان، ویران شده». خاله ام به دیدنم آمد. سراغ سه برادر خود را از او گرفتم. ولی جوابی نشنیدم. همه مرده اند. این را خودم می دانم.

معی کرد، صورت خود را بادستانش بپوشاند. احساس می کرد بزرگتر از اشکهای داغی است که سرسختانه روی گونه های کوچکش جاری شده بود.

«...»، فلسطینی:

پیرمردی است، بالای شصت سال، روی عصایش و شانه نوه‌اش تکیه کرده و در میان ویرانه‌های اردوگاه، راه می‌رود. درد و رنج روی شیارهای چهره‌اش نقش بسته است: میان ویرانه‌های خانه، دنبال خانواده‌ام گشتم. اثری از آنها ندیدم. خانه، تبدیل به ویرانه شده‌است. افراد امداد به من گفتند که بروم به مسجد اردوگاه و شهرک ورزشی، بلکه بتوانم در آنجا اعضای خانواده‌ام را در میان اجساد تلمبار شده قربانیان پیدا کنم.

در مسجد، یکی از دخترانم را دست و پا بسته و سر از تن جدا شده و در کنارش طفل شیرخواره‌اش را که به سینه مادرش چسبیده بود، پیدا کردم... او را هم با چاقو زده بودند. دو قدم آن‌طرفتر، همسر بیچاره‌ام... او را هم سرش را از بدن جدا کرده بودند، دست راستش، بازوی دختر دیگرم را گرفته بود. ظاهراً قصد دفاع از دخترش را داشت. نزدیک آنها، دختر کوچکترم با پیکری خونین افتاده بود و در اطرافش صفحاتی از قرآن کریم پراکنده بود... صفحات قرآن خیس خون بود.

جمیله ... لبنانی از اردوگاه شاتیل:

پنجشنبه شب، صدای مردم را شنیدم که دارند می‌دوند و فریاد می‌کشند. من و دخترم «امل» خود را به بیمارستان عکا رساندیم. شب را آنجا گذرانیدیم. صبح جمعه به اردوگاه بازگشتم تا از سلامتی والدینم مطمئن شوم. خانه را ویران دیدم و پدر معلولم روی تخت‌خواب بقتل رسیده بود... و صندلی چرخدارش در کنارش بود. اما جسد مادرم را در کوچه پیدا کردم. سعی کردم به بیمارستان بازگردم. یکی از افراد مسلح مرا گرفت. کارت‌شناسایی لبنانی‌م را نشانش دادم. مرا به خانه‌ای

در همان نزدیکیها برد. چهار نفر دیگر آنجا بودند. همگی مرا مورد تجاوز قرار دادند. ایکاش مثل پدر و مادرم و برادرانم، مرا نیز می‌کشتند. قاتلان جنایتکار ۲ تن از افراد خانواده‌ام را کشتند.

فاطمه علی شمس‌الدین، لبنانی:

در خانه بودیم که تیراندازی شروع شد. برای یافتن خواهرم از خانه بیرون آمدم. جسد او را در کوچه پیدا کردم. گلوله‌ها پشت او را شکافته بود. به‌طرف خانواده دویدم تا همسایگان را خبر کنم و فریاد کشیدم که فرار کنید. در پاسخ گفتند: ما لبنانی هستیم و آسیبی به ما نخواهد رسید. شب را در بیمارستان گذراندم. صبح که بازگشتم، دیدم که همگی تبدیل به اجساد بی‌حرکت، شده‌اند.

امینه احمدحسین، فلسطینی:

می‌دانم، شوهرم و پسر پانزده‌ساله‌ام را کشته‌اند. ولی تاکنون اجساد آنان را پیدا نکرده‌ام. روز پنجشنبه صدای گلوله شنیدم. افراد مسلح، شب، با مشعل کوچه‌های اردوگاه را روشن نگه داشته بودند. روز جمعه فهمیدیم که ما را خواهند کشت. تصمیم گرفتیم به بیمارستان عکا فرار کنیم. افراد مسلح به بیمارستان یورش آورده و همه مردان فلسطینی از جمله شوهرم و پسر را با خود بردند. از هر کدام تابعیتش را می‌پرسیدند. اگر فلسطینی بود، کنار دیوار می‌گذاشتند و با قنداق تفنگ او را می‌زدند. زنان را به‌استادیوم ورزشی برده و به‌آنان دستور دادند که به اردوگاه باز نگردند. روز شنبه خواستم به اردوگاه برگردم. همراه دیگران به یک پست بازرسی اسرائیلی نزدیک شدیم. یک اسرائیلی به ما گفت: چرا از منطقه نمی‌روید، اینجا که کشورتان نیست.

«...» لبنانی که در بیمارستان عکا شغل پرستاری دارد:

روز جمعه بیمارستان را محاصره کردند. نگهبان بیمارستان «عمو ابوسعید» سعی کرد، جلو آنها را بگیرد. ولی او را به رگبار بستند. خون از بدنش جاری بود و هیچ کس نمی توانست به او کمک کند و یا به او نزدیک شود. با بلندگو از همه خواستند که بیمارستان را ترک کنند. پزشکان تصمیم گرفتند بروند بیرون، بلکه با افراد مسلح به تفاهم برسند. پرچم سفیدی دست گرفته و به طرف در ورودی بیمارستان پیش رفتند. اما افراد مسلح از پرچم سفید و لباس آنها با پرتاب بمبی پیش پای پزشکان، استقبال کردند. پزشکان به زمین افتادند. خونریزی شدیدی داشتند. همکارم در حالی که دیوانه وار فریاد می کشید، سنگی برداشت و به طرف محل اصابت بمب انداخت و دوید به طرف پزشکان تا کمکی به آنها کرده باشد. اما جنایتکاران او را گرفته و سیلی محکمی به او زده که به زمین افتاد و از هوش رفت. پیراهن سفیدش را پاره کردند و او را کشان کشان به پیاده رو مقابل برده و او را مورد تجاوز قرار دادند... پنج وحشی برای او به صف ایستاده بودند.

تعدادی از افراد مسلح به داخل بیمارستان یورش برده و از مردان خواستند که در گوشه ای جمع شوند. چند پزشک خارجی قصد داشتند به ما کمک کنند. اما افراد مسلح به زبانهای انگلیسی و فرانسوی و عبری به آنان دشنام دادند. به یک پزشک تروژی سیلی زده و به صورت او آب دهان انداختند. مردان را به نقطه نامعلومی بردند. اما ما را با کامیون بزرگی به منطقه سن الفیل منتقل کردند. کامیون در برابر ساختمان بزرگی که پرچم کتائب روی آن برافراشته شده بود، متوقف شد. افسری جلو آمد و از افراد مسلح پرسید: «اینها چیه؟ زنان را آورده اید؟ من مردان را می خواهم.» یکی از افراد مسلح پاسخ داد: «قربان آنها را کشتیم.» لبخند گشادی روی لبان افسر مذکور نقش

بست و ضمن تبریک به قاتلان به آنها گفت که شما قهرمان هستید.

مصطفی جبرا، فلسطینی از اردوگاه شاتیلا:

حدود ۳ نفر بودیم. قاتلان، جمعه شب ما را گرفتند و دستور دادند کنار دیوار خانه‌ای به صف بایستیم و سپس با سلاحهای خود کار ما را به رگبار بستند. چون تاریک بود، نمی‌توانستیم آنها را ببینیم. بعد از رفتن آنها، صدای ناله کسی را در کنار خودم شنیدم. زخمی شده و جسد یکی از قربانیان روی او افتاده بود. کمکش کردم برخیزد. خود را به خانه متروکه‌ای رساندیم. مقداری پارچه پاره کرده و با آن زخمهای خود را بستیم. صبح شنبه چند تن از اهالی اردوگاه آمدند و ما را به بیمارستان بردند. در سینه‌ام گلوله‌ای نشسته که پزشکان نتوانستند آن را خارج کنند. در بازو و پاهایم، ترکشهای گلوله‌های منفجر شده وجود دارد که پزشکان سعی کردند آنها را بیرون آورند. ولی هنوز مقداری از آنها باقی است. همسرم و سه فرزندم مفقودالایر هستند. ولی مادرم، مریم، می‌گوید که آنها مرده‌اند و تأکید می‌کند که قاتلان هر چهار نفر را با تبر تکه‌تکه کردند.

وجنات زین عبداللطیف، مصری:

عده‌ای مصری در اینجا، اردوگاه شاتیلا زندگی می‌کردند. بسیاری از آنها به اتفاق خانواده‌هایشان، هنوز مفقودالایر هستند. ولی من جسد دهها تن از آنان را پیدا کردم. به محض شنیدن خبر قتل عام، روز جمعه به بیمارستان غزه پناه بردم. ولی آنها صبح شنبه ما را در داخل بیمارستان محاصره کردند. بیش از یک هزار نفر به این بیمارستان پناه آورده بودند. فلسطینیها را از خارجیها جدا کرده و همه آنها را که زن و مرد و کودک بودند، به استادیوم ورزشی بردند. آنها را به داخل

گودال عمیقی که بوسیله موشکهای هواپیماها در جریان بمبارانهای وحشیانه بیروت، حفر شده بود، انداختند. از آنها خواستند که در داخل گودال دراز بکشند. سپس آتش رگبار سلاحهای خودکار به سوی آنان گشوده شد. سه بولدوزر اسرائیلی، روی زنده‌ها و مرده‌ها خاک ریختند. خیلیها سعی کردند از این جهنم فرار کنند. اما بیفایده بود. قاتلان آنها را با تیرمی زدند. به چشم خودم دیدم. دنبالشان کرده بودم و پشت دیوار کهنه‌ای که در جریان بمبارانها، چند سوراخ در آن بوجود آمده بود، مخفی شده و از همانجا، لحظه به لحظه وقایع را می‌دیدم. نزدیک بود یکی از افراد مسلح محل اختفای مرا کشف کند. آخر، وقتی بولدوزرها روی اجساد کودکان و زنان و مردان رفتند، بی‌اراده فریاد کشیده بودم. مدت نامعلومی همانجا ماندم. در میان گونیهای کاه، پنهان شدم. تقریباً از هوش رفته بودم، دیگر چیزی نمی‌فهمیدم... با فریادهای زنانی که دنبال نزدیکان مقتول خود می‌گشتند، به خود آمدم. ماجرا را به خبرنگاران و افراد امداد گفتم. ولی حرفم را باور نکردند. مدتی بعد که حقیقت را فهمیدند از من خواستند که منطقه را ترک کنم و در جای دیگری پنهان شوم.

در نخستین ساعات پنجشنبه شب - شانزدهم سپتامبر - گلوله باران اردوگاهها شدت گرفت. قاتلان، در کوچه‌ها پراکنده شده و به طرف هر جنبه‌ای، حتی گریه‌ها و سگان و اسبها تیراندازی می‌کردند. اهالی اردوگاهها فهمیدند که مهاجمین از باندهای جنایتکاری هستند که قصدشان کشتن همه افراد موجود در اردوگاه است. بسیاری، سعی کردند به مناطق امن‌تری بگریزند. آنها در دسته‌هایی بزرگ به بیمارستانها (عکاو غزه) و مساجد و پناهگاهها، پناه بردند. اما عده‌ای دیگر که هنگام حمله در خانه‌ها بوده و اغلب دارای بچه‌های خردسالی

بودند، هویت مهاجمین را شناسایی نکرده و گمان بردند که این ارتش لبنان است که برای جمع‌آوری اسلحه و مشاهده کارتهای اقامت و یا شناسنامه‌های لبنانی، وارد اردوگاه شده است. لذا در خانه‌های خود مانده و اوراق رسمی خود را که ثابت می‌کرد وجودشان قانونی است، بویژه که سلاحی هم نداشتند، آماده کردند.

با اینهمه، قاتلان وارد خانه‌ها شده و هرکس را که تقاضای کمک می‌کرد و یا قصد دفاع از خود داشت، به‌رگبار بستند. بقیه را نیز سر بریدند. سپس به پناهگاهها هجوم آورده و از همه خواستند که خارج شوند. آنها را کنار دیواری به‌صف کرده و با تفنگهایشان به‌جان آنها افتادند. پناهگاههایی که افراد داخل آن حاضر به خروج نشدند را نیز با دینامیت منفجر کردند. در طول ساعات پنجشنبه شب، پناهندگان، لحظات رعب‌آوری گذرانده و حوادث هولناکی را که شاهدش بودند، برای یکدیگر بازگویی کردند.

بیمارستان عکا:

در محدوده جنوبی اردوگاه شاتیلا و در ۲۰ متری ساختمانی قرار دارد که اسرائیلیها آن را تبدیل به مرکز فرماندهی کرده بودند. یکی از پزشکان ابن بیمارستان گفت که از ساعت ۱۸ پنجشنبه شب سیل مجروحان به‌سوی بیمارستان آغاز شد و کودک خردسالی که زخمی شده بود به‌وی گفت که خیابان اصلی اردوگاه شاتیلا مملو از جسد شده است. این پزشک اضافه کرد که تا این ساعت بیش از ۵۰ نفر از اهالی اردوگاه که از بمبارانها و گلوله‌بارانها گریخته بودند، خود را به بیمارستان رساندند. رعب و وحشت با رسیدن پناهندگان جدید و بازگو کردن آنچه دیده بودند، لحظه به‌لحظه بیشتر می‌شد. صبح زود، حالت رعب و وحشت در بیمارستان به‌میزان غیرقابل تحملی رسیده بود.

بویژه که بیمارستان به مواضع اسرائیلیها و راهبندانه‌های افراد مسلح، بسیار نزدیک بود. لذا تعدادی از غیرنظامیان طاقت نیاورده و به نقاط امن‌تری در شمال اردوگاه گریختند.

یک پرستار بیمارستان عکا گفت: رعب و وحشت به حدی بود که اردوگاه شاتیللا در نخستین ساعات بامداد جمعه، تقریباً خالی از سکنه شده بود. طبقات فوقانی بیمارستان مشرف به اردوگاه بود. کارکنان بیمارستان هر روزه به دیدن و شنیدن وقایع اردوگاه و رفت‌وآمد در آن عادت کرده بودند. اما امروز خیابانها و کوچه‌ها ساکت بود. هیچ عابری دیده نمی‌شد و در خانه‌های مقابل اردوگاه، اثری از زندگی نبود. عده‌ای کوشیدند به خارج از اردوگاه فرار کنند. اما اسرائیلیها که اردوگاه را محاصره کرده بودند و افراد مسلحی که ورودیهای اردوگاه را بسته بودند، با تهدید اسلحه آنان را به داخل اردوگاه راندند. یک گروه از فیلمبرداران تلویزیونی دانمارک بر حسب اتفاق، در ساعت ۱۳ بعد از ظهر جمعه در مدخل اردوگاه شاتیللا حضور داشتند. آنها از صحنه‌ای که افراد مسلح مانع خروج چند کامیون مملو از زنان و کودکان می‌شدند، فیلمبرداری کردند. کودکان فریاد می‌کشیدند و زنان می‌گریستند و صورت خود را با دست پوشانده و التماس می‌کردند. تانکهای اسرائیلی در فاصله کمی از افراد مسلح، توقف کرده بودند. در همین نوار فیلم گروه دانمارکی، پیرمردی در لباس سفید، در حال بازگشت به داخل اردوگاه و دور شدن از افراد مسلحی که تفنگهای خود را به سوی او نشانه گرفته‌اند، دیده می‌شود. خبرنگاران این پیرمرد را که نامش عدنان نوری بود، در یکی از کوچه‌های اردوگاه شناسایی کردند. آنها بامداد شنبه که اجازه ورود به داخل اردوگاه را یافته بودند، جسد این پیرمرد را دیدند.

همین گروه تلویزیونی، از صحنه دیگری فیلمبرداری کرده که در

آن یک جیب حامل سربازان گشتی ارتش لبنان، در حال نزدیک شدن به مدخل اردوگاه را نشان می‌دهد، ولی یکی از افراد مسلح به سوی آن تیراندازی کرده و به سربازان دستور می‌دهد که از خودرو جیب پیاده شده و سپس آنان را در حالی که دستان خود را بالا گرفته‌اند به داخل اردوگاه، جلو می‌اندازد. این صحنه با رها شدن خودرو در خیابان که به شماره ۵۸۳۴۹۳ بود، خاتمه می‌یابد. روز جمعه، مهاجمین مسلح، سه بار به بیمارستان عکا حمله کردند. یک پزشک خارجی بیمارستان در این زمینه گفت که سه گروه مهاجم هر کدام لباسی متفاوت با دیگری به تن داشتند و این نشان می‌دهد که میان این سه گروه هماهنگی وجود نداشته است.

بیمارستان در ساعت ۱۱/۲ پیش از ظهر جمعه محاصره شد. افراد مسلح به تمامی کسانی که داخل بیمارستان بودند، دستور دادند که بیایند بیرون. چهار پزشک کوشیدند با مهاجمین صحبت کنند. لذا با پرچم سفید و برتن داشتن روپوش سفید خود، از بیمارستان خارج شدند. اما قاتلان به سوی آنان یک بمب دستی پرتاب کردند که سه نفرشان را کشت و چهارمی را مجروح کرد. قاتلان سپس به بیمارستان یورش برده و از کارکنان خارجی آن خواستند که برای بازجویی در مدخل اردوگاه جمع شوند. در مدخل اردوگاه سربازان اسرائیلی اوراق رسمی آنان را بازرسی کردند. چند دیپلمات نیروی نیز آمده بودند که وساطت کرده و کارکنان نیروی بیمارستان را از چنگ مهاجمین آزاد کنند. به کارکنان دیگر، اجازه داده شد به بیمارستان بازگردند. کارکنان خارجی به محض بازگشت متوجه شدند که کلیه غیرنظامیان موجود در پناهگاه و چند مجروح و دو پزشک فلسطینی و دو پرستار لبنانی ناپدید شده‌اند. یکی از این دو پرستار مدتی بعد بازگشت و چگونگی تجاوز دوتن از افراد مسلح به همکاری و سپس به رگبار بستن

او را، بازگو کرد. کارکنان بیمارستان، جسد یک پرستار فیلی پینی را نیز در کنار بیمارستان پیدا کردند.

در ساعت ۱۴ بعد از ظهر جمعه، بیمارستان یک بار دیگر مورد حمله قرار گرفت. جنایتکاران به سوی دو پزشک فلسطینی و یک غیر-نظامی مجروح تیراندازی کرده و سپس به دیگر مجروحان یورش برده و آنان را از تختهای خود به زیر کشیده و آنان را از راهروهای بیمارستان، روی زمین به بیرون کشیدند. در ساعت ۱۵/۴، سومین گروه از مهاجمین به بیمارستان آمده و سراغ پرستارها را گرفتند. یک پزشک خارجی به آنها گفت که پرستاران گریخته اند. لذا تصمیم گرفتند بیمارستان را بازرسی کنند. وقتی عکس یا سرعرفات را در اتاق پزشک مذکور دیدند، او را متهم به تروریست بودن و تهدید به قتل کردند و به او دستور دادند که تا قبل از ساعت ۱۹، پرستاران را تحویل دهد. از بخت خوش پزشک و دیگران بود که یک تیم از صلیب سرخ جهانی توانست خود را در ساعت ۱۷ به بیمارستان برساند. افراد تیم به هنگام ورود، جسد سه پزشک که پرچم سفید در کنارشان افتاده بود، در کنار در و چهار جسد دیگر را در داخل بیمارستان دیدند. تیم صلیب سرخ جهانی، اقدام به تخلیه بیمارستان و انتقال باقیمانده پزشکان و مجروحان به خارج اردوگاه کرد.

خبرنگاران که توانسته بودند جمعه شب به بیمارستان عکا نزدیک شوند، گزارش دادند ساختمان بیمارستان در آتش می سوخت.

بیمارستان غزه:

این بیمارستان در منتهی الیه شمال اردوگاه واقع است. قاتلان صبح شنبه ۱۸ سپتامبر به آنجا رسیدند. عجله داشتند. مهلتی که رؤسای آنها، که از افسران ارتش اسرائیلی بودند، برای انجام مأموریت خود به آنها

داده بودند، پایان یافته بود. یک پرستار خارجی گفت تعداد غیر-نظامیانی که بعد از انهدام خانه هایشان در اردوگاههای صبرا و شاتیلآ به این بیمارستان پناه آورده بودند، بیشتر از هزار نفر بود. تعدادی دیگر از پناهندگان که جایی در بیمارستان پیدا نکرده بودند، در ساختمانهای مجاور، مخفی شده بودند. در ساعت شش بامداد شنبه، افراد مسلح بلندگو به دست، در محل حاضر شده و بیمارستان و مناطق اطراف آن را محاصره کردند و خود را سربازان اسرائیلی معرفی کردند. و سپس ضمن تأکید به اینکه دلیلی برای ترس و وحشت نیست، به همگان دستور دادند که از پناهگاهها خارج شوند.

این پرستار خارجی اضافه کرد: افراد مسلح، کلاهخودهای اسرائیلی به سر و تفنگهای اسرائیلی به دست داشتند. به بیمارستان یورش آورده و حدود یک هزار غیرنظامی و ۸۲ مجروح و ۵۵ پزشک و پرستار و بهیار را بازداشت و به آنان دستور دادند که از بیمارستان خارج شوند. وقتی گروه پزشکی اعتراض کرده و گفتند حتماً باید چند تن از کارکنان در کنار مجروحان و بیماران بمانند، مهاجمین به دو نفر اجازه ماندن دادند. افراد مسلح با تهدید اسلحه، اسرای خود را به خیابان اصلی اردوگاه شاتیلآ بردند و از آنجا آنها را به سه گروه تقسیم کردند:

پزشکان و پرستاران خارجی که از آنها خواستند روپوشهای سفید خود را درآورده و سپس با تهدید اسلحه و ضمن ناسزاگویی به آنان که چرا با فلسطینیها همکاری می کنید، آنان را از خیابان اصلی اردوگاه به نقطه نامعلومی سوق می دادند که در بین راه به دو پزشک مشکوک شدند و وقتی فهمیدند که آنها فلسطینی و سوری هستند، از خارجیان خواستند روی خود را بگردانند و سپس این دو پزشک را با رگبار گلوله کشتند.

افراد مسلح، پزشکان را برای بازجویی به یکی از ساختمانهای

سازمان ملل متحد واقع در بیرون اردوگاه بردند. در آنجا افرادی دیگر، اوراق رسمی پزشکان را بازرسی کرده تا از تابعیت آنها مطلع شوند و سپس از آنان سؤال کردند: آیا شما مسیحی هستید؟ شما آدمهای کثیف و پستی هستید، زیرا با فلسطینیها همکاری می کنید.

بعد، پزشکان را به مقر فرماندهی نیروهای اسرائیلی واقع در مدخل اردوگاه بردند. پزشکان گفتند که سربازان اسرائیلی قبل از دادن اجازه بازگشت به بیمارستان، آنان را مدتی در توقیف خود نگه داشتند. اما گروه دوم از شهروندان لبنانی بودند که افراد مسلح برای بازجویی آنان را بردند. بازجویان به محض دریافت پاسخی که خوشایندشان نبود، صورت این گروه از لبنانیها را با چاقو، خراش می دادند. تعدادی را آزاد کرده و بقیه را به بازداشتگاههای جنوب لبنان بردند. گروه سوم، فلسطینی بودند. قاتلان از طریق مواضع اسرائیلیها، آنان را به بیرون اردوگاه برده و هنوز هیچ اطلاعی از سرنوشت آنان در دست نیست. گروه صلیب سرخ جهانی که برای انتقال کارکنان و بیماران به بیمارستان غزه آمده بود، مشاهده کرد که از ۱۳۷، ۱ نفری که صبح در بیمارستان بودند، فقط ۲۵ مجروح که قادر به حرکت نبودند و ۱ پزشک خارجی، باقی مانده اند.



جهانیان خبر این قتل عام هولناک را بعد از ظهر شنبه دریافت کردند. واکنش روزنامه ها و مجله های جهان، نکوهش و محکوم کردن و تقبیح هولناکی جنایت و توحش جنایتکاران بود.

دروغپردازیها:

ریگان، خشم و انزجار و وحشت خود را با شنیدن خبر این قتل عام ابراز داشت و اسرائیل را متهم کرد که توافقهایی انجام شده با

فیلیپ حبیب را زیر پا گذاشته است... و اظهار داشت اسرائیل تعهد کرده بود که بعد از خروج فلسطینیها، وارد بیروت غربی نشود. این اظهارات بعد از یک روز کار پر مشغله و شرکت در یک جشن انتخاباتی در ایالت نیوجرسی بیان شد. ریگان در این اجتماع در توجیه ورود اسرائیل به بیروت غربی گفت که ارتش اسرائیل در معرض تهاجمات رزمندگان لبنانی وابسته به احزاب چپی، قرار می گرفت. در حالی که خود اسرائیل چنین ادعایی نکرد.

سفیر اسرائیل در واشنگتن در پاسخ اظهارات ریگان گفت که اسرائیل چنین تعهدی نکرده است. در داخل اسرائیل، وزارت خارجه، بعد از سکوت در طول ساعات روز، در آخرین ساعت شب طی بیانیه ای اعلام کرد: «اسرائیل قتل عام را محکوم می کند... و نیروهای دفاعی اسرائیل به محض اطلاع از ماجرا، دست به هر اقدامی برای متوقف کردن کشتار زدند». بگین ادعا کرد که خبر قتل عام را از بخش خبری شنبه شب بی.بی.سی شنیده است. در شورای امنیت «یهودا بلوم» نماینده اسرائیل در سازمان ملل گفت که ارتش اسرائیل در غرب اردوگاههای فلسطینی متمرکز و سمت شرقی آنها را به ارتش لبنان که برخلاف انتظار کنترل منطقه را به دست نگرفت، واگذار کرده بود. رافائیل ایتان رئیس ستاد ارتش اسرائیل، ایالات متحد را مسؤول این قتل عام معرفی کرد و گفت: امریکادر امر برقراری تماسهای مستقیم میان ارتش لبنان و ارتش اسرائیل، کارشکنی کرد و به همین دلیل بود که ارتش لبنان منطقه را تحویل نگرفت.

در این میان، وزارت خارجه اسرائیل، ارتش لبنان را مسؤول دانست، چرا که این ارتش به بهانه عدم آمادگی و نداشتن سازماندهی کافی، از تحویل گرفتن اردوگاهها، خودداری کرد... و اعلام داشت، هر اتفاقی که افتاد به دلیل مخالفت ارتش لبنان بود. امریکا در پاسخ

به بیانیه وزارت خارجه اسرائیل گفت، اگر اسرائیل روز سه شنبه چهاردهم سپتامبر وارد بیروت غربی نشده بود، ارتش لبنان آماده بود اردوگاهها را تحت کنترل خود بگیرد.

سخنگوی شبه نظامیان حزب کتائب، قتل عام را محکوم و تکذیب کرد که افراد آن در کشتار دست داشته اند. سرگرد سعد حداد، همپیمان با وفای اسرائیل، کشتار را نکوهش کرد و آن را اقدامی وحشیانه خواند و تکذیب کرد که نیروهایش که توسط اسرائیل مسلح و آموزش داده می شوند و اسرائیل هزینه هایش را تأمین می کند، در کشتار دست داشته اند. وی افزود که نیروهایش دستور اکید داشته اند که از شمال صیدا جلوتر نروند.

بدین گونه سریال دروغ پردازیها که شرکای جرم آن را تهیه کرده بودند، کامل شد. اما این دروغ پردازیها چندان دوام نکرد و یکی پس از دیگری افشا شد. جنایتکاران با افشای هر دروغ تازه ای شروع به پس گرفتن ادعاهای خود کردند.

افشای دروغ پردازیها:

روزنامه هرالد تریبون گزارش داد: اریل شارون روز جمعه ۱۹۸۲/۹/۱ درباره یکسره کردن کار... تروریست که بعد از خروج سازمان آزادیبخش فلسطین هنوز در بیروت مانده اند، سخن گفت. این روزنامه اضافه کرد: یک افسر اسرائیلی در قرارگاه خود واقع در کنار اردوگاه شاتیللا اظهار داشت که وی بر دو پایه اساسی عمل می کند: منطقه باید پاکسازی شود و ارتش اسرائیل نباید قربانیان بیشتری از دست بدهد. اسرائیلیها فراموش کردند که به بهانه حفظ امنیت و جلوگیری از وقوع کشتار، وارد بیروت غربی شده اند. مطبوعات امریکا گزارش دادند که اسرائیل پنجشنبه شب گروهی از افراد سعد حداد را

از جنوب لبنان به بیروت برد.

روزنامه گاردین از قول ناظران بین‌المللی در بیروت گزارش داد که آنها قبل و بعد از قتل عام، یکهزار شبه‌نظامی را که لباس مخصوص حزب کتائب پوشیده بودند، در نزدیکی اردوگاه‌ها دیده‌اند. محل استقرار آنها ثابت می‌کند که از ناحیه خطوط اسرائیلیها در فرودگاه آمده بودند. گاردین خود در این زمینه نوشت: کسانی که دیده‌اند مواضع اسرائیلیها در روز جمعه ۱۷/۹/۱۳۹۱، کمتر از یکچهارم مایل با اردوگاه فاصله داشت، نمی‌توانند باور کنند که اینان - اسرائیلیها - درباره کشتار نه چیزی دیده‌اند و نه شنیده‌اند. اسرائیلیها دو مرکز فرماندهی در پشت‌بام دو ساختمان مرتفع کاملاً مشرف بر اردوگاه ایجاد کرده و حتماً کار افراد مسلح را ناظر و شاهد بودند، بویژه که مهاجمین بیشتر مهمات خود را در ساعات روز به اتمام رسانده و اسرائیلیها ناگزیر فریاد انسانهای در حال مرگ را شنیده‌اند.

روزنامه تایمز در مورد تکذیب اسرائیل نوشت: اسرائیلیها بر مناطق پیرامون دو اردوگاه کاملاً مسلط بودند و آنها به این بهانه وارد بیروت غربی شدند که نیروهایشان مانع هر گونه قتل و خونریزی در بیروت غربی خواهند شد. و نیز روشن است که جنایتکاران، تعدادی افراد مسلح منزوی نبودند. چه حجم عملیات و بولدوزرهای بکار گرفته شده، حکایت از وجود سازماندهی و حضور داشتن یک یا چند واحد، می‌کند و نمی‌توان باور کرد که گروهی با این تعداد زیاد توانسته باشند بدون اطلاع نیروهای اسرائیلی مسلط بر منطقه، به اردوگاه‌ها، رخنه کرده باشند.

تلویزیون اسرائیلی یک گزارش مصور پخش کرد که نشان می‌داد یک نیروی نظامی مشترک متشکل از عناصر کتائب و سربازان سعد حداد (۸۰۰ نفر) پیش روی نیروهای اسرائیلی در حال ورود به

اردوگاهها هستند.

خبرنگاران از رافائیل ایتان رئیس ستاد ارتش اسرائیل سؤال کردند که چرا ارتش دفاعی اسرائیل به افراد کتائب اجازه ورود به اردوگاه را داد؟ و او پاسخ گفت: ما به کتائب فرمان نمی‌دهیم و مسؤول آنها نیستیم. آنها لبنانی هستند و هرطور که دلشان بخواهد، حق دارند در لبنان عمل کنند. روز بعد، روزنامه دیلی تلگراف متن بیانیه‌ای را که از فرستنده رادیوی ارتش دفاعی اسرائیل، در دوازده دقیقه بعد از نیمه شب جمعه پخش و توسط بخش شنود در رادیو بی.بی.سی روی نوار ضبط شده بود، چاپ کرد. بیانیه می‌گفت: «ارتش دفاعی اسرائیل، امشب در اردوگاههای صبرا و شاتیلا عملیات پاکسازی ندارد. تصمیم گرفته شده که عملیات پاکسازی به عهده نیروهای کتائب گذاشته شود.» گوینده رادیو اضافه کرد: ارتش اسرائیل، اکنون بیروت غربی را کاملاً احاطه کرده و نیروهایش بر تقاطع خیابانها و راههای اصلی مسلطند و باقی‌مانده است عملیات «پاکسازی» خانه‌های موجود در منطقه که آنها همان‌طور که گفتیم، انجام این مأموریت به عهده نیروهای کتائب گذاشته شده است.»

این روزنامه در تفسیر بیانیه مذکور نوشت: «بدین گونه روشن می‌شود که ارتش اسرائیل به کتائب دستور داده عملیات «پاکسازی» انجام دهند و نه اینکه فلسطینیهای باقی‌مانده را بازداشت کنند. همچنین روشن است که منطقه مذکور کوچک بوده و اسرائیلیها به‌طور کامل بر همه راهها مسلط بودند و دشوار است باور کنیم آنها نفهمیدند که پاکسازی تبدیل به کشتاری هولناک شده است. بعلاوه مضمون این بیانیه با ادعای روز یکشنبه ایتان که گفته بود، «ما به کتائب دستور نمی‌دهیم، ما مسؤول آنها نیستیم، مغایرت دارد.»

همین روزنامه از قول روزنامه‌نگار روزنامه اسرائیلی یدیعوت

اھارائوت گزارش داد که کابینه اسرائیل در جلسه ویژه پنجشنبه شب ۱۹۸۲/۹/۱۶ به اتفاق آراء، اعزام نیروهای کتائب به اردوگاههای فلسطینی را تصویب کرد. چهارشنبه ۱۹۸۲/۹/۲۲، شارون اعتراف کرد که با ورود کتائب به اردوگاهها برای بازداشت باقیمانده تروریستها بدون متعرض زنان و کودکان شدن، موافقت کرده بود. وی در توجیه موافقت خود گفت که میخواست از قربانی شدن بیشتر نیروهای دفاعی اسرائیل، جلوگیری کرده باشد. شارون اعتراف کرد که ارتش اسرائیل در تهیه طرح عملیات و کمک رسانی، مشارکت داشته و افزود میان افسران اسرائیلی و کتائبی چند جلسه هماهنگی تشکیل شده و نیروهای اسرائیلی برای کمک به پیشروی کتائب به داخل اردوگاهها، گلوله های منور شلیک کردند. شارون گله کرد که چرا کتائب حاضر نشده درباره آنچه رخ داد، گزارشی به وی تقدیم کند.

روز بعد، خبرنگار نظامی روزنامه اسرائیلی جرزالم پست تأکید کرد که به چشم خود تلگرامی را دیده که در ساعت ۲۳ پنجشنبه ۱۹۸۲/۹/۱۶ از مقر نیروهای کتائب در شاتیلابه مقر فرماندهی نیروهای اسرائیلی در بیروت شرقی، مخابره شده است. در این تلگرام گفته شده بود: «تاکنون... غیرنظامی و تروریست را کشته ایم». این خبرنگار اضافه کرد که تلگرام مذکور بلافاصله تکثیر و برای ۲ افسر مسؤول در ستاد فرماندهی ارتش اسرائیل و یک نسخه برای تل آویو نیز فرستاده شد. روزنامه های خارجی، گزارش «زئیف شیف» خبرنگار روزنامه اسرائیلی هائارتز را عیناً در صفحات خود منعکس کردند. این خبرنگار در گزارش خود نوشته بود که خبر قتل عام را با مداد جمعه شنید و آن را به اطلاع «زیبوری» وزیر ارتباطات اسرائیل رساند و اینهم به نوبه خود اسحق شامیر وزیر خارجه اسرائیل را در جریان امر گذاشت. اما شامیر، دریافت هرگونه خبری درباره قتل عام را در صبح جمعه،

تکذیب کرد. ولی بعد حرف خود را پس گرفت و گفت اطلاعاتی در این زمینه به من رسید و تحقیق کردم، دیدم که شایعاتی دروغین بوده است.

سرگرد سعد حداد در مصاحبه‌ای گفت که روز جمعه ۱۷/۹/۱۹۸۲ در فرودگاه بیروت بوده و یک‌هلی‌کوپتر اسرائیلی او را آورده بود تا برود و کشته شدن بشیر جمیل را تسلیت بگوید. سعد حداد افزود: شاید تعدادی از افراد من باشند که با نیروهای دیگر در بیروت کار می‌کنند. اما تأکید کرد که نیروهایش بدون هماهنگی با ارتش اسرائیل، هیچ اقدامی نمی‌کنند و هر گامی که برداشته می‌شود، قبلاً باید با نیروهای اسرائیلی هماهنگ کرد.

«دکتر پل موریس» پزشک بیمارستان غزه، به عنوان شاهد در برابر کمیسیون اسرائیلی تحقیق در قتل عام صبرا و شاتیلا، گفت که چند سرباز اسرائیلی برای وی تأکید کردند که افراد سعد حداد در قتل-عام شرکت داشتند.

روزنامه‌های واشنگتن پست و نیویورک تایمز به امین جمیل که در مقام ریاست جمهوری جانشین برادرش بشیر جمیل شده، نسبت دادند که در خلال تعطیلات هفته به یک دیپلمات امریکایی گفته است که تعدادی از نیروهای کتائب به هنگام وقوع کشتار در اردوگاه شاتیلا بوده‌اند. شارون در برابر اعضای کمیسیون تحقیق ادعا کرد که سربازان اسرائیلی، چیزی ندیده‌اند و فقط صدای شلیک چند گلوله را در داخل اردوگاه شنیده و گمان برده بودند که تیراندازی از سوی افراد مقاومت مسلحانه در داخل اردوگاه بوده و به محض اطلاع از وقوع کشتار، برای پایان دادن به درگیری دخالت کردند. وی عکسهایی به کمیسیون نشان داد که ثابت می‌کند سربازان اسرائیلی از مواضع مشرف خود بر اردوگاه‌ها، نمی‌توانند چیزی را ببینند. اما همه خبرنگاران کذب ادعای

وی را ثابت کردند. از جمله خبرنگار روزنامه اسرائیلی جرزالم پست که بلافاصله بعد از کشتار به اردوگاه رفته بود، گزارش داد که وضعیت اجساد در داخل خانه ها و در کنار دیوارها و سوراخهای بوجود آمده روی دیوار پشت سربانیان ثابت می کند که آنها در حال جنگیدن نمرده اند. یک افسر اسرائیلی اقرار کرد: سربازان تحت فرمان او که مراقب اردوگاه بودند، عملیات قتل را شاهد بوده و صبح جمعه اجساد پراکنده شده در کوچه ها را دیده اند. اما وی ادعا کرد که بلافاصله با مسئول کتائب در منطقه تماس گرفت و از وی خواست که جنگ در صبرا و شاتیل متوقف شود. و افزود که ارتش اسرائیل جمعه شب مانع ورود نیروهای تازه نفس کتائب به اردوگاهها شد. اما خبرنگار جرزالم پست و فرستاده نظامی تلویزیون اسرائیل تأکید کردند که روز جمعه یک واحد از نیروهای مجهز به تانک کتائب و نفربرهای زرهی و توپهای مورترا، در باند فرودگاه وجود داشته و بخشی از این نیرو جمعه شب وارد اردوگاهها شد. خبرنگار تلویزیون گفت که افسران اسرائیلی تنها در بامداد شنبه بود که از نیروهای کتائب خواستند که تیراندازی در داخل اردوگاه متوقف شود. وی افزود که رئیس کتائب در پاسخ گفت که دیگر نمی تواند سربازان خود را کنترل کند. خبرنگاران که در طول ساعات روز جمعه ۱۳۶۱/۹/۱۷ در مدخل اردوگاه حضور داشتند، چندین روایت بازگو کرده که کلاً ثابت می کند نیروهای اسرائیلی علاوه بر اطلاع داشتن از قتل عام در عملیات نیز شرکت داشته اند.

مثلاً خبرنگار مجله نیوزویک گفت که با شنیدن صدای تیراندازی از داخل اردوگاه، از یک فرد مسلح سؤال کرده است که جریان چیست؟ و او پاسخ داده بود که: «داریم سرشان را می بریم.» خبرنگار دیگری گفت که چند زن اردوگاه را دیده است که داشتند به یک افسر

اسرائیلی التماس می کردند که نگذارد افراد مسلح کودکان و همسران آنان را سر ببرند و افسر مذکور پاسخ می داد که ما حق دخالت در امور داخلی لبنان را نداریم!

چند خبرنگار گفتند که سربازان اسرائیلی روز جمعه به این بهانه که «نبرد هنوز ادامه دارد» مانع ورود آنان به اردوگاه شدند. خبرنگار مجله تایم گفت که صدای رگبار مسلسل و انفجار بمبها را شنیده و روشن بود که تیراندازی فقط از یک طرف است و در همان حال، سربازان اسرائیلی در مدخل اردوگاه «لم» داده و بنظر می رسید که نگران چیزی نیستند.

روزنامه نیویورک تایمز نوشت که نیروهای اسرائیلی مأموریت دادن آب و غذا به شبه نظامیان را که برای استراحت از اردوگاه خارج می شدند، بعهدہ داشتند. ارتش اسرائیل بعلاوه گلوله های منور شلیک می کرد تا اردوگاهها برای افراد مسلح روشن باشد. میانگین شلیک دوگلوله در هر دقیقه بود. خبرنگاران همچنین اضافه کردند که بولدوزرها و کامیونها پیش روی سربازان اسرائیلی، اجساد قربانیان را برای دفن در خارج اردوگاه، حمل می کردند.

اعترافات:

در مقابل این سیل مدارک و اسناد و شواهد، شارون سرانجام اعتراف کرد که کابینه اسرائیل از سه ماه پیش در پانزدهم ژوئن ۱۹۸۲ با شرکت نیروهای کتائب در جنگ در کنار نیروهای اسرائیلی موافقت کرده بود و کابینه در جلسات بعدی این تصمیم را تأیید کرد. شارون همچنین اعتراف کرد که موضوع را با فرستاده امریکا موریس دراپر در میان گذاشته و آن را مورد بحث قرار داده است. شارون گفت: روز ۱۵/۹/۱۹۸۲ وی با رافائل ایتان رئیس ستاد ارتش اسرائیل توافق

کرد که نیروهای کتائب را وارد اردوگاهها کنند تا آنها را از لوٹ وجود ... ۲۰۰۰ رزمندۀ فلسطینی پاکسازی کنند. وکابینه اسرائیل در جلسه شبانه مورخ ۱۶/۹/۱۹۸۲ خود این تصمیم را تصویب کرد. «اسیردروری» فرمانده نیروهای اسرائیلی در لبنان اعتراف کرد که شارون وزیر دفاع بامداد چهارشنبه ۱۵/۹/۱۹۸۲ با فرماندهان نیروهای کتائب ملاقات کرد. در این ملاقات ورود کتائب به داخل اردوگاهها، مورد توافق قرار گرفت. وی افزود: در جلسات بعدی میان «اموس یارون» فرمانده نیروهای اسرائیلی در بیروت و فرماندهان کتائب توافق شد که نیروهای اسرائیلی روشن کردن اردوگاهها و پوشاندن عملیات را با اقدام به گلوله بارانهای شدید، بعهده بگیرند. همچنین توافق شد که یک افسر رابط اسرائیلی (از دستگاه ضد اطلاعات) در مقر فرماندهی کتائب و یک افسر رابط کتائبی در مقر فرماندهی اموس یارون که مشرف به اردوگاهها بود، مستقر شوند. دروری همچنین اعتراف کرد که در ساعت ۳/۱۶ بعد از ظهر جمعه ۱۷/۹/۱۹۸۲ در جلسه دیگری با حضور رافائل ایتان رئیس ستاد ارتش و تنی چند از مسؤولان کتائب و فرمانده عملیات اردوگاهها، شرکت داشته است. دروری اضافه می کند که ایتان از فرمانده عملیات خواست که جنگ را در اردوگاهها متوقف کند. ولی برای ترک آنها، تا بامداد شنبه به او مهلت داد. «زیرا دلیلی برای عجله کردن وجود نداشت». دروری افزود که مسؤولان کتائب در این جلسه گفتند که امریکاییها نیز از آنان خواسته اند که اردوگاهها را ترک کنند.

گرابونسکی فرمانده یکی از تانکهای که اردوگاهها را در محاصره خود داشتند، اعتراف کرد که بین ساعت ۸ تا ۹ بامداد جمعه ۱۷/۹/۱۹۸۲، به اتفاق خدمه تانکش، افراد مسلح را دیده اند که پنج زن و کودک را بقتل می رسانند. و او جریان را برای فرمانده تیپ

خود تعریف کرده و این پاسخ را شنیده که: «ما این را می‌دانیم». فرمانده تیپ سپس به او دستور داده که دخالتی نکند. گرابونسکی اضافه می‌کند: ظهر جمعه یکی از افراد مسلح به تانک نزدیک شد و یک جمعی تانک از او پرسید که چرا غیر نظامیان را می‌کشید و او پاسخ داده بود: «زنان باردار تروریست می‌زایند. کودکان وقتی بزرگ می‌شوند، تروریست می‌شوند». «اموس یارون» فرمانده نیروهای اسرائیلی در بیروت غربی اعتراف کرد که پنجشنبه شب در ساعت ۲۳ تلگرافی از فرمانده عملیات اردوگاه دریافت کرده که در آن می‌گوید: «تاکنون ۳۰۰ غیر نظامی و تروریست را کشته‌ایم». وی افزود که اجازه داده است نیروهای تازه نفس وارد اردوگاه‌ها شوند و سلاح و مهمات اضافی در اختیار افراد مسلح گذاشته است.

این امر، در پی جلسه‌ای صورت گرفت که در ساعت ۱۶/۳ بعد از ظهر جمعه ۱۹۸۲/۹/۱۷ با شرکت ایتان و دروری منعقد شده و طی آن ایتان انجام ممتاز مأموریت را به فرماندهان کتائب تبریک گفته و به آنان اجازه داد که به مأموریت خود تا بامداد شنبه ادامه دهند. ایتان همچنین موافقت کرد که یک بولدوزر به آنها بدهد تا «ساختمانهای غیرقانونی داخل اردوگاه‌ها را خراب کنند». بدین گونه قتل عام تقریباً ۴ ساعت ادامه یافت و کشتار تا بامداد شب ۱۸/۹/۱۹۸۲ متوقف نشد. قاتلان بتدریج از اردوگاه‌ها خارج شدند.

اریل شارون وزیر دفاع اسرائیل با خونسردی کامل اعلام کرد که نیروهای اسرائیلی برای کشتن دوهزار رزمنده فلسطینی که مدعی شد بعد از خروج نیروهای سازمان آزادیبخش فلسطین هنوز در پایتخت مانده‌اند، وارد بیروت غربی شدند. وی با شوق و شغف ادامه داد که این مأموریت به عهده شبه نظامیان کتائب گذاشته شد. مجرم به همدستی جنایی در قتل عمد اعتراف کرد و این جنایتی است علیه

نه یک نفر که دوهزار انسان... جنایتی که در همه قوانین مجازاتهای سختی برای عاملان آن، تعیین شده است، خواه مجرم در ارتکاب جنایت، از دست خود استفاده کرده باشد و یا از سگهای هار خود. او که عملاً و دست کم دوبرابر این رقم را بقتل رسانده است. کسانی که شکنجه شدند و با گلوله و بمب و تبر بقتل رسیدند و عمرشان از یک ماهه تا نودساله بود، زن و مرد و کودک و افراد سالخورده و حتی حیوانات، همه گناهشان این بود که ساکن اردوگاههای صبرا و شاتیلا بودند. بیشتر ساکنان جدید نیز از روستاهای جنوب و یا اردوگاههای دیگر آمده بودند، چرا که خانه‌های آنان در جریان تهاجم وحشیانه اسرائیل ویران شده بود. بعضی دیگر از کشورهای عربی برادر در جستجوی کار و نان به لبنان آمده و به هنگام جنگ در بیروت گیر افتاده و جایی جز این دو اردوگاه پیدا نکرده بودند... اگر جای دیگری می‌یافتند بی‌تردید آنجا را به این آلودگی‌های ویران شده و دارای نام اردوگاههای صبرا و شاتیلا ترجیح می‌دادند... صبرا و شاتیلا که در بمبارانهای جنون‌آمیز به مدت سه ماه پیاپی انواع بمبهای مخرب را به خود دید.

نه تروریست بودند، نه رزمنده. رزمندگان از بیروت خارج شده بودند... انسانهایی بودند پاک‌سرشت که مقاومت و تحمل کردند و از خداوند خواستند که لبنان و فلسطین را یاری دهد. تشنه آرامش بودند تا هر آنچه را ویران شده بود، دوباره بسازند... و پاداش آنها سربردن بود. بیش از چهارهزار قربانی... هر کدامشان قصه‌ای داشت... بعضیها، بسیار کوتاه... در جریان محاصره بیروت متولد شده و پیش از آنکه صداهای و رنگها را تشخیص دهند، در حین مکیدن ماده حیات بخش مادر شیرسربریده شدند... قصه‌های دیگر بسیار طولانی بود... در اواخر قرن گذشته، در فلسطین متولد شده، بارها مجبور به هجرت شده،

فرزندان و نوه‌های خود را که در راه بازگشت به فلسطین بشهادت رسیدند، دفن کرده بودند... خاطرات خود را بردوش گرفته بودند... یکیشان در حین قتل عام کوشیده بود که از اردوگاه خارج شود... دوربینهای فیلمبرداران با او آشنا شده، زنده و نیز سر از تن جدا شده او را به تصویر کشیده بودند.

این برخواننده است که قصه‌ها و جزئیات را در ذهن خود مجسم کند... برخواننده است که جمله‌ای از قبیل «حدود یک هزار غیرنظامی در بیمارستان بودند، وقتی برگشتیم، آنها را برده و کشته بودند» را در ذهن خود مجسم کند... یک هزار فقط در یک جمله... برخواننده است که این جمله را هزار بار بخواند، زیرا این جمله کوچک، هزارانسان... هزار قصه... هزار تراژدی معنی می‌دهد.

در تاریخ معاصر فلسطین، این «نخستین» قتل عام نبوده... و وظیفه ماست که بگذاریم «آخرین» باشد. در این جهان و در میهن عربی و اسلامی و حتی در داخل جامعه صهیونیستی، هر کس خبر این قتل عام را شنید، وجدانش تکان خورد.

برماست که به بازگو کردن آن ادامه دهیم و از آن زخمی بسازیم در وجدان جهان و نه صرفاً یک واقعه تاریخی.

برماست که خبر آن را به گوش هر کس که هنوز نشنیده است، برسانیم و به آنها که شنیده‌اند، یادآوری کنیم و تمام کسانی را که برای محکوم کردن عاملان آن حرکت کردند. حول آن مجتمع کنیم.

برماست، یهودیانی را که آن را محکوم کردند، بسیج کنیم، بخصوص یهودیانی را که برای محکوم کردن جنایتکاران به خیابانها آمده و تظاهراتی برگزار کردند.

برماست که افکار عمومی غرب بویژه در امریکا را متوجه آنچه گذشت، کنیم و لزوم مجازات جنایتکاران را به آنان تفهیم کنیم.

...و قبل از هر چیز برماست که خبر قتل عام را به گوش هر زن و مرد عرب و مسلمان برسانیم و همتها و غیرتها را به دادخواهی و فریاد رسی بخوانیم و به تشکل صفها دعوت کنیم تا از جنایاتی که علیه امت عربی-اسلامی ما مرتکب می‌شوشند و جنایات تازه‌ای که تدارک آن را می‌بینند، جلوگیری کنیم. به افشای قاتلان ادامه دهیم... مهرجنایت را بر پیشانی رهبران موجودیت صهیونیستی و آنها که سلاح و پول در اختیارشان گذاشتند و آنها که در ارتکاب این قتل عام وحشیانه شریک جرم بوده‌اند، بگوییم.

...و از آنها که حکم برائت می‌خواهند، بخواهیم بیایند و بیگناهی خود را ثابت کنند و در مجازات قاتلان سهم شوند و قولاً و عملاً، در کمک به صاحبان حق، کمک به خلق فلسطین در زندگی شرافتمندانه در وطن مستقل خویش - فلسطین - مشارکت کنند.

...به آنها که وجدان بیداری دارند... به آنها که برای زندگی یک فرد مثل زندگی تمام بشریت، احترام قائلند، این گزارش را تقدیم می‌کنم.

چه کسانی تروریست هستند؟

حقایق در باره ترور صهیونیستی و اسرائیلی

گود آوری:

مؤسسه مطالعات فلسطینی (بیردت)
کمیته اطلاعاتی زنان عرب (بیردت)

مطلبی که در پیش روی دارید، یک بررسی جامع نمی‌باشد، و یک چنین ادعایی نیز ندارد. اصراری نیز در تحیل، ارزیابی و قضاوت درباره آن نمی‌رود. تنها ثبت وقایع و اظهاراتی است که شاهدان عینی در رابطه با فعالیتهای تروریستی صهیونیستی و اسرائیلی در نبرد فلسطین - اسرائیل بیان داشته‌اند. مرجع تمام این حوادث و وقایع، یا منابع صهیونیستی و غربی است و یا منابع سازمان ملل-متحد. بنابراین تمامی عملیاتی که توسط واحدهای منظم نظامی علیه هدفهای نظامی (یعنی استفاده از بمبهای ناپالم توسط نیروهای اسرائیل در سراسر جبهه‌های جنگ ۱۹۶۷) صورت گرفته، مشمول این بررسی نمی‌شود.

گروههای تروریستی اسرائیلیها

۱۱۳۱

ارتش رسمی زیرزمینی آژانس یهود که در اوایل دهه ۱۹۲۰ تأسیس شد و پس از اعلام موجودیت دولت اسرائیل، ارتش رسمی اسرائیل گردید.

پالماخ

نیروی ضربتی متحرک هاگانا، که در ۱۹۴۸ توسط ایگال آلون، معاون نخست وزیر از سال ۱۹۶۷ به بعد، رهبری می شد.

ایرگون

گروهی که در اوسط دهه ۱۹۳۰ از هاگانا منشعب شد و در دهه ۱۹۴۰ توسط مناخیم بگین عضوکنست و رهبر حزب هروت رهبری می شد. مناخیم بگین از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ عضویت کابینه اسرائیل را نیز بعهدہ داشت.

گروه اشترن

گروهی که در اواخر دهه ۱۹۳۰ از ایرگون جدا شد، و پس از رهبرش آبراهام اشترن، به این نام معروف گردید.

تاکتیکهای تروریستی که توسط صهیونیستها در برخورد های فلسطین-اسرائیل بکار گرفته شده است:

نوع تاکتیک			تاریخ اولین کاربرد مکان کاربرد هدفهای مورد نظر	
ترور سیاسی اعضای جامعه یهود			ژوئیه ۱۹۳۳	تل آویو یهودیان
بمب گذاری در کافه ها			۱۷ مارس ۱۹۳۷	یافا اعراب فلسطینی
بمب گذاری در اتوبوسها			۲۰ اوت، ۲۶ سپتامبر ۱۹۳۷	یافا اعراب فلسطینی
بمب گذاری در بازارها انفجار کشتیها همراه با مسافران			۶ ژوئیه ۱۹۳۸	حیفا اعراب فلسطینی
بمب گذاری در ادارات غیر نظامی دولت			۲۵ نوامبر ۱۹۴۰	حیفا یهودیان
ترور سیاسی (خارج از فلسطین)			۱۲ فوریه ۱۹۴۴	تل آویو یهودیان، اعراب فلسطینی و انگلیسیها
گروگانگیری نظامی بمب گذاری در هتلها			۶ نوامبر ۱۹۴۴	قاهره انگلیسیها
			۱۸ ژوئن ۱۹۴۶	تل آویو انگلیسیها
			۲۲ ژوئیه ۱۹۴۶	بیت المقدس یهودیان، اعراب فلسطینی و انگلیسیها
غار ت مسلحانه بانک			۱۳ سپتامبر ۱۹۴۶	تل آویو یهودیان، اعراب فلسطینی و انگلیسیها
بمب گذاری در سفارتخانه های خارجی (خارج از فلسطین)			اول اکتبر ۱۹۴۶	رم انگلیسیها
مین گذاری زیر آمبولانسها شلاق زدن گروگانها در ملا عام			۳۱ اکتبر ۱۹۴۶	بتاح نکفا انگلیسیها
			۲۹ دسامبر ۱۹۴۶	تل آویو انگلیسیها
گروگانگیری غیر نظامی			۲۷ ژانویه ۱۹۴۷	بیت المقدس انگلیسیها

انفجار بانکها	۲۸ فوریه ۱۹۴۷	حيفا	یهودیان، اعراب فلسطینی و انگلیسیها
ارسال پاکت‌های حاوی بمب (خارج از فلسطین)	ژوئن ۱۹۴۷	لندن	انگلیسیها
قتل گروگانها	۱۲ ژوئن ۱۹۴۷	تل آویو	انگلیسیها
انفجار خانه‌های دهات با ساکنان آن بوسیله دینامیت	۱۹ دسامبر ۱۹۴۷	بخش صفد	اعراب فلسطینی
پرتاب خمپاره به روی محل‌های شهری	۲۰ فوریه ۱۹۴۸	حيفا	اعراب فلسطینی
انفجار بلوک‌های آپارتمانی با ساکنان آن	۳ مارس ۱۹۴۸	حيفا	اعراب فلسطینی
جنگ فیزیولوژی برای تشویق مهاجرت	فوریه - مه ۱۹۴۸	در سراسر فلسطین	اعراب فلسطینی
قتل عام حساب شده زنان و کودکان	۹ آوریل ۱۹۴۸	دیر یاسین	اعراب فلسطینی
چپاول شهرها	۳۰ آوریل، ۱۰ مه ۱۹۴۸	یافا	اعراب فلسطینی
ارسال کتاب‌های حاوی بمب (خارج از فلسطین)	۳ مه ۱۹۴۸	انگلستان	انگلیسیها
ترور مأموران سازمان ملل	۱۷ سپتامبر ۱۹۴۸	بیت المقدس	سوئدیها
اخراج دست‌جمعی شهروندان یهود از دهکده‌ها	۵ نوامبر ۱۹۴۸	اقرت، الجلیل	اعراب فلسطینی
مصادره جمعی اموال پناهندگان و اشخاص غایب	از ۱۹۴۸	فلسطین اشغال‌شده	اعراب فلسطینی
ایجاد تشنج ساختگی بین جوامع یهود و کشورهای عرب	از ۱۹۴۸	کشورهای عرب	یهودیان شرقی

نابودی کامل دهکده‌های شهروندان خودشان کشتار جمعی غیرنظامیان در حملات توپخانه‌ای به دهکده‌های اطراف مرز حمله به اردوی پناهندگان با بمبهای دستی انفجار عمدی مدارس اطراف مرز بمب‌گذاری اموال غربی در کشورهای عرب اعدام دستجمعی شهروندان غیرنظامی خودی در طی حکومت نظامی کشتار جمعی غیرنظامیان هنگام اشغال سرزمینها بمب‌گذاری در هواپیما- های خصوصی با مسافران آن استفاده از بمب ناپالم در بمباران بیمارستانها وحشی‌گری علیه اسیران نظامی جنگ آتش‌گشودن بسوی ستونهای پناهندگان تبعید رهبران جوامع بمباران هوایی اردوگاههای پناهندگی بمباران شهرها توسط	۴ فوریه ۱۹۴۹	جليله- (فلسطین اشغالی)	اعراب فلسطینی
۱۱ ژانویه ۱۹۵۲	بیت جالا	اعراب فلسطینی	
۲۸ اوت ۱۹۵۳	نوار غزه	اعراب فلسطینی	
۱۵ اکتبر ۱۹۵۳	قبیه	اعراب فلسطینی	
۱۹۵۴	مصر	کنسولگریهای امریکا و انگلستان	
۲۹ اکتبر ۱۹۵۶	کفر قاسم (فلسطین- اشغالشده)	اعراب فلسطینی	
۳ نوامبر ۱۹۵۶	غزه	اعراب فلسطینی	
۶ ژوئن ۱۹۶۷	آلمان	اتباع آلمانی	
۶ ژوئن ۱۹۶۷	بیت المقدس	اعراب فلسطینی	
۶-۱۰ ژوئن ۱۹۶۷	صحرای سینا	مصریها	
۱۲ ژوئن ۱۹۶۷	ساحل غربی رود اردن	اعراب فلسطینی	
از ژوئن ۱۹۶۷	کرانه باختری رود اردن	اعراب فلسطینی	
۱۵ فوریه ۱۹۶۸	دره ااران	اعراب فلسطینی	

بمبهای ناپالم	۴ اوت ۱۹۶۸	ساحل شرقی - اعراب فلسطینی رود اردن و اردنی ها
نابود کردن خرمنها توسط موادشیمیایی	۲۸ آوریل ۱۹۷۲	عقربه (ساحل - اعراب فلسطینی غربی)
ترور بوسیله بمب گذاری در اتومبیلها بازداشت و گروگانگیری زنان و کودکان و اقوام اشخاص مورد سوءظن در اردوگاههای پر جمعیت و متمرکز	۸ ژوئیه ۱۹۷۲	بیروت اعراب فلسطینی صحرای سینا اعراب فلسطینی

فصل اول

عملیات تروریستی تا سال ۱۹۴۲

الف: ترور اعراب

۱- بمب گذاری در بازارها، کافه ها و خانه ها

۱۶ آوریل ۱۹۳۷: دو عرب ساکن یک کلبه نزدیک بتاح تکفا، توسط یهودیان با گلوله کشته شدند.^۱

۱۷ مارس ۱۹۳۷: چهار بمب به داخل کافه های عربی در یافا پرتاب شد، یک عرب کشته و ۱ نفر مجروح شدند.^۲

۶ ژوئیه ۱۹۳۸: پرتاب بمبی به داخل بازار حیفا ۸ نفر تلفات بجای گذاشت.^۳

۱۴ ژوئیه ۱۹۳۸: بمبی در بازار سبزی فروشان عرب منفجر شد که ۱۲ نفر را کشت و ۲۹ نفر را مجروح کرد.^۴

۱۷ ژوئیه ۱۹۳۸: سه عرب مقتول در تل آویو پیدا شدند. پلیس ۵ تجدیدنظر طلب صهیونیست را (از طرفداران جابوتینسکی) دستگیر کرد.^۵

۲۵ ژوئیه ۱۹۳۸: انفجار بمب در بازار سبزی فروشان عرب، باعث کشته شدن ۳۹ نفر و جراحت ۶۴ نفر از جمله زنان و بچه ها شد.^۶

۲۵ اوت ۱۹۳۸: انفجار بمب در بازار سبزی فروشی یافا، ۲۳ کشته و ۳۰ مجروح عرب بجای گذاشت.^۷

۲۷ قوریه ۱۹۳۹: انفجار بمبها در بازار حیفا و یافا، ۲۸ عرب

را کشت.^۸

۲ ژوئن ۱۹۳۹: گروه ایرگون با انفجار بازار هندوانه‌فروشان بیت‌المقدس، ۵ نفر را کشت و ۱۹ نفر را مجروح کرد.^۹

۱۹ ژوئن ۱۹۳۹: انفجار بمب در بازار عربی حیفاء، ۹ نفر را کشت و ۲۴ نفر را مجروح کرد.^{۱۰}

۳ ژوئیه ۱۹۳۹: بمبی به‌داخل کافه عربی در حیفاء پرتاب شد.^{۱۱}

۲ - حملات به اتوبوسهای عرب

۲۰ اوت، ۲۶ سپتامبر ۱۹۳۷: پرتاب بمب ۲ عرب را مجروح کرد. پرتاب بمب به‌داخل اتوبوسهای عرب ۹ زن را مجروح و یک نفر دیگر را کشت.^{۱۲}

۱۴ نوامبر ۱۹۳۷: یک اتوبوس عربی در محله یهودی به گلوله بسته شد و ۳ مسافر عرب، از جمله ۲ زن کشته شدند.^{۱۳}

۴ ژوئیه ۱۹۳۸: پرتاب بمب به‌سوی اتوبوس عربی در بیت‌المقدس ۵ نفر را کشته و ۷ نفر را مجروح کرد.^{۱۴}

۸ ژوئیه ۱۹۳۸: پرتاب بمب به‌داخل اتوبوس عربی بیت‌المقدس ۴ نفر را کشته و ۱۵ نفر را مجروح کرد.^{۱۵}

۲۹ ژوئیه ۱۹۳۹: شش حمله به اتوبوسهای عربی در جاده‌ای نزدیک تل‌آویو، رحوفوت و بتاح‌تکفا صورت گرفت، و در نتیجه ۱۱ نفر جان باختند.^{۱۶}

ب: ترور انگلیسها

۱ - ترور مقامات غیرنظامی بریتانیا

۸ اوت ۱۹۴۴: چندین تلاش برای ترور کمیسر عالی بریتانیا

توسط گروه ایرگون صورت گرفت، معروفترین تلاش علیه سرهارولد مک میشل صورت گرفت، که تقریباً در ۸ اوت ۱۹۶۴ موفق ازکار درآمد. یک تلاش حساب شده توسط تروریستهای یهودی برای ترور کمیسر عالی که همراه بانو مک میشل بوسیله ماشین بهسوی یافا می‌راند، صورت گرفت^{۱۷}.

۶ نوامبر ۱۹۴۴: مشهورترین مقام دولتی که توسط سازمانهای تروریستی صهیونیستی ترور شد، لرد موین وزیر مختار بریتانیا در خاورمیانه در زمان جنگ بود. «لرد موین...» در ۶ نوامبر ۱۹۴۴ توسط یک مرد مسلح ملبس به لباسهای اروپایی هنگام پیاده‌شدن از اتومبیل خود در بیرون اقامتگاه خصوصی‌اش در قاهره، اندکی پس از ساعت یک بعدازظهر ترور شد... ترورکنندگان اعتراف کردند که عضو سازمان جنگجویان آزادی اسرائیل (اشترن) هستند، و از فلسطین برای توجیه نقشه قتل لرد موین به قاهره اعزام شده‌اند^{۱۸}...

قتل لرد موین در قاهره شاید اولین نمونه استفاده از خشونت در رابطه با برخورد اعراب - اسرائیل در خارج از منطقه فلسطین باشد.

۲ - قتل پرسنل پلیس و نظامیان

۲۰ ژانویه ۱۹۴۲: انفجار یک بمب در تل‌آویو ۸ رئیس پلیس محلی را کشت^{۱۹}.

ژانویه ۱۹۴۲: دارودسته اشترن دو افسر امنیتی بریتانیایی را فریب داده و به یک محل ملاقات در تل‌آویو کشاندند. به هنگام ورود آن دو، انفجاری رخ داد و هر دو کشته شدند^{۲۰}.

۲۲ آوریل ۱۹۴۲: ترور بازرس کل پلیس و یکی از دستیارانش نافرجام ماند. گفته می‌شود که اشترن مسؤول ترور بود^{۲۱}.

۲۵ فوریه ۱۹۴۴: دو پلیس بریتانیایی توسط گروه ایرگون

توسط گلوله به قتل رسیدند.^{۲۲}

مارس، مه ۱۹۴۵: یک سری بمب گذاری و تیراندازی توسط گروه ایرگون، منجر به قتل تعداد زیادی پلیس یهودی و انگلیسی شد. از جمله اینها، قتل اسکات رئیس پلیس و ۵ پلیس دیگر در ۲۳ مارس بود.^{۲۳}

۲۹ سپتامبر ۱۹۴۶: افسر ارشد پلیس ترور شد.^{۲۴}

۲۸ سپتامبر ۱۹۴۵: پاسبان پلیس بسختی در تل آویو مجروح شد.^{۲۵}

۸ - ۹ سپتامبر ۱۹۴۶: افسر پلیس امنیتی منطقه یافا به هنگام انفجار خانه اش توسط یهودیان، کشته شد.^{۲۶}

۳۰ سپتامبر ۱۹۴۶: گروه بان ارتش بریتانیا به هنگام رانندگی با موتورسیکلت خود در جاده لد - بتاح تکفا توسط گلوله کشته شد.^{۲۷}
۶ اکتبر ۱۹۴۶: دو پلیس، طی یک شبیخون شبانه در بیت المقدس به قتل رسیدند.^{۲۸}

۱۹ ژوئیه ۱۹۴۷: یک پلیس بریتانیایی به قتل رسید.^{۲۹} و یک پلیس دیگر توسط دارودسته ایرگون در حیفا بسختی مجروح شد.^{۳۰}

۲۶ سپتامبر ۱۹۴۷: تروریستها (که گفته می شود اعضای ایرگون بوده اند) مقدار ۱۸۰،۰۰۰ پوند از اتوموبیل زرهی پلیس ربوده و چهار پاسبان انگلیسی را کشتند.^{۳۱}

۲۹ سپتامبر ۱۹۴۷: بر اثر انفجاراتی که توسط اعضای ایرگون در حیفا صورت گرفت، ۱۰ پلیس بریتانیایی و عرب کشته و ۳۵ نفر دیگر مجروح شدند.^{۳۲}

۳ - حمله به تأسیسات پلیس و ارتش

۲۲ اوت ۱۹۴۴: ساختمانهای پلیس در یافا و تل آویو مورد

- حمله قرار گرفت و چند افسر پلیس کشته شدند.^{۳۳}
- ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۴: حملات اعضای ایرگون به ۴ ایستگاه پلیس، به پلیس و غیرنظامیان تلفاتی وارد کرد.^{۳۴}
- ۲۸ دسامبر ۱۹۴۵: حمله به مراکز و ایستگاههای پلیس در بیت المقدس، یافا و یک پادگان نظامی در تل آویو به مرگ یک افسر پلیس انگلیسی، ۲ پاسبان انگلیسی، یک سرباز انگلیسی و ۴ سرباز عرب و یک پلیس عرب دیگر منجر شد.^{۳۵}
- ژانویه - آوریل ۱۹۴۶: چندین حمله تروریستی منجر به وارد آمدن صدمات عظیم به اموال شد و تلفاتی انسانی بیار آورد.^{۳۶}
- ۲۵ آوریل ۱۹۴۶: اعضای گروه اشترن ساکن تل آویو مسلح به سلاحهای اتوماتیک و بمبهای ضد نفر وارد پارکینگ نظامی انگلیسیها شده و ۷ سرباز انگلیسی را کشتند. دو نفر از سربازان در حال خواب به قتل رسیدند.^{۳۷}
- ۲۴ اکتبر ۱۹۴۷: سه انفجار در مرکز بیت المقدس، نزدیک پستهای نظامی در اطراف منطقه یهودی رخ داد. ۸ سرباز انگلیسی و ۳ غیر نظامی مجروح شدند.^{۳۸}
- اول مارس ۱۹۴۸: گروه ایرگون باشگاه افسران «گلداسمیت» را در بیت المقدس منفجر کرده و در این انفجار ۱۳ نفر کشته و ۱۶ نفر زخمی شدند.^{۳۹}
- ۱۳ مارس ۱۹۴۷: گروه ایرگون ساختمان شنلر در بیت المقدس را که محل مراکز ارتش بریتانیا بود با خاک یکسان کرد.^{۴۰}
- ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۷: مراکز پلیس مرکزی در حیفا منفجر شد، ۱ نفر کشته، ۴۵ نفر مجروح و ساختمانها بکلی ویران گردید.^{۴۱}

۴- گروهانگیری غیرنظامیان انگلیسی

هنگامی که اعضای سازمانهای تروریستی صهیونیست توسط

مقامات بریتانیایی دستگیر شدند و به جرم جنایت محکوم گردیدند، سازمانهای مذکور با توسل به گروگانگیری نظامیان بریتانیایی و مقامات غیرنظامی، تهدید کردند که در صورت آزاد نشدن محکوم شدگان، گروگانها را خواهند کشت.

در ۲۷ ژانویه ۱۹۴۷، «وندهام» قاضی انگلیسی در رابطه با حکم اعدام «دوف گرونر»، یکی از اعضای ایرگون، ربوده شد. گرونر به هنگام دست زدن به یک حمله تروریستی دستگیر شده بود. تنها وقتی قاضی را رها کردند که افسر فرمانده در فلسطین به گرونر حق داد تا در مورد حکمش از هیأت مشورتی سلطنتی بریتانیا، درخواست پژوهش و تجدید نظر کند.^{۴۲}

۵- گروگانگیری نظامیان انگلیسی

۲۹ ژوئن ۱۹۴۶: بریتانیاییها برای تروریستهای دستگیر شده کم سن و سال یهودی حکم شلاق زدن صادر کردند.^{۴۳} در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۶ این حکم در مورد یک تروریست ایرگون اجرا شد.^{۴۴} در ۲۹ دسامبر ۱۹۴۶،^{۴۵} سه افسر انگلیسی که قبلاً توسط گروه ایرگون ربوده شده و به گروگان گرفته شده بودند،^{۴۶} در ملاعام در یکی از میدانهای تل آویو شلاق خوردند.^{۴۷}

۶- ارسال پاکتها و نامه های حاوی بمب برای مقامات انگلیسی

اول اکتبر ۱۹۴۶: سفارت انگلستان در رم در اثر انفجار بمب سخت ویران شد. گروه ایرگون مسئولیت انفجار را بعهده گرفت.^{۴۸} سازمانهای تروریستی صهیونیست ادعا کردند که یکی از دشمنان در فاصله ای دور، از طریق ارسال بمب پستی، ترور شد.^{۴۹}

ژوئن ۱۹۴۷: اکتشاف بعمل آمد که نامه های ارسالی به آدرس

وزرای کابینه انگلستان حاوی بمب بوده است.^{۵۰}

۳ سپتامبر ۱۹۴۷: بمبهای پستی به آدرس اداره جنگ، در اتاق بررسی اداره پست در لندن منفجر شد و ۲ نفر را مجروح کرد. این عمل به ایرگون و گروه اشترن نسبت داده شد.^{۵۱}

۱۶ دسامبر ۱۹۴۷: یک بخشنامه از سوی ایرگون به دست روزنامه تایمز و دیگر مقامات و افراد ساکن انگلستان رسیده است. در این بخشنامه گفته شده است که انگلستان در پی آن است تا برای ابقای خود در فلسطین آتش جنگ را میان اعراب و یهودیان برافروزد. بنابراین، ایرگون عملیات خصمانه خود علیه انگلستان را در خارج از فلسطین نیز انجام می دهد. سیاست ایرگون عبارت است از «جنگ با بریتانیا تا کسب آزادی». ایرگون نقشه ای از فلسطین و ماورای اردن کشیده و درحالی که دستی مشترک تفنگی را محکم نگاه داشته است زیر آن این شعار بچشم می خورد «تنها پاسخ ما این است».^{۵۲}

۳ مه ۱۹۴۸: انفجار کتابهای حاوی بمب، «رکس فاران» را کشت. پاکت حاوی بمب به آدرس برادرش که یک افسر مأمور خدمت در انگلیس است، پست شده بود.^{۵۳}

۱۱ مه ۱۹۴۸: یک بمب نامه ای که به آدرس «سراولن پارکر»، افسر فرمانده سابق فلسطین ارسال شده بود، توسط همسرش کشف شد.^{۵۴}

ج: ترور مقامات دولتی

۱ - انفجار ادارات دولتی

۱۱ نوامبر ۱۹۳۷: در اثر پرتاب بمب به داخل جمعیت اعراب در نزدیکی اداره مرکزی پست در بیت المقدس، ۲ عرب کشته و ۲ نفر

مجروح شدند.^{۵۵}

۱۲ و ۲۶ فوریه ۱۹۴۴: ایرگون مسؤول سه انفجار بمب در اداره مهاجرت بیت المقدس، تل آویو و حیفا شناخته شد.^{۵۶}

۱۴ ژوئیه ۱۹۴۴: ادارات ثبت اسناد در بیت المقدس مورد حمله قرار گرفت و تلفاتی به پلیس وارد آمد.^{۵۷}

۱۲ ژوئیه ۱۹۴۶: نمای جلویی ساختمان v طبقه هتل «کینگ دیوید» در بیت المقدس توسط تروریستهای یهودی منفجر شد و فرو ریخت. طبقات بالایی آن هتل به دفاتر مرکزی اداره اجرایی غیرنظامی دولت فلسطین تعلق داشت. انفجار هتل (با کار گذاشتن جعبه های حاوی مواد منفجره قوی در زیرزمین) روزی رخ داد که رفت و آمد مراجعان عمومی، چه یهود و چه عرب، به دفاتر دولتی در این هتل، به حد زیادی رسیده بود. کارمندان غیرنظامی دفاتر مذکور، اغلب یهودی و عرب بودند و تنها مقامات بالا را چند انگلیسی بعهدہ داشتند. در خود هتل، به استثنای طبقات متعلق به دولت، معمولاً پذیرایی مسافران، مهمانان و نیز مشتریان عادی، جریان داشت. در اثر انفجار بیش از ۲۰۰ نفر کشته و مجروح شدند. ۱۵ نفر از یهودیان نیز داخل کشته شدگان بچشم می خوردند.^{۵۸} گروه ایرگون رسماً مسؤولیت حادثه را بعهدہ گرفت.^{۵۹} اما شواهد بعدی نشان داد که گروه هاگانا و آژانس یهود هم در آن دست داشته اند.^{۶۰}

۵ دسامبر ۱۹۴۶: ساختمانهای مراکز بخش جنوبی فلسطین در صرفند در اثر انفجار یک وسیله نقلیه پر از مواد منفجره که نزدیک ساختمانها پارک شده بود فرو ریخت. یکی از اعضای سازمان تروریستی یهود این عملیات را انجام داده بود و در اثر آن ۲ نفر کشته و ۲۸ نفر زخمی شدند.^{۶۱}

۲ - حمله به بانکها

۱۳ سپتامبر ۱۹۴۶: گروه ایرگون به بانک عثمانی در تل آویو و حیفا حمله برده و در نتیجه ۴۰۰۰ پوند بسرقت برد. یک پلیس عرب و ۲ غیرنظامی کشته شدند و یک پلیس عرب و ۱۸ غیرنظامی دیگر مجروح شدند.^{۶۲}

۲۸ فوریه ۱۹۴۷: ۲ یهودی که لباس پلیس به تن داشتند، یک بمب در بالای بانک بارکلیس در حیفا جا گذاشتند که در نتیجه ۲ نفر کشته و ۲ نفر دیگر مجروح شدند.^{۶۳}

۴ اوت ۱۹۴۷: بانک بارکلیس در حیفا مورد سرقت قرار گرفت و بانکدار به قتل رسید.^{۶۴}

۲۱ اوت ۱۹۴۷: یک حادثه سرقت و انفجار بانک در حیفا بوقوع پیوست.^{۶۵}

۲۸ آوریل ۱۹۴۸: ۵ یهودی مسلح مقدار ۱۹۵۰۰۰ پوند از بانک بارکلیس در تل آویو به سرقت بردند. بعداً معلوم شد که آنها اعضای دارودسته اشترن می باشند.^{۶۶}

۳ - حمله به تسهیلات حمل و نقل غیرنظامی

ایرگون از اولین گروههای تروریستی صهیونیست بود که به طور سیستماتیک، تسهیلات حمل و نقل را مورد حمله قرار داد. مناخم بگین، رهبر گروه ایرگون، نقش گدعون رئیس طرح عملیاتی را اینگونه تشریح می کند:

«گدی»، «مین تماس» را برای خرابکاری در خطوط راه آهن اختراع کرد. هیچ گونه ضد اقدام برای خنثی کردن این عمل امکان ندارد. نمی توان عمل فوق را خنثی کرد هر کس که تلاش کرد این عمل را خنثی کند به خاطر نادیده گرفتن اخطارهای ما، جان خود را بر سر این کار گذاشت. اتاقک کوچک مخصوص بررسی خطوط راه آهن بدون اینکه حادثه ناگواری رخ دهد، از روی نقطه مین گذاشته شده رد می شود اما هنگامی که قطار از روی آن عبور می کند، در اثر

انفجار مین به هوا پرتاب می‌گردد. این مین بر اساس اصل فشار آمدن وزنه سنگین ساخته شده است. یعنی وارد آمدن یک وزنه سبک کاری با مین نمی‌کند، اما وارد آمدن وزنه سنگین باعث انفجار مین می‌گردد. یک سکانیسم زسانی نیز به مدت یک روز، ۲ روز، سه روز و حتی یک هفته تمام، در نظر گرفته شد. یکبار، تقریباً تمام خطوط راه‌آهن را در سراسر کشور بوسیله این مین‌ها درهم کوبیدیم.^{۶۷}

۳۱ اکتبر ۱۹۴۵: طی شب خرابکاری وسیع و سیستماتیک در خطوط راه‌آهن رخ داد.^{۶۸}

۲۷ مارس ۱۹۴۶: یهودیان خطوط آهن «سکریر» را مورد حمله قرار دادند.^{۶۹}

۱۹ ژوئن ۱۹۴۶: یهودیان طی حمله‌ای سه قطار را در نعلانی، تل‌آویو و رأس‌العین به آتش کشیدند.^{۷۰}

۸ و ۹ سپتامبر ۱۹۴۶: حملات گسترده‌ای به خطوط آهن توسط یهودیان صورت گرفت و طی مین‌گذاری جاده‌ها در شب یک نفر کشته شد.^{۷۱}

۱۶ و ۱۷ ژوئن ۱۹۴۶: اعضای سازمان‌های تروریستی غیر-قانونی یهودی، مسلح به بمب‌ها و نارنجک‌های دستی گوناگون در حال بمب‌گذاری پله‌های راه‌آهن در بخش‌های مختلف کشور دستگیر شدند.^{۷۲}

۲۰ سپتامبر ۱۹۴۶: فروشگاه‌های راه‌آهن بخش حیفا منفجر شد.^{۷۳}

۱۷ و ۲۰ اکتبر ۱۹۴۶: بمب‌گذاری در ایستگاه مرکزی راه‌آهن بیت‌المقدس و هجوم شبانه به صف کاسمیونها در جاده مونت-اسکوپس، سه سرباز را کشت و یازده پلیس از جمله ۳ غیرنظامی را زخمی کرد.^{۷۴}

۳۰ اکتبر ۱۹۴۶: در ۳ حادثه مین‌گذاری جاده‌ها، یک افسر

کشته و ۶ نفر زخمی شدند.^{۷۵}

۳۱ اکتبر ۱۹۴۶: در اثر مین گذاری در جاده بتاح تکفا، ۲ سرباز کشته شده و ۲ نفر دیگر مجروح گردیدند.^{۷۶}

اول و سوم نوامبر ۱۹۴۶: در ۱۰ قطار مین کار گذاشته شد، و در نتیجه ۱ نفر جان خود را از دست دادند.^{۷۷}

۱۷ و ۲۵ نوامبر ۱۹۴۶: ۶ حادثه مین گذاری در قطار، منجر به مرگ ۲ نفر و زخمی شدن ۱۲ نفر دیگر شد.^{۷۸}

فوریه - مارس ۱۹۴۷: انفجار شانزده وسیله نقلیه توسط سازمانهای تروریستی صهیونیست منجر به کشته شدن ۱۲ نفر گردید.^{۷۹}

۲۲ آوریل ۱۹۴۷: دارودسته اشترن قطار قاهره - حیفا را در نزدیک رحوفوت منفجر کردند و در نتیجه ۵ نفر کشته و ۲۱ نفر زخمی شدند.^{۸۰}

۱۵ مه ۱۹۴۷: قطار حامل کارگران عرب و یهودی نزدیک حیفا منفجر شد و در نتیجه ۲ نفر کشته و ۲ نفر دیگر زخمی شدند.^{۸۱}

۲۱ - ۲۳ ژوئیه ۱۹۴۷: چند جیب در اثر مینهای لکتریکی منفجر شد و منجر به مرگ یک نفر و جراحت ۸ نفر دیگر گردید.^{۸۲}

د: ترور یهودیان

۱ - ترور سیاسی رهبر یهودی

در ژوئیه ۱۹۳۳ اولین مورد ترور سیاسی در جریان مسأله فلسطین، با قتل «حییم ارلو سوروف» توسط یک گروه یهودی رقیب اتفاق افتاد (اعتقاد عموم بر این بود که ترور مذکور کار تجدیدنظرطلبان یهود باشد)^{۸۳}. «ارلو سوروف» هنگام قتلش رئیس بخش سیاسی آژانس

یهود بود.

۲- انفجار کشتیهای پناهندگی به همراه مسافران یهودی آن

۲۵ نوامبر ۱۹۴۰: انگلستان اعلام کرده بود که مهاجران یهودی که بدون اجازه قبلی وارد فلسطین می‌شوند اجازه اقامت در کشور نخواهند داشت، و در طی جنگ به یکی از مستعمرات انگلستان منتقل می‌شوند. در همین زمان، بر طبق بیانیه سیاسی انگلیسیها در ۱۹۳۹، آنها آماده بودند تا به ۷۵۰۰۰ یهودی در عرض ۵ سال آینده حق اجازه ورود به کشور را بدهند. پذیرش مهاجران یهودی، بیشتر از این مقدار پس از ۵ سال، بستگی به کسب اجازه از اعراب دارد. آژانس یهود به دلایل سیاسی تصمیم گرفت تا بیانیه سیاسی سال ۱۹۳۹ انگلستان را بدون توجه به مقدار سهمیه مهاجران نادیده بگیرد.

در نوامبر ۱۹۴۰، چند صد یهودی را که بدون کسب اجازه قبلی وارد فلسطین شده بودند، سوار کشتی پاتریا کردند، تا آنها را بر طبق بیانیه سیاسی سال ۱۹۳۹ در طی جنگ به موریتوس ببرند. آژانس یهود که خود ورود این مهاجران غیرقانونی به فلسطین را سازماندهی کرده بود، تصمیم گرفت برای داغ کردن مسأله از نظر سیاسی، در کشتی پاتریا با ۱،۹۰۰ پناهنده آن خرابکاری کند. کشتی پاتریا، که در حال ترک بندر حیفا بود، در ۲۵ نوامبر ۱۹۴۰ منفجر شد و ۱۴۰ یهودی که تماماً پناهنده بودند، کشته شدند. خواننده می‌تواند دلایل سیاسی آژانس یهود در این مورد و نیز عملیات واقعی خرابکاری را آنطور که «مونیا ماردور» افسر هاگانا و طراح انفجار پاتریا شرح می‌دهد، بررسی کند.^{۸۴}

۲۴ فوریه ۱۹۴۲: کشتی «استروما» با ۷۶۹ مسافر غیرقانونی که تحت راهنمایی گروه هاگانا عازم فلسطین بود، در دسامبر ۱۹۴۱

به بندر استانبول رسید. بعد از چند هفته مذاکره انگلستان بچه‌ها را از حکم عدم ورود به فلسطین معاف کرد اما در ضمن، مقامات ترک به کشتی دستور دادند استانبول را ترک کند. در ۲ فوریه ۱۹۴۲ کشتی مذکور در دریای سیاه منفجر شد و تمام مسافران بدون استثناء کشته شدند. آقای «دیوید استولیار»، تنها بازمانده حادثه، یک افسر هاگانا بود.^{۸۵} آژانس یهود فوراً اعلام کرد که انفجار کشتی یک اعتراض و خودکشی دستجمعی بوده است.^{۸۶}

ه: خرابکاری اقتصادی و انفجار خطوط لوله نفت

هاگانا قبلاً با انفجار خط لوله نفت عراق در نزدیکی حيفا دست به یک چنین عملیاتی زده بود. موشه‌دایان یکی از شرکت کنندگان این عملیات بود.^{۸۷} شیوه مذکور بار دیگر در ۱۹۴۷ بکار گرفته شد. ۲ فوریه ۱۹۴۷: خط لوله نفت کمپانی نفت عراق درهم کوبیده شد.^{۸۸}

۳۱ مارس ۱۹۴۷: گروه ایرگون تانک‌های ذخیره نفت کمپانی شل را در حيفا نابود کرد. خسارت وارده ...، ...، ... پوند تخمین زده شده و شعله‌های آتش چهار روز به هوا بلند بود.^{۸۹}

۵ ژوئن ۱۹۴۷: خط لوله نفت کمپانی نفت عراق، بوسیله مواد منفجره نابود شد. آتش پس از ۵ ساعت خاموش شد، و ۸۰۰ تن نفت از بین رفت.^{۹۰}

۱۰ سپتامبر ۱۹۴۷: پالایشگاه نفت حيفا مورد حمله قرار گرفت.^{۹۱}

منابع

- 1- *Palestine and Trans - Jordan*, 1936-Colonial 129, 1937, p. 7.
- 2- *Palestine and Trans - Jordan*, 1937-Colonial 146, 1938, p. 6.
- 3- *Keesing's Contemporary Archives*, III (1937-1940), 3177A.
 ۴ - همان.
 ۵ - همان.
 ۶ - همان.
 ۷ - همان، 3312 A.
 ۸ - همان، 3513.
 ۹ - همان، 3642 B.
 ۱۰ - همان.
 ۱۱ - همان.
- 12- *Palestine and Trans - Jordan*, 1937 - Colonial 146, 1938, p. 8.
 ۱۳ - همان، ص ۹.
- 14- *Keesing's*, III (1937-1940), 3177A.
 ۱۵ - همان.
 ۱۶ - همان، 3642 B.
- 17- Palestine, Chief Secretary, *A Survey of Palestine, Prepared in December 1945 and January 1946 for the Information of the Anglo-American Committee of Inquiry* (Jerusalem: Government Printer, 1946), I, 72.
- 18- *Keesing's*, V (1943-1945), 6809 A.
 ۱۹ - همان، 6798، IV (1941 - 1942).
- 20- Thierry Nolin *La Haganah: l'armée secrète d'Israël* (Paris: Ballard, 1971), pp. 164-165.
- 21- Palestine, Chief Secretary, *Survey of Palestine*, I, 63.
- 22- *Keesing's*, v (1943-1945), 6799A.
 ۲۳ - همان.
- 24- Palestine, Chief Secretary, *Survey of Palestine*, I, 72.
 ۲۵ - همان، ص ۷۲.
- 26- Major R.D. Wilson, *Cordon and Search: Ulith 6th Airborne Division in Palestine* (Aldershot: Gale and Polden, 1949), p.257.
 ۲۶ - همان، VI 1946-1، 8222.

- ۲۸ — همان.
- ۲۹ — همان.
- 30_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 264.
- ۳۱ — «میدل ایست جورنال»، واشنگتن، ژانویه ۱۹۴۸، ص ۷۰.
- ۳۲ — همان.
- 33_ Palestine, Chief Secretary, *Survey of Palestine*, I, 72.
- 34_ *Keesing's* V (1943-1945), 6798.
- ۳۵ — همان، 7896 (1946 - 1948). VI.
- ۳۶ — همان.
- ۳۷ — همان.
- ۳۸ — همان، 8222.
- 39_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 261.
- 40_ Nolin, *La Haganah*, p. 280.
- 41_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 263.
- 42_ Itzhak Gurion, *Triumph on the Gallows* (New York: Bri Trumpeldor of America, 1950), pp. 101-102.
- 43_ *Keesing's*, VI (1946-1948), 7983.
- 44_ Gurion, *Triumph on the Gallows*, pp. 80-81.
- ۴۵ — همان، ص ۱۸۵ - ۱۹۰.
- 46_ Nolin, *La Haganah*, p. 282.
- ۴۷ — همان، ص ۱۸۵ - ۱۹۰.
- 48_ *Keesing's*, VI (1946-1948), 8222.
- ۴۹ — «ساندی تایمز»، لندن، ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۲، ص ۸.
- 50_ *Keesing's*, VI (1946-1948), 8748A.
- ۵۱ — «ساندی تایمز»، ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۲، ص ۸.
- ۵۲ — «تایمز»، لندن، ۱۶ دسامبر ۱۹۴۷.
- 53_ *Keesing's*, VI (1946-1948), 9276A.
- ۵۴ — همان.
- 55_ *Palestine and Trans-Jordan*, 1937-Colonial 146, 1938, p. 9.
- 56_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 259.
- ۵۷ — همان، ص ۲۶۱.
- 58_ Menachem Begin, *The Revolt: Story of the Irgun* (Tel-Aviv: Hadar Publishing Co., 1964), p. 220.
- ۵۹ — همان، ص ۲۱۲ - ۲۲۰.

۶. — همان.

61_ *Keesing's*, V (1943-1945) 6798.

62_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 87.

63_ Palestine, Chief Secretary, *Survey of Palestine*, I, 72.

64_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 264.

۶۵ — همان، ص ۲۶۵.

۶۶ — «تایمز»، لندن، ۲۹ آوریل ۱۹۴۸.

67_ Begin, *Revolt*, p. 71.

68_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 258.

۶۹ — همان.

۷۰ — همان، ص ۲۵۹ - ۲۶۲.

۷۱ — همان، ص ۲۶۲.

۷۲ — همان، ص ۲۷۵.

۷۳ — همان، ص ۲۶۳.

۷۴ — همان، ص ۲۶۴.

75_ *Keesing's*, VI (1946-1948), 8222.

76_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 258.

۷۷ — همان، ص ۲۴، ۲۵۲.

۷۸ — همان، ص ۲۵۳.

۸۹ — همان، ص ۲۵۵.

80_ *Keesing's*, VI (1946-1948), 7983.

81_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 257.

82_ *Keesing's*, VI (1946-1948), 7983.

83_ J. Schechtman, *The Jabotinsky Story: 1. Fighter and Prophet* (New York: Thoman Yoseloff, 1961), p. 438 and *passim*.

84_ Munya Mardor, *Strictly Illegal* (London: Robert Hale, 1964), p. 56 ff.

85_ Nolin, *La Haganah*, pp. 159-163.

86_ Christopher Sykes, *Crossroads to Israel* (London: Mentor 1965), p. 237.

87_ Mardor, *Strictly Illegal*, p. 44.

88_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 261.

۸۹ — همان، ص ۲۶۲.

۹۰ — همان، ص ۲۶۳.

۹۱ — همان، ص ۲۶۵.

فصل دوم

جنگ فلسطین ۱۹۴۸ - ۱۹۴۷

الف: ترور اعراب

۱- بمب گذاری در بازارها و کافه ها

۱۳ دسامبر ۱۹۴۷: انفجار چند بمب، که به ایرگون نسبت داده شد، ۱۶ عرب را کشته و ۶۷ نفر را مجروح کرد^۱.

۳۰ دسامبر ۱۹۴۷: در اثر پرتاب بمب از داخل یک تاکسی در حال عبور با سرعت زیاد، که توسط گروه «ایرگون زوای لئومی» صورت گرفت، ۱۱ عرب و ۲ انگلیسی کشته شدند. ۲ بمب توسط اعضای ایرگون به میان یک گروه ... نفری از کارگران عرب در خارج از اداره استخدام شرکت عمومی پالایشگاهها پرتاب شد که در نتیجه آن ۶ عرب کشته و ۴۲ نفر زخمی شدند^۲.

۴ ژانویه ۱۹۴۸: اعضای دارودسته اشترن در یک میدان شلوغ در یافا بمبی منفجر کردند که به کشته شدن ۱۵ تا ۳۰ نفر و زخمی شدن ۹۸ نفر دیگر منجر شد^۳.

۷ ژانویه ۱۹۴۸: بر اثر انفجار دو بمب در بیت المقدس که توسط گروه ایرگون صورت گرفت ۱۸ نفر کشته و ۴۱ نفر مجروح شدند^۴. یک راننده یهودی از یک اتومبیل ارتش بریتانیا برای عبور از ایستگاه بازرسی اعراب در دروازه یافا استفاده کرد. بمبی را که او پرتاب کرد به طرف یک کافه نزدیک دروازه غلتید و در نتیجه انفجار آن ۱۷ عرب تا کنون جان خود را از دست داده اند^۵.

۳ فوریه ۱۹۴۸: به هنگام انفجار یک اتومبیل پر از مواد منفجره

۴ عرب کشته و ۳ نفر مجروح شدند.^۶

۸ فوریه ۱۹۴۸: دو عرب در شهر کهنه بیت المقدس کشته شدند. هاگانا ادعا می کند که ۱۸ عرب در نتیجه عبور از مرز یافا - تل آویو کشته شدند. در یافا یک عرب کشته و یک نفر مجروح شد.^۷

فوریه ۱۹۴۸: در اثر شلیک گلوله هایی که در وسط شهر بیت المقدس نزدیک اداره اطلاعات عمومی در گرفت، ۶ عرب کشته و ۱۹ نفر مجروح شدند.^۸

۲- حمله به اتوبوسهای عربی

۱۱ دسامبر ۱۹۴۷: یهودیان توسط بمب اتوبوسها، تاکسیها و گاراژهای عربی در حيفا را مورد حمله قرار دادند.^۹

۱۴ دسامبر ۱۹۴۷: یهودیان مسلح یک اتوبوس را نزدیک طبریه متوقف کردند. یهودیان به ۶ مسافر عرب دستور دادند تا از ماشین پیاده شوند، و سپس به رویشان آتش گشودند. در نتیجه ۳ نفر مجروح شدند و جراحت یکی از آنها بسیار وخیم بود.^{۱۰}

۱۵ دسامبر ۱۹۴۷: یهودیانی که ملبس به یونیفورم بودند به یک اتوبوس در نزدیکی لد، حمله کردند و یک عرب را کشته و ۷ نفر را زخمی کردند.^{۱۱}

۲۱ دسامبر ۱۹۴۷: یک اتوبوس عربی در نزدیکی شهر لطرון توسط مردانی که به «یونیفورم پاسبانان موقت عرب» ملبس بودند، مورد حمله قرار گرفت و ۳ عرب کشته شدند.^{۱۲}

۵ ژانویه ۱۹۴۸: امروز یهودیان به روی دو اتوبوس عربی آتش گشودند و یک راننده و ۳ مسافر را بسختی مجروح کردند.^{۱۳}

۹ ژانویه ۱۹۴۸: دو یهودی در بیت المقدس که چکمه های سیاه به پا داشتند، بسته ای را در داخل یک اتوبوس عربی جا گذاشتند،

یک زن متوجه شد که از آن دود بیرون می‌آید و راننده فوراً آن را از پنجره به بیرون پرتاب کرد، بسته در اثر برخورد با پیاده‌رو منفجر شد و عابران را مجروح کرد.^{۱۴}

۱۵ ژانویه ۱۹۴۸: یهودیان اتوبوس عربی را در حیفا به آتش کشیدند. یک عرب کشته و ۶ نفر مجروح شدند.^{۱۵}

۲۲ ژانویه ۱۹۴۸: در نزدیکی حیفا یک عرب در اثر شلیک گلوله به قتل رسید و ۶ نفر مجروح شدند.^{۱۶}

۱۲ فوریه ۱۹۴۸: یهودیان مسلح یک اتوبوس عربی از شهر صفا را مورد حمله قرار دادند. در اثر انفجار اتوبوس ۵ عرب کشته شده و ۵ نفر زخمی شدند. یک عرب دیگر نیز در یافا در اثر شلیک گلوله مجروح شد.^{۱۷}

۳- مین‌گذاری قطارهای مسافری

۱۲ فوریه ۱۹۴۸: یهودیان به‌سوی ایستگاه راه‌آهن کرمل آتش گشودند و ۲ عرب را کشتند و چهار نفر را مجروح کردند.^{۱۸}

۲۷ فوریه ۱۹۴۸: قطار قنطره - حیفا در نزدیکی «رحوفوت» توسط یهودیان منفجر شد و ۲۷ نفر کشته و ۳۶ نفر دیگر مجروح گردیدند.^{۱۹}

۲۷ مارس ۱۹۴۸: یهودیان قطاری را در نزدیکی بنیامین منفجر کردند و ۲۴ عرب را کشتند و ۶۱ نفر را زخمی کردند.^{۲۰}

۳۱ مارس ۱۹۴۸: دارودسته اشترن قطار اکسپرس قاهره - حیفا را مین‌گذاری کردند، و ۴ عرب را کشته و ۶ نفر را مجروح کردند.^{۲۱}

۴- بمب‌گذاری در هتلها و آپارتمانهای عربی

۴ ژانویه ۱۹۴۸: یهودیانی که به یافا رخنه کرده بودند، مراکز

کمیته ملی عرب را منفجر کردند. انفجار سنگین؛ ایستگاه پلیس، تعداد زیادی فروشگاه و بانک بارکلیس را خراب کرد. تلفات شامل ۹ کشته و ۷۱ مجروح می‌شد که همگی عرب بودند (یهودیان ملبس به لباس اعراب، یک کامیون حاوی جعبه‌های پرتقال را جلو ساختمان رها کردند) ^{۲۲}.

۵ ژانویه ۱۹۴۸: هاگانا مسئولیت انفجار هتل سمیرامیس را بعهده گرفت. بیست نفر، از جمله کنسول اسپانیا کشته شدند. هاگانا ادعا کرد که مهمانان هتل با دارودسته‌های عرب همکاری می‌کرده‌اند. تحقیقات حکومت بعداً نشان داد که اتهام مذکور بی‌اساس بود ^{۲۳}.

۱۶ ژانویه ۱۹۴۸: امروز یهودیان سه ساختمان عربی را منفجر کردند. در اولین ساختمان ۸ بچه، که بین ۱۸ ماه تا ۱۰ سال سن داشتند، در اثر انفجار جان خود را از دست دادند. هنوز یک بچه زیر آوار است، و یک زن نیز مرده است. در انفجار ساختمان دوم ۵ عرب کشته و ۵ نفر هنوز زیر خاکها مدفون می‌باشند ^{۲۴}.

۳۰ ژانویه ۱۹۴۸: هاگانا خانه‌ای را در قطمون منفجر کرد، اما مردم ساکنان خانه را از زیر آوار نجات دادند؛ در یازور درمرز یافا-تل‌آویو، یهودیان خانه‌ای را ویران کرده و مالک آن را کشتند ^{۲۵}.

۹ فوریه ۱۹۴۸: یهودیان یک ساختمان عربی را در مرکز تجاری بیت‌المقدس منفجر کردند ^{۲۶}.

۳ مارس ۱۹۴۸: دارودسته اشترن مسئولیت انفجار یک کامیون ارتشی را در جلوی ساختمان سلام در حیفا بعهده گرفتند ^{۲۷}.

۱۳ مارس ۱۹۴۸: یهودیان خانه‌های بخش قطمون بیت‌المقدس را منفجر کرده، منطقه نزدیک یافا را به‌آتش کشیده و ۱۲ خانه دیگر را در دهکده حسینیة در جلیله شمالی منفجر نمودند ^{۲۸}.

۱۶ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان اردوگاه سابق ارتش بریتانیا در

تل-لیتفنسکی را مورد حمله قرار داده و ۹۰ عرب را در آنجا به قتل رساندند.^{۲۹}

۱۹ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان، طی انفجار خانه‌ای در طبریه، ۱۴ عرب را کشتند.^{۳۰}

حمله به دهکده‌های عربی و کشتار گروهی روستائیان

۱۲ دسامبر ۱۹۴۷: هنگامی که یهودیان به یک دهکده در خارج حیفا حمله کردند، ۱۲ عرب جانشان را از دست دادند.^{۳۱}

۱۴ دسامبر ۱۹۴۷: دهکده عربی نزدیک تل‌آویو توسط یهودیانی که کلاه‌های آهنی بسر داشتند و یونیفورم‌های خاکی پوشیده بودند، مورد حمله قرار گرفت. ۱۸ عرب کشته و ۱۰۰ نفر مجروح شدند.^{۳۲}

۱۹ دسامبر ۱۹۴۷: هاگانا که بر اساس دستورات آژانس یهود کار می‌کند، به دهکده عربی نزدیک صفد حمله کرد و دو خانه را منهدم نمود. اجساد ۱۰ عرب، منجمله به بچه از زیر آوار بیرون آورده شد.^{۳۳}

۲۰ دسامبر ۱۹۴۷: هاگانا دهکده عربی قزازه را به مدت ۲ ساعت مورد حمله قرار داد. خانه مختار (کدخدا) دهکده با دینامیت منفجر شد.^{۳۴}

۲۹ دسامبر ۱۹۴۷: ایرگون ادعا می‌کند که طی یک عملیات کماندویی به یافا، ۳۰ نفر را کشته است.^{۳۵}

۳۰ و ۳۱ دسامبر ۱۹۴۷: در شب ۳۱ - ۳۰ دسامبر، نیروی مشترکی از «بریکاد کرمیل»، و گردان یکم پالماخ، تحت رهبری «حییم-افینوعم» دهکده بلدالشیخ را مورد حمله قرار داد. در این عملیات بیش از ۶۰ تن از «افراد دشمن» (اعراب) در خانه‌هایشان کشته

شدند، واحدهای حمله کننده وارد دهکده شدند، و عملیات را در داخل خانه ها آغاز کردند، به علت آتش شدید در اتاقها، اجتناب از ضربه زدن به زنان و بچه ها غیرممکن بود^{۳۶}.

۱۹ ژانویه ۱۹۴۸: گروهی متشکل از ۲۰۰ یهودی دهکده تانورا در بخش فرعی عکا را مورد حمله قرار داده و ۲ عرب را کشته و ۳ نفر دیگر را بسختی مجروح کردند. یکی از آنها یک پسر ۱۰ ساله بود^{۳۷}.

۱۰ فوریه ۱۹۳۸: گروه بزرگی از یهودیان ۱۲ عرب را که به دهکده طیره در نزدیکی طولکرم باز می گشتند، متوقف کرده و به روی آنها آتش گشودند. بعضی از آنها به داخل یک خانه پناه برده اما یهودیان او را دنبال کرده و به رویش آتش گشودند. در این جریان ۷ عرب کشته و ۵ نفر مجروح شدند^{۳۸}.

۱۴ و ۱۵ فوریه ۱۹۳۸: نیرویی مرکب از گردان سوم پالماخ، دهکده سعسع را مورد حمله قرار دادند.

در این عملیات، که به دلیل استاندارد عالی اجرای آن، برای سالها به عنوان مدل قلمداد می شد، ۲۰ خانه به روی سر ساکنان آن منفجر شد. حدود ۶ عرب که اغلب آنها زنان و کودکان بودند کشته شدند^{۳۹}.

۲۰ فوریه ۱۹۴۸: یهودیان بخشهای عربی حيفا را بوسیله خمپاره مورد حمله قرار دادند، و حداقل ۶ عرب را کشته و زخمی کردند^{۴۰}.

۱۳ مارس ۱۹۴۸: هاگانا دهکده عربی کفرجسینیه را درهم کوبید و ۶ تن از اهالی دهکده را به قتل رساند^{۴۱}.

۵ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان دهکده عربی صرفند را مورد حمله قرار داده و ۱۶ عرب را کشته و ۱۲ نفر را مجروح کردند. هنگامی که

یک خانه مورد اصابت خمپاره قرار گرفت اغلب ساکنان آن کشته شدند.^{۴۲}

۹ آوریل ۱۹۴۸: دهکده دیرپاسین در شب ۹ و ۱۰ آوریل توسط تروریستهای ایرگون و اشترون تصرف شد.

به دنبال آن قتل عام وحشیانه و بدون تبعیضی رخ داد. وقتی قتل عام به پایان رسید، مقامات یهودی از بازرسی جزئی دهکده ممانعت بعمل آوردند. به گزارش پلیس یک نفر در این جریان کشته شد، اما در روز دهم آوریل صلیب سرخ اجساد ۲۵۴ زن و کودک را در دهکده کشف کرد.^{۴۳}

۱۲ آوریل ۱۹۴۸: پالماخ، دهکده قلونیا را مورد حمله قرار داد، و طی انفجارخانه‌ها حداقل ۱۴ نفر را کشت.^{۴۴}

۱۳ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان دهکده ابوشوشه در جاده ناصره - طبریه را منفجر کردند.^{۴۵}

۱۶ آوریل ۱۹۴۸: دهکده عربی سریس، مورد حمله یهودیان قرار گرفت. تمام ساختمانهای اصلی توسط خمپاره درهم کوبیده شد.^{۴۶}

۲۰ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان بیت‌سوریک را مورد حمله قرار داده و چند خانه را منفجر کردند. آنها به بیدو نیز حمله کرده و خانه‌ها را منفجر کردند.^{۴۷}

۶- تصرف شهرهای عربی و اخراج اجباری ساکنان آن

«ناتان چوفشی» یکی از یهودیان اصیل مشهور در فلسطین در رد اتهامات یک‌خاخام صهیونیست امریکایی نوشت:

اگر خاخام کاپلان واقعاً می‌خواهد بداند چه اتفاق افتاده، ما ساکنان یهودی قدیمی در فلسطین که شاهد جنگ بودیم می‌توانیم به او

بگوییم که (ما یهودیان) به چه وضعی اعراب را وادار به ترک شهرها و دهکده‌ها کردیم... بعضی از آنها با زور اسلحه اخراج شدند. و دیگران با فریب، و دروغ و وعده‌های ساختگی بیرون آمدند، کافی است که از شهرهای یافا، لد، رمله، بئرشیع، عکا، از میان دیگر شهرهای پیشمار، نام ببرم^{۴۸}.
در اینجا چند نمونه از اتهامات چوفشی آمده است:

الف: حیفا

۲۲ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان پس از نیمه‌شب حیفا را مورد حمله قرار داده، و ساختمانهای دولتی را تصرف کردند، ... عرب کشته و ... نفر زخمی شدند. اعراب، که وحشت‌زده شده بودند، زنان و بچه‌های خود را به منطقه بندری بردند تا از آنجا آنها را به طرف عکا منتقل کنند. یهودیان به پناهندگان عرب حمله برده، ... عرب را کشته و ... نفر را زخمی کردند^{۴۹}.

ب: یافا

۲۵ آوریل ۱۹۴۸: بمباران سنگین یافا در میان اعراب یافا که از طریق دریا و زمین شروع به ترک شهر کرده بودند، وحشت ایجاد کرد. پس از درهم کوبیده شدن و نابودی خانه‌هایشان توسط نیروهای مهاجم یهودی و اعراب، بیشتر مجبور به ترک شهر شدند^{۵۰}.

۲۸ آوریل ۱۹۴۸: «با استفاده از یک محموله بزرگ مواد منفجره، ایستگاه پلیس منشیه (دریافا) را که انگلستان ادعای مالکیتش را داشت، به یک تل خاک تبدیل کردیم و با انفجار یک خانه پس از خانه دیگر، در دو طرف خیابان اصلی، به نحو مؤثری تمام راه عبور به طرف تل آویو را مسدود نمودیم^{۵۱}».

ج: لد

۱۱ ژوئیه ۱۹۴۸: جان و دیوید کیمشه دو نویسنده صهیونیست، حمله اولیه به لد را که به رهبری موشه دایان صورت گرفت، اینگونه توصیف می کنند: دایان در حالی که با یک اتومبیل با حداکثر سرعت به داخل لد وارد می شد، شهر را گلوله باران می کرد و اضطراب و وحشت در میان ساکنان بوجود می آورد... ساکنان عرب شهر که تعدادشان به ... ۳۰ نفر می رسید، یا فرار کردند و یا در جاده به طور دستجمعی به طرف رام الله حرکت نمودند. روز بعد شهر رمله نیز محاصره شد و جمعیت عرب آن دچار همان سرنوشت شدند.^{۲۰}

۱۲ ژوئیه ۱۹۴۸: بعد از ورود دسته (صهیونیستها) به شهر لد، اعراب محلی دست به قیام زدند، فرمان آمد که به روی هر کس که در خیابان دیده شود آتش بگشاییم. سربازان «یفتاح» (ارتش پالماخ) به روی تمام عابران آتش گشودند، و آنقدر وسعت آن زیاد بود که قیام را به طور بیرحمانه ای ظرف چند ساعت سرکوب کردند. از یک خانه به خانه دیگر می رفتند و به سوی هر هدفی شلیک می کردند. طی این زد و خورد ۲۵۰ عرب کشته شدند.^{۲۱}

۷- جنگ روانی

الف: جنگ روانی که به منظور از بین بردن اعتماد و روحیه جامعه عرب، براه انداخته شد

نمونه هایی از این نوع جنگ در زیر می آید:

۱۸ فوریه ۱۹۴۸: رادیو هاگانا اعلام کرد که در نتیجه ورود سوریها و عراقیها به یافا بیماری پوستی شیوع یافته است. در همان روز نیز رادیو هاگانا اعلام کرد که: «از میان آنهایی که در درگیریها کشته شدند، چند نفر بیماریهای واگیر داشته اند».^{۲۲}

۲۷ فوریه ۱۹۴۸: ایستگاه رادیوی عربی آزاد به اعراب در مورد بیماری وبا، تیفوس و بیماریهای نظیر آن هشدار داد، این رادیو سپس اضافه کرد: «انتظار می رود که این بیماریها در آوریل و مه در مراکز تجمع شهری به مقدار زیادی شیوع پیدا کند».^{۵۵}

۱۴ مارس ۱۹۴۸: رادیو هاگانا اعلام کرد: «کشتار را با کشتار و خرابی را با خرابی پاسخ می دهیم. متأسفیم که در حملات تلافی جویانه ما، مردم بیگناه جانشان را بخاطر جنایات دیگران از دست می دهند. اما به شما هشدار داده بودیم».^{۵۶}

۳ مه ۱۹۴۸: ایگال آلون عملیات ترور روانی براساس طرح عمومی صهیونیستی را برای پاکسازی فلسطین از مردم ساکن آن تشریح می کند. این طرح «پاکسازی جلیله» نام داشت. آلون در این باره می گوید:

من تمام یهودیانی را که در دهکده های مختلف با اعراب تماس داشتند جمع کردم و از آنها خواستم به اعراب بگویند که یک نیروی تقویتی بزرگ یهودی وارد جلیله شده و می خواهد تمام دهکده های هولاء را به آتش بکشد. آنها به عنوان دوست اعراب به آنان پیشنهاد می کنند تا وقت باقی است فرار کنند. سپس در مناطق هولاء شایعه پیچید که وقت فرار فرارسیده است. تعداد مهاجران به هزاران نفر رسید، و تاکتیک مذکور کاملاً موفق از کار درآمد».^{۵۷}

ب: راه انداختن جنگ روانی مستمر، برای تصرف شهر یا محله مورد نظر

۵ مه ۱۹۴۸: در بیت المقدس یک بلندگو با صدای عربی از طرف هاگانا به اعراب غیرنظامی هشدار داد که قبل از ساعت ۵ و ۱ دقیقه پیش از ظهر بخش را ترک کنند. یهودیان با استفاده از این بلندگو اعلام می کردند: «به جان زن و بچه هایتان رحم کنید و از این

حمام خون فرار کنید... از راه جلیله فرار کنید... آن راه هنوز باز است اگر بمانید به مصیبت دچار خواهید شد^{۸۰}»

۲۱ آوریل ۱۹۴۸: در شب حمله به یافا، هاگانا نه تنها از ایستگاه رادیویی خود استفاده کرد، بلکه با استفاده از بلندگو اخبار شوم و ناگواری از دهکده‌های مجاور عرب پخش نمود. به جمعیت عرب هشدار می‌داد از دادن جا و خوراک به مزدوران خارجی که در شهر رخنه کرده‌اند، خودداری کنند و اخطار می‌کرد که قبل از ورود نیروهای وحشی عراقی زن‌ها و بچه‌های خود را از منطقه بردارند و خارج شوند. وعده می‌داد که آنها را سالم به سرزمینهای عرب می‌رساند و هشدار می‌داد که در صورت نادیده گرفتن هشدارهای آنان، عواقب وخیمی در انتظارشان خواهد بود^{۸۱}.

۸- غارت و چپاول شهرهای عربی

۲۵ آوریل و ۱۳ مه ۱۹۴۸: فعالیتهای ایرگون، بعد از حمله به یافا، شیوه دیگری یافت و آنها چپاول و غارت همه‌جانبه را آغاز کردند. در ابتدا جوانان ایرگون تنها لباس، بلوز و زینت‌آلات را چپاول می‌کردند... اما بزودی این شیوه را رها کردند. همه چیزهای متحرک از قبیل مبل و اثاثه، قالی، عکس، ظروف سفالین و کوزه، جواهرآلات و کارد و چنگال، از یافا به بیرون برده شده. بخشهای اشغال شده یافا، به غارت رفت... هر چیزی که قابل انتقال نبود، درهم کوبیده شد.

شیوه غارت و چپاول خانه‌ها و فروشگاههای عرب بعداً توسط گروه هاگانا، دنبال شد و سپس این عمل به عنوان برآوردن نیازهای یهودیان رانده شده مورد توجیه قرار گرفت...
«... از مدتها پیش بقیه سربازان یهودی هاگانا و پالماخ در

غارت و چپاول و نابودی اموال اعراب، شرکت کرده بودند...^{۶۰}».

۱۱ ژوئیه ۱۹۴۸: دو شهر عربی لد و رمله توسط اسرائیلیهای پیروز، بغما و چپاول شد^{۶۱}.

ب: حمله به غیرنظامیان و پرسنل پلیس و ارتش انگلستان

۱۳ نوامبر ۱۹۴۷: تروریستهای یهودی طی حملاتی به حیفا و بیت المقدس چهار غیرنظامی و یک پلیس انگلیسی را کشته و ۲۶ سرباز را مجروح کردند^{۶۲}.

۱۴ نوامبر ۱۹۴۷: تروریستهای یهودی دو پلیس و دو سرباز انگلیسی را کشتند^{۶۳}.

۱۶ دسامبر ۱۹۴۷: یهودیان، دو عضو انگلیسی سی.آی.ای را در بیت المقدس از پشت مورد حمله قرار دادند و یک نفر از آنها کشته و نفر دیگر بشدت زخمی شد^{۶۴}.

۲۱ دسامبر ۱۹۴۷: دو سرباز گارد انگلیسی امروز در اثر گلوله در یکی از خیابانهای بیت المقدس بشدت زخمی شدند. ایرگون اعلام کرد که تیراندازی مذکور به تلافی «تجاوز به یک دختر یهودی از سوی اعضای همان هنگ» صورت گرفته است^{۶۵}.

۲۸ ژانویه ۱۹۴۸: در نزدیکی دروازه- یافا به سوی سربازان انگلیسی شلیک شد و در نتیجه ۳ نفر مجروح شدند^{۶۶}.

۳ فوریه ۱۹۴۸: دو پاسبان انگلیسی توسط یهودیان در خوفوت به قتل رسیدند^{۶۷}.

۲۸ مارس ۱۹۴۸: یک زن انگلیسی و یک سرباز دیگر انگلیسی در اثر شلیک گلوله کشته شدند. هفت نفر دیگر نیز در شهر قدیمی بیت المقدس در اثر آتش یهودیان مجروح شدند^{۶۸}.

۶ آوریل ۱۹۴۸: یهودیان یک اردوگاه در حال تخلیه ارتش

بریتانیا را مورد حمله قرار داده، و ۹ نفر را به همراه افسر فرمانده در نزدیکی پاردس حنا به قتل رساندند، اعضای گروه ایرگون که به لباس پلیس ملبس بودند و از اتومبیل پلیس استفاده می کردند، مسئولیت حمله را بعهده داشتند. آنها با اتومبیل در اطراف اردوگاه دور می زدند و بدون هدف شلیک می کردند.^{۶۹}

۲۰ آوریل ۱۹۴۸: در جاده حیفا - تل آویو دوسرباز انگلیسی مجروح و یک نفر کشته شدند. یک کامیون در حال عبور یهودی به سوی آنها شلیک کرده بود.^{۷۰}

۲۸ آوریل ۱۹۴۸: یک پاسبان انگلیسی و دو پاسبان عرب در نزدیکی نهاریه با شلیک گلوله کشته شدند.^{۷۱}

ج: حمله به پرسنل سازمان ملل متحد

۱۷ سپتامبر ۱۹۴۸: «کنت فولک برنادت»، میانجی سازمان ملل در مورد مسأله فلسطین، توسط اعضای گروه اشترن در بخش تحت کنترل اسرائیلیها در بیت المقدس، در اثر شلیک گلوله به قتل رسید. دستیار او کلنل سروت نیز کشته شد. اشترنی هایی که در این جنایت شرکت کرده بودند یا آزاد شدند و یا به زندان کوتاه مدت محکوم گردیدند. فردمن ایلین رئیس سازمان اشترن، به ۸ سال زندان محکوم شد، اما پس از مدت کوتاهی آزاد گردید و عضو پارلمان اسرائیل شد.^{۷۲}

منابع

- ۱ - «میدل ایست جورنال»، آوریل ۱۹۴۸، ص ۲۱۶.
- ۲ - همان.

- ۳ — همان، ص ۲۱۷.
- ۴ — همان.
- ۵ — «تایمز»، لندن، ۸ ژانویه ۱۹۴۸.
- ۶ — همان، ۴ فوریه ۱۹۴۸.
- ۷ — همان، ۹ فوریه ۱۹۴۸.
- ۸ — همان، ۱۱ فوریه ۱۹۴۸.
- ۹ — همان، ۱۲ دسامبر ۱۹۴۷.
- ۱۰ — همان، ۱۵ دسامبر ۱۹۴۷.
- ۱۱ — همان، ۱۶ دسامبر ۱۹۴۷.
- ۱۲ — همان، ۲۲ دسامبر ۱۹۴۷.
- ۱۳ — همان، ۶ ژانویه ۱۹۴۸.
- ۱۴ — همان، ۱۰ ژانویه ۱۹۴۸.
- ۱۵ — همان، ۱۶ ژانویه ۱۹۴۸.
- ۱۶ — همان، ۲۳ ژانویه ۱۹۴۸.
- ۱۷ — همان، ۱۳ فوریه ۱۹۴۸.
- ۱۸ — همان.
- 19_ Wilson, *Cordon and Search*, p. 271.
- ۲۰ — همان، ص ۲۷۲.
- 21_ *Keesing's*, VI (1946-1948), 9239.
- ۲۲ — «تایمز»، لندن، ۵ ژانویه ۱۹۴۸.
- ۲۳ — همان، ۶ ژانویه ۱۹۴۸.
- ۲۴ — همان، ۱۷ ژانویه ۱۹۴۸.
- ۲۵ — همان، ۳۱ ژانویه ۱۹۴۸.
- ۲۶ — همان، ۱۰ فوریه ۱۹۴۸.
- ۲۷ — «میدل ایست جورنال»، ژوئیه ۱۹۴۸، ص ۳۲۹.
- ۲۸ — همان.
- ۲۹ — «تایمز»، لندن، ۱۷ آوریل ۱۹۴۸.
- ۳۰ — همان، ۱۰ آوریل ۱۹۴۸.
- ۳۱ — همان، ۱۳ دسامبر ۱۹۴۷.
- ۳۲ — همان، ۱۵ دسامبر ۱۹۴۷.
- 33_ *Keesing's*, VI (1946-1948), 9237.
- ۳۴ — «میدل ایست جورنال»، آوریل ۱۹۴۸، ص ۲۱۶.

- ۳۵ — «تایمز»، لندن، ۳ دسامبر ۱۹۴۷.
- 36— *Ha Sefer Ha-Palmach* (Tel-Aviv: Ha-Kibbutz Ha-Meuchad, 5716-1955), p. 55.
- ۳۷ — «تایمز»، لندن، ۲ ژانویه ۱۹۴۸.
- ۳۸ — همان، ۱۱ فوریه ۱۹۴۸.
- 39— Arie Yitzhaqi, *Yediot Abaronot*, April 14, 1972.
- ۴۰ — «میدل ایست جورنال»، آوریل ۱۹۴۸، ص ۲۲۰.
- 41— Arthur Koestler, *Promise and Fulfilment* (London: Macmillan and Co. Ltd., 1949), p. 159.
- ۴۲ — «تایمز»، لندن، ۶ آوریل ۱۹۴۸.
- 43— Jacques de Reynier, *A Jérusalem un drapeau flottait sur la ligne de feu* (Neuchâtel, Editions de la Baconnière 1950), pp. 69-74.
- 44— H. Levin, *Jerusalem Embattled* (London: Gollancz, 1950), pp. 64-67.
- ۴۵ — «تایمز»، لندن، ۱۳ آوریل ۱۹۴۸.
- ۴۶ — همان، ۱۷ آوریل ۱۹۴۸.
- ۴۷ — همان، ۲۱ آوریل ۱۹۴۸.
- 48— *Jewish Newsletter*, New York, February 9, 1959.
- ۴۹ — «تایمز»، لندن، ۲۳ آوریل ۱۹۴۸، و
Wilson, *Cordon and Search*, p. 193.
- 50— Jon Kimche, *Seven Fallen Pillars* (London: Secker and Waburg, 1950) p. 224.
- 51— Begin, *Revolt*, p. 370.
- 52— Jon and David Kimche, *Both Sides of the Hill* (London: Secker and Waburg, 1960), pp. 227-228.
- ۵۳ — «یدیعت احرونوت»، تل آویو، ۱۴ آوریل ۱۹۷۲.
- 54— Quoted by Walid Khalidi in *Middle East Forum*, July 1959.
«Why Did the Palestinians Leave?»
- ۵۵ — همان.
- ۵۶ — همان.
- 57— *Ha Sefer Ha-Palmach*, 11, p. 286.
- 58— Koestler, *Promise and Fulfillment*, p. 207.
- 59— Levin, *Jerusalem Embattled*, pp. 160-161.
- 60— Kimche, *Seven Fallen Pillars*, p. 224.

61_ Jon and David Kimche, *Both Sides of the Hill*, p. 228.

۶۲ — «سیدل ایست جورنال»، ژانویه ۱۹۴۸، ص ۷۰.

۶۳ — همان.

۶۴ — «تایمز»، لندن ۱۷ دسامبر ۱۹۴۷.

۶۵ — همان، ۲۲ دسامبر ۱۹۴۷.

۶۶ — همان، ۲۹ ژانویه ۱۹۴۸.

۶۷ — همان، ۴ فوریه ۱۹۴۸.

۶۸ — همان، ۲۹ مارس ۱۹۴۸.

۶۹ — همان، ۷ آوریل ۱۹۴۸.

۷۰ — همان، ۲۱ آوریل ۱۹۴۸.

۷۱ — همان، ۲۹ آوریل ۱۹۴۸.

72_ George Kirk, *The Middle East, 1945-1950, Survey of International Affairs, 1939-1946*, ed. by Arnold Toynbee (London: Oxford University Press, 1954) pp. 284-286.

فصل سوم

از جنگ فلسطین تا حمله سه جانبه به مصر

۱۹۴۸ - ۱۹۵۶

الف: ترور اعراب فلسطینی

۱۸ ژوئیه ۱۹۴۸: نیروهای اسرائیلی دهکده‌های عین غزال و جبهه را درهم کوبیده و ساکنان آن را علی‌رغم اینکه حاضر به مذاکره بودند، بزور اخراج کردند.^۱

۵ - نوامبر ۱۹۴۸: ساکنان دهکده اقرت بزور از خانه‌هایشان اخراج شدند.^۲

۱۵ نوامبر ۱۹۴۸: ساکنان دهکده کفربرعم را بزور از خانه‌هایشان اخراج کردند.^۳

۴ فوریه ۱۹۴۹: ساکنان دهکده عنان از مرز گذشتند و خانه‌هایشان منفجر شد.^۴

۲۸ فوریه ۱۹۴۹: چند صد نفر عرب، که از دهکده‌های خودشان به مناطق دیگر پناهنده شده‌اند، از کفریاسیف اخراج شدند، اکثر آنها مجبور شدند از مرز بگذرند.^۵

۵ ژوئن ۱۹۴۹: ساکنان دهکده‌های حسام، قطیه و جاعونه از منطقه جلیله به منطقه صفد اخراج شدند.^۶

۲۴ ژانویه ۱۹۵۰: ارتش اسرائیل ساکنان دهکده قابسیه را اخراج کردند.^۷

مارس ۱۹۵۰: ساکنان دهکده بطاط از خانه‌هایشان اخراج شدند.^۸

۱۷ اوت ۱۹۵۰: ساکنان دهکده مجدل اخراج شده و بعضی از آنها به غزه رفتند.^۹

فوریه ۱۹۵۱: ساکنان ۱۳ دهکده منطقه وادی از مرز اخراج شدند.^{۱۱}

مارس ۱۹۵۱: ۶۵۰ غیرنظامی عرب از مناطق ناحیه غیرنظامی شده مرز سوریه و اسرائیل اخراج شدند. شورای امنیت در ۱۸ مه ۱۹۵۱ این اقدام را محکوم کرد. اسرائیل از اجرای توصیه شورای امنیت مبنی بر بازگرداندن اخراج شدگان خودداری کرد.^{۱۲}

۱۷ نوامبر ۱۹۵۱: ارتش دهکده بوویشات را محاصره کرد، ساکنانش را اخراج کرد و خانه‌ها را با دیناسیت منفجر نمود.^{۱۳}

سپتامبر ۱۹۵۳: ساکنان ام‌الفرج اخراج شده و سپس دهکده منفجر شد.^{۱۶}

اکتبر ۱۹۵۳: علی‌رغم حکم عدم اخراج از سوی دادگاه عالی اسرائیل، ۷ خانواده از دهکده ریحانیه اخراج شدند.^{۱۸}

۳۰ سپتامبر ۱۹۵۰: سربازان اسرائیل با استفاده از ماشینهای زرهی، تحت حمایت هواپیماها، حدود ۴۰۷۱ عرب بدوی قبیله العزازست را از منطقه غیرنظامی شده العوجا اخراج کرده و وادارشان کردند تا به صحرای سینا پناهنده شوند. طی این عملیات ۱۳ نفر از جمله زنان و بچه‌ها کشته شدند.^{۱۰}

اوت ۱۹۵۲: نیروهای دولتی ارتش اسرائیل قبیله الصانع را مجبور به ترک اللاقیه کردند و این علی‌رغم دستور دادگاههای اسرائیل مبنی بر خودداری از این امر بود.^{۱۴}

اول تابستان ۱۹۵۳: هواپیماهای اسرائیلی در نزدیکی منطقه غیرنظامی شده العوجا، به اعراب بدوی و گله‌هایشان حمله کردند. نیروی زمینی نیز به روی آدمها و حیوانات شلیک کرده و چادرها را به

آتش کشیدند آنها می خواستند منطقه را برای ساختن آبادیهای یهودی- نشین آماده کنند.^{۱۰}

سپتامبر ۱۹۵۳: واحدهای ارتش اسرائیل طی چند روز با مسلسلهای خود به داخل جمعیت اعراب بدوی قبیله العزازمت شلیک کرده و سرانجام آنها را بد داخل صحرای سینا راندند.^{۱۲}

۳. اکتبر ۱۹۵۶: قبیله البقاره از شمال اسرائیل بد داخل سوریه رانده شد.^{۱۹}

دهات صفوریه، منصوره، میعار، کویکات، بروة، دامون، رویس، توسط نیروهای اسرائیلی نابود شد.^{۲۰}

ب: ایجاد ترس و وحشت در دل پرسنل سازمان ملل متحد

۱- اظهارات ای. ه. هاشیسون، رئیس کمیسیون مشترک ترک مخصوصه اسرائیلی - اردنی، ۵۲-۱۹۵۱:

مشکلات در امتداد مرزهای اعراب - اسرائیل متعدد و گوناگون بود، اما از نظر ناظران نظامی سازمان ملل بدترین این مشکلات نظر اسرائیلیها درباره آزادی رفت و آمدشان در امتداد مرزها بود.^{۲۱}

یک نمونه در اینجا ذکر می شود:

۶ آوریل ۱۹۵۱: گروهی از اسرائیلیهای مسلح در نزدیک «شمار هایاردن» سه ناظر سازمان ملل را محاصره و تهدید به مرگ کردند و به آنها گفتند اگر بار دیگر این طرفها پیدایشان شود، با گلوله کشته خواهند شد.^{۲۲}

۳- اظهارات سرلشکر کارل ون هورن، رئیس ستاد سازمان نظارت بر ترک مخصوصه، وابسته به سازمان ملل متحدین سالهای ۱۹۶۳-۱۹۵۸:

طی سفرم به نیویورک مایکل کومای نماینده دائمی اسرائیل در

سازمان ملل قبل از جلسه شورای امنیت با من ملاقات کرد. روشن بود که او برای ترساندن من به آنجا آمده است. او به من گفت بهترین راه این است که همه چیز را درباره طرح سازمان ملل برای اداره یک کشتی گشت زنی در دریاچه طبریه فراموش کنید زیرا دریاچه در اصل در قلمرو ارضی اسرائیل قرار گرفته است. گذشته از همه اینها، اصرار بر این همه کارهایی که می دانید نیمی از اسرائیلیها با آن مخالفند، یک نوع اتلاف وقت است. بهتر است به این نصیحت عاقلانه گوش کنید و گرنه زندگیتان به خطر خواهد افتاد^{۲۳}.

بعداً، ون هورن در معرض همه نوع تبلیغات بی شرمانه قرار گرفت. نامه های بدون امضاء، تهدیدات آشکار از سوی اسرائیلیها متوجه او بود. خود او می گوید:

«مرا تهدید کردند که نعشت را با تابوت از اسرائیل خارج خواهیم کرد^{۲۴}».

ج: حمله به مؤسسات و اموال امریکاییان و انگلیسیهای خارج از فلسطین. مسأله «لاون»

در ۱۹۵۴ یک حلقه جاسوسی اسرائیلی در دوره تصدی پست وزارت دفاع از سوی «بنحاس لاون» تحت فرامین وزیر دفاع اسرائیل یکسری فعالیت های خرابکاری علیه مؤسسات انگلیسی - امریکایی در مصر انجام داد.

هدف این عملیات خرابکاری عبارت بود از کنسولگری و کتابخانه های انگلستان در قاهره و اسکندریه و نیز دفاتر وابسته به امریکا. این عملیات همزمان با مرحله بحرانی مذاکرات انگلستان و امریکا در رابطه با خروج انگلیسیها از مصر، صورت می گرفت. هدف اصلی عملیات لاون این بود که در واشنگتن و لندن این تلقی را بوجود آورد که مقصر این خرابکاریها مصریان می باشند. این مسأله وسعت دشمنی مصر را با غرب و عدم توانایی رژیم جدید مصر را برای حفظ

نظم و قانون نشان می‌داد. کشف این حلقه جاسوسی توسط مصریها و افشای عملیات خرابکاری آن یکی از مشهورترین رسواییها را در سیاست داخلی اسرائیل به بار آورد. بحث بر سر این بود که آیا درحقیقت خود لاون به حلقه جاسوسی دستور عملیات داده است یا اینکه فرامین از طریق یک دسته نظامی و با اجازه ضمنی بن گورین به عنوان چهره‌ای که حامی لاون بود، صادر شده است.^{۲۵}

خانم «مارسلانی‌نینو»، یکی از اعضای زن حلقه، جاسوسی پس از جنگ ۱۹۶۷ توسط مصریها از زندان آزاد شد و مقامات اسرائیل با او به عنوان یک قهرمان رفتار کردند، و گلدامایر نخست‌وزیر اسرائیل در مراسم ازدواج او شرکت کرد.^{۲۶}

د: ترور یهودیان

از آنجا که یهودیان غرب از مهاجرت به کشور جدیدالتأسیس اسرائیل اکراه داشتند، دولت اسرائیل توجه خود را به روی جابجا کردن جوامع قدیمی یهودی در کشورهای عربی متمرکز کرد. طرز تفکر کلی اسرائیل را درباره این موضوع، شاید بتوان به بهترین وجهی با این بیانیه رهبر هاگانا نشان داد:

همانطور که گفتم، نگرانی اصلی ما در سوریه و لبنان تشویق جوانان به استقرار در فلسطین است. بطور کلی یهودیان میان‌سال و یهودیان کهنسال با سرنوشت خود خو کرده‌اند، و تقریباً ممکن نیست بتوان آنها را به ترک طرز تفکر و عادات نسلهای گذشته و آغاز زندگی جدیدی در سرزمین پدرانیشان ترغیب کرد. اندیشه آغاز یک زندگی جدید، برای آنها بی‌معنی است.

ما تقریباً باید طرز تفکر آنها را بپذیریم اما این فرض را که یهودیان جوان از وضع خودشان راضی می‌باشند باید رد کنیم. آنها

نباید به همان راه تغییرناپذیر والدین خود بروند. ما مصمم بودیم که آنها را به فلسطین بکشانیم و زندگی آزاد و کار در خدمت وطن طبیعی را به آنها نشان دهیم.^{۲۷}

دوران سالهای بین ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۵، که بیشترین مهاجرت یهودیان شرقی از کشورهای عرب به اسرائیل در آن اتفاق افتاد شاهد وقوع حوادث ناگوار بی سابقه‌ای در روابط بین جوامع یهودیان شرقی و ساکنان کشورهای عرب نیز بود. تلاش نویسندگان معاصر یهود در رابطه با این موضوع در جهت وضع سیاست پیچیده‌ای صورت می‌گیرد که هدفش ایجاد تشنج میان جوامع یهود و عرب به منظور ناراضی کردن جوامع یهودی شرقی و سپس مهاجرت آنان به اسرائیل می‌باشد.^{۲۸}

ه: ایجاد جو ترور و وحشت در سرزمینهای عربی مجاور

۱- حمله به دهکده‌های عرب و کشتار جمعی دهاتیان و غیرنظامیان
۱۱ ژانویه ۱۹۵۲: نیروهای اسرائیلی به بیت‌جالا، دهکده‌ای در نزدیکی بیت‌المقدس در اردن حمله کردند و ۷ غیرنظامی بدون سلاح را شامل یک مرد، دوزن و چهار بچه به قتل رساندند.^{۲۹}

۲۸ و ۲۹ ژانویه ۱۹۵۳: نیروهای اسرائیلی به دهکده‌های فلامه و رنتیس در اردن حمله کرده، و کدخدای فلامه را کشته و ۷ روستایی دیگر را زخمی کردند.^{۳۰}

۲۲ آوریل ۱۹۵۳: نیروهای اسرائیلی در جلو دروازه دمشق در بیت‌المقدس، به روی غیرنظامیان بدون سلاح آتش گشوده و ۱۰ نفر را کشتند.^{۳۱}

۱۴ و ۱۵ اکتبر ۱۹۵۳: نیروهای اسرائیلی متشکل از نصف گردان به دهکده قبیله در اردن حمله کرده و با انفجار ۱ خانه و یک مدرسه ۲ نفر از جمله زنان و بچه‌ها را قتل عام کردند.^{۳۲}

۲۸ و ۲۹ مارس ۱۹۵۴: نیروهای اسرائیل به دهکده نحالین

در اردن حمله کرده و ۹ نفر را کشته و ۱۹ نفر را زخمی کردند.^{۳۲}

اول سپتامبر ۱۹۵۵: نیروهای ضربتی اسرائیلی، از وسط دهکده بنی سهیله عبور کرده و چپ و راست را به مسلسل بستند.^{۳۴}

۱۱ و ۱۲ دسامبر ۱۹۵۵: نیروهای اسرائیلی دهکده‌های اطراف دریاچه طبریه در سوریه را مورد حمله قرار داده و ۱۲ غیرنظامی منجمه ۳ زن را کشته و خانه‌های بسیاری را ویران کردند.^{۳۵}

۱۳ سپتامبر ۱۹۵۶: نیروی اسرائیلی ضمن انفجار ایستگاه پلیس و مدرسه غرندل در اردن ۹ پلیس و دو غیرنظامی را به قتل رساندند.^{۳۶}

۱۱ و ۱۲ سپتامبر ۱۹۵۶: نیروی اسرائیلی ایستگاه پلیس و مدرسه رهوه را منفجر کرده و ۱۵ نفر را کشتند. یک ساختمان مدرسه را که توسط صندوق آژانس امداد سازمان ملل ساخته شده و به تازگی تکمیل شده بود، منفجر کردند.^{۳۷}

۲۵ سپتامبر ۱۹۵۶: نیروی اسرائیل ایستگاه پلیس را در نزدیکی حوسان منفجر کرده و ۳۹ نفر را کشتند. یک مدرسه دیگر را نیز در نزدیکی وادی فوکین در اردن منفجر نمودند.^{۳۸}

۲ - حمله به اردوگاه‌های پناهندگی

۲۸ اوت ۱۹۵۳: اسرائیلی‌های مسلح اردوگاه پناهندگی البریج متعلق به آژانس امداد سازمان ملل در غزه را مورد حمله قرار داده و از پنجره‌های کلبه‌ها به داخل آن نارنجک دستی پرتاب می‌کردند. هنگامی که پناهندگان تلاش می‌کردند از معرض انفجار نارنجک‌ها فرار کنند، یهودیان به رویشان شلیک کرده، ۲۰ نفر را کشته و ۶۲ نفر را مجروح کردند.^{۳۹}

۴ و ۵ آوریل ۱۹۵۶: اسرائیلی‌ها غزه را با خمپاره‌های ۱۲۰ میلی‌متری گلوله باران کردند. آتش خمپاره‌ها به روی وسط شهر متمرکز

شده بود. در نتیجه این حملات، ۵۶ غیر نظامی عرب کشته و ۳۰ مرد، زن و بچه مجروح شدند.^{۴۰}

۳ - استفاده مجدد از بمب نامه‌ای

۱۳ ژوئیه ۱۹۵۶: کلنل مصطفی حافظ، افسر اطلاعاتی مصر در نوار غزه در اثر بازکردن یک بسته حاوی بمب جانش را از دست داد.^{۴۱}

۱۴ ژوئیه ۱۹۵۶: صلاح مصطفی وابسته نظامی مصر در عمان بسته‌ای را که بنظر می‌رسید حاوی کتاب باشد گشود. بسته منفجر شد و چند روز بعد وی در اثر جراحات وارده جان خود را از دست داد.^{۴۲}

منابع

- 1- *Progress Report of the United Nations Mediator on Palestine, Official Records of the General Assembly, Third Session, Supplement No. 11 (A/648), p. 40.*
- 2- Sabri Jiryis, *The Arabs in Israel 1918-1966* (Beirut: Institute for Palestine Studies, 1968), p. 57.

۳ - همان.

۴ - همان.

۵ - همان.

۶ - همان.

۷ - همان.

۸ - همان.

۹ - همان.

- 10- *Official Records of the Security Council, Fifth Year, 511 Meeting, 16 October 1950, No 53, p. 3 and W. Bradford, Israeli Military Strategy, 1948-1962 (manuscript).*

- 11_ Jiryis, *The Arabs in Israel*, p. 57.
- 12_ U.N. Yearbook, 1951, pp. 290-292.
- 13_ Jiryis, *The Arabs in Israel*, p. 57.
- 14_ Commander E. H. Hutchison, *Violent Truce: A Military Observer Looks at the Arab-Israeli Conflict, 1951-1955* (London: John Calder, 1956), pp. 33-35.
- 15_ Report to Security Council by Bennike, Chief of Staff of UNTSO, 27 October 1953, reprinted in *Ibid*, pp. 168-169.
- 16_ Jiryis, *The Arabs in Israel*, p. 58.
- ۱۷ - «هآرتس»، تل آویو، ۶ اکتبر ۱۹۷۲.
- 18_ Jiryis, *The Arabs in Israel*, p. 58.
- ۱۹ - همان.
- ۲۰ - همان.
- 21_ Hutchison, *Violent Truce*, p. 79.
- 22_ U.N. Yearbook, 1951, p. 287.
- 23_ Major-General Carl von Horn, *Soldiering for Peace* (London: Cassell, 1966), p. 263.
- ۲۴ - همان، ص ۲۸۱.
- 25_ Michael Bar-Zohar, *Ben-Gurion: The Armed Prophet* (Englewood Cliffs, N. J.: Prentice-Hall, 1968), pp. 181-184. See also H. Sachar, *From the Ends of the Earth* (New York: Dell, 1970), p. 336.
- ۲۶ - «جویش اویزرور و میدل ایست رویو»، لندن، ۱ نوامبر ۱۹۷۱.
- ص ۱۰.
- 27_ Munya Mardor, *Haganah* (New York: New American Library, 1964), p. 93.
- 28_ Elmer Berger, *Who Knows Better Must Say So!* (New York: American Council for Judaism, 1955). Also see Alfred Lilienthal, *The Other Side of the Coin* (New York: Devin-Adair, 1965), pp. 37-38; Elie Kedourie, *The Chatham House Version and Other Middle Eastern Studies* (London: Weidenfeld and Nicolson, 1970), p. 312.
- 29_ Hutchison, *Violent Truce*, pp. 12-14.
- 30_ Bennike report in *Ibid*. p. 155.

۳۱ - همان.

۳۲ - همان، ص ۱۰۶، ۱۶۱.

۳۳ — همان، ص ۵۵.

34_ Lient. Gen. E.L.M. Burns, *Between Arab and Israeli* London:

Harrap, 1962), p. 90.

35_ *Keesing's*, X (1955-1956), 14643A.

36_ Burns, *Between Arab and Israeli*, p. 166.

۳۷ — همان.

۳۸ — همان، ص ۱۶۷ - ۱۶۸.

39_ Bennike report in Hutchison, *Violent Truce*, p. 168.

40_ Burns, *Between Arab and Israeli*, p. 140.

۴۱ — همان، ص ۱۶۴.

۴۲ — همان.

فصل چهارم

جنگ ۱۹۵۶ و اشغال

الف: قتل اعراب فلسطینی در کفر قاسم

اسرائیل در شب حمله به مصر در ۱۹۵۶ تصمیم گرفت تا در دهکده‌های عربی آن طرف مرز اسرائیل از جمله دهکده کفر قاسم مقررات رفت و آمد برقرار کند.

در ساعت ۴ و ۳ دقیقه بعد از ظهر ۲۶ اکتبر ۱۹۵۶ گاردهای مرزی اسرائیل وارد دهکده شده و اعلام کردند که از ساعت پنج مقررات رفت و آمد برقرار خواهد شد. همان شب هر کس در خانه بود کشته شد. بسیاری از اهالی دهکده هنوز در مزارع خارج دهکده کار می‌کردند و از برقراری مقررات رفت و آمد مطلع نبودند هنگامی که بدون اطلاع از جریان پس از ساعت ۵ بعد از ظهر به دهکده برگشتند، گاردهای مرزی به رویشان آتش گشودند و رو بهم رفته ۴۷ نفر کشته شدند. در میان قربانیان ۷ بچه و ۹ زن دیده می‌شد.

دو سال بعد در ۱۰ اکتبر ۱۹۵۸ گاردهای مسؤول قتل عام به دورانهای بین ۷ تا ۱۷ سال زندان محکوم شدند افکار عمومی اسرائیل از آنها طرفداری کرد و در نتیجه همگی در اول ۱۹۶۰ از زندان آزاد شدند. گروهان جبرائیل داهان افسر ارشد دوم زمان وقوع قتل عام، به عنوان «افسر مسؤول امور اعراب» در شهرداری رمله در سپتامبر ۱۹۶۰ منصوب شد. در حالی که او دو سال قبل از آن، به خاطر دست-

داشتن مستقیم در قتل عام ۷۴ عرب کفرقاسم، به ۱۵ سال زندان محکوم شده بود^۱.

ب: کشتار جمعی غیرنظامیان و پناهندگان

آنچه در زیر می‌آید نمونه‌هایی است از رفتار اسرائیلیها علیه غیرنظامیان عرب تحت اشغال.

۳ نوامبر ۱۹۵۶

شهرخان یونس و اردوگاه آژانس متصل به آن در صبح روز سوم نوامبر توسط سربازان اسرائیل اشغال شد. در آن موقع تعداد زیادی از غیرنظامیان کشته شدند. اما در شماره تلفاتی که بدست داده شده تناقضاتی بچشم می‌خورد. مقامات اسرائیلی اظهار می‌دارند که در زمان اشغال، مقاومت‌هایی در مقابل آنان صورت گرفت و پناهندگان فلسطینی بخشی از این مقاومت را تشکیل می‌دادند. اما از طرف دیگر پناهندگان اظهار می‌دارند که در زمان وقوع حادثه همه مقاومتها از بین رفته بود و هنگامی که سربازان اسرائیل در جستجوی افراد دارای اسلحه وارد شهر و اردوگاه شدند، بسیاری از غیرنظامیان بی‌سلاح به قتل رسیدند. اما براساس لیستی که از منابع موثق در مورد اشخاص کشته شده در تاریخ سوم نوامبر بدست آمد تعداد تلفات به ۲۷۵ نفر می‌رسید^۲.

۱۲ نوامبر ۱۹۵۶

در ۱۲ نوامبر در اردوگاهی که توسط سازمان ملل در شهر رفح ساخته شده، حادثه وخیمی رخ داد. هم منابع اسرائیل و هم منابع اطلاعاتی سازمان ملل قبول دارند که در زمان وقوع حادثه تعدادی از

پناهندگان توسط نیروهای اشغالگر کشته و زخمی شدند. رفح اردوگاه بزرگی است (با بیش از ۳۲۰۰۰ پناهنده) و بعضی از پناهندگان، صدای بلندگوهایی که مردم را به جمع شدن در نقاط خاص دعوت می کردند نشنیدند... گذشته از این به آنها وقت کافی داده نشده بود تا قبل از ساعت مقرر همه مردان به نقاط مورد نظر برسند. در اثر این درهم ریختگی، تعداد زیادی از پناهندگان از ترس اینکه دیر نشود، به طرف نقاط تعیین شده شروع به دویدن کردند، و بعضی از سربازان اسرائیلی که ظاهراً وحشت زده شده بودند به روی جمعیت در حال دو آتش گشودند. رئیس آژانس امداد سازمان ملل از طریق منابع قابل اطمینان لیستی از اسامی اشخاص کشته شده ۱۲ نوامبر در رفح دریافت کرده که تعدادشان به ۱۱۱ نفر می رسد.^۳

منابع

- 1- Jiryis, *The Arabs in Israel*, pp. 109-111.
- 2- From a Report by Labuisse, UNRWA Director, quoted by Burns, *Between Arab and Israeli* p. 140.

فصل پنجم

از سال ۱۹۵۶ تا جنگ ۱۹۶۷

الف: ترور اعراب

۱ - حمله به قلمرو کشورهای مجاور عرب: کشتار غیرنظامیان و
القبجار خانه‌ها

۴ فوریه ۱۹۵۹: یک گشت اسرائیلی از مرز مصر در جنوب
رفع عبور کرد و یک بچه و زن را کشته و زن دیگری را زخمی نمود.^۱

۱۷ فوریه ۱۹۵۹: یک گشت اسرائیلی به کمین ۴ نفر از
اشخاص داخل قلمرو جمهوری متحده عربی (مصر و سوریه) نشست
و ۲ نفر را کشته و یکی را مجروح کرد.^۲

۱۶ و ۱۷ مارس ۱۹۶۲: توپخانه و هواپیماهای اسرائیلی
دهکده غیرنظامی النقیب در سوریه را مورد حمله قرار داده و حداقل
۳۰ نفر را کشتند.^۳

۲۷ مه ۱۹۶۶: نیروهای اسرائیلی، خانه‌ها، یک کارخانه و
یک ایستگاه سوخت در امتداد مرز اردن را مورد حمله قرار داده، ۲
فرد مسن و ۳ بچه را کشته و ۲ پیرمرد و ۳ بچه را زخمی کردند.^۴

۲۹ و ۳۰ آوریل ۱۹۶۶: نیروهای اسرائیلی ۱۹ خانه در رفح
و چهارخانه در شیخ حسین در اردن را درهم کوبیده و ۸ نفر را کشتند.^۵

۱۳ نوامبر ۱۹۶۶: یک نیروی بزرگ اسرائیلی، شامل تانکها،
ماشینهای زرهی، دهکده سامو در اردن را مورد حمله قرار داده، ۱۲۵
خانه، یک مدرسه و یک کلینیک را منهدم ساخته و ضمن ویرانی ۱۵
خانه در یک دهکده دیگر ۱۸ نفر را کشته و ۴ نفر را زخمی کردند.^۶

۲- ترور اعراب فلسطینی: اخراج دستجمعی
۶ اکتبر ۱۹۵۹: کمیسیون ترک مخصوصه مشترک مصری -
اسرائیلی، اسرائیل را به خاطر اخراج چندصد نفر از اعراب بدوی
قبیله العزازمت از نقو، محکوم کرد.^۷

ب: ترور دانشمندان آلمان غربی در مصر

۱- ارسال بمبهای نامه‌ای
نوامبر ۱۹۶۲، مارس ۱۹۶۳: دانشمندان آلمان غربی مشغول
بکار در مصر، ۳ بمب پستی دریافت کردند. دو تا از این بمبها منفجر
شد و ۶ دانشمند مصری را کشته و یک منشی زن را کور کرد. دفتر
دادستان عمومی فدرال در کارلسروه اعلام کرد که نامه‌ها از
هامبورگ پست شده بود.^۸

۲- انفجار مکانها و آدم‌ربایی
۱۹ مارس ۱۹۶۳: پلیس سویس اعلام کرد یوسف بن گال،
کارمند ظاهری وزارت آموزش و پرورش اسرائیل، و دکتر اوتو
جو کلیک دانشمند اتریشی را دستگیر کرده است. اتهام آنها این بود که
یک دانشمند آلمان غربی را که به همراه دیگر دانشمندان آلمانی به روی
طرح توسعه موشکهای نظامی در مصر کار می کردند، تهدید به مرگ
نموده اند. دستگیری دو نفر یکسری داستانهای حساس و جنجالی در
مطبوعات اروپا درباره سازمان «شین بث»^۹، چگونگی ارسال بمبهای
نامه‌ای برای دانشمندان آلمانی، فلج کردن بعضی از اعضای آنها،
چگونگی ربوده شدن یک آلمانی دیگر توسط اسرائیلیها، و زندانی کردن
او در وین و چگونگی انفجار اسرارآمیز هواپیمای خصوصی حامل افراد
وابسته به طرح نظامی مصر در وسط آسمان و کشتن مسافران آن، براه

انداخت.

این موضوع که آیا بن گورین از این اعمال مطلع بوده و یا اینها فقط کار عوامل اسرائیلی علیه دانشمندان آلمانی بوده هنوز معلوم نشده است. اما پس از اینکه دستگیری دو نفر مذکور راز این اقدامات را برملا ساخت، بن گورین ارزیابی سیاسی ایزرها را^{۱۰} در مورد نقش دانشمندان آلمانی در مصر را کنار گذاشت. اگرچه بسیاری اسرائیلیها معتقدند که هارل بدون دستور بن گورین دست به اقدام نزده، وی مجبور شد در نتیجه اختلاف با نخست وزیر متکبرش استعفا بدهد^{۱۱}.

منابع

- 1- *Yearbook of the United Nations*, 1959 (New York: U. N. Office of Public Information, 1960), p. 35.
- ۲ — همان.
- 3- von Horn, *Soldiering for Peace*, pp. 267-268.
- 4- *Yearbook of the United Nations*, 1965, p. 216.
- 5- *Yearbook of the United Nations*, 1966, p. 172.
- 6- *Keesing's*, XVI (1967-1968), 21819.
- 7- Menahem Mansoor, *Political and Diplomatic History of the Arab World, 1900-1967: A Chronological Study* (Washington: NCR / Microcard Editions, 1972), III (1953-1959), October 6, 1959.
- 8- *Keesing's*, XIV (1963-1964), 19635A.
- ۹ — یکی از ادارات سازمان جاسوسی اسرائیل.
- ۱۰ — در این زمان ایزرها را رئیس سازمان امنیت اسرائیل بود.
- 11- *New York Times Magazine*, February 8, 1970, p. 88, and *Keesing's*, XIV (1963-1964), 19635A.

جنگ ۶ روزه ژوئن ۱۹۶۷

الف: کشتار دستجمعی و گورهای دستجمعی

فتاح محمد الغریب که به زبان انگلیسی فصیح صحبت می کند، و یک سال را در دانشگاه امریکایی بیروت گذرانده و علاوه برین برای آژانس امداد سازمان ملل در اردوگاهشان در شهر رفح بکار پرداخته است، داستان این کشتار را برای ما تعریف کرده است. در آنجا او شاهد بود که ۲۳ نفر را با تیراندازی به قتل رسانده و اجسادشان را برای ترساندن دیگران برای چند روز در خیابان رها کردند. اجساد را سرانجام در گورستان دستجمعی دفن نمودند. شاهد دیگر این حادثه، احمد غانم که سه تن از پسرعموهایش در این مدت کشته شده اند، داستان را تشریح می کند.

ادیب مهدی پلیس اخراجی غزه را مجبور کردند تا در نیروی پلیس اسرائیل به کار خود ادامه دهد. او داستان گلوله باران کردن ۲۳ نفر در اردوی رفح در نوار غزه و دفن کردن آنها را در یک گور جمعی تأیید می کند.

مسأله وجود یک گور دستجمعی حاوی ۲۳ جسد، داستان نقل شده توسط دیوید هولدن در روزنامه ساندی تایمز را مورد تأیید قرار می دهد. دیوید هولدن در گزارش مذکور می نویسد:

بر طبق منابع آژانس امداد سازمان ملل در غزه که به نظر من موثق می باشد، ۱۴۴ خانه مسکونی در یک اردوگاه پناهندگی تنها در

یک شب، بوسیله بولدوزر درهم کوبیده شد. اخیراً یک گوردستجمعی حاوی ۲۳ جسد تحت نظارت آژانس امداد سازمان ملل در زیرزمین پیدا شده است.^۲

ب: کشتار بدون تبعیض و وحشی‌گری علیه غیر نظامیان

۱- اظهارات وینفرد وایت‌نخو، همسر امریکایی دکتر چارلز ل. نخو، رئیس بیمارستان هملن شهر حمانا در لبنان^۳.
دوست دیگری که اخیراً در سر راهش به امریکا به دیدن ما آمده خانم مطر ییوه رئیس مقبره می‌باشد. خانواده مطرها ملیت اردنی دارند، و برای سالهای مدید از این نقطه زیبا که بسیاری معتقدند، ممکن است مکان واقعی دفن عیسی مسیح باشد، محافظت می‌کرده‌اند و بدین خاطر مورد احترام همه هستند.

در پنجم ژوئن، هنگامی که جنگ درگرفت و تمام مناطق اطرافشان بمباران شد، خانواده مطرها و همکارآلمانی آنها پناه گرفتن در عمارت خود مقبره را بهترین مکان امن یافتند. روز و شب دوشنبه را تماماً در آنجا بسر بردند. یکبار که بمباران متوقف شد آقای مطر گفت می‌خواهد از ساختمان مقبره به خانه‌اش در صدیاردی آنجا برود... قبل از ترک ساختمان مقبره پولی را که همراه داشت به همسرش داد. مدتی بعد، خانم مطر و زیگرید شنیدند که یکنفر در باغ مقبره را می‌کوبد سپس شنیدند که آقای مطر برای پاسخ دادن به او به خارج رفت و گفت: «صبح بخیر» سپس صدای رگبار مسلسل بلند شد. سپس سربازان اسرائیلی به داخل باغ آمدند و به داخل مقبره یعنی جایی که دو بانوی فوق قرار داشتند آتش گشودند. هنگامی که خانم زیگرید شنید آنها مسلسل‌های خود را خشابگذاری می‌کنند، با فریاد و جیغ و داد خود را به بیرون انداخت. سربازان که با پی‌بردن به حضور یک زن خارجی

متحیر شده بودند بدون گفتن کلامی خارج شدند و سراپای خانه را بدون هدف به گلوله بستند.

۲- گواهی شورای جهانی صلح

در اردوگاه پناهندگی خان دانون که از دمشق چندان فاصله ندارد، داستان مردی به نام محمد القدسی از دهکده الخشینه را برایمان تعریف کردند. شهروند عرب مذکور به همراه همسر، دو دختر جوان و دو پسرش در خانه نشسته بودند که سربازان اسرائیلی وارد شدند. آنها خطاب به وی گفتند: «چرا شماها هنوز اینجا مانده اید؟» و سپس اضافه کردند: «چه غیر نظامی باشید و چه نظامی جایی در این دهکده ندارید.»

سپس فاجعه اتفاق افتاد. مهاجمین از او پرسیدند: «تو دو پسر و دو دخترداری، پسرها را ببریم یا دخترها را؟» القدسی از آنها فرصت خواست و سپس با خانواده اش مشورت کرد. پسرها گفتند ما می رویم زیرا دخترها را باید از دست مهاجمان نجات داد. پدر نزد سربازان اسرائیلی آمد و گفت «پسرها را ببرید».

سربازان اسرائیلی دو پسر را بیرون کرده و بیرون از در خانه آنها را به رگبار بستند، سپس برگشتند و دخترها را با خود بردند... فریاد آنها برای مدت زمان طولانی از بیرون شنیده می شد. داستان بالا استثنایی نیست. ما داستانهای بسیاری از اینگونه رفتار سربازان اسرائیلی در دهکده ها شنیده ایم.^۴

۳- استفاده از بچه ها به عنوان کروکان

مطالب زیر اقتباس دیگری است از «نامه سرگشاده» خانم وینفرد وایت نخو:

«درحالی که تعدادی خانواده در تاریکی زیرزمین صومعه دومینیکنی جمع شده بودند یک سرباز اسرائیلی پایین آمد و دستور داد تمام بچه‌ها را به بالای پله‌ها بیاورند. می‌گفتند که می‌خواهند درمقابل آتش گلوله اردنیها از آنها به‌عنوان گروگان استفاده کنند. هنگامی که چراغ قوه سربازان تمام چهارگوشه زیرزمین را روشن کرد، بچه‌های جوان از وحشت به‌دامان مادرهایشان پناه بردند».

ج: وحشی‌گری با اسرای جنگی

۱- وحشی‌گری عمومی

اظهارات روزنامه ساندی تایمز:

سه مهندس لهستانی که در صحرای سینا به‌اسارت سربازان اسرائیلی درآمده بودند، گزارش دادند که زندانیان جنگی مصری را در اردویی در صحرای سینا وادار می‌کردند ساعتها بدون حرکت به‌پشت روی شن‌ها دراز بکشند و سپس به‌سختی تمام، با قنداق تفنگ آنها را می‌زدند^۶.

۱۵ ژوئن ۱۹۶۷: اسرائیل تا روز ۱۵ ژوئن ۱۹۶۷ یعنی ۵ روز پس از پایان تخاصمات به‌صلیب سرخ بین‌المللی اجازه‌کار در صحرای سینا نداد. بدین‌خاطر هزاران سرباز مصری در صحرا از تشنگی و گرسنگی هلاک شدند و نیز صدها مجروح به‌دلیل نرسیدن امداد، جان‌شان را از دست دادند^۷.

ما مردانی را که در صحرای سینا دفن شده و با هواپیمای صلیب سرخ به‌مصر آورده شده بودند بچشم دیدیم. یکی از آنها از منطقه اسماعیلیه بود. سپس عبدالرسول غزالی را که در رفح نزدیک نوارغزه به‌روی یک تانک کار می‌کرد دیدیم، بازوی چپش را از دست داده

بود و ۹ گلوله به او اصابت کرده بود. خودش می گفت بعضی از گلوله ها را هنگام بازجویی اش پس از اسارت در روز اول جنگ به بدن او شلیک کرده بودند. ۷۲ روز در اسارت بود و در این مدت او را از پاهایش آویزان کرده بودند. از او پرسیدم چه مدت این کار را با او کردند، گفت دقیقاً برایش مشخص نیست. هنگامی که از آنها نوشیدنی خواست با شلیک گلوله به بدنش به او پاسخ دادند. یک بطری آب را قطره قطره روی بدنش ریختند، اما از ریختن آن به داخل دهانش خودداری کردند^۸.

۲ - وادار کردن اسرای جنگی به عبور از صحرا با پای برهنه

طی جنگ ۱۹۶۷، اسرائیلیها ترکیبی از شکنجه روانی و جسمی را در مورد زندانیان مصری بکار بردند. یک شیوه دیگر شکنجه، این بود که پوتین را از پای سربازان درمی آوردند و آنها را وادار می کردند در صحرای سوزان راه بروند. درجه حرارت در صحرای سینا در ماه ژوئن در سایه به ۴ درجه و در آفتاب به ۶۰ درجه سانتیگراد می رسد. بنابراین هر کس بدون پوتین در صحرا راه برود دچار سوختگیهای وخیم از ناحیه پا خواهد شد. اسرائیلیها بعداً با عکس گرفتن از این پوتینهای انباشته شده، افسانه هایی می ساختند مبنی بر اینکه مصریها برای اینکه سریعتر از جبهه جنگ فرار کنند پوتینهای خود را جا گذاشته اند.

د: دینامیت گذاری در محله های شهری و دهکده ها و اخراج دستجمعی ساکنان آن

۱ - اظهارات خواهر راهبه ماری نوز

الف: بیت المقدس

۱۲ ژوئن ۱۹۶۷: در بیت المقدس، ... خانواده محله -

مغاریه را پس از یک اخطار سه ساعته برای تخلیه خانه‌ها، اخراج کردند. خانه‌ها را به منظور درست کردن یک میدان سنگ فرش در جلو دیوار ندبه، با بولدوزر ویران کردند.^۹

۱۷ ژوئن ۱۹۶۷: در ساعت ۴ صبح روز ۱۷ ژوئن، ارتش اسرائیل به ساکنان محله یهودی سابق و خانه‌های اطراف آن دستور داد تا در عرض ۲۴ ساعت آن حوالی را ترک کنند. این اقدام شامل چند صد خانواده می‌گردید که مشاهده می‌شد در سراسر روز اموال خودشان را از کوچه‌های بیت المقدس به جای دیگر حمل می‌کنند. بعضی از آنها توانستند به اقوام و دوستانشان پناه ببرند ولی اکثریت خانواده‌ها ناچار شدند شهر را ترک کنند.^{۱۰}

ب: قلقیلیه (ساحل غربی)

در نابلس صدها خانواده را دیدیم که زیر درختهای زیتون در فضای باز خوابیده بودند. به ما گفتند اهل قلقیلیه هستند و اجازه ندارند به آنجا بازگردند. به قلقیلیه رفتیم تا ببینیم چه خبر است. احساس شومی در آنجا به ما دست داد، زیرا شهر را با دینامیت منفجر کرده بودند.^{۱۱}...

ج: بیت نوبه، عمواس

حالا می‌دانیم که اسرائیلیها نمی‌خواهند ما را ببینند. سه دهکده به طور سیستماتیک با دینامیت و بولدوزر ویران شد. الاغها در یک سکوت مرگبار در میان خرابه‌ها به گشت زنی مشغول بودند. مبل و اثاثیه‌های درهم شکسته شده و یک بالش پاره پاره که از لای تکه سنگها و سیمانها بیرون آمده، اینجا و آنجا بچشم می‌خورد. یک قوری آشپزخانه و یک پتو در وسط جاده جا گذاشته شده است. ساکنان وقت نداشتند چیزی را با خود ببرند.^{۱۲}

۲- گزارش روزنامه‌های کریستین ساینس مانیتور و گاردین

مردم را مجبور کردند تا در عرض یک اخطار چند ساعته، خانه‌هایشان را ترک کنند. خانه‌هایشان منفجر شد و بوسیله بولدوزر با خاک یکسان گردید.^{۱۳} گزارشات مقامات ارشد آژانس امداد سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی حاکی از این است که اسرائیلیها ظاهراً در بسیاری موارد ساکنان فلسطینی را از خانه‌هایشان بیرون کرده و با بمباران اردوگاهها در طی جنگی که هفته گذشته آغاز شده آنها را از اردوگاههای پناهندگی دائمی بیرون رانده‌اند.

اکثریت پناهندگانی که به ساحل غربی اردن وارد می‌شوند، خود قبلاً جزو پناهندگان بدون مال و منال بحساب می‌آمدند. اما یک تلاش هماهنگ توسط اسرائیلیها برای بیرون راندن فلسطینیهای غیرپناهنده از شهرها و دهکده‌های نزدیک خط متار که جنگ سال ۱۹۴۹ اردن-اسرائیل آغاز شده است. پناهندگان وارد شده به ساحل غربی، به مقامات سازمان ملل گفتند که کامیونهای بلندگودار اسرائیلی در تعدادی از شهرهای ساحل غربی اعلام کردند که اتوبوسها حاضرند آنها را در عرض دو ساعت از آنجا خارج کنند. به ادعای پناهندگان بلندگوها اخطار می‌کردند: «ما نمی‌توانیم بگوییم در صورت باقی ماندنتان چه اتفاقی رخ خواهد داد».^{۱۴}

۵: نابودی بی‌جهت اموال غیرنظامی

۱۱ ژوئن ۱۹۶۷: در غزه نمونه‌ای از عمل نابودی بی‌جهت را می‌توان در رد چرخ تانکها مشاهده کرد، که به طرف ساحل رفته و یک ردیف قایقهای ماهیگیری افراد بیگناه را زیر کرده و آنها را به صورت چوب خرد شده درآورده‌اند.^{۱۵}

و: غارت و چپاول شهرها

از روز بعد از ورود سربازان به تمام مناطق اشغال شده، تقریباً

تمام وسایل موتوری نقلیه به سرقت رفت. بسیاری مغازه‌ها چپاول شد، خانه‌های افراد مورد هجوم قرار گرفت و علی‌رغم اینکه در بسیاری از موارد ساکنان آنها در خانه بودند؛ به غارت و چپاول رفت. بسیاری از سربازان ساعتها، گردن‌بندها، پول و رادیوهای ترانزیستوری را به زور با خود برداشتند. گزارشاتی نیز از قتل به خاطر دزدی نیز در دست است (حتی از قول خود اسرائیلیها)^{۱۶}.

ز: جنگ روانی برای تشویق مهاجرت دستجمعی غیر نظامیان

۷ ژوئن ۱۹۶۷، قلقلیه: روز چهارشنبه ساعت ۴ بعد از ظهر افسری به قلقلیه آمد و گفت: «دهکده را خالی کنید چون هواپیماهای عراقی می‌خواهند آن را بمباران کنند.» سپس اهالی را با اتوبوس به عزون در ۲۵ مایلی دهکده بردند.^{۱۷}

۸ ژوئن ۱۹۶۷، صوریف: روز پنجشنبه ۸ ژوئن پس از محاصره هبرون، ساکنان این دهکده (صوریف) روی خانه‌ها پرچم برافراشته و افراد مسن‌تر به دیدار ارتش اسرائیل رفتند. ارتش اردن روز قبل آنجا را ترک کرده بود. ساعت ۴ بعد از ظهر سربازان اسرائیلی وارد دهکده شدند و با شلیک گلوله‌های هوایی به عربی اعلام کردند: «وقت تسویه حساب فرا رسیده. شما خرگوش هستید، ۱۰ دقیقه وقت دارید تا به کوهستان بروید، اگر دهکده را ترک کنید جانتان را نجات داده‌اید». همه به کوهستان فرار کردند به جز یک پیرمرد که در اثر آتش شلیک همه‌جانبه مسلسلها به زمین افتاد. ۱۵ دقیقه بعد، ساکنان صدای انفجارهایی شنیدند (بعضی از ساکنان تا سوم ژوئیه در بیرون دره‌های باز بسر می‌بردند). آنها مشاهده کردند که ۱۳ خانه، یعنی بهترین خانه‌های دهکده ویران شد و بدین وسیله ۲۰ خانواده بدون پناهگاه

شدند.^{۱۸}

۹ ژوئن ۱۹۶۷، بیت‌الحم: تانکهای اسرائیلی در جلوی باسیلیسه صف کشیده و توپهایشان را به طرف شهر نشانه گرفته‌اند. مردم بیت‌الحم آشفته شده‌اند. به محض ورود اسرائیلیها، اتومبیلهای اسرائیلی با بلندگو به چرخیدن پرداخته و به عربی اعلام می‌کنند: «دو ساعت وقت دارید تا خانه‌هایتان را خالی کنید و به طرف جریکو یا عمان فرار کنید وگرنه خانه‌هایتان بمباران خواهد شد». این بار قصد داریم همه چیز را یادداشت کنیم و یک گزارش به مقامات اسرائیلی بدهیم زیرا این تحریکات و فشارهای روانی برای فراری دادن اعراب امر بسیار خطرناکی است.^{۱۹}

۱۸ ژوئن ۱۹۶۷، بیت‌المقدس: روز یکشنبه ۱۸ ژوئن، سربازان اسرائیلی در اطراف چرخ می‌زدند و گلوله شلیک می‌کردند. در همان حال بلندگوهای آنها اعلام می‌کرد: «رفت و آمد در طی زمان ممنوعیت در سراسر فردا ممنوع است. آنها که می‌خواهند به عمان بروند می‌توانند. اتوبوسها برای بردن آنها آماده‌اند».^{۲۰}

یک چنین حوادثی در سایر دهکده‌ها نیز رخ داد. هرگونه تسهیلاتی از طریق اقدامات گوناگون (از راه تبلیغات، پوستر، رادیو و بلندگو) در اختیار جمعیت قرار داده شد تا کشور را ترک کرده و به عمان بروند.^{۲۱}

بمباران و گلوله باران ستونهای جمعیت پناهنده

۱۴ ژوئن ۱۹۶۷: خبرنگار روزنامه انگلیسی گاردین می‌گوید: «هواپیماهای اسرائیلی به‌طور دائم پناهندگان را در جاده بیت‌المقدس به جریکو بمباران کرده و همه جا را نابود کرده و می‌سوزانند».^{۲۲}

۲۱ ژوئن ۱۹۶۷: سربازان اسرائیلی ناظر بر عبور پناهندگان،

امروز با گشودن آتش مسلسل‌هایشان بر بالای سرصف پناهندگان، فضای وحشت عجیبی ایجاد کردند. مسأله این است که دلیل آشکاری برای اجرای این نمایش نیرو وجود نداشت. پناهندگان قبلاً به اندازه کافی به وحشت افتاده بودند و این دیوانگی نظامی دلهره و اندوه عجیبی در میان مردم وحشت‌زده مرزنشین ایجاد کرد.^{۲۳}

ح: کشتار و به وحشت انداختن پرسنل سازمان ملل

• ژوئن ۱۹۶۷: یک ردیف کامیون هندی متعلق به نیروهای سازمان ملل در خاورمیانه (UNEF) توسط یک هواپیمای جنگی اسرائیل بمباران شد.^{۲۴}

در دوم اوت، تایمز گزارش داد که دولت هند طی تسلیم یک یادداشت به سرکنسول اسرائیل در دهلی از حادثه مذکور شکایت کرد. در یادداشت فوق آمده است: «یک تانک اسرائیلی در غزه به طور عمدی به روی یک وسیله نقلیه هندی مربوط به نیروهای سازمان ملل در خاورمیانه از • یاردی آتش گشود و سپس به طور عمدی راننده را با وجود اینکه می‌دانست عضو سازمان ملل است له کرده و کشت». در یادداشت شکوائیه دولت هند اضافه شده است: «نیروهای اسرائیلی • بار به طور عمدی به کارمندان هندی عضو (UNEF) حمله کرده و یازده نفر را کشته و ۲۴ نفر را مجروح کردند».^{۲۵}

در ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷، اوتانت دبیرکل سازمان ملل متحد گزارش داد که سربازان اسرائیلی با افسران نیروی اضطراری سازمان ملل بدرفتاری کرده و اموال پرسنل و تجهیزات دفتر آن را طی اولین روزهای جنگ خاورمیانه به غارت برده‌اند. اوتانت می‌گوید که در اردوگاه وابسته به نیروهای سازمان ملل در خاورمیانه (UNEF) یک

افسر اسرائیلی اعضای ستاد بین‌المللی و نظامی سازمان ملل را وادار کرد تا سرتاسر شب را بدون غذا و آب به روی زمین بخوابند.^{۲۶}

ط: حمله به بیمارستانها

۱ - حمله به بیمارستانها با بمب ناپالم

ساختمانی که در تمام بیت‌المقدس بیشتر از همه ضربه دیده است؛ ساختمان بیمارستان آگوستاویکتوریاست که بر روی تپه‌ای نزدیک کوه زیتون واقع شده است. اسرائیلیها می‌گویند از آنجا که ارتش اردن از این بیمارستان استفاده می‌کرده آن را بمباران کرده‌اند. اما این بار بنظر می‌رسد که اطلاعات آنها اشتباه بوده است. تا آنجا که من می‌دانم ساختمان مذکور به جز یک بیمارستان چیز دیگری نبود. خوشبختانه کسی به عنوان بیمار زخمی در آنجا نبود و کارمندان بیمارستان در زیرزمین پناه گرفته بودند. اما یک طرف بیمارستان بکلی نابود شد و به همراه آن کار تحقیقاتی یک عمر نیز از بین رفت.^{۲۷}

چهار جت اسرائیلی قوطیهای حاوی بمب ناپالم را به روی بیمارستان آگوستاویکتوریا در بیت‌المقدس فرو ریختند.^{۲۸}

۲ - رفتار وحشیانه با کارمندان و بیماران بیمارستان

یک افسر ارتش دستور داد تا از مکان خالی صومعه راهبان که طی جنگ تبدیل به بیمارستان شده بود بازرسی بعمل آید. این افسر با توجه به اعتراضات رؤسای این مکان که توافقیانه ژنو، قوانین انساندوستی و گذشت شکوهمند راهبه‌ها را از نظر یهودیان یادآوری می‌کردند، خشونت بی‌سابقه‌ای از خود نشان داد. بازرسی صومعه در حدود ساعت ۷ صورت گرفت. سربازان اسرائیلی با سلاح وارد آنجا شده و مجروحان و پرسنل پزشکی را وادار کردند به خیابان رفته و پشت به

دیوار دستهایشان را روی سرشان بگذارند. مسلسلهای خود کار نیز به روی آنها نشانه رفته بود. پس از اتمام بازرسی باوجود اینکه در داخل ساختمان چیزی پیدا نشد، سربازان اسرائیلی، مجروحان و پرسنل پزشکی را پیاده با خود بردند.

بنا به اصرار افسر اسرائیلی، مادر ارشد مجبور شد نامه‌ای نوشته و زیر آن را امضا کند. در این نامه تأکید شد که همه چیز بخوبی پیش رفته است. سربازان اسرائیلی در حدود ساعت ۱۱ صبح مجروحان و پرسنل پزشکی را بازگرداندند و گفتند که نتوانسته‌اند کارهای رسمی ضروری را تکمیل کنند و بنابراین روز بعد برای انجام این کارها باز خواهند گشت. روز بعد از راهبه‌ها خواستند تا تمام مجروحین را بیرون کنند.

کنسول فرانسه وارد منطقه شد و به بازرسی در این مکان مقدس که تحت قوانین کنسولگری او اداره می‌شود اعتراض کرد. سربازان اسرائیلی به اعتراض او توجهی نکردند.^{۲۹}

منابع

۱- نمایندگان انگلیسی صلیب سرخ این حادثه را در دوران جنگ ذکر

کردند و در روزنامه «دیلی استار»، بیروت، ۱۷ اوت ۱۹۶۸، منتشر شد.

۲- «ساندی تایمز»، ۱۹ نوامبر ۱۹۶۷.

3- Mrs. Winifred White Nucho, «An Open Letter» (Beirut, July 4, 1967).

۴- گزارش شورای بین‌المللی صلح بعد از دیدار اعضای آن در تابستان

۱۹۶۷ از سوریه. نام گزارش: «حقایق درباره جنگ خاورمیانه».

5- Nucho, «An Open Letter».

- ۶ — «تایمز»، لندن، ۱۵ ژوئن ۱۹۶۷.
- ۷ — همان.
- ۸ — همان، ۱۹ ژوئن ۱۹۶۷.
- 9_ Jerusalem Diary of Sister Marie-Thérèse, in *Cahiers du Témoignage Chrétien* (Paris), July 27, 1967.
- ۱۰ — همان.
- ۱۱ — همان.
- ۱۲ — همان.
- ۱۳ — «کریستین ساینس مانیتور»، بوستن، ۲۴ ژوئن ۱۹۶۷.
- ۱۴ — «گاردین»، لندن، ۱۳ ژوئن ۱۹۶۷.
- ۱۵ — «تایمز»، لندن، ۱۲ ژوئن ۱۹۶۷.
- 16_ Report Submitted to Israeli Authorities by Father Paul Gauthier, Father Andre Houppertz, and Sister Marie-Thérèse and published in *Cahiers du Témoignage Chrétien* (Paris), July 27, 1967.
- ۱۷ — خاطرات روزهای بیت المقدس، نوشته خواهر ماری ترز.
- ۱۸ — همان.
- ۱۹ — همان.
- ۲۰ — همان.
- ۲۱ — همان.
- ۲۲ — «گاردین»، ۱۴ ژوئن ۱۹۶۷.
- ۲۳ — «تایمز»، لندن، ۲۲ ژوئن ۱۹۶۷.
- ۲۴ — همان، ۶ ژوئن ۱۹۶۷.
- ۲۵ — همان، ۲ اوت ۱۹۶۷.
- ۲۶ — «نیویورک هرالد تریبیون»، نیویورک، ۱۵ - ۱۶ ژوئیه ۱۹۶۷.
- ۲۷ — «اکنونیست»، لندن، ۱ ژوئیه ۱۹۶۷.
- ۲۸ — «لایف»، نیویورک، ۳۱ ژوئیه ۱۹۶۷.
- 29_ *Cahiers du Témoignage Chrétien* (Paris), No. 46, p. 50.

فصل هفتم

از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳

الف: ترور اعراب تحت اشغال

۱ - اعدامهای جمعی و قتل عام پناهندگان بی‌سلاحی که به خانه‌هایشان باز می‌گردند
آنهايي که طی جنگ از طریق رود اردن فرار کرده بودند، به هنگامی که سعی کردند به خانه‌هایشان باز گردند بدون هیچ گونه تمایزی به رگبار گلوله بسته شدند. یکی از سربازان اسرائیلی که در عملیات بین پایان ژوئیه و آغاز اوت شرکت کرده بود، عملیات را این گونه توصیف می‌کند:

هرشب اعراب از شرق به غرب رود اردن عبور می‌کنند. راههای عبور را (یعنی مکانهایی را که در آنجا رودخانه کم‌عمق است و می‌شود پیاده از آن عبور کرد) بستیم و سپس دستور رسید که بدون اخطار قبلی و به قصد کشت آنها را به گلوله ببندیم. در حقیقت، هر شب مردان و زنان و بچه‌ها را به گلوله می‌بستیم. حتی در شبهای مهتابی که تشخیص مردان از زنان و بچه‌ها آسان است، از این کار خودداری نمی‌کردیم. صبحها، منطقه را می‌گشتیم، و افسر فرمانده صریحاً دستور می‌داد که زنده‌ها و منجمله مجروحان را بکشیم. پس از کشتن، آنها را زیر خاک می‌کردیم و گاهی نیز رهایشان می‌کردیم تا یک بولدوزر بیاید و آنها را دفن کند. بعضی از اینها عوامل اطلاعاتی هستند، بعضی رخنه‌کنندگان مسلح هستند و بعضی قاچاقچی‌اند. البته اغلبشان ساکنان قبلی ساحل غربی هستند که برای بازگشت، اجازه‌نامه اسرائیلی دریافت نکرده‌اند. سواردی پیش آمد که هرگز فراموششان نخواهم کرد. یک روز صبح دو مرد

سالم دیدیم و افسرمان دستور داد آنها را بکشیم و ما نیز به آن نقطه شلیک کردیم. یک بار هم به دو مردی که از ناحیه پا مجروح شده بودند برخوردیم؛ کاغذهای عبورشان را گرفتیم، اما بعداً افسرمان دستور داد آنها را بکشیم. آنها از اشارات ما به منظورمان پی بردند، و ناامیدانه برای حفظ جانشان به ما التماس می کردند. به جز یکی که داوطلب کشتن آنها شد، همگی آنجا را ترک کردیم. برای اینکه بمیرند مجبور شد ۶ بار شلیک کند. از این نمونه ها بسیار اتفاق افتاد، و من تنها از حوادثی ذکر بعمل می آورم که خود به عینه شاهدشان بودم. اما نمونه حوادثی که دیگر سربازان تعریف می کنند بسیار زیاد است. حتی شنیده ام که بعضی سربازان به روی انبوه اجساد آتش گشوده اند.

یک روز صبح انبوهی از اجساد را به چشم دیدم که یک دختر جوان نیز در میانشان دیده می شد. یک بار دیگر یکی از اعضای الفتح برای حفظ جاننش به التماس افتاد، اما وقتی دید که این کاری فایده است؛ لعنتان کرد و گلوله ها را نوش جان نمود. یک شب یک گروه ۲ نفره عبور کردند که به رویشان شلیک کردیم و هنگام صبح تنها ۱۱ جسد پیدا کردیم.

طی دوران خدمت، یعنی مدتها پس از جنگ هرشب در بخش خودمان به روی افراد شلیک می کردیم. مردم هرشب مورد اصابت گلوله قرار می گرفتند، و مجروحان هنگام صبح کشته می شدند. حتی آنهایی را هم که سالم می ماندند می کشتیم.

۲ - کشتارهای بدون تبعیض، سرکوب تظاهرات، وحشیگری طی دوران اعمال منع رفت و آمد

آنچه در زیر می آید، نمونه هایی از کنترل تظاهرات توسط ارتش اسرائیل است.

۲۰ ژانویه ۱۹۶۹: سربازان اسرائیلی به روی گروهی از تظاهر کنندگان در رفح آتش گشودند؛ یک زن را کشته و ۹ زن و دختر دیگر را مجروح کردند.

۲ فوریه ۱۹۶۹: سربازان اسرائیلی مسلح به چماق به جان

دختران تظاهرکننده دیرستانی در غزه افتاده و ۹ نفرشان را مجروح کردند.^۳

۱۹ فوریه ۱۹۶۹: سربازان اسرائیلی دختران تظاهرکننده را به داخل مدارس تعقیب می کنند و آنها را با چماق مورد ضرب و شتم قرار داده و هم دانش آموزان و هم معلمان را مجروح می کنند.^۴

فوریه ۱۹۶۹: تجمع زنان مسن معترض به شایعه دستگیری شهردار البیره با شست و چماق و تفنگ در هم کوبیده می شود.^۵

۲۹ مارس ۱۹۶۹: سربازان اسرائیلی رهبران محلی را طی سرکوب تظاهرات در نابلس مورد ضرب و شتم قرار دادند.^۶ در ۱۸، ۱۹۷۰ غیر نظامی بی سلاح طی مقررات رفت و آمد تنها در غزه کشته شدند.^۷ آنچه در زیر می آید نمونه هایی از رفتار اسرائیلیها طی برقراری منع رفت و آمد در غزه و ساحل غربی رود اردن است.

۱۳ فوریه ۱۹۷۰: نیروی گشتی ارتش اسرائیل متوجه گروهی از مردم در بوستان جنوب دیرالبلح در نوار غزه شد. در این ناحیه که جزو محدوده منع رفت و آمد بوده، گشتیها به رویشان آتش گشودند و یک زن را کشته و یک زن دیگر را مجروح کردند.^۸

۱۴ فوریه ۱۹۷۰: سربازان اسرائیلی به روی یک شخص مشکوک در حال گریز در شهر غزه آتش گشودند و یک عرب ۱۴ ساله را که آنجا ایستاده بود کشته و ۳ نفر دیگر از جمله ۲ بچه را مجروح کردند.^۹

۱۰ ژوئن ۱۹۷۰: نیروهای گشتی اسرائیل طی زمان برقراری منع رفت و آمد به روی «اشخاص مشکوک» در بیت حنون در ساحل غربی آتش گشوده و یک مرد مسن را کشته و یک زن ۳۰ ساله را به شدت مجروح نمودند.^{۱۰}

۲۹ ژوئن ۱۹۷۰: نیروهای گشتی اسرائیل به روی اشخاصی که

مقررات منع رفت و آمد را در نوار غزه زیر پا گذاشته بودند آتش گشوده و یک زن را کشتند^{۱۱}.

مقررات منع رفت و آمد خودسرانه و بدون اخطار قبلی تحمیل شد تا بدین ترتیب ترور و وحشت حاکم گردد.
روزنامه «ابزرور» در این باره این چنین می گوید:

بیشتر اوقات هنگام برقراری مقررات منع رفت و آمد در اردوگاههای پناهندگی، ساکنان سرد بین ۱۶ و ۶۰ سال را گرد آورده و مجبورشان می کنند تا ساعتها و بعضی موارد تا سه روز در فضای باز بسر ببرند. در یک مورد آنها را در داخل یک دریاچه کم عمق گرد آوردند. در ساعات برقراری مقررات منع رفت و آمد، برای ترساندن مردم و نگاهداشتن آنها در خانه هایشان و یا باز داشتن آنها از نزدیک شدن به منطقه مقررات منع رفت و آمد؛ از خارج تفنگ یا مسلسلها را به صدا درمی آوردند. این اقدامات برای ۲۱۰،۰۰۰ نفر از پناهندگان اردوگاههای نوار غزه بسیار دردناک است. آنها برای بدست آوردن غذا و خدمات رفاهی کاملاً به آژانس امداد سازمان ملل (UNRWA) وابسته هستند. از آنجا که در زمان برقراری مقررات، دسترسی به اردوگاه ممنوع است و کارمندان آژانس امداد سازمان ملل باید برای ورود از مقامات نظامی اجازه مخصوص بگیرند، توزیع سهمیه غذا و خدمات رفاهی یا دچار اخلاص شده و یا متوقف می گردد. هنگامی که اخیراً در اردوگاه ساحلی غزه برای ۶ روز مقررات منع رفت و آمد اعلام شد؛ برای ۵ روز هیچ نوع غذایی توزیع نشد. در خانه های اردوگاه آب جاری وجود ندارد و ۷۵ درصد آبریزها در خیابانهای اردوگاه واقع شده است. خانواده های پناهندگان که معمولاً تعدادشان زیاد است، مجبورند هنگام برقراری مقررات شب و روز در خانه های کلبه ای شکل خودشان باقی بمانند و هر روز؛ یک یا دو ساعت بیرون آیند. این مدت برای فراهم کردن آب و رفتن به مستراح و دریافت سهمیه غذایشان— هنگامی که اجازه توزیع داده می شود — کافی نیست^{۱۲}.

خواهران راهبه بیت النعم داستان مشابهی در مورد ساحل

غربی بازگومی کنند:

هنگامی که کسی از اهالی دهکده صومعه خودمان را در پای کوهستان ندیدیم؛ پی بردیم که اتفاق عجیبی رخ داده است. به همین خاطر مادر ارشد همراه یک مرد عازم آنجا شدند. ارتش دهکده را محاصره نموده و افراد را در خانه‌هایشان محبوس کرده بود. ترک خانه‌ها و حتی بازکردن پنجره‌ها و درها ممنوع شده بود و هیچ کس نمی‌توانست وارد شود. ما اجازه یافتیم که هر روز ۳ ساعت (از ۸ تا ۱۱) وارد دهکده شویم و برای اهالی دارو برده و از مریضها مواظبت کنیم. وقتی که وارد اولین خانه‌ها شدیم، صحنه تأسف‌انگیزی دیدیم. مردم بیچاره با ترس و هراس و بدون هوا و غذا و شیر برای بچه‌ها، و بخصوص بدون هیچ‌گونه آبی، به مدت پنج روز در تاریکی پنهان شده بودند. بدترین تحقیر برای آنها (که بدویانی فقیر اما مغرورند)، این بود که مجبور شدند از یک گوشه اتاقشان به عنوان مستراح استفاده کنند. واقعاً که یک عمل ضد انسانی بود^{۱۳}.

همین وحشی‌گریها، به‌ویژه طی عملیات بازرسی، خصیصه اصلی رفتار کلی ارتش اسرائیل را تشکیل می‌داد. روزنامه هاعولام هازه، گزارشاتی پیرامون شلاق زدن ساکنان، و آتش گشودن به روی بچه‌ها در نوار غزه منتشر کرد و افزود که اسرائیلیهای مشغول به کار در نوار غزه از رفتار گاردهای مرزی شکوه دارند^{۱۴}.

* تعداد بسیاری را که دچار شکستگی استخوان شده بودند به بیمارستان آوردند.

* مشاهده می‌شد که به‌پشت برهنه مردم، در مراکز ارتش شلاق زده می‌شود. این عمل به ایجاد تاولهای خطرناک منجر می‌شد.

* گشتیهای بازرسی خانه‌ها را ویران می‌کنند. مبل و اثاثیه و اموال را در هم کوبیده و ساعتها و جواهرآلات را به غارت می‌برند.

* اعضای گشتیها و گاردهای مرزی که ادعا می کنند زنان را بازرسی می کنند؛ آنها را لخت کرده و در خیابان رها می نمایند. بعضی از پرستاران را که با یک اتوبوس به طرف بیمارستان می رفتند، به این ترتیب بازرسی کردند. صلیب سرخ به این عمل اعتراض کرد، و نتیجه این شد که بعداً زنان را به جای خیابانهای اصلی در خیابانهای فرعی و اردوگاههای پناهندگی برهنه می کردند.^{۱۵}

یکی از بزرگترین اردوگاهها در غزه به منظور بازجویی خانه به خانه برای مدت یک ماه محاصره شد و در خیابان بیرون از اردوگاه سربازان باتون به دست، و گاهی اوقات آمادۀ شلیک دیده می شدند. پلیس مرزی در عرض یک هفته بخشهای بیمارستان را پرازداد. هر هفته مذکور به هفته وحشت معروف شد. پرونده های فرماندهی عالی اسرائیل در تل آویو نشان می دهد که طی یک ماه تنها ۳۵ غیرنظامی غزه به بیمارستان پذیرفته شدند که ۷ نفر در اثر صدمات وارده استخوانهایشان شکسته بود. بر طبق این پرونده ها یکی از افراد مشکوک در حال فرار در اثر شلیک اسلحه اسرائیلیها درگذشت.^{۱۶}

۳- شکنجه بازداشت شدگان

از آنجا که در اسرائیل مجازات مرگ وجود ندارد، مقامات اسرائیلی ترجیح می دهند زندانیان خود را قلع و قمع کنند.^{۱۷} جرج دو کارفلو می نویسد:

از درون اتاقهای بازجویی صدای فریاد و ضجه و گریه زندانیان را می شنیدم. تروریستهایی که دستگیر شدند باید انتظار شکنجه را داشته باشند، اما شنیدن آن وحشتناک است.^{۱۸}

ب : گزارش سازمان عفو بین المللی

چکیده گزارش سازمان عفو بین المللی که در آوریل ۱۹۷۰

تحت عنوان «معالجه بعضی زندانیان تحت بازجویی در اسرائیل» منتشر شد.

۱ - وضعیت کلی (از آنجا که ارتباط چندانی با موضوع ندارد، ذکر نمی‌شود).

۲ - چنانکه معروف است سرزمینهای اشغالی به وسیله دولت نظامی اسرائیل اداره می‌شود و مقامات نظامی براساس مقررات دفاعی (اضطراری) سال ۱۹۴۵؛ اختیارات وسیعی برای بازداشت و زندانی کردن دارند. براساس اطلاعاتی که در ژانویه ۱۹۷۰ در اختیار عفو بین‌المللی قرار گرفت، هر هفته براساس این مقررات ۸۰ عرب دستگیر می‌شوند.

نگرانی عفو بین‌المللی:

۳ - عفو بین‌الملل با لزوم در پیش گرفتن اقدامات شدید و بازداشت افراد در اوضاع نظامی‌ای که جنگ چریکی یکی از خصیصه‌های آن است؛ مخالف می‌باشد. اما عفو بین‌الملل معتقد است که رفتار با این زندانیان و بازداشت‌شدگان باید براساس معیارهای استاندارد مربوط به رفتار با زندانیان (مصوبه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در ۱۹۵۷) و اعلامیه حقوق بشر و به‌ویژه ماده ۵ آن صورت گیرد. ماده ۵ چنین می‌گوید: «هیچ کس را نباید در معرض شکنجه و بدرفتاری، رفتار ضد انسانی و یا مجازات قرار داد.»

۴ - نمایندگان عفو بین‌الملل در عرض دو سال گذشته دیدارهایی از خاورمیانه بعمل آورده‌اند. در جریان این سفرها تعدادی از زندانیان و بازداشت‌شدگان سابق اسرائیل و سرزمینهای اشغالی با نمایندگان ما تماس گرفته و اظهاراتی در مورد بدرفتاری با زندانیان عرب توسط اسرائیلیها بیان داشته‌اند.

۵ - اگر این اظهارات حقیقت داشته باشد، شکنجه فوق‌العاده وحشیانه‌ای در مورد تعدادی از بازداشت‌شدگان اعمال می‌شود. اظهارات مزبور از این حکایت می‌کند که برخی بدرفتاریها در حال حاضر نیز ادامه دارد.

۶ - بیشتر اظهار نظرات اخیر در مورد شکنجه، به دوره‌ای اشاره می‌کند که در آن زندانی تحت بازرسی و بازجویی قرار می‌گیرد. این دوره که قبل از دادگاه رفتن متهم و محکوم شدنش به بازداشت صورت می‌گیرد، ممکن است چندین ماه به طول انجامد. طبق این اظهار نظرات، در این دوره، زندانی از دسترسی به وکیل خود و نیز نمایندگان صلیب سرخ محروم می‌باشد.

اقدام عفو بین‌الملل:

۷ - در منطقه برخوردی چون خاورمیانه، در حال حاضر ادعای بدرفتاری با زندانیان از هر دو طرف یک امر اجتناب ناپذیر و عادی است.

۸ - با وجود این نمی‌شود آن سری از دعاوی را که در زمان تحقیقات نمایندگان عفو بین‌الملل در اختیار آنها گذاشته شده نادیده گرفت. نوع شکنجه‌های ادعا شده به روشنی تشریح شده است. نام زندانها، مراکز بازجویی، دورانهای وقوع شکنجه و نام حقیقی یا مستعار شکنجه‌کنندگان نیز در اختیار نمایندگان عفو بین‌الملل گذاشته شد. منابعی که در اختیار عفو بین‌الملل قرار گرفته، نه تنها شامل اظهار نظرهاست، بلکه عکسها و گزارشات پزشکی مربوط به شاکیانی را که در حال حاضر در اردن بسر می‌برند نیز شامل می‌شود. علاوه بر این، عفو بین‌الملل منابعی از داخل اسرائیل و سرزمینهای اشغالی و نیز خارج این سرزمینها حاوی نام مردان و زنانی که هنوز (تا ژانویه

۱۹۷۰) در زندانهای اسرائیل بسر می بردند، و آنهایی که یا خود در معرض شکنجه قرار گرفته و یا شاهد تأثیرات شکنجه بر زندانیان همقطارشان بوده اند، در اختیار دارد.

۹ - در حال حاضر عفو بین الملل موظف به این ادعاست که نوع خطرناک شکنجه های دعوی شده تحقیق فوری در مورد صحت و یا کذب آنها را ایجاب می کند تا بدین وسیله فوراً به اعمال شکنجه در صورت وجود آن پایان داده شود.

۱۰ - به نظر عفو بین الملل، این تحقیق و بررسی باید با سرعت و شدت هرچه بیشتر انجام شود. برای این کار ایجاد یک کمیسیون تحقیق که بی طرفی آن باید غیر قابل تردید بوده و قدرت کامل درخواست اسناد و شواهد را داشته باشد؛ ضروری به نظر می رسد.

۱۱ - عفو بین الملل در عرض ۱۲ ماه گذشته تا کنون این مسأله را به اطلاع دولت اسرائیل رسانده و برای تعیین وقت به منظور بررسی پیشنهادش از سوی دولت اسرائیل، بارها اقدامات خودش را به تعویق انداخته است. اما، دولت اسرائیل تا حال حاضر با این پیشنهادات موافقت نکرده است. بنابراین عفو بین الملل با اکراه زیاد به این نتیجه رسیده است که به تعویق انداختن اقداماتش بی فایده بوده و بدین خاطر تصمیم به انتشار نظریات خود گرفته است.

درخواست عفو بین الملل از دولت اسرائیل:

کمیته اجرایی بین المللی سازمان عفو بین الملل با در نظر گرفتن دعاوی مربوط به بدرفتاری با بعضی از زندانیان مراکز بازداشتی اسرائیل، و با بررسی مذاکرات بدون نتیجه خود با دولت اسرائیل تصمیم می گیرد که:

الف: بار دیگر از دولت اسرائیل بخواهد تا با تأسیس یک کمیسیون تحقیق برای بررسی دعاوی (مربوط به شکنجه زندانیان) موافقت کند. اگر این کمیسیون، یک کمیسیون بین‌المللی باشد، قضاوت‌هایش به رفع نگرانیها و اضطرابات موجود کمک زیادی خواهد کرد.

ب: در صورت اعلام توافق اسرائیل با تأسیس این کمیسیون، عفو بین‌الملل برای تضمین بررسی دلایل ارائه شده هرگونه مساعدت خود را در اختیار کمیسیون خواهد گذاشت.

ضمیمه: خلاصه بررسی چهار مورد از دعاوی

اول - آقای الف - از غزه

شهر یا محل اقامت	اردوگاه جرش - اردن
سن	۳ سال
تاریخ دستگیری	۶ ژوئن ۱۹۶۷
محل بازداشت	عتلیت
اتهام یا محاکمه	بدون اتهام و بدون محاکمه
مدت زمان بازجویی و یا بازداشت	دوماه - و در اوت ۱۹۶۷ آزاد شد.

نوع دعاوی

شاکی را بعد از اینکه در روز دوم جنگ ژوئن زندانی کردند، برای یک هفته در زندان انفرادی نگاه داشتند و در پایان هفته گروهی از سربازان او را مورد ضرب و شتم قرار دادند. روز بعد نیز او را به سلولی بردند و پس از بستن به یک میز به بدنش شلاق زدند.

طی این مدت از او خواستند اعتراف کند که چریک است و در مورد چریکها به طور کلی به آنها اطلاعات بدهد. سپس در حالی که چهار دندانش شکسته شده بود، به سلولش باز گردانده شد. روز بعد

نیز روش مذکور تکرار شد و این دفعه در عوض او را رو به دیوار نگاه داشته و سپس با یک چاقو سینه اش را چاک چاک کردند بطوری که هفت زخم موازی روی قفسه سینه او بوجود آمد و یکی از بازوانش نیز به طور و خیمی شکاف برداشت. پشت بدن و دستهای او را با سیگارهای روشن سوزاندند. (عکسهای جراحات و گزارشات پزشکی موجود است).

دوم - آقای ب - از نابلس - راننده تاکسی

شهر یا مکان اقامت	عمان - اردن
سن	۴۰ سال
تاریخ دستگیری	۱۹ سپتامبر ۱۹۶۷
محل بازداشت	نابلس - رمله - صرفند و بیت لید
اتهام و یا محاکمه	بدون اتهام و بدون محاکمه

نوع دغاوی

در ساعت ۱۱ شب در خانه اش دستگیر و فوراً به ایستگاه پلیس نابلس برده شد. در آنجا ۶ افسر پلیس او را مورد ضرب و شتم قرار دادند و به قسمتهای مختلف بدنش شوک الکتریکی وصل کردند تا اینکه در حدود ساعت ۴ صبح بیهوش شد. در مرحله بعد یک لیوان حاوی ادرار به او دادند تا سر بکشد. وقتی از خوردن آن سر باز زد؛ بار دیگر او را مورد ضرب و شتم قرار دادند تا اینکه دوباره بیهوش شد. بعد شاکی را به صرفند منتقل کردند و در آنجا در رابطه با چریکها او را مورد بازجویی شدید قرار دادند. طرز رفتار با او طی بازجویی به طرق زیر بود:

الف: دستهایش را از پشت می بستند و پاهایش را نیز به همین

ترتیب از پشت به هم محکم می‌بستند؛ سپس او را عریان کرده و از ناحیهٔ میچ دستهایش به‌میلۀ پنجره آویزان می‌کردند و در این حالت او را شلاق می‌زدند و از یک چماق لاستیکی کوچک برای ضربه‌زدن به آلت تناسلی‌اش استفاده می‌کردند.

ب: او را در وسط یک اتاق کوچک که دارای دو در مقابل یکدیگر بود نگاه می‌داشتند؛ یک بازویش را به یک در و بازوی دیگر را به در دیگر می‌بستند و سپس چهار سرباز به سرعت درها را به دفعات متعدد پشت سرهم باز و بسته می‌کردند.

سوم - آقای ج - از البیره، رام الله - مکانیک اتومبیل

شهر یا محل اقامت	عمان - اردن
سن	۲۶ سال
تاریخ دستگیری	۱۲ ژوئیه ۱۹۶۸
محل بازداشت	رام الله - صرفند
مدت بازجویی یا بازداشت	۷ ماه، و در ۱۳ فوریه ۱۹۶۹ آزاد شد.
اتهام و یا محاکمه	بدون اتهام و محاکمه

نوع دعاوی

در ساعت ۳ صبح در خانه‌اش دستگیر و به مرکز پلیس رام‌الله برده شد. در آنجا آنقدر او را زدند که بیهوش گردید. این بازجوییها تا سه هفته طول کشید و سپس او را به صرفند انتقال داده و طی بازجوییها این اعمال را در مورد او مرتکب شدند:

الف: دستها و پاهای او را از پشت بسته و سپس از میچ او را از میلۀ پنجره آویزان می‌کردند؛ در این وضع او را شلاق می‌زدند و یکی از بازجویان روی پای‌بند او می‌ایستاد و بدین ترتیب بند

را به طور محکمتری می کشید.

ب: به گوشها و اعضای تناسلی اش گیره وصل کرده و سپس از آنها جریان برق عبور می دادند.

ج: یک میله به داخل مجرای آلت تناسلی اش فرو می کردند تا اینکه از آن خون می آمد.

د: به روی زخمهایی که در اثر ضربات شلاق ایجاد شده بود آب می ریختند و سپس روی آنها کبریت روشن می کردند.

ه: سر انگشتان او را بین لولای در و چهارچوب گذاشته (با بستن در) آنها را له می کردند.

و: یک شلنگ آب به داخل دهانش جا کرده و سپس شیر را باز می کردند، و در این حالت یک بازجو روی شکمش می ایستاد و فشار می آورد تا آب از دهانش بیرون بزند.

چهارم - دوشیزه د - از نابلس - دانش آموز

شهر یا محل اقامت عمان - اردن

سن ۱۸ سال

تاریخ دستگیری ۱۴ مارس ۱۹۶۹

محل بازداشت نابلس

دوره بازجویی ۴۳ روز، و در ۲۶ آوریل ۱۹۶۹ آزاد شد

اتهامات یا محاکمه بدون اتهام و بدون محاکمه

نوع دعاوی

او را به همراه مادر و خواهرش دستگیر کرده و سپس از آنها جدایش کردند. در مرکز پلیس مورد بازجویی قرار گرفت، نام یک دختر چریک را از او می پرسیدند و هنگامی که پاسخ «نه» می داد

رئیس بازجوها موهایش را می‌گرفت و او را به کف اتاق پرت می‌کرد. سپس در آنجا او را جلوی مادرش مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. مادرش متهم بود که یکی از چریکها را در خانه‌اش پنهان کرده است. وقتی مادرش به بازجو التماس کرد تا دست از زدن دخترش بردارد؛ با یک چوب به پیشانی‌ش زده و آن را شکافتند.

۴ - اخراج رهبران محلی

نمونه‌ای از این موارد در زیر آمده است:

نام	حرفه	تاریخ اخراج
۱- تیسیر شوکت نابلسی	قاضی	۶ ژانویه ۱۹۶۹ ^{۱۹}
۲- عدنان البکری	قاضی	۶ ژانویه ۱۹۶۹ ^{۲۰}
۳- ایلی خوری	کشیش	۳۱ مارس ۱۹۶۹ ^{۲۱}
۴- متی نصار	وکیل	۲۶ ژوئن ۱۹۶۹ ^{۲۲}
۵- حسن دندیس	وکیل	۲۶ ژوئن ۱۹۶۹ ^{۲۳}
۶- نعیم سعاده	وکیل	۲۶ ژوئن ۱۹۶۹ ^{۲۴}
۷- رشاد الخطیب	وزیر سابق اردنی	۱۱ اوت ۱۹۶۹ ^{۲۵}
تمیمی		
۸- حسین بدر	بازرس آموزش و پرورش اردن	۱۶ سپتامبر ۱۹۶۹ ^{۲۶}
۹- محمد سلام	رئیس قبیله	۴ نوامبر ۱۹۶۹ ^{۲۷}
تویب		
۱۰- ندیم زرو	شهردار اخراجی	۶ اکتبر ۱۹۶۹ ^{۲۸}

رام الله

۱۱- کمال ناصر عضو سابق پارلمان ۲۲ دسامبر ۱۹۶۹^{۲۹}
اردن

۱۲- روحی- شهرداری بیت المقدس ۷ مارس ۱۹۶۸^{۳۰}
الخطیب

۱۳- کمال دجانی وزیر کشور سابق ۶ سپتامبر ۱۹۶۸^{۳۱}

۱۴- شیخ عبدالله رئیس مجلس ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۷^{۳۲}
سائح اسلامی

۱۵- ابراهیم- داروساز ۱۶ سپتامبر ۱۹۶۹^{۳۳}
القواسمه

۱۶- زهیر مصطفی وکیل ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۹^{۳۴}

۱۷- خالد سفارینی وکیل ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۹^{۳۵}

۱۸- ابراهیم بکر نویسنده و وکیل ۲۲ دسامبر ۱۹۶۷^{۳۶}

ای. سی. هود کین: سردبیر خارجی روزنامه تایمز می گوید:
تا آنجا که من می توانم حساب کنم حدود ۹۰ فلسطینی تاکنون
از طریق مرز به اردن رانده شده اند. اغلب این افراد، اشخاص معروف
ساحل غربی هستند. برای نمونه از میان آنها می توان به شهردار سابق
بیت المقدس و شهردار کنونی رام الله، قضات، وکلا، دکترها، معلمان
و غیره اشاره کرد^{۳۷}.

۵- نابودی دهکده ها و محله های شهری و جابجاسازی و اخراج جمعی ساکنان

الف: اظهارات آقای جان ردوای، رئیس کل آژانس امداد
سازمان ملل:

جان ردوای، معاون کمیسر کل آژانس امداد سازمان ملل گفت که
به نظر او یک منطقه در محله ارمنی در نزدیکی دیوار ندبه برای
ساختن پارکینگ اتومبیلها مورد استفاده قرار می گیرد. او افزود که

به علاوه ۱۶۰۰۰ نفر پس از اینکه اسرائیلیها ساختمانهای دهکده های ساحل غربی را درهم کوبیدند بی خانمان شده اند. تنها در قلقلیه حداقل ۸۵۰ خانه از ۲۰۰۰ خانه با بولدوزر ویران شد. او همچنین گفت: «ویرانیهای سنگینی در منطقه لطرون صورت گرفت و پناهگاه پناهندگان نیز به طور سیستماتیک درهم کوبیده شد».

وی در دنباله سخنان خود افزود که بعضی از پناهندگان در آنجا به او گفته اند که خانه هایشان در ساعت ۴ و ۳ دقیقه صبح منفجر شده و در نتیجه بین چهل تا هفتاد نفر کشته شده اند. وی همچنین گفت که بعضی از قبرهای آنها را به چشم دیده است.^{۳۸}

ب: اظهارات عاموس کنان، سرباز روزنامه نگار اسرائیلی:

فرمانده واحد به ما گفت تصمیم گرفته ایم سه دهکده در بخش خودمان، یعنی دهکده های بیت نوبا و عمواس و یالو را منفجر کنیم. گفته می شد که انفجار آنها به دلایل استراتژیکی، تاکتیکی و امنیتی صورت می گیرد. دلیل اول، مستحکم کردن مرز لطرون، دلیل دوم، از بین بردن پایگاه قاتلان و دلیل سوم جلوگیری از ایجاد پایگاهها برای رخنه بیشتر در آینده بود. می توان درباره این مجازات دستجمعی احمقانه چنین نظر داد که اگر رخنه کننده ای یک خانه از دست بدهد خانه دیگری نخواهد یافت. همچنین می توان گفت که این عمل بر دشمنان آینده ما خواهد افزود. اما فایده این اظهارنظرها چیست؟

به ما گفتند خانه های دهکده را بازرسی کرده و هر فرد مسلحی را بازداشت کنیم. به افراد بدون سلاح گفته شد می توانند اسوالتشان را جمع کرده و به دهکده بیت سیرا در نزدیکیهای دهکده بروند. دستور دادند تا راههای ورودی دهکده را ببندیم و از بازگشت ساکنان به دهکده، بعد از اینکه وسایل خبرپراکنی آنها را به بازگشت تشویق کرده اند جلوگیری کنیم. دستور رسید که بالای سرشان گلوله شلیک کنیم تا وارد دهکده نشوند. بیت نوبا از سنگهای زیبا ساخته شده و بعضی از خانه ها یاشکوه است. در اطراف هر خانه یک بوستان وجود دارد که در آن درختهای زیتون، زردآلو، تاکهای انگرور و درخت سرو کشته شده است. از اینها خوب مواظبت می کنند. در بین درختها

نیز به دقت باغچه‌های سبزی پرورش می‌دهند.

در خانه‌ها یک افسر فرمانده مصری مجروح و چند آدم پیر پیدا کردیم. حوالی ظهر، اولین بولدوزر رسید و اولین خانه کنار دهکده را درهم کوبید. در عرض ۱۰ دقیقه تمام خانه و اسوال آن با خاک یکسان شد و منجمله درختهای زیتون و زردآلو ریشه کن گردید. بعد از نابودی سه خانه اولین ستون پناهندگان از جانب رام‌الله وارد شدند.

در میان آنها افراد مسنی که به زحمت می‌توانستند راه بروند؛ پیرزنان نالان و مادرانی که بچه‌های کوچکشان را در بغل داشتند و نیز کودکان کم‌سن و سال دیده می‌شدند. بچه‌ها گریه می‌کردند و آب می‌خواستند، همه آنها پرچمهای سفید با خودشان حمل می‌کردند. به آنها گفتیم به بیت‌سیرا بروند، گفتند که از همه‌جا رانده شده‌اند و اجازه نیافته‌اند به هیچ دهکده‌ای وارد شوند و مدت ۷ روز است بدون غذا و بدون آب همین‌طور سرگردانند و حتی بعضیها در جاده مرده‌اند. از ما خواستند اجازه بدهیم به دهکده بازگردند و گفتند بهتر است ما را بکشید (تا این‌طور سرگردان نباشیم).

وقتی از آنها خواستیم بنشینند، خود را خسته و کوفته روی زمین انداختند. بعضیها دارای یک یا دو گاو، یا یک گوساله بودند و این تنها دارایی آنها روی زمین بود. گفتیم نمی‌گذاریم وارد دهکده شوید و سپس همه‌چیز را از آنها گرفتیم.

بچه‌ها به گریه افتادند و بعضی از سربازان نیز گریه می‌کردند. هر لحظه ستونهای بیشتری از پناهندگان وارد شدند تا جایی که تعدادشان به چند صد نفر رسید. نمی‌توانستند بفهمند چرا علی‌رغم اینکه از آنها خواسته شده به دهکده بازگردند باز هم به آنها اجازه ورود نمی‌دهند. نمی‌توانستیم درخواست آنها را قبول کنیم. یکی از آنها به ما گفت چرا به جای نابودی خانه‌ها آنها را برای خودتان بر نمی‌دارید.

فرمانده دسته تصمیم گرفت به مرکز برود و دستور بگیرد که با آنها چه بکند؛ آنها را کجا بفرستد و اگر ممکن است وسیله انتقال زنان و ارسال غذا برای بچه‌ها را فراهم آورد. بعد از مدتی برگشت و بدون اینکه حکم کتبی داشته باشد، تنها گفت که باید آنها را بیرون برانیم. آنها را بیرون کردیم، مثل گله‌های پراکنده به طرف جنوب

سرگردان شدند و افراد ضعیف مردند. وقتی شب شد فهمیدیم به ما نیرنگ زده‌اند، زیرا بولدوزرها نابودی بیت‌سیرا را هم آغاز کرده و به‌آوارگان اجازه ورود بدانجا را نداده بودند.

واحد به‌خشم آمده بود. پناهندگان هنگامی که می‌دیدند بولدوزرها درختها را از جا می‌کند، دندانهایشان را از خشم بهم می‌کوبیدند. به‌ما دستور داده شد هنگام شب از بولدوزرها نگهداری کنیم، اما واحد آن‌قدر خشمگین شده بود که هیچ سربازی تمایل به انجام یک چنین وظایفی نداشت. وقتی صبح شد، ما را از آن منطقه به‌جای دیگر منتقل کردند.

جوجه‌ها و کبوترها زیر خاکها و سنگها مدفون شدند، خانه‌ها جلوی چشمان ما به‌زمین وسیعی تبدیل شد، بچه‌هایی که در جاده به‌گریه مشغولند در دوره بعدی، یعنی در ۱۹ سالگی به‌فداییان جدیدی تبدیل خواهند شد.^{۳۹}

ج: گزارش روزنامه لندن آبرور:

دست زدن به‌اعمال تلافی‌جویانه و انتقامی به‌دلایل امنیتی به‌منظور سرعت دادن به‌عزیمت تعداد بیشتری از افراد از ساحل غربی و نوار غزه و نیز جلوگیری از بازگشت آنهایی که فرار کرده‌اند اتخاذ شده است. مقامات اسرائیلی معتقدند وضع سیاسی نوار غزه در نهایت هرچه بشود باید پناهندگان را از آنجا به‌جاهای دیگر منتقل کرد.

اخیراً وحشت بازجوییهای دائمی دهات و اردوگاههای پناهندگی بر فشار یکبارگی، ویرانسازی و جدایی از خانواده‌ها افزوده شده است. از همه گذشته اینکه از ۱۶۵۰۰ آواره‌ای که از ساحل غربی اردن گریخته و برای بازگشت به‌خانه‌هایشان به‌صلیب‌سرخ متوسل شده‌اند؛ تنها ۱۴۰۰۰ نفر اجازه بازگشت یافته‌اند. تعداد کل پناهندگان قدیم و جدید و یا اخراج‌شدگان تاکنون به ۲۴۵۰۰۰ نفر رسیده است. حتی بر اساس طرح توافق شده از سوی اسرائیل برای وحدت مجدد خانواده‌ها از تعداد ۴۰۰۰ تقاضای آنها تنها با ۲۴ تقاضا تا سه هفته پیش موافقت کرده‌اند و تاکنون تنها هفت نفر توانسته‌اند از مرز اردن گذشته و به‌خانه‌هایشان بازگردند.^{۴۰}

تقریباً حدود ۲۵۰ هزار عرب فلسطینی از جمله پناهندگان سابق از

ساحل غربی اردن و نوار غزه اخراج شده‌اند.^{۴۱}

د: گزارش نیویورک هرالد تریبیون:

مقامات سازمان ملل متحد گزارش دادند که هر هفته حدود ۱۰۰۰ عرب فلسطینی نوار غزه تحت اشغال اسرائیل را ترک می‌کنند و انتظار می‌رود این میزان افزایش پیدا کند. غزه با مساحت ۲۶ مایل که در جناح جنوبی اسرائیل قرار گرفته، قبل از جنگ ژوئن دارای بیش از ۴۰۰۰۰ جمعیت عرب بود. به گفته آژانس اسداد سازمان ملل که مسئول کمک به پناهندگان فلسطینی است؛ تا کنون ۱ درصد این تعداد جمعیت به اردن گریخته‌اند.

عملیات انتقامجویانه اسرائیل شامل برقراری مقررات منع رفت و آمد؛ ویرانسازی خانه‌ها و بازداشت و گردآوری جوانان عرب این مناطق می‌شود. این اقدامات پناهندگان و بخصوص جوانان را تشویق به ترک غزه و عزیمت به اردن کرده است، زیرا در آنجا یک اردوگاه ویژه برای کمک به پناهندگان غزه در نزدیک جرش ساخته شده است. اسرائیل، البته به‌طور رسمی پناهندگان را به ترک آنجا تشویق نمی‌کند، اما مقامات اینجا کوچکترین تردیدی ندارند که اقدامات انتقامجویانه اسرائیل بعد از حوادث بمب‌گذاری تأثیرات خود را به‌جای گذاشته است.^{۴۲}

ه: نمونه‌ای از اقدامات دیگر:

اواسط ۱۹۶۷: نیروهای اسرائیل در جولان، دهکده‌های بانیاس، جباتا، کفر حارب و نخيله را با خاک یکسان کرده و اکثر خانه‌های دهکده‌های الخشنیه، قنیطره و خفسین را در هم کوبیده‌اند.^{۴۳}

اواسط ۱۹۶۷: خانه‌های منطقه لطرون در ساعت ۴ و ۳ دقیقه صبح منفجر گردیده و بین ۴ تا ۷ نفر کشته شدند. اواخر اکتبر ۱۹۶۷: دهکده الشیوخ در منطقه جلیل نابود

شد^{۴۴}.

نوامبر ۱۹۶۷: دهکده‌های الجفتلک و جوریش در دره اردن ویران شد^{۴۵}.

۶ دسامبر ۱۹۶۷: نصیرات در دره اردن ویران شد^{۴۶}.

۸ دسامبر ۱۹۶۷: ارتش اسرائیل ۱۰۰ خانه در دهکده‌های ساحل غربی را ویران کرد و اهالی دهکده را مجبور نمود به ساحل شرقی بروند. اسرائیلیها برای ترساندن دیگران و مجبور کردن آنها به رفتن افراد بسیاری را به قتل رساندند^{۴۷}.

۱۵ دسامبر ۱۹۶۷: ۴۵ خانواده در منطقه شعفاط در نزدیکی بیت‌المقدس از ۱،۲۰ هکتار زمینی که به بهانه «دلایل ضروری امنیتی» مصادره شده بود اخراج شدند^{۴۸}.

و: طرح به اصطلاح «اسکان مجدد» در غزه:

یکی از موارد اخیر، طرح به اصطلاح «اسکان مجدد» است که اسرائیل در ژوئیه اجرای آن را در غزه آغاز نمود.

قبلاً به ساکنان خانه‌ها اخطار شده بود، اما بسیاری از آنها از تخلیه منازلشان خودداری کردند. سربازان اسرائیلی برای جلوگیری از زنده مدفون شدن آنها به داخل خانه‌ها رفتند و به زور چماق و باتون آنها را بیرون کشیدند. در این میان زنان و بچه‌ها ثابت کردند که دشمنان سرسخت اسرائیلیها هستند. در عرض چند روز قطعه زمینی به عرض ۳۰ و طول ۱۰۰ یارد در یک طرف اردوگاه ایجاد شد.

• خانه با خاک یکسان شد و... نفر که اغلبشان بچه‌های جوان بودند بی‌خانمان شدند. روزشنبه سربازان و بولدوزرها به استراحت پرداختند...

چنین بنظر می‌رسید که اردوگاه طاعون زده شده است. بی‌خانمان

کردن صدها نفر، که اقلّاً تا کنون به هزاران رسیده است، براساس طرح ویران سازی جبالیا به کسی کمک نمی کند. این عمل بی رحمانه که نوعی وحشیگری جنون آمیز است تا کنون در تاریخ غزه سابقه نداشته است. زیرا عمل مذکور بدون شک جزیی از طرح «اسکان مجدد» می باشد.

فرماندار هشدار داده است که اگر اردوگاه رفتارسنجیده و حسنه ای از خود نشان ندهد؛ میزان تبعید ساکنان آن به اردن گسترش می یابد. پیشنهاد اسکان مجدد در العریش نشان دهنده آرزوی دائمی اسرائیلیها برای کاهش دادن جمعیت غزه می باشد. همچنان که مقامات اسرائیلی به روشنی اظهار داشته اند، امنیت تنها دلیل این سیاست بشمار نمی رود... همانطور که موشه دایان وزیر دفاع، دو ماه قبل در ساحل غزه اظهار داشت اسرائیلیها تمایل خود برای سلطه بر غزه را پنهان نمی کنند، اما مایل به اسکان دادن...،...،... عرب در آن نمی باشند. چند روز بعد ۲ خانه دیگر ویران شد و ۲۰۰ نفر دیگر بی خانمان شدند. اکثر خانه هایی که تا کنون توسط بولدوزر به خاک تبدیل شده؛ خانه های حقیقی می باشند. گرچه خانه های کوچک و محقری هستند، اما صاحبانشان به این خانه های خود افتخار می کنند. همان طور که سایر صاحبخانه ها در سراسر جهان به خانه های خود افتخار می کنند.

از ما دعوت کردند تا در جبالیا از خانه هایی که دستور ویرانی آنها صادر شده دیدن کنیم. خانه ها گرچه ساکنان زیادی داشتند اما همگی بدون استثناء تمیز و مرتب بودند. اغلب آنها دارای باغهای کوچک بودند. اما خانه های «جدید» شامل چند خانه خراب و متروک می شد که اکثرشان سقف نداشتند. اسرائیلیها توافق کرده اند که به ساکنانی که بیش از یک اتاق ساخته اند غرامت بدهند و در وضع خانه های قدیمی شان بهبود حاصل کنند. اما آنهایی که با من صحبت

می کردند، گفتند تا کنون غرامتی به آنها پرداخت نشده است. آنها به ما می گفتند: «نرخ غرامت یک تا کستان انگور را که ۱۵ سال برای رشد آن زحمت کشیده شده چگونه تعیین می کنید؟ و چگونه غرور و شرف انسانی را که ۲۰ سال از زندگیش را صرف ساختن یک خانه مناسب برای خود و خانواده اش کرده به او باز می گردانید؟»

در ضمن، اوتانت (دیرکل سازمان ملل) از دولت اسرائیل خواسته است تا به ویرانسازی خانه ها پایان دهد. اسرائیلیها اعتراف می کنند که تا پایان اوت، براساس طرح «اسکان مجدد» ۱۳،۳۳۶ نفر از خانه هایشان اخراج گردیده و به جای دیگر انتقال داده شده اند.

۶- از بین بردن غلات بوسیله مواد شیمیایی

ارتش اسرائیل ۱۰۰،۰۰۰ جریب از زمینهای اعراب دهکده عقوبه در نزدیکی نابلس را مصادره کرده و در پایان سال ۱۹۶۷ ۶۰،۰۰۰ جریب زمین به اهالی دهکده داده است. در مه ۱۹۷۱ از آنها خواسته شد بقیه زمینها را بفروشند ولی آنها از این کار خودداری کردند.

اما در ۲۸ آوریل ۱۹۷۲ یک هواپیمای ملخ دار اسرائیلی بر بالای دهکده عقوبه به پرواز درآمد و یک ماده شیمیایی به روی مزارع گندم اهالی دهکده پاشید. طی یک شب، تمام گندمهایی که دهاتیان در دسامبر گذشته کاشته بودند، رنگ سبز خود را از دست داده و رنگ قهوه ای به خود گرفتند. مواد شیمیایی محصولات گندم را سوزانده بود.

اسرائیلیها منکر این حقایق نیستند. آنها قبول دارند که به روی گندمزارها ماده شیمیایی پاشیده اند، اما می گویند هدفشان این بوده است تا «به این دهاتیان درس عبرت بدهند» زیرا با کله شقی تمام به روی زمینهایی که ارتش اسرائیل دسترسی به آنها را ممنوع کرده به

کار ادامه می دهند^{۳۲}.

۷- بازداشت اقوام افراد مورد سوءظن در اردوگاههای پرجمعیت ویژه

الف: گواهی جامعه حقوق بشر اسرائیل:

یک اردوگاه پرتراکم برای نگاهداری خانواده‌های «افراد تحت تعقیب» در مرکز صحرای سینا در ناحل در بخش قسیمه ساخته شده و سرعت در حال گسترش است. زنان و بچه‌هایی که تنها جرمشان قوم و خویش بودن با «اشخاص تحت تعقیب» است، در این محل بیابانی نگاهداری می‌شوند. حکومت سرکوب و اختناق با این عمل جنایتکارانه علیه زنان و کودکان به درجه تازه‌ای از بربریت و وحشیگری دست زده است. اسرائیلیها نفاق را نیز به جنایت اضافه کرده‌اند زیرا دستور داده شده است که حداقل یک مرد باید همراه این خانواده محبوس شود تا بعد نگویند که به ناموس زنان عرب حتک حرمت شده است. برطبق یک «دستور تبعید رسمی»، اقوام مرد «اشخاص تحت تعقیب» (برادر، پسربرادر، پسرعمو و...) را باید در اردوگاه متراکم دیگری در ابورودیس در صحرای سینا نگاه داشت. این دستور تبعید رسمی را بلند پایه‌ترین مقامات اسرائیلی صادر کرده‌اند. تنها جرم این اشخاص داشتن رابطه قوم و خویشی با اشخاصی است که خودشان جرمی بیش از «مشکوک بودن» ندارند^{۳۳}.

ب: گواهی موشه دایان:

موشه دایان، وزیر دفاع در ۹ مارس ۱۹۷۱ اعتراف کرد که ۳ خانواده* از اقوام فداییان در نوارغزه به ابوزنیمه در صحرای سینا تبعید شده‌اند^{۳۴}.

ب: ترور در کشورهای عرب مجاور

۱- حمله به اردن

اسرائیلیها بین ۱۹۶۷ و ۱۹۷۰ عمداً هدفهای غیر نظامی در اردن را مورد حمله و بمباران قرار دادند (و بمباران اردوگاههای پناهندگی با بمب ناپالم از جمله این حملات بود). اسرائیلیهای خواستند با این تیر دو هدف را بزنند، یعنی هم مقامات بیت المقدس را علیه مقاومت فلسطین برانگیزند و هم بین ساکنان اردنی و فلسطینی تشنج ایجاد کنند. نمونه‌ای از حملات مذکور و نتایج آنها در زیر آمده است:

۲. نوامبر ۱۹۶۸: اسرائیلیها اردوگاه پناهندگی کرامه را بمباران کردند و ۱۴ نفر از جمله معلم مدرسه ابتدایی و ۳ بچه را کشته و ۲۸ نفر را مجروح کردند.^{۵۵}

۹ فوریه ۱۹۶۸: اسرائیلیها اردوگاه پناهندگی کرامه را بمباران کرده و افسران آژانس اسداد سازمان ملل را کشتند. کلبه‌های پناهندگی و یک مدرسه پسرانه را درهم کوبیده و ۱۴ نفر را کشته و ۵۰ نفر دیگر را مجروح کردند.^{۵۶}

۱۵ فوریه ۱۹۶۸: هواپیماهای اسرائیلی با ناپالم بیش از ۱۵ دهکده و اردوی پناهندگی در امتداد رود اردن را بمباران کردند. در نتیجه ۵۰ نفر از جمله ۶ غیر نظامی کشته شده و ۸۲ نفر از جمله ۵۵ غیر نظامی مجروح شدند. در اثر این بمباران ۷۰۰۰۰ پناهنده به طرف عمان گریختند.^{۵۷}

۱۲ آوریل ۱۹۶۸: حکومت اردن گزارش داد که در نتیجه حملات اخیر اسرائیلیها حدود ۲۵۰۰۰ نفر به طرف شهر اربد در دره شمالی اردن گریخته‌اند.^{۵۸}

۴ ژوئن ۱۹۶۸: اسرائیلیها با استفاده از موشکهای زمین به زمین

به شهر اربد حمله کردند و در نتیجه ۳۰ نفر را کشته و ۵۹ نفر را مجروح کردند.^{۶۰}

۴ اوت ۱۹۶۸: نیروهای اسرائیلی با بمب ناپالم به السلط حمله کردند و ۲۸ نفر از جمله ۲۲ غیرنظامی را کشته و ۸۲ نفر دیگر را مجروح نمودند.^{۶۱}

۲ و ۳ دسامبر ۱۹۶۸: هواپیماهای اسرائیلی دهکده کفراسد را بمباران کرده، ۱۶ غیرنظامی را کشته و ۱۸ نفر دیگر را مجروح کردند.^{۶۱}

۲۶ مارس ۱۹۶۹: بمبها و موشکهای اسرائیلی در حمله هوایی به قهوه‌خانه‌های کنار راه عین حزیر در نزدیکی السلط ۲۱ نفر را کشته و ۲۲ نفر دیگر را زخمی کردند.^{۶۲}

۹ ژانویه ۱۹۷۰: دولت اردن گزارش داد که طی حملات اسرائیلیها در ۵ ماه آخر سال ۱۹۶۹، ۶۹ نفر کشته و ۱۸۰ نفر زخمی شده‌اند.^{۶۳}

۱۰ ژانویه ۱۹۷۰: هواپیماهای اسرائیلی به دهکده کفرعوان در نزدیکی اربد حمله کرده؛ ۷ غیرنظامی را کشته و ۲۷ نفر را زخمی کردند.^{۶۴}

۲- حمله به لبنان

اسرائیلیها در حمله به لبنان از استراتژی مشابهی استفاده کرده‌اند. به چند نمونه از آن در زیر اشاره می‌شود:

۳ ژانویه ۱۹۷۰: ۲ واحد اسرائیلی مرکب از ۲۰۰ چتر باز به دهکده «کفرکلا» حمله کرده و ۲۱ نفر از جمله ۱۱ غیرنظامی را به گروگان گرفتند.^{۶۵}

۲۲ مه ۱۹۷۰: نیروهای اسرائیلی به بنت‌جیل و ۳ دهکده

دیگر حمله کردند. در نتیجه این حمله، ۲ نفر از جمله حداقل ۳ زن و ۲ بچه کشته شده و ۳۲ غیر نظامی مجروح گردیدند. ۳۰ خانه نیز در این حملات ویران شد.^{۶۶}

۲۵ فوریه ۱۹۷۲: نیروهای اسرائیلی به جنوب لبنان و دره بقاع حمله کرده، ۹ نفر را کشته و ۱۴ نفر را مجروح کردند.^{۶۷}

۲۷ فوریه ۱۹۷۲: فانتومها و هواپیماهای اسکای هاک اسرائیلی ناحیه عرقوب را بمباران کردند. در نتیجه ۱۱ غیر نظامی کشته و ۵۰ نفر مجروح شدند. ۱۸ ساختمان و منجمله بیمارستانها و کلینیکها در این حملات ویران گردید.^{۶۸}

۸ سپتامبر ۱۹۷۲: هواپیماهای اسرائیلی به اردوگاههای نهرالبارد، راشیاالوادی و رفید حمله کردند. طی این حملات ۱۵ نفر و از جمله ۷ بچه از یک خانواده به همراه مادرشان کشته و ۲۵ نفر از جمله ۱۴ بچه مجروح گردیدند.^{۶۹}

۹ مارس ۱۹۷۲: توپخانه اسرائیلیها دهکدههای مجدل سلم و حاصبیا و شعبا را زیر آتش گرفته و ۳ غیر نظامی را کشت.^{۷۰}

۱۷ سپتامبر ۱۹۷۲: نیروهای اسرائیلی به ۱۶ دهکده در جنوب لبنان حمله برده، ۱۳۰ خانه را درهم کوبیده و ۲۳ غیر نظامی را کشته و مجروح نمودند. یک تانک زرهی یک تاکسی را زیر گرفت و یک خانواده ۷ نفره را کشت.^{۷۱}

ترور سیاسی با کارگذاری بمب در اتوموبیل در لبنان:

۹ ژوئیه ۱۹۷۲: «غسان کنفانی» سخنگوی جبهه خلق برای آزادی فلسطین به همراه برادرزاده ۱۹ ساله اش در اثر بمبی که در موتور اتوموبیل کار گذاشته شده بود در بیروت به قتل رسید.^{۷۲} بعداً رفائیل روتشتاین خبرنگار روزنامه «هآرتس» در نیویورک اعلام کرد

که «موساد» سازمان اطلاعاتی اسرائیل مسئول ترورکنفانی بوده است.^{۷۳}

ترور از طریق ارسال بمبهای پاکتی:

۱۹ ژوئیه ۱۹۷۲: دکتر انیس صایغ، رئیس مرکز تحقیقاتی سازمان آزادیبخش فلسطین در اثر انفجار یک بمب پاکتی در بیروت به شدت مجروح شد.^{۷۴}

۲۵ ژوئیه ۱۹۷۲: یک بمب پاکتی در بیروت در دست «بسام ابوشریف» معاون مرحوم غسان کنفانی سخنگوی جبهه خلق منفجر شد. ابوشریف در اثر این انفجار جراحات سختی برداشت.^{۷۵}

۳- حمله به سوریه

اسرائیلیها هدفهای غیرنظامی در سوریه را نیز مورد حمله قرار دادند.

۲۴ فوریه ۱۹۶۹: هواپیماهای اسرائیلی دهکده‌های الهامه و میسلون را در جاده بیروت - دمشق مورد حمله قرار دادند. در این حمله ویرانی قابل ملاحظه‌ای بر اموال غیرنظامی وارد شد و حداقل ۹ غیرنظامی کشته و ۳۱ نفر مجروح شدند.^{۷۶}

اول مارس ۱۹۷۲: اسرائیل ضمن حمله هوایی به یک دهکده سوری یک مدرسه را ویران کرد.^{۷۷}

۹ مارس ۱۹۷۲: توپخانه اسرائیل دهکده‌های مجدل، سلون، حاصبیا و شعبا را مورد هدف قرار داده و چند ساختمان را ویران کرده و ۳ غیرنظامی را مجروح نمود.

۸ سپتامبر ۱۹۷۲: هواپیمای اسرائیلی ۷ دهکده در سوریه را بمباران کرده، ۲۰۰ نفر را کشته و تعداد بسیار بیشتری را مجروح

کردند.^{۷۸}

۴ - حمله به مصر

اقدامات ضد مصری اسرائیل تنها محدود به اهداف نظامی نمی‌شد.

۴ سپتامبر ۱۹۶۷: نیروهای اسرائیلی سوئز و بندر توفیق را گلوله باران کردند. در این گلوله باران ۴۴ غیرنظامی کشته شده و صدمات سختی بر یک بیمارستان و ۲ مسجد وارد آمد.^{۷۹}

۲۷ سپتامبر ۱۹۶۷: بیش از ۱۰۰۰ گلوله توپ اسرائیلی بر اسماعیلیه اصابت کرد. در اثر این حادثه ۳۶ غیرنظامی کشته شدند. دیگر مناطق نزدیک کانال سوئز نیز مورد حمله قرار گرفت.^{۸۰}

۸ ژوئیه ۱۹۶۸: توپخانه اسرائیل شهر سوئز را گلوله باران کرد و به‌خانه‌ها، مدارس، بیمارستانها، یک صومعه و دو مسجد صدماتی وارد آمده و حداقل ۳ نفر کشته شدند.^{۸۱}

۸ سپتامبر ۱۹۶۸: توپخانه اسرائیل ۲۰ غیرنظامی در سوئز و اسماعیلیه را کشته و ۱۰۰ نفر را مجروح کرد.^{۸۲}

۱۱ مه ۱۹۶۹: توپخانه اسرائیل بندر پورت سعید را مورد هدف قرار داده، یکی را کشته و ۹ نفر را مجروح کرد.^{۸۳}

۳۱ مارس ۱۹۷۰: حکومت مصر اعلام کرد که در جریان جنگ ژوئن ۱۹۶۷، ۶۰۰ نفر در اسماعیلیه کشته و ۱۰۰۰ نفر مجروح شده‌اند. تمام جمعیت ۲۸۰ هزار نفری شهر به‌جز ۱۰ هزار نفر، از آنجا گریختند.^{۸۴} در سال ۱۹۷۰ ارتش اسرائیل حملات خود را متوجه منطقه پرجمعیت دلتای نیل کرد. در این حملات از بمبهایی که بعداً منفجر می‌شود و نیز بمبهای ناپالم استفاده شد و زیانهای بسیار زیادی به‌جان غیرنظامیان وارد آمد.

۱۲ فوریه ۱۹۷۰: هواپیماهای اسرائیل کارخانه‌ای را در نزدیکی ابوزعبل بمباران کردند و حداقل ۵۰ غیرنظامی کارگر را کشته و ۹۸ نفر را مجروح نمودند.^{۸۵}

۳۱ مارس ۱۹۷۰: هواپیماهای اسرائیلی شهر المنصوره در دلتای نیل را بمباران کردند. در اثر این بمباران ۱۲ غیرنظامی کشته و ۳۵ نفر زخمی شدند.^{۸۶}

۸ آوریل ۱۹۷۰: هواپیماهای اسرائیلی مدرسهٔ بحرالبحر را در استان شرقی در ۸۰ کیلومتری شمال قاهره بمباران کرده و ۶ نفر از اطفال را کشتند.^{۸۷}

ج: عملیات تروریستی در اروپا

رفائیل روتشتاین، خبرنگار روزنامه اسرائیلی هآرتس در نیویورک مقاله‌ای در یک مجلهٔ امریکایی نوشت که روزنامهٔ «جرزالم پست» (در ۲۳ ژانویه ۱۹۷۳) آن را نقل کرد. براساس مقاله روتشتاین سازمان جاسوسی اسرائیل «موساد» حملات تروریستی وسیعی علیه اعضای جنبش مقاومت فلسطین در اروپا به راه انداخته است. براین اساس سازمان جاسوسی اسرائیل شروع به ترور بعضی از رهبران جنبش مقاومت و ارسال نامه‌های حاوی بمب برای بعضی دیگر نموده است. مقالهٔ مذکور می‌گوید که سازمان‌دهندهٔ این عملیات «آهرون یاریف» رئیس سابق بخش اطلاعات در ستاد ارتش اسرائیل و مشاور کنونی امور امنیتی رئیس حکومت اسرائیل است. مقالهٔ مذکور اعتراف می‌کند که سازمان جاسوسی اسرائیل مسئول ترور «وائل زعیترا» نمایندهٔ جنبش الفتح در رم در اکتبر گذشته و ترور غسان کنفانی، سخنگوی رسمی جبهه خلق برای آزادی فلسطین می‌باشد. مقالهٔ مذکور می‌گوید که

اسرائیل هرگز به این عملیات تروریستی اعتراف نمی کند.

۴ اکتبر ۱۹۷۲: یک سازمان صهیونیستی که خود را «ماسادا» می نامید، کتابفروشی «فلسطین» در پاریس را منفجر کرد. در اثر این انفجار زیانهای بسیاری به کتابفروشی وارد آمد. سازمان مذکور طی ارسال بیانیه ای برای مطبوعات هشدار داد که این اولین عملیات ضد «عمل تروریستی خصمانه سامی ها» می باشد.^{۸۸}

۱۶ اکتبر ۱۹۷۲: «وائل زعیترا» نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین در رم ترور شد. دو مرد او را در مقابل خانه اش به گلوله بستند و به وسیله اتوموبیلی که در انتظارشان بود فرار کردند.^{۸۹}

۸ دسامبر ۱۹۷۲: محمود الهمشری، نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین در پاریس در اثر انفجار در آپارتمانش به سختی مجروح شد.^{۹۰}

محمود همشری در ۹ ژانویه ۱۹۷۳ در اثر جراحات وارده درگذشت. بعداً معلوم شد که انفجار در اثر کار گذاشتن یک بمب در گوشی تلفن داخل آپارتمانش بوقوع پیوست.^{۹۱}

منابع

1- *Israeli Imperial News*, March 1968. *Israeli Imperial News* is published in London by members of the Israeli Socialist Party, Matzpen.

- ۲ - «نیویورک تایمز»، نیویورک، ۲۱ ژانویه ۱۹۶۹.
- ۳ - «تایمز» لندن، ۳ فوریه ۱۹۶۹.
- ۴ - «اوبزورر»، ۲۳ فوریه ۱۹۶۹.
- ۵ - همان.
- ۶ - «لوموند»، پاریس، ۲ آوریل ۱۹۶۹.
- ۷ - آمار مذکور از روزنامه «جیروزالم پست» بتاريخ ۱۵ فوریه، ۱۲ و

- ۱۶ مارس، ۳ و ۲۲ آوریل، ۲۱ ژوئن، ۱ ژوئیه، ۴ اکتبر، ۹ دسامبر، ۱۹۷۰. و از «نیویورک هرالد تریبیون» بتاريخ ۲ مه، ۱۹ سپتامبر، ۱۹۷۰. و از خبرگزاری رویتر و از «دیلی استار» بتاريخ ۳۱ مه، ۱۲ ژوئن، ۱۹۷۰. و از «لوموند» بتاريخ ۱ ژوئن، ۱۹۷۰، گرفته شده است.
- ۸ — «جیروزالم پوست»، ۱۵ فوریه ۱۹۷۰.
- ۹ — گزارش خبرگزاریها از قول سخنگوی نظامی اسرائیل. «دیلی استار»، ۱۵ فوریه ۱۹۷۰.
- ۱۰ — «جیروزالم پوست»، ۱۲ ژوئن ۱۹۷۰.
- ۱۱ — همان، ۱ ژوئیه ۱۹۷۰.
- 12_ Irene Beeson in *The Observer*, January 26, 1968.
- 13_ Josette Alia, *Nouvel Observateur*, January 5-11, 1970.
- ۱۴ — «الاتحاد»، حیفا، ۲۲ ژانویه ۱۹۷۱.
- ۱۵ — همان، ۲۹ ژانویه ۱۹۷۱.
- ۱۶ — «اویزرور»، ۱ اوت ۱۹۷۱.
- 17_ Daniel Guérin, *Le Monde*, April 14, 1968.
- ۱۸ — «لایف»، ۱۵ آوریل ۱۹۶۸.
- ۱۹ — «جیروزالم پوست»، ۷ ژانویه ۱۹۶۹.
- ۲۰ — همان.
- ۲۱ — «الاتحاد»، ۱ آوریل ۱۹۶۹.
- ۲۲ — همان، ۲۷ ژوئن ۱۹۶۹.
- ۲۳ — همان.
- ۲۴ — همان.
- ۲۵ — «جیروزالم پوست»، ۱۲ اوت ۱۹۶۹.
- ۲۶ — همان، ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۹.
- ۲۷ — همان، ۵ نوامبر ۱۹۶۹.
- ۲۸ — همان، ۷ اکتبر ۱۹۶۹.
- ۲۹ — «نیویورک هرالد تریبیون»، ۲۳ دسامبر ۱۹۶۷.
- ۳۰ — همان، ۸ مارس ۱۹۶۸.
- ۳۱ — همان، ۷ سپتامبر ۱۹۶۸.
- ۳۲ — «اویزرور»، ۲۴ سپتامبر ۱۹۶۷.
- ۳۳ — «جیروزالم پوست»، ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۹.
- ۳۴ — همان، ۱۴ - ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۰.

- ۳۵ - همان.
- ۳۶ - «نیویورک هرالد تربیون»، ۲۳ دسامبر ۱۹۶۷.
- ۳۷ - «تایمز»، لندن، ۲۸ اکتبر ۱۹۶۹.
- ۳۸ - خبرگزاریها، و «دیلی استار»، ۲۱ ژوئیه ۱۹۶۷.
- ۳۹ - در اصل این گزارش را برای سیاستمداران اسرائیل فرستاد و بعداً آنرا در روزنامه «برایفت آی»، ۱۰ نوامبر ۱۹۶۷، منتشر ساخت.
- ۴۰ - «اوبزور»، ۱۷ دسامبر ۱۹۶۷.
- ۴۱ - همان، ۲۴ دسامبر ۱۹۶۷.
- ۴۲ - «نیویورک هرالد تربیون»، ۲۹ مارس ۱۹۶۸.
- ۴۳ - «اوریان»، بیروت، ۲۲ اوت ۱۹۶۷.
- 44- *International Review of the Red Cross*, August-September 1970, pp. 485-486.
- ۴۵ - همان.
- ۴۶ - همان.
- 47- *Agence France Press and Reuters, L'Orient* (Beirut), December 9, 1967.
- ۴۸ - «جیروزالم پوست»، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹.
- ۴۹ - «اوبزور»، ۱ اوت ۱۹۷۱.
- ۵۰ - «نول ابزرواتور»، پاریس، ۳۰ اوت، ۵ سپتامبر ۱۹۷۱.
- ۵۱ - «انترناشیونال هرالد تربیون»، ۳۱ اوت ۱۹۷۱.
- ۵۲ - «نول ابزرواتور»، ۳ ژوئیه ۱۹۷۲.
- 53- *Israel League for Human and Civil Rights, «The Horrors of Gaza Must Cease»*, January 23, 1971.
- ۵۴ - «الاتحاد»، ۱۲ مارس ۱۹۷۱.
- ۵۵ - اسوشیتد پرس، و «اوریان»، ۲۱ نوامبر ۱۹۶۷.
- ۵۶ - خبرگزاری فرانسه، و روزنامه «النهار»، بیروت، ۱۰ فوریه ۱۹۶۸.
- ۵۷ - خبرگزاری فرانسه، و روزنامه «لوژور»، بیروت، ۱۶ فوریه ۱۹۶۸.
- و «اوریان»، ۱۸ و ۲۲ فوریه ۱۹۶۸.
- ۵۸ - «عرب ریپورت وریکورد»، ۱ - ۱۵ آوریل ۱۹۶۸، ص ۸۹.
- ۵۹ - «تایمز»، لندن، ۵ ژوئن ۱۹۶۸.
- ۶۰ - «عرب ریپورت وریکورد»، ۱ - ۱۵ اوت ۱۹۶۸، ص ۲۲۰.
- ۶۱ - همان، ۱ - ۱۵ دسامبر ۱۹۶۸، ص ۴۰۱.
- ۶۲ - همان، ۱۶ - ۳۱ مارس ۱۹۶۹، ص ۱۱۷، و رویتر، و «دیلی استار»، ۲۸ مارس ۱۹۶۹.

- ۶۳ - «عرب ریپورت وریکورد»، ۱ - ۱۵ ژانویه ۱۹۷۰، ص ۳۷.
- ۶۴ - همان، ۱ - ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۰، ص ۴۰۱.
- ۶۵ - «اوریان»، ۴ ژانویه ۱۹۷۰، و «نیوزویک»، نیویورک، ۱۹ ژانویه ۱۹۷۰.
- ۶۶ - همان، ۲۳ مه ۱۹۷۰، و «نیوزویک»، ۸ ژوئن ۱۹۷۰.
- ۶۷ - «النهار»، ۲۵ فوریه ۱۹۷۲.
- ۶۸ - «اوریان»، ۲۷ فوریه ۱۹۷۲.
- ۶۹ - «النهار»، ۱۰ مارس ۱۹۷۲.
- ۷۰ - «تایمز»، لندن، ۹ سپتامبر ۱۹۷۲.
- ۷۱ - «انترناشیونال هرالد تریبیون»، ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۲، و «دیلی استار»، ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۲.
- ۷۲ - «نول ابزرواتور»، ۱۸ - ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۲.
- ۷۳ - «جیروزالم پست»، ۱ ژانویه ۱۹۷۳.
- ۷۴ - «لوموند»، ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۲.
- ۷۵ - همان، ۲۶ ژوئیه ۱۹۷۲.
- ۷۶ - «عرب ریپورت وریکورد»، ۱۵ - ۲۸ فوریه ۱۹۶۹، ص ۸۰.
- ۷۷ - «البعث»، دمشق، ۲ مارس ۱۹۷۲.
- ۷۸ - «انترناشیونال هرالد تریبیون»، ۹ - ۱۰ و ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۲.
- ۷۹ - «عرب ریپورت وریکورد»، ۱ - ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۷، ص ۲۹۹.
- ۸۰ - همان، ۱ - ۱۵ اکتبر ۱۹۶۷، ص ۳۲۵.
- ۸۱ - همان، ۱ - ۱۵ ژوئیه ۱۹۶۸، ص ۱۹۸.
- ۸۲ - همان، ۱ - ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۸، ص ۲۷۰.
- ۸۳ - همان، ۱ - ۱۵ مه ۱۹۶۹، ص ۱۹۵.
- ۸۴ - همان، ۱۶ - ۳۱ مارس ۱۹۷۰، ص ۱۸۹.
- ۸۵ - خبرگزاری فرانسه، وویتر، و «دیلی استار»، ۱۳ فوریه ۱۹۷۰.
- ۸۶ - «عرب ریپورت وریکورد»، ۱۶ - ۳۱ مارس ۱۹۷۰، ص ۱۹۵.
- ۸۷ - خبرگزاری فرانسه، وویتر، و «دیلی استار»، ۹ آوریل ۱۹۷۰، و «اوریان».
- ۸۸ - «جیروزالم پست»، ۵ اکتبر ۱۹۷۲.
- ۸۹ - «انترناشیونال هرالد تریبیون»، ۱۸ اکتبر ۱۹۷۲.
- ۹۰ - همان، ۹ - ۱۰ دسامبر ۱۹۷۲.
- ۹۱ - همان، ۱۱ ژانویه ۱۹۷۳.